

سال سوم شماره ۱۸
اسفند-فروردین ۱۳۶۳
مارس-آوریل ۱۹۸۴



نشریه دانش جریان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

ویژه نوروز
۶۸ صفحه

نوروز خجسته باد



در این شماره :

- پیام کمیته مرکزی سازمان
- چریکهای فدائی خلق ایران
- بسیج زنان : انقلاب در انقلاب
- انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه !
- بحران امپریالیسم و چشم انداز آن
- تجدید قرارداد نیروگاههای اتمی بوشهر
- شعر دوران مشروطه
- ❖ ❖ ❖

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه کار



پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
به کارگران و زحمتکشان ایران
بمناسبت پنجمین سالگرد قیام بهمن
و چهاردهمین سالروز حماسه سیاهکل

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

پنج سال تمام از قیام عظیم شوده‌های مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که بساط شکنج نظام سلطنتی را از ایران سرچید گذشت. هنگامیکه شوده‌های زحمتکش ستمدیده و استثمار شده مردم ایران در این روز تاریخی و فراموش‌نشده‌ی، با شور و آشکار زایدالوصف و با روحیه‌ای سرشار از قداکاری، فخرمآنی، حاشقشانی و از خود گذشتگی به قیام مسلحانه برخاستند تا ستمگران را با طهر انقلابی سرنگون سازند، شام وجود قیام کنندگان سرشار از امید و آرزو بود.

آنها به فردایی می‌اندیشیدند که نه تنها بساط ظلم و ستم و سیدادگری رژیم شاه بر افشاده باشد، بلکه برویرانه‌های کاخ ستمگران جامعه رفاه و خوشبختی، جامعه‌ای رسته از هر گونه ستم و استثمار سانباده شده باشد.

اما پنج سال از گذشت پنج سال از قیام، هرکارگر و زحمتکش ستمدیده و استثمار شده‌ای به رأی العین می‌بیند که بحای رژیم ستمگر سلطنتی شاه، رژیم ستمگر جمهوری اسلامی که این نیز همانند رژیم شاه با سادارستاف طیفه سرمایه‌دار، مدافع تمامی شروتمندان، استثمارگران و ستمگران و دشمن سوگندخورده کارگران و زحمتکشان است قرار گرفته است. رژیم که قدم به قدم دستاوردهای عظیم شوده‌ها را در انقلاب از آنها بازپس گرفت و شمرات آتیمه فخرمآنی و حماسه آمیزی شوده‌های مردم را لگدمال کرد.

بران مرجع رژیم جمهوری اسلامی که زمانی برای قریب شوده‌های مردم وعده رفاه و آزادی و خوشبختی را میدادند، اکنون دیگر نزدیک به سه سال است که تمام پرده‌ها را کنار زده‌اند و برای سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران رژیم شرورو خفقان را برقرار نموده‌اند. مرتجعین حاکم با شوشل به دیکتاتوری تروریستی عربان و عنان گسیخته حتی استبدادی ترسز حقوق مدنی و انسانی را از شوده‌های مردم سلب نموده‌اند. اسعاد این اختناق و سرکوب به حدی رسیده است که حتی زندگی خصوصی مردم نیز از مداخلات پلیسی - جاسوسی رژیم درآمان نمانده است. سیدادگری و خودکامگی این رژیم به مرحله‌ای رسیده است که اعتراض چنانیان را نیز نسبت به کشتار و شکنجه و زندان و بی‌حقوقی مردم برانگیخته است. هم‌اکنون زندانهای رژیم انسانته از مردان و زنان انقلابی است که جرم آنها دفاع از دموکراسی و آزادی و دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران است. تعداد سارزده‌شت‌شدگان چندسال اخیر به مرز صد هزار رسیده است. تنها طی ستر اردو سال هزاران تن از انقلابیون ایران به حوضه‌های اعدام بقیه در صفحه ۵

ششمین سالروز انتشار نشریه کار، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را گرامی میداریم و به رفقای رزم‌نسنده و مبارز فدائی درود میفرستیم که در منتهای خفقان، سرکوب و بیگرد ارتجاع حاکم، همچنان به انتشار "کار"، ارگان مرکزی سازمان و سایر نشریات، از جمله "ریگای - گل"، ارگان شاخه کردستان ادامه میدهند. "کار" بهترین بیانگر اندیشه‌های سرخ فدائیان خلق و نقشی است که فدائیان خلق در ارتقاء سطح شوریک - سیاسی جنبش کمونیستی ایران داشته‌اند. رفقای فدائی همواره تلاش کرده‌اند "کار" را به مثابه ارگانی سازمانده، مبلغ و مروج آرمان پرولتاریا به جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی و بویژه جنبش کمونیستی ایران، عرضه دارند. اگرچه فشارهای فدائقلاب و محدودیت‌های متعدد حاصل از آن نگذاشته است که "کار" به تمامی اهداف و کارکردهای خود عمل نماید و در سالهای اخیر محتوای مطالب و میزان انتشار آن عمدتا محدود به هواداران سازمان و نیرو - های پیشرو جنبش کمونیستی بوده است، لیکن تداوم انتشار "کار" که به قیمت از جان گذشتگی‌ها، تحمل خطرات و تلاش‌های خستگی ناپذیر رفقای فدائی حفظ گردیده است، خود عامل بسیار مهمی در تداوم حیات و بالندگی حرکت سازمان در زمینه‌های سیاسی، شوریک و تشکیلاتی بوده است. یک سازمان سیاسی انقلابی بدون انتشار نشریه و ارگان سیاسی که به تحلیل مسائل روز جنبش بپردازد، مفهوم واقعی خود را از - بقیه در صفحه ۵

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق کبیر
معنود احمدزاده



سالگرد کمون پاریس

اولین حکومت کارگری جهان

گرامی باد



برای تماس با جهان با آدرس
زیرمکاتبه نمائید:

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

نوروز کارگران، زحمتکشان و مبارزان خجسته باد

جمهوری دمکراتیک خلق، دروازه های بهار آزادی و برابری را بروی خودبگشایند. بهاری که با فرا رسیدنش دیوارهای سنگین زندانها درهم شکند و فقر و جهل و بیداد برای همیشه از جامعه رخت بپوشد. بهاری که در آن از جنگه گرسنگی و بی خانمانی نشانی نباشد.

هم اکنون مسیر حرکت جامعه و تحولات جاری، ظلمه بهاری سرخ را نوید میدهد. رژیم سنگین چهل و جنایت بر پرستگاه سقوط و نیستی گرد خود میگردد. بحران رو به تزايد اقتصادی، اساس این حکومت ارتجاعی را به لرزه درآورده است. مفایق عمیق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را در آستانه انفجار قرار داده است. رژیم پایگاه خود را در میان توده ها، حتی متوهم ترین و عقب مانده ترین آنها نیز از دست داده است. بیکاری، بی خانمانی و درددری، گراشی و تورم، ناپایی اولیه ترین مایحتاج عمومی، گریز سربازان از جبهه ها، محومه معلولین جنگه، تقاضاهای درونی هیئت حاکمه، هر یک زنجیر گراشی است که هر لحظه حلقوم این بیمار محض را بیشتر می فشارد. از سوی دیگر تداوم مبارزات خلق قهرمان

در سرزمینی که هر گوشه اش از خون هزاران شهید گلگون بیراهن سرخام است، کدام شقایق خونین نورس پیام بهاران تواند گذارد؟ پایی که هر روزش با بهار خون مدتها تن از رشیدترین جوانان آغشته است و در هر ساعتش دهها شکوفه خونین، لب به فریاد گشوده و پرپر شده اند، کدام لاله سوزان را توان جلوه گیری خواهد بود؟ بهار امسال ایران، تنها بهار طبیعت است. بهار انسان نیست، بهار هستی نیست. بهار خرم انسان، بهار شکوهمند هستی زمانی می شکوفد که بهای بیداد و استثمار از بشیاد درهم شکند و آفتاب آزادی و برابری بر سراسر فلات میهن بشکوفد.

لبخند آفتاب بهاری، خراش نسیم مهربان، خروش نرمبار رودخانه ها و طراوت زمین، آغاز زندگی دوباره ای را نوید میدهد و این نوید بی گمان الهام بخش کارگران و زحمتکشان و مبارزان خواهد بود که در سال نو کوشا تر، پرتلاش تر و سر سخته تر فرو شکستن دستگاه ستم و استثمار جمهوری اسلامی را دنبال کنند و با استقرار

بهاری دیگر فرا می رسد و زمین از خواب سنگین زمستانه برمی خیزد. چشم اندازی از طراوت و سبزی همه جا را می پوشاند و درختان به شکوفه می نشینند. آفتاب شرمناک بهاری بر دامان کوهساران می خندد و جاری بر قابه ها، رودخانه ها را می غورشانند. بهاران با سرما و یاس می میزد و فرهنگی خاک را با سبزی و شکفتگی می آراید.

هر شقایق خونین بهار یادآور خون شهیدی است که برای شکوفاندن گل همیشه بهار آزادی و انقلاب، سرفرازانه در برابر گلوله های دژخیمان سینه سپر کرده است و تبسم هر شکوفه سرخ یادآور زخمی است خونین بر اندام استوار زندانی مبارز.

سالی که گذشت سالی سنگین و تلخ برای کارگران و زحمتکشان و مبارزان بود. سال کار و زحمت. سال استثمار. سال اعدام و شکنجه و سال مقاومت و مبارزه قهرمان کردستان. این سال چنان سخت و سنگین گذشت که زحمتکشان را خوانی برای تماشا ی طراوت بهاران نیست و تالو چشم اندازهای دلنواز بهاری، تنها بهار سرخ و شکوفان انقلاب را برایشان تدا می میکند. بهار خونین انتقام فردا را.

فهرست مطالب

۲۸	 ۱۳۶۰ اسفند ۲۵ سالگردشدهای	۵	
	دیدگاهها: انقلاب آقای رجوی در علم	۸	
۳۱	 و فلسفه		عملکرد رژیم جمهوری اسلامی از نظر مردم
	بازتاب رویدادهای اجتماعی و تاریخی	۱۲	 به روایات روزنامه های رژیم
	در شعر فارسی - بخش دوم شعر در دوران	۱۳	 گزارشی از روستای موشی
۳۵	 مشروطه		پیام سازمانها و نیروهای بین المللی به
۴۲	 تجدید قرار داد نیروگاه اتمی بوشهر	۱۴	 سچفا
۴۹	 بحران امپریالیسم و چشم انداز آن	۱۵	 اخبار جنبش دانشجویی
۵۴	 چکیده انقلاب، حیدر عمو و غلی	۱۷	 اخبار جهانی
	سه آلتیونا تیو حکومتی در مقابل رژیم ضد	۲۰	 نا میبیا: مبارزه برای استقلال اوج میگیرد.
۶۰	 انقلابی جمهوری اسلامی	۲۳	 چگونه روزجهانی زن بوجود آمد
۶۲	 از خوانندگان	۲۳	 ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم
۶۴	 شعر	۲۴	 بسیج زنان: انقلاب در انقلاب (۱)
۶۷	 کدهای مالی		معرفی کتاب: دیکتاتور و تبلیغ
		۲۸	 مسلحانه (قهر)

گرد، یکی از عمده ترین مشکلات رژیم جمهوری اسلامی است که این حکومت سنگین، با گسیل روزافزون نیروهای ارتشی، پاسداران، بسیج و غیره و حتی با فروریختن بمب های شیمیایی نتوانسته است آنها را درهم شکند.

اعتصابات و اعتراضات رو به گسترش کارگران و مبارزات قهرمانانه زحمتکشان از قبیل حرکت افسریه، حرکت مردم کسب و ... و نیز اعتراضات رو به گسترش خانواده های اعدام شدگان، زندانیان سیاسی، اعزام شدگان به جبهه های جنگ، هریک از رشد و فراوانی مبارزات زحمتکشان و سرگونی رژیم حکایت میکند.

مبارزات قهرمانانه سازمانهای انقلابی علیرغم مشکلات زیاد همچنان ادامه دارد. بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در زمینه تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب، نشر و پخش مشعر نشریه کار (ارگان سراسری سازمان) و نشریه ریگای گدل، (ارگسان شاخه گردستان سازمان) و نشریات دیگر شاخه های سازمان و همراه با آن پخش شب نامه ها، اعلامیه ها، تراکتها و تبلیغ برنامه عمل سازمان، بمثابة محور خواستهای کارگران و زحمتکشان در جهت استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، نقش برجسته ای در - افشاکری و سازماندهی مبارزات ایفا میکند. واقعیت این است که چنانچه از قیام قهرمانانه توده ها و سقوط محضوم جمهوری اسلامی موجب شده است که نمایندگان طبقات و اقشار مختلف اجتماعی تکانی پر دامنه ای را، بویژه در خارج از کشور، در جهت نامزدی خود برای جانشینی رژیم جمهوری اسلامی آغاز کنند و در این زمینه برنامه های مختلفی را ارائه دهند، اما به گواهی تاریخ و انقلابی که در عمر حاضر بوقوع پیوسته اند، پیروزی واقعی انقلاب و فراوانی بهار روشن آزادی و برابری تنها در صورتی حیزر است که پرولتاریا بتواند مهر و نشان خود را بر انقلاب بکوبد و برنامه های خود را در جهت تحقق جمهوری دمکراتیک خلق به پیش ببرد.

تجربه عظیم و خونین انقلاب بهمن و سرنوشت تلخ و دردناک آن، یکبار دیگر حقایق این واقعیت تاریخی را در محصل به ثبوت رساند. امروز گذشته از کمونیستها همه نیروهای واقعا انقلابی و نیز بخش عظیمی از کارگران و زحمتکشان میدانند که بدون رهبری پرولتاریا، مبارزات مردم به کجراه کشانده خواهد شد و قدرت سیاسی از این قشر بورژوازی به قشر دیگر آن منتقل خواهد شد. آنها میدانند ائتلاف پخشاشی از خرده بورژوازی و مؤنلفان بورژوازی آن نیز گره کور مشکلات اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی موجود جامعه ما را نخواهد گشود. ادعاهای اقشار مختلف بورژوازی و خرده - بورژوازی (شورای ملی مقاومت) در این زمینه یک شوخی خطرناک تاریخی - به خطرناکی حکومت اسلامی - است که در عمل نتوانی و ناکارآشی خود را نشان داده است. مشکلات جامعه فقط با یک انقلاب اجتماعی حل خواهد شد، انقلابی که انحلال ارتش، پلیس، سپاه و کمیته ها و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای و جدا از مردم را در بر داشته باشد، دستگاه بوروکراتیک و اداری را در هم شکند و قوای مقننه و مجریه را بر اساس اعمال اراده و حاکمیت مستقیم کارگران و زحمتکشان جانشین آن کنند و کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان را بعنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری در جامعه تثبیت کنند. یک انقلاب اجتماعی زمانی متحقق خواهد شد که طی آن اقدامات اساسی در راستای برانداختن کامل سلطه امپریالیسم و قطع وابستگی های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بعمل آید، قراردادهای اسارت بار امپریالیستی لغو و مفاد آن افشا شود. همه صنایع و موسسات متعلق به سرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی، نهادهای مذهبی، صنایع بزرگ و ... مصادره و ملی گردد و حکومت انقلابی اداره آنها را در دست گیرد. کنترل کارگری نه تنها بر این مؤسسات، بلکه در صنایع و موسسات دیگر نیز اعمال شود. یک انقلاب اجتماعی زمانی متحقق خواهد شد که در - زمینه آن آزادی کامل برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری بر علیه استثمارگران اعمال شود و براساس آن رشد فعال و خلاق آگاهی کارگران و زحمتکشان و تشکیل آنان بویژه تشکیل پرولتاریا در راستای حرکت مستمر برای تحقق سوسیالیسم، فراهم آید.

هر کس که چشمی برای نگریستن واقعیتها، قلبی برای طپیدن برای آرمانهای سترگ کارگران و زحمتکشان و مغزی برای درست اندیشیدن داشته باشد، به سهولت در می یابد که جنجال بر سر کسب قدرت سیاسی از سوی این یا آن نیرو و با استناد به "سوابق درخشان ملی، مذهبی و مبارزاتی"، جنجالی بیهوده و عوامفریبانه است. امروز مسئله حیاتی در امر انقلاب ایران، این است که برنامه کدام طبقه اجتماعی مشخص متضمن تحقق یک انقلاب اجتماعی است و رسالت انجام آن به عهده کدام طبقه اجتماعی مشخص و نمایندگان و گذار شده است. سرنوشت انقلاب آینده ایران، پیروزی یا شکست آن در گرو درک این مسئله حیاتی است. روند تحولات جامعه در ششمین بهار انقلاب حکایت از روزهای خروشان می کند که

کارگران و زحمتکشان ایران برای برپاشی انقلاب دمکراتیک توده ای، اسطوره های مقاومت و قهرمانی بیافرینند.

در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن خونینی است که با گلولی زخمین، فریاد میزند. ایران از میان کارخانه ها، شهرها، روستاها و از میان کوهساران خونین گردستان دوباره متولد میشود. ایستگاه کارگران و زحمتکشان در راه است.

کارخانه های آبتن طوفانی خونین اند. کارخانه ها سرود اعتصاب را زمزمه میکنند. نبش کارخانه ها تندتر از همیشه می تپد. شب نامه ها در کارخانه ها دست بدست میگرد و مقاومت در حرکت چرخها رشد میکند و مبارزه میشود. کارخانه ها مبارزه را شکل میدهند و پیش می برند و سرانجام در روند اعتصابی سراسری و قیامی مسلحانه، بهار همینگی را در بستر خاموش این زمستان شکنجه گر، می شکوفا کنند. در ششمین بهار قیام، کارخانه مشت درشت انقلاب است که بر پیوزه استثمارگران کوبیده میشود.

در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن چالکی است در کوهستانهای سربلند گردستان بوی باروت با بوی گوشت سوخته می آمیزد و خاطره کوهساران را مکرر میکند. اما بهار در گردستان جوازه میزند، بهار آفتابی زحمتکشان. گردستان خونین است و پیشمرگان در خیابانها سرود میخوانند و صدای قدمهایشان بهاران را نوید میدهد. شاخه های سرخ زحمت در شهرها و دهکده ها قد میکشند، میبالیند و جنگل میشوند. جنگلی که در بهار فردا با ایران را خواهد پوشانید. در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن خونینی است که در ساحل اندوهگین خلیج اسپشاده است. جنوب ویران است و آوارگی در نگاه کودکش پیر میزند. جنوب سراسر به خون نشسته است. آبهای اروند خونین است. کارخانه ها ویران، داکلها شکسته و کارگران و جاشوان سرگردانند. در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن خونینی است در دامنه دامون. شمال مه آلود و غمگین آبتن طوفانی ناگهانی است. بارانش بوی خیزش دارد و کارخانه ها پیش بوی اعتصاب. خفته های شالی پرچم اعتصاب برافراشته اند و پنبه زاران با وزش هر نسیم، در انتظار بهار نفس نفس میزنند.

در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن آزموده ای است که از بدرفه پنج بهار تلخ و دردناک می آید و می رود که این ششمین بهار را در فرآیند اعتصابی سراسری و قیامی مسلحانه به بهاری همبستگی میسازد. مقدمش خسته باد.

چند خبر از "بامی‌استار"، نشریه

هواداران سچخا

در سیستان و بلوچستان

روز ۲۴ بهمن، نیروهای مسلح وابسته به "جنبش آزادیبخش بلوچ" در جاده قهرقند چهار بهار به کمین مزدوران رژیم جمهوری اسلامی می‌نشینند. ساعت ۹/۴۰ دقیقه یکی از سه تیپوتای حامل پاسداران، به کمین نیروهای انقلابی "جنبش آزادیبخش بلوچ" می‌افتد که طی این درگیری سه پاسدار بهلاکت می‌رسند و چند نفر نیز شدیداً مجروح می‌شوند. نیروهای انقلابی پس از به‌شدت اعلامیه‌هایی بر علیه رژیم، سالم محصل درگیری را ترک می‌کنند.

۴۰۰ دلار دستمزد روزانه

مشممین ژاپنی را برای تعمیر پایانهگاه تهران آورده‌اند که روزانه ۴۰۰ دلار دستمزد برای هر یک از آنها در نظر گرفته شده است.

سپرده شده‌اند. نه فقط توده‌های کارگر بلکه اقشار دیگر جامعه نیز هر یک به نحوی در معرض بیدادگریها و ستمگریهای رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. تمام ملیت‌های ساکن ایران، همه اقلیت‌های مذهبی و قومی نیز از حقوق اجتماعی و انسانی محروم شده‌اند و هر لحظه و هر ساعت در معرض ستمگریهای این رژیم قرار دارند. شرایط زندگی مادی توده‌های مردم نیز هیچگاه مانند امروز رفت‌وآسناک نبوده است.

کارگران ایران که در معرض استثمار شدید و بیگاری روزافزون قرار دارند، با فقر و فلاکت روزافزون روبرو هستند و شرایط زندگی آنها مدام وخیم‌تر و وخیم‌تر شده است. کمبودهای محتاج روزمره و زحمتکشان، افزایش روزافزون قیمت کالاها، تحمیل هزینه‌های جنگ به دوش توده‌ها، زندگی را بر عموم زحمتکشان دشوارتر کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در جهت مقاصد جاه طلبانه و توسعه طلبانه خود اهداف غارتگرانه امپریالیسم ادامه دهنده جنگی شده است که جز فقر و کشتار و آوارگی برای توده مردم نتیجه‌ای نداشته است. مدها هزارتن از فرزندان مردم زحمتکش ایران طی این جنگ کشته و یا معلول شده‌اند. همه روزه میلیون‌ها تومان از ثروت جامعه، از شهرات و شهرنچ کارگران ایران بر باد می‌رود و برای تامین هزینه‌های تسلیحاتی به جیب امپریالیست‌ها سرازیر می‌گردد.

مردم ایران باید در فقر و خانه خرابی و آوارگی بسر ببرند، باید فرزندان خود را به کشتار - گاه‌های رژیم جمهوری اسلامی بفرستند، شایع سرمایه داران ایرانی، و صاحبان صنایع نظامی در آمریکا، آلمان، اسرائیل و... بپرند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها رژیم تروری و آتشاکی را برقرار نموده، نه تنها به فقر و فلاکت عمومی دامن زده است، بلکه سطره امپریالیسم را در ایران بطور روزافزونی تقویت کرده است و بر وابستگی‌های متعدد به امپریالیسم افزوده است. قراردادهای اسارتی که این رژیم با دول امپریالیستی منعقد نموده است و گسترش مناسبات اقتصادی آن با این دولتها و نیز دولتهای وابسته مرتجع نظیر پاکستان و ترکیه و غیره نشان می‌دهد که شایع حد این رژیم در جهت مقاصد اهداف امپریالیسم گام بر میدارد. خلاصه کلام اینکه رژیم جمهوری اسلامی حافظ و حامی منافع سرمایه داران، پاسدار سطره امپریالیسم، مدافع دیکتاتوری و سرکوب و دشمن سؤگندخورده کارگران و عموم توده‌های زحمتکش ایران است. این رژیم طی پنج سال جز فقر و بدبختی، بخرابیهای مداوم، دیکتاتوری و سرکوب، کشتار، درگیری و آوارگی مدها هزارتن از مردم ایران که از ستم‌های ستمگریهای این رژیم به کشورها و دیگران برده‌اند، شمری نداشته است و بر همین مبناست که اکثریت عظیم توده‌های مردم از این رژیم رویگردان شده‌اند و خواستار برافتادن آن هستند. مجموعه وضعیت اقتصادی و سیاسی رژیم نیز که بطور مستمر با بحران روبرو بوده است، نشان دهنده سزلزل و نا پایداری این رژیم علی‌رغم سرکوب‌گشتن و اغیار گسیخته و حمایت امپریالیست‌ها از آن است. واقعیت امر این است که رژیم جمهوری اسلامی علی‌رغم فحاشی که به بار آورده است و با آنکه سرکوب و ددمنشی را به حد اعلای خود رسانده است با این وجود نتوانسته است روحیه انقلابی، مبارزه جویانه، مقاومت و ایستادگی را در مردم از بین ببرد. رژیم هر جنبش اعتراضی توده‌ها را سرخشان سرکوب نموده است. مدها هزار انقلابی را در زندانهای خود به بند کشیده است. هزاران انقلابی را به جوخه‌های اعدام سپرده است. به اعمال وحشیانه‌ترین شیوه‌های شکنجه، رعب و هراس متوسل شده است. اما اعتراض و مبارزه پیوسته مداوم داشته است. کارگران ایران کارخانه‌ها را به سنگرمبارزه تبدیل کرده‌اند. اعتصاب و اشغال دیگر مبارزه پیوسته در کارخانه‌ها ادامه داده شده است. حرقه‌های خشم آتشفشان شده و مشت‌آلود شده‌ها که با رزترین نمونه آن طغیان مردم زحمتکش افسریه تهران بود، در نمونه‌های مشابه مردم در اینجا و آنجا می‌درخشند! خلق قهرمان و مقاوم کردیم چنان با استواری به مبارزه مسلحانه علیه رژیم ادامه می‌دهد. تمام این عقابان ششاد هنده این واقعیت است که رژیم نتوانسته است روحیه انقلابی توده‌ها را درهم شکند و چیزی نتواند گذشت که شعله‌های خشم انقلابی توده‌ها زبانه کشد و طومار سنگین این رژیم را درهم پیچد.

اما توده‌های زحمتکش مردم ایران بی تردید اینبار با تاجار ب عظیمی که طی چند سال گذشته آموخته‌اند، و در سهای گراشیهایی که انقلاب به آنها داده است، به بامی‌خیزند. کارگران و زحمتکشان ایران به خوبی پی برده‌اند که امتداد دناشی از زودبازوری چه معاشی برای آنها به بار آورده است. انقلاب به آنها آموخت مدام که قدرت سیاسی در دست خود کارگران و زحمتکشان نباشد، و توده‌های مسلح از طریق شوراها و خود اعمال حاکمیت نکنند، شهرات تمام قهرمانها، از خود گذشتگی‌ها و دست آورده‌های انقلابی آنها سربا و خواهد رفت، تجربه پنجاه سال گذشته بایده توده‌های مردم ایران آموخته باشد که اگر طبقه کارگر رهبری انقلاب را در دست نداشته باشد، هر تحولی که در ایران صورت گیرد باز هم تمام مناسبات و فحاشی رژیم شاه

۱۹ آبان

دست خواهد داد.

با وجود ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی ایران، شادوم بقای رژیم - سازمان و بویژه شادوم انتشار "کسار" الهام بخش می‌آزاد و پویندگی آن راه پرولتاریا و زحمتکشان ایران بوده است. امروزه وظیفه ارائه آخرین تحلیل‌ها، ارزیابی‌ها، رهنمودها، گزارش‌ها و اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان توسط نیروهای پیشاهنگ پرولتری، عمدتاً بر دوش فدائیان خلق قرار گرفته است. برای ما هواداران در خارج از کشور، "کار" به مثابه شاگرد سرخ ارتباطی با سازمان محسوب می‌شود که توانسته است در شرایط پراکندگی، یاسیفیس و افعال حاکم بر بسیاری از نیروها، نقش مهمی را در حفظ تشکیلات و رشد سیاسی - شوریک و مبارزاتی تشکل‌های هوادار، بازی کند.

با توجه به نقش تعیین کننده نشریه کار و مخاطرات موجود در شادوم انتشار آن، سنگینی وظیفه ما هواداران در بخش هر چه وسیعتر این نشریه و سایر ارگانهای سازمان بیشتر روشن می‌شود. این کوچکترین کاری است که ما هواداران در خارج از کشور باید از سهم و دین خود نسبت به انقلاب ایران و آزادی کارگران و زحمتکشان، انجام دهیم.

و خمینی تکرار خواهد شد. امروز کم نیستند کسانی که به توده های ستمدیده و زجر کشیده از رژیم جمهوری اسلامی به دروغ وعده رفاه و آزادی و خوشبختی می دهند. ملت طلبان، این مزهوران دست نشانده امپریالیسم و مدافعین پیگیر طبقه سرمایه دار که سالها بر زحمتکشان میهن ماستم رو داداشند، دوباره از سوراخهای خود پیرون خیزده و به مردم وعده و وعید می دهند. اما گویست که در دشمنی این دارو دسته مرتجع نسبت به کارگران و زحمتکشان تردید داشته باشد؟ گویست که از ایجاد جنایات اینان بی اطلاع باشد؟ و کدام اشان زحمتکشی است که به ماهیت کشف اینان آگاهی نداشته باشد؟

با مدافعین "شورای ملی مقاومت" رادرنظر بگیرید، که در رأی آنها جنایتکاری نظیر پشی در این جلا مردم کردستان، ترکمن صحرا، دانشجویان و کارگران و زحمتکشان قرار گرفته اند و برنامه خود را دفاع از سرمایه داران و حفظ نظم موجود قرار داده اند اینان نیز به مردم وعده دیمکراسی و آزادی می دهند. اما برخلاف ادعاهای تبلیغاتی شان هیچ اعتقادی به دیمکراسی ندارند، چرا که به اولین و اساسی ترین اصل دیمکراسی که همانا اعمال حاکمیت توده های مسلح از طریق شوراهاست اعتقاد ندارند و باز هم میخواهند یک جمهوری اسلامی برپا کنند.

اما انقلاب باید به توده های مردم آموخته باشد که تنها به کسانی اعتماد کنند که در برنامه خود و در عمل از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع میکنند و خواهان برقراری یک دیمکراسی واقعی هستند و بیگانه سازمانی که طی چهارده سال مبارزه مستمر پیوسته نشان داده است که لحظه ای از منافع و آرمانهای کارگران و زحمتکشان عدول نکرده و در مرحله کشونی نیز خواستار برقراری یک رژیم حقیقتا انقلابی و دیمکراتیک است سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که چهاردهمین سالروز بنیادگذاری آن با ۱۹ بهمن یعنی سالروز حماسه آفرینی فدائیان خلق در سیاهکل فرارسیده است، در طول مبارزات بی امان و با برنامه و عملکرد انقلابی خود شایستگی آنرا دارد که مورد اعتماد توده های مردم ایران باشد. چهارده سال پیش رفقای مادر یکی از ضابطترین و درواشهای تاریخ اخیر ایران به مبارزه ای حماسه آفرین علیه رژیم شاه برخاستند و بین مبارزه انقلابی کمونیستهای ایران را احیا نمودند. از آن پس تا به امروز دفاع سازمان از منافع کارگران و مبارزه بخاطر دیمکراسی و سوسیالیسم بر هیچکس پوشیده نیست. هزاران فدائی که طی این مدت در مبارزه علیه رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی جان باختند و با هم انگشون دروندانهای رژیم جمهوری اسلامی در بندیر میبرند، وفاداری خود را به آرمان کارگران و زحمتکشان ایران نه در حرف بلکه در عمل نشان داده اند. صحت و حقیقت گفتار و گردار، خط مشی و مواضع مادر تجربه توده ها خود را نشان داده است. سازمان ما از همان فردای قیام یعنی هنگامیکه هنوز اکثریت عظیم توده های مردم بی به ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم نبرده بودند، به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداخت و دوش بدوش توده های مردم از دست آوردهای انقلاب دفاع کرد. از مبارزه مسلحانه غلبهای قهرمان کرد و ترکمن که در دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب برخاسته بودند، همه جانبه حمایت کرد و پیگیرانه از خواستهای انقلابی کارگران و زحمتکشان دفاع نمود. سازمان ما ماهیت رسوای حزب توده و اکثریتی های خائن را که می کشیدند به فریب توده ها متوسل شوند و رژیم ارتجاعی حاکم را مشرقی و انقلابی معرفی کنند، افشا کرد. سازمان ما طی بیش از دو سال که از شکل گیری "شورای ملی مقاومت" گذشته است، مداوما ماهیت، اهداف، مقاصد و برنامه آنرا بر ملا نموده و نشان داده است که جمهوری دیمکراتیک اسلامی اینان نیز هیچ تفاوتی اساسی با جمهوری اسلامی خمینی ندارد. سازمان مادر برنامه و در عمل نشان داده است که پیگیرترین مبارز راه رهایی، دیمکراسی و سوسیالیسم است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که اساسا اهداف و منافع جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر ندارد و هدف نهایی خود را برانداختن نظام سرمایه داری توسط طبقه کارگر و برقراری یک جامعه سوسیالیستی بر سر از هرگونه ستم و استثمار قرار داده است، هدف فوری خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک جمهوری دیمکراتیک نو ده ای قرار داده است که فوری ترین درخواستهای دیمکراتیک - فدا امپریالیستی و رفاهی توده های مردم را برپا متحقق سازد.

مردم توده های مردم از نظام دیکتاتوری، اختناق و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بشنوه آمده اند و خواستار برقراری یک رژیم دیمکراتیک در ایران هستند. برنامه حداقل ما خواهان برقراری یک رژیم حقیقتا دیمکراتیک از طریق درهم شکستن تمام ارگانه های سرکوب و جاسوسی

اعتیاد

در زاهدان در دو سه ماه اخیر بیش از ۵۰ نفر بجرم اعتیاد به مواد مخدر و معتاد بودن اعدام میشوند. طبق اطلاعات موثق، خون این افراد نیز قبل از اعدام کشیده شده است و از خانواده های آنها برای تحویل جسد به ازای هر تیر، ۱۰۰۰۰ تومان گرفته شده است. این در حالی است که تعداد کثیری از پاسداران معتاد بسوده و پاسداران محلی آزادانه به خرید و فروش هروئین مشغولند. اعتیاد اینک در بلوچستان ابتاد و حشناکی پیدا نموده است.

ادعای خسارت

جهد سازندگی که زحمتکشان را بسزور وادار مینماید تا محصول خرمایشان را به قیمتی ناچیز بآن (جهد سازندگی) بفروشند، امسال مقداری کارتن بسته بندی خرما تحویل ماحیان خرما میدهد، امسال به علت بارندگی محصول خرما امسال میبوسد. جهد از خرید خرما سر باز میزند و ادعای خسارت نیز میکند و قیمت کارتن ها را از مردم طلب مینماید.

عقد قبل از اعدام

۱۷ نفر از دختران مبارز اسیر را رژیم اعدام کرده و بعد خبر آنرا با فرستادن ۳۰ تومان پول و یک جعبه شیرینی به در خانه آنها میبرد و اعلام میکند که آنها به عقد برادران پاسدار درآمده بودند و این مهربه آنان است.

کتابهای و نشریات
بازاریابی و تبلیغات
بازاریابی و تبلیغات

بیماری استار
بیماری استار
بیماری استار

مطالعه حاکمان دولتی
مطالعه حاکمان دولتی
مطالعه حاکمان دولتی

سومین بیست و چهارمین
سومین بیست و چهارمین
سومین بیست و چهارمین

نظامی و بوروکراتیک موجود و اعمال حاکمیت توده‌ای از طریق شوراهای کارگران و زحمتکشان و توده‌های مسلح است. برنامه ما خواهان رفع هرگونه تبعیض و ستم نژادی، جنسی، قومی و ملی، براساس شناختن بی قید و شرط حق تعیین سرنوشت برای ملیت‌های تحت ستم ایران و اجرای اکید آزادی‌های سیاسی است.

در برنامه ماقطعی‌ترین مبارزه علیه امپریالیسم و پابگاه داخلی آن بورژوازی وابسته، ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی، انشاء و اختیای قراردادهای آسایش‌بخش و کنترول شوراهای کارگری بر تولید و توزیع خواسته شده است. کار نیست، نان نیست، فقر عمومی برجایه حاکم است. ماقطعی‌ترین برنامه را برای تامین کار و رفاه عمومی ارائه داده‌ایم. مردم میهن ما از جنگ به ستوه آمده‌اند. ما خواهان پایان بخشیدن فوری به جنگ از طریق یک ملحد مکرانیک هستیم. انجام این برنامه در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق است.

هیچ تردیدی نیست که توده‌های زحمتکش میهن ما و روشنفکران انقلابی پس از آن همه مبارزه و قهرمانی ننگ دوام و بقا، رژیم جمهوری اسلامی را تحمل نخواهند کرد. کارگران و زحمتکشان که با قدرت لایزال خود رژیم سلطنتی شاه را با آن همه قدرت سرکوب و نظامی‌اش درهم کوبیدند، قادرند، می‌توانند و باید رژیم جمهوری اسلامی را نیز سرنگون کنند و بگور بپارند.

کارگران و زحمتکشان ایران! روشنفکران انقلابی! مردان و زنانی که همه روزه‌ستم رژیم جمهوری اسلامی را با تمام وجود خود لمس می‌کنید برای شپردنهایی علیه رژیم بپا خیزید! و برای یک قیام مجدد علیه رژیم ستمگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی آماده شوید. توده‌های مردم سراسر ایران! تحت رهبری طبقه کارگر، این طبقه مصمم و سازش ناپذیری که تاریخ رسالت دگرگونی‌های عظیم عمر ما و ایجاد جامعه نوین سوسیالیستی را بر عهده قرار داده است و به گودبیرنامه و پرچم‌سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران که همانا پرچم سرخ‌رهای بخش کارگران ایران است، به نبرد قاطعی علیه رژیم جمهوری اسلامی برخیزید! سر بازان و پرسنل انقلابی ارتش! نزدیک به چهار سال جنگ مداوم قطعا به شما ثابت کرده است که این جنگ ارتجاعی در خدمت مقاصد توسعه طلبانه و جاه طلبانه رژیم جمهوری اسلامی، و در جهت منافع سرمایه‌داران و امپریالیسم است. تفنگ‌های خود را بسوی رژیم جمهوری اسلامی برگردانید!

کارگران انقلابی ایران! گردان پیش‌تاز مبارزه توده‌ها! کمیته‌های مخفی اعتصاب را برای برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنید! کارخانه‌ها را به اعتصاب بکشید و خود را برای یک قیام مسلحانه آماده کنید.

معلمین و محصلین انقلابی و مبارز! مدارس را به سنگر مبارزه مداوم علیه رژیم بدل کنید! کمیته‌های مخفی اعتصاب و هسته‌های مخفی مقاومت را سازمان دهید و نقش انقلابی خود را در جنبش ایفا نمایید!

دهقانان زحمتکش! تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق می‌تواند پاسخگوی درخواست‌های انقلابی و دموکراتیک و رفاهی شما باشد. بعنوان متحد نزدیک طبقه کارگر در انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی بپا خیزید!

اعضا و هواداران سازمان! مدافعین پیگیر منافع طبقه کارگر، مبارزین راه سوسیالیسم! همانگونه که تاکنون با قهرمانی و از خود گذشتگی در خط مقدم جبهه، علیه دشمنان طبقاتی پیکار کرده‌اید و پرچم سرخ آرمان‌های والای کارگران را برافراشت نگاهداشته‌اید و افتخار آفریده‌اید با پیگیری تام و تمام به مبارزه ادامه دهید!

طبقه کارگر را متشکل و آگاه کنید. پیوند خود را با طبقه کارگر مستحکم‌تر نمایید. کارخانه‌ها را به دژ تسخیرناپذیر مبدل کنید! غاشقین به‌آرمان کارگران، دوستان دروغین خلق و کلیه مدافعین پوشیده و آشکار نظم موجود را بپرحسانه افشاء کنید! برنامه انقلابی سازمان را وسیعاً به میان توده‌ها بپرازد. بر فعالیتهای تبلیغی خود علیه نظم اقتصادی و سیاسی موجود بیافزایید شمارهای سازمان را بر در و دیوارها بنویسید! فراموش نکنید که قدرت مادر متشکل و آگاهی کارگران نهفته است و هیچ نیرویی را برای مقابله و مقاومت در برابر کارگران و زحمتکشان نیست.

باقطعیت می‌گوییم که پیروزی ما و شکست مرتجعین حتمی است. افتخار به طبقه کارگر این مبارز شایسته قدم و استوار

افتخار به هزاران فدایی که قهرمانانه در زندان‌های رژیم و در برابر سرجوخه‌های اعدام به‌آرمان

طبقه در صحنه ۵۹

مقاله "لوموند" در مورد قیام میهن

لوموند یکشنبه و دوشنبه ۵ و ۶ فوریه ۸۴: روزنامه لوموند در این شماره خود مقاله‌ای تاریخی در مورد ایران درج کرده است که عنوان آن چنین است: "پنج سال از بازگشت خمینی گذشته است". در این مقاله در مورد نقش فدائیان خلق در قیام میهن چنین گفته شده است: "فدائیان خلق که حماسه سباهکل را آفریدند، در مقطع قیام در اقلیت بودند. فدائیان خلق و مجاهدین خلق تنها نیروهای رادیکال بودند. در روز ۲۲ بهمن فدائیان خلق حدود ۱۰۰۰۰ نفر را برای یک تظاهرات سیاسی در دانشگاه تهران گرد هم جمع آورده بودند و بمحضر شنیدن خبر حمله گارد جاویدان به هم‌افران، این جمعیت به رهبری چریک‌های فدائی خلق قیام را آغاز می‌کنند. خطاها را سنگین نمی‌کنند و به مراکز سرکوب رژیم حمله‌ور می‌شوند و این در حالی بود که خمینی هنوز دستور جهاد نداده بود. وقتی رادیو بدست مردم، اقتصاد بلافاصله اطلاعات فدائیان خلق را خواند که در آن گفته میشد که فرودگاه نیز به کنترول فدائیان درآمده است". در پایان مقاله به سیاست‌های ضد دموکراتیک و ضد خلقی خمینی پس از کسب قدرت اشاره شده است. آری، حتی بورژوازی نیز ناچار است واقعیت‌های تاریخی را دیر یا زود بپذیرد.

بی‌فکر حرف می‌زنید!

خمینی در سخنرانی خود در شوجیه این مسئله که در نمازهای جمعه شهرستانها مطرح شده بود که چرا جمهوری اسلامی به هم امام اکثفا شکرده و از مردم مالیات می‌گیرد، گفت:

"خبر شما ببینید بی اطلاعاتی چه قدر آقا، ما امروز روزی نمی‌دانم چند صد میلیون ما الان خرج این جنگمان است. روزی چند صد میلیون خرج جنگ را با سهم امام میشود درستش کرد؟ حالا، حالا ما میتوانیم مردم همه را بشناسیم و به‌زور از آنها سهم امام بگیریم؟ سهم امام حالا به اندازه‌ای است که همین حوره‌ها را اداره کند. بیشتر از اینهم نیست. یک کمی اگر بیشتر باشد می‌دهند به دولت. یک دفعه آدم بگوید که خیر، می‌گوئیم که دولت مالیات بگیرد، سهم امام بگیرد. چه بسور؟ از کجا بیاوریم، سهم امام، این قدر، ما از کجا و سهم سادات پیدا کنیم، که دولت را اداره بکنیم. مملکت را اداره بکنیم. این همه اشغالی که ریخته‌اند به‌جان دولت و خرج دارند و چه دارند اداره بکنیم. خوب بی فکر حرف می‌زنند." بقیه در صحنه ۶

گشت و گذار

با عرض تبریک نوروزی به خوانندگان گشت و گذار و امید آنکه در آینده‌ای نه چندان دور، با سرنگونی رژیم قرون وسطایی و جانشینار جمهوری اسلامی سفیهان بدست پیر توان خلقهای ایران و محور ستم‌های طبقاتی و رهاشی زحمتکشان از قید استثمار و بهره‌کشی، نوروز واقعی را جشن بگیریم. گشت و گذار نوروزی را همانطوریکه وعده دادیم، با بررسی قسمتهایی از نطق خمینی، رهبر جمهوری سفیهان که در آن با وحشتی مطیم نگرانی خود را از سقوط نظام پوسیده ولایت سفیه که سر جیل و غرافات و جناحست بنا شده است، آغاز کنیم.

امروزه، بغیر از گروهی که منافعتان با جمهوری سفیهان گره خورده و مزدوران طرفه‌ای و حرب‌اللبی، دیگر نه تنها کسی از این رژیم حمایت نمی‌کند، بلکه مردم انزجار و تنفر شدید و عمیق خود نسبت به آن را با شیوه‌های مختلف ابراز می‌دارند. چندی قبل در جمع پدر و مادران و افرادی که بنازگی جهت دیدار اقوام خود راهی خارج شده‌اند، بودیم و ساعتی به صحبت‌های جالب‌آنان گوش دادیم و نوشتیم که آنها مانند اکثریت قریب باتفاق مردم ستم‌زده‌مان معتقدند که این رژیم ماندنی نیست، از طرفی امروزه مردم بطرق مختلف مشغول مبارزه با این رژیم سفاک هستند. از - تظاهرات و اعتصابات گرفته تا مبارزات مسلحانه، از کم‌کاری در کارخانه‌ها و ادارات گرفته تا به مسخره گرفتن صحبت‌های سردمداران رژیم جمهوری سفیهان، همه و همه حاکی از مقاومت‌های قهرمانانه‌ای است که رهبر جمهوری سفیهان را به وحشت انداخته و او را وامیدارد که شاید با یک سخنرانی مشکلات را بحال خودش اندکی تعدیل کند و کثی یکبارگی در رژیم پوسیده‌ای که گرفتار تظاهراتی داغی‌اش نیز می‌باشد، ایجاد نماید. خمینی در ابتدای صحبت‌هایش دو مثال تاریخی زده و به سایر سفیهان هشدار میدهد که چنانچه بخود نیایند سرنوشتی مانند سایر خاشاکین تاریخ، در انتظارشان خواهد بود. خمینی می‌گوید: "در دوران مشروطه را که همه آقایان شنیده‌اید، یک عده‌ای که نمی‌خواستند که در این کشور اسلام قسوه داشته باشند و آنها دنبال این بودند که آنها را بسوی بطرف خودشان بشکند، آنها جو سازی کردند، بطوریکه مثل مرحوم آقا شیخ فضل الله که آنوقت یک آدم شاخصی در

ایران بود و مورد قبول بود، همه جو سازی کردند که در میدان علمی ایشان را بسدار زدند و باشم ابتدائیت کف زدند و اسلام را شکست دادند. ما در زمان خودمان هم آقای کاغاسی را دیدیم و من از نزدیک ایشان را می‌شناختم. از این جهت شروع کردند به جو سازی. آنطور جو سازی کردند که یک سگی را عینک بهش زدند و آنطور که من شنیدم عینک زدند و از طرف مجلس آوردند این طرف و به اسم آیت الله و من خودم در یک مجلس بودم که مرحوم آقای کاغاسی وارد شدند. هیچکس پا نشد، من پا شدم و من جا دادم. به ایشان هم جا ندادند. این جو را درست کرده بودند برای آقای کاغاسی که دیگر از منزلش نمی‌توانست بیرون بیاید، در یک اطاقی محبوس بود در منزلش آنها هم شکست دادند. مسلمین را شکست دادند."

خمینی جانشینار با وحشت پیکر خویش و سایر سردمداران جمهوری سفیهان را در حلقه داری که شیخ فضل الله نوری مرتجع بان آویخته شده، در مقابل چشمانش تصویر کرده و با دست‌پاچی می‌گوید: "من حالا میخواهم یک هنداری به آقایان بدهم. مسئله الان به یک وضعی درآمده است که انسان می‌پند که مشغول جو سازی هستند و بتدریج میخواهند این کار را عطفی کنند. من الان بشما آقایان و به ملت ایران این گزارش را میدهم که من من دیگر مقتضی این نیست که ببینم این چیزها را و میروم. اما شما توجه کنید. شما متوجه باشید، اینها شروع کردند که از اول یک جوی سازند که این حکومت را بشکنند و بعد بروند سراغ رئیس جمهورتان، مجلستان و بعد بروند سراغ روحانیون و مسئله را از حالا از اینجوری شروع کردند و شما از حالا باید بیدار این مطلب باشید."

آنگاه خمینی فریادگر که خوب می‌واقف است که رژیم جمهوری اسلامی چه وضع افشاک‌های برای مردم به ارمغان آورده است و از طرفی خود هر روزه شاهد تضادهای جدیدی در رژیم نیز میباشد، طبق معمول شروع میکند به نصیحت کردن که:

"الان وضع این شده است که انسان می‌نشیند در اینجا می‌پند که همه چیز بادشان رفته، الا اینکه کمبود، گرانی. مگر کسی منکر این است که گرانی است. دولت با اینهمه کاری که می‌پند کرده است، یعنی این ملکیتی که بهم عسورده است گذاشته که بهم بخورد. البته همه قبول دارند، خود دولت هم قبول دارد که

گرانی هست. گرانی اولاً همه جا هست، اینجا تنها نیست، نانها وضع اقتصادی همچون افتضاح میکند. وضع جنگ‌آپتتوری است. نباید با وقتی که وضع جنگ را می‌بینیم داریم، همه‌مان بریزیم سر دولت."

خمینی که اوضاع بحرانی که هنوز روز نیز وخیم تر میشود، می‌پند، نصیحت‌گوشی خود را چنین ادامه میدهد:

"پس عقل افتضاح میکند که ما الان مشکلات را تحمل کنیم. خوب ما یک عده اینجا موندیم، خودمان هم بریزیم بجان خودمان چه خواهد شد؟ مجلس با دولت مخالف، دولت با مجلس مخالف، اینها چه خواهد شد؟ علمای بلاد باید توجه بکنند که هر که آمد یک نفی زد مورا باور نکنند و صحبت بکنند و به رادیو برسند و به نمایانم چه برسند. این طور صحبت نکنند، به مجالس نرسند. به اشعه جمعه نرسند، به مجالس صحبت را می‌توانند طش بکنند، نتوانستند حذف کنند. ما باید امروز تحمل کنیم، صبر باید بکنیم. این طور نباشد که هر روز یک وزیر را سیاورید اینجا بنشانید، با او دعوای بکنید و شعیف کنید دولت را. همه‌تان را دارند تضعیف میکنند. شما اگر دولت را تضعیف کنید، تضعیف شماست. این مقدمه است برای او و الان یک خطی در این کار هست. مشغولند الان و شما باید خیلی توجه بکنید. چشم‌پاخان را باز کنید. این دولت را، این مجلس را، این جمهوری اسلامی را حفظ کنید. مردم باید حفظ کنند، بازار باید حفظ کند اینها را."

ولی اوضاع نابسامان جمهوری سفیهان از یک طرف و مبارزات و مقاومت‌های مردمی بطرق مختلف از سوی دیگر، جدی تر از این چیزهاست که بتوان با نصیحت و پند و اندرز آنرا چاره کرد. نفرت و تنفر شدید مردم از روحانیون، کابوس حلقه دار شیخ فضل الله و یک عینک زده سبیل آیت الله کاغاسی را در نظر خمینی مجسم میکند و او را وامیدارد که بگوید:

"از همین اشخاص که میخواهند این کارها را بکنند در ایران فراوانند از این اشخاص. الان در ایران سلطنت طلب ما داریم. مخالف با جمهوری اسلامی در این طبقات بالایی که می‌خواستند عباسی بکنند، حالا نمی‌گذارند عباسی بکنند داریم، از منافقین موجودند، از اقلیت موجود است، از احزاب موجود است. هستند همه، زیادند. اما ما اساس را باید حفظ کنیم. اگر اساس را ما حفظ نکنیم، نه اداره برای ما باقی میماند، نه مجلس باقی میماند."

تور مکه جمهوری اسلامی!

صحنی، مسئول روابط بیناد شهید در مصاحبه‌ای گفت: باطری تبلیغاتی که معلولین جنگی در برنامه‌های سفر حج داشتند، این بنیاد در نظر دارد معلولینی که قطع نخاع داشته‌اند و یا از ناحیه پا و دست فلج و یا نابینا باشند، میتوانند همراه خانواده‌های اسرا، مفقودین، کشته شدگان در جنگ به بیت‌الله الحرام اعزام شوند. وی گفت: امسال ما حدود ده هزار نفر از خانواده‌های مریض را به مکه اعزام کردیم و کلیه هزینه سفر آنها را سازمان حج و زیارات تماماً پرداخت نمود. این تورهای مذهبی شیوه‌های جدیدی است که رژیم با استفاده از احساسات مذهبی مردم در جهت تبلیغ اهداف سیاسی خودش بکار میگیرد.

مبارزه با گرانفروشی!

بدشال گرانی مواد اولیه غذایی، مهاجرت سرسام‌آور روستائیان به شهرها و نطق زدن نمایندگان در مجلس مدتی است که دانه‌گاههای امور منظمی پس از ایجاد گشت انصارالله و الشیما توم دادشای فسران به "محتکرین"، مبارزه با گرانفروشی را شروع کرده‌اند. روزی نیست که روزنامه‌های رژیم اسامی چند نفری را که به جرم گرانفروختن سیگار، زیرشلواری و پیراهن‌های گازوشیل و حمل و نقل غیرمجاز برنج، درج نکند. از جمله بنا بر گزارش کیهان در ۸ بهمن، ۱۵ نفر "گرانفروش" و "محتکر" به جرم گرانفروختن سیگار و ... به پرداخت جریمه‌های نقدی و ۲۰ - ۲۰۰ هزاره شلاق محکوم شدند.

این کشتی را دریا بید!

غفاری، سردهنده فالانژها، در مجلس در نطق خود گفت: "مردم اینک بخوبی فهمیده‌اند که بار سنگین مسئولیت‌فروشی سرسام‌آور قیمت‌ها، احتکار و توزیع‌های نامتعادل بخصوص بازار سیاه کاذب که همه چیز را به مسلخ پول می‌برد و آنها ذبح شرعی و غیرشرعی میکند، اگر نه کلاً لااقل مقدار زیادی از آن بر دوش قوه قضائیه است. امید است که پاسخ به این حرفها با یک تیمسار ملیح نباشد. مردان قضائی ما باید بدانند که اگر این کشتی فرق شود، دیگر به این زودیها نجات ممکن نخواهد بود و کار از کار خواهد گذشت."!

پیش بسوی خودکفاشی!

مرتضی الویری، نماینده دماوند و فیروز کوه و رئیس کمیسیون صنایع مجلس در مصاحبه‌ای با خبرنگار کیهان گفت: "آلان زاندمان متوسط صنایع در کشور ما ۲۷ درصد است" (۱) وی در همین رابطه اضافه کرد: "ما باید در جامعه‌مان روحیه کار بوجود بیاوریم. همان روحیه‌ای که در گذشته اعلان نبوده الان هم آن روحیه مناسب شأن جمهوری اسلامی نیست. وقتی روحیه کار باشد افراد سعی میکنند از هر وقت محدودی که دارند در زمینه تولیدی استفاده میکنند. مثلاً یک زن وقتی سوار ماشین است سعی میکند با کار بافتندگی چیزی تولید کند و یا فردی که در خانه است میتواند بوسیله نقشه‌هایی که در اختیار دارد و دستورالعملی که دریافت میکند رادیو و لاس‌سوارم ترانزیستوری بسازد. اقرا، باید مینای کار را بر اساس پانزده و شانزده ساعت کار در روز قرار دهند تا با این کار موجب رشد اقتصادی شود تا انشاالله بطرف خودکفاشی پیش برویم."

کمبود روحانی در جبهه جنگ!

امام جمعه کرج در نماز جمعه گفت: "در بازپیدی که اخیراً از مناطق جنگی داشتیم برادران رزمنده از کمبود روحانی کلبه داشتند و من به آقایان روحانی توصیه میکنم که با شرکت در جبهه‌های جنگ این کمبود را برطرف نمایند. از سوی دیگر جبهه‌های جنگ احتیاج به نیرو دارد (خطاب به حاضرین) شما عزیزان باید عازم جبهه جنگ شوید و هرچه زودتر کار مداوم را بکسره نمائید."

احساس خطر میکنم!

آیت‌الله جنتی در نماز جمعه قم گفت: "من احساس خطر میکنم از کسانی که انتظار تقوای بیشتری بود رگه‌های بی-تقوایی می‌بینم و احساس خطر میکنم. باید بدانید من زمانی این مسائل را مطرح میکنم که وقت گفتش است. مبادا کسی فکر کند که تضعیف است. اگر کسی یک انتقاد سالم بکند این تقویت است تضعیف نیست. تضعیف حکومت با مسئولین وقتی است که هیچکس هیچ چیز نگوید و آسوقت که آب از سرگذشت، میگویند چرا چیزی نگفتید من میگویم این



نه مدرسه باقی میماند، هیچی. این دفعه اگر اینها تسلط پیدا کنند، بر ما هیچ چیز نمیگذارند. مثل زمان آقای کاشانی نیست. حالا مثل زمان مرحوم آقا شیخ قتل‌الله نیست، حالا، حالا یک زمانی است که اینها ادراک کردند که اگر این جمهوری رشد پیدا بکند خواهند گذاشت که اینها منافع خودشانرا ببرند و این را با همه جدیدت میخواهند ببرند و اسلام اگر اینجا سبلی بخورد، بدانید که دیگر تا آخر سرش بلند نمیشود. بدانند که ریشه این اسلام را بکنند و شما بدانید که اگر همه ما دست‌بست هم ندهیم و همه‌مان با هم نباشیم، زمین‌مان خواهند زد. مجلس را زمین میزنند، دولت را زمین میزنند، روحانیت را زمین میزنند و همه زمین میخورند."

بیشک‌دور نیست زمانی که این کابوس و ترس و حشت عینی رنگ تحقق پدیدارد. با آرزوی رسیدن بهار زحمتکشان "گشت و گذار" این شماره را با بخشی از شعر "بر این کراخه خوف" از فدائی شهید، سعید سلطانپور، به پایان می‌بریم:

"... بهار سوخته بر فرق ملتی مغلوب و یک ستاره

"... بهار سوخته بر فرق ملتی مغلوب و یک ستاره نارنج و یک دهان گل افشان که برگ‌برگ گل انقلاب فردا را شهن بهار در گشتزارهای سیاه برای بویوشانده‌های تاریخی برای پرورش عشق برای گسترش سازمان "او" کاشی است..."

★★★

نق نزنید !

خمینی در سخنرانی ۲۲ بهمن خود گفت : آنهایی که نق میزنند که اینجاش چه جوری است آنجاش چه جوری است اینها نمیفهمند که ما در چه حالی هستیم. آنها میخواهند که شب بخوابیم صبح که بیدار شدیم همه اذراشمون درست باشد و همه مملکتمون درست باشد و کشاورزمون درست باشد و نمی دانیم چه و نمی دانند که ما در چه حالی هستیم. الان ما در حال جنگیم، وضعیت ما امروز این است. این وضعیت مشکلات دارد به این زودی ها درست نمیشد لکن صبر میشود کرد. جوانهای ما باید بروند جنگ. جوانهای ما اینطور نباشد که بگویند تمام شد و رفت سراغ کارش.

ادامه وابستگی

سید محمد مصطفی هاشمی وزیر صنایع در گفتگوش گفت : "هم اکنون حدود ۲۳ میلیارد دلار در سال صرف خرید انواع کالاهای مختلف و مواد غذایی از خارج میشود." وی سیر ادامه میدهد : "مشکلات وزارت صنایع در ارتباط با واحدهای تولیدی ناشی از وابستگی صنایع کشور به مدور نفت و ارز حاصله از آن است و متأسفانه ارزی نیز که در حال حاضر صرف ورود مواد اولیه واحدهای تولیدی کشور میشود، عموماً در جهت توانمندی و قطع وابستگی ای که در نظام گذشته ایجاد شده، نمیشود."

گزارش غروبینا لملدر مورد اعدام و شکنجه در ایران

سازمان عفو بین المللی در بیانیه اراشه شده خود به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، گزارش داد که بیش از ۵ هزار نفر از آغاز انقلاب در سال ۱۹۷۹ در ایران اعدام شده که این رقم نسبت گردیده است، ولی رقم واقعی اعدامها برآورد آن بیشتر است. در همین بیانیه همچنین گفته شده است که هزاران تن از مردم نیز بدلیل داشتن عقیده یا فعالیت های سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرند. همین بیانیه می افزاید که گزارشهای زیادی از اعدامهای سیاسی دریافت داشته که مقامات جمهوری اسلامی از اعلام خبر آنها خودداری کرده اند و در مواردی در یک شب حکم اعدام صدها تن را صادر کرده اند. سازمان عفو بین المللی

اظهار داشته است که شکنجه در ایران بسیار رواج داشته و با اغلب زندانیان بد رفتاری میشود.

خواب طلائی !

خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی در پاسخ سؤال خبرنگار اطلاعات که از او - میخواهد خاطرات خود را از روزهای ۲۲ بهمن در سال ۵۷ بیان دارد، میگوید : "در آنروزها ما در یک حالت بهتی بودیم. در حالیکه در همه فعالیت های آنروزها طبعاً ما داخل بودیم، چون همطور که میدانید عفو شورای انقلاب بودیم و بسک حضور دائمی تقریباً در آنجا وجود داشت. لکن یک حالت ناپاوری و بهت بر همه ما حاکم بود. من چیزی بگویم که شاید شما تعجب کنید. من تا مدتی حتی بعد از آنکه ۲۲ بهمن گذشته بود، بارها به این فکر افتادم که ما خوابیم یا بیدار. و تلاشی میکردم که از خواب بیدار شوم که اگر خواب هشتم این رویای طولانی که لابد بعدش اگر آدم بیدار شود نخواهد بود، دیگر ادامه پیدا نکند. این قدر مسئله برای ما شگفت آورده بود." !!

کمکهای کره شمالی به جمهوری اسلامی

یک هیئت ۹ نفری اقتصادی - بازرگانی کره شمالی وارد تهران شد. سفر این هیئت بدنبال سفر هیئت سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی به سرپرستی میرحسین موسوی، نخست وزیر به کره شمالی صورت میگردد. این هیئت در زمینه همکاری های بیشتر اقتصادی بخصوص در بخش صنایع، مذاکراتی را با مقامات جمهوری اسلامی انجام داده و مذاکرات نهائی قرار است با سفر معاون نخست وزیر کره شمالی به تهران که تا چند هفته دیگر صورت گیرد، انجام پذیرد. لازم به تفکر است که کره شمالی مقادیر زیادی تولیدات نساجی و نظامی و مواد غذایی به ایران مادر میکند و در عوض از ایران نفت وارد مینماید.

باز هم ضرر !

بهاالدین علم الهدا، نماینده مجلس ضمن مطرح کردن سؤال خود مبنی بر قرارداد دولت ایران و شرکت اورپساتی شرکتی در مورد خرید بیمان اردبیل و کارخانه آهک آذرشهر گفت : "از آنجائیکه این شرکت قدرت انجام کار را نداشته و

بخصوص اینکه دولت از این شرکت هیچگونه تضمینی نگرفته بود، این شرکت حدود یک - میلیون دلار ضرر متوجه کشور ما کرده است."

راء حل اسلامی !

پور سلطانیان، مدیر عامل واحد اتوبوسرانی اهواز اعلام داشت که طرح جدید استفاده از اتوبوسهای واحد در اهواز از روز ۲۵ آذر ماه در سطح کلیه اتوبوسهای شهر به اجرا درآمده است. وی افزود که برای این منظور درب و صندلی های جلو را برای برادران و درب و صندلی های عقب را برای خواهران اختصاص داده ایم و بوسیله میله هایی این دو قسمت از یکدیگر جدا شده اند. این طرح در وهله اول بمنظور ایجاد نظم در شاعر مذهبی و اسلامی و در وهله دوم فراهم کردن تسهیلات برای سوار و پیاده شدن خواهران و برادران است !!

بیماری مهاجرت، سدمعبرو. . . !

در جلسه مشترک مسئولان دادسرای عمومی تهران و شهرداری مقرر شد که قاطعانه با مسئله مهاجرت برخورد شود. دادستان تهران گفت : "یکی از مشکلات بزرگی که مهاجرت با آن مبارزه شود، مسئله مهاجرت، تخطفات ساختمانی و سعد معبر است که بعنوان یک بیماری مهاجرت با آن برخورد شود. امیدواریم با پیگیری در سه ماه آینده، مسئله ای بنام سعد معبر که خود عامل فساد، گران، احتکار و دیگر مضرات اجتماعی است، نداشته باشیم."

انقلاب چاندا را سلامی !

آیت الله موسوی اردبیلی در جمع گروهی از خاندانهای حزب اللهی گفت : "با وجود این همه شهید و شهدای زنده (معلولین) چه کسی جرئت میکند بگوید که جنگ بیست است. جنگ با کفر است و کسی نمیتواند با کفر جنگ نکند. انقلاب مانند یک جاندار است. نمیتوان آنرا در یک محیط جغرافیایی حبس کرد، چنانچه انقلاب بایستد، میبرد و اگر محصور شود، ضربه میخورد."

مسابقه دیدار حضرت زینب !

بر اساس طرح جدیدی که از طرف وزارت راه به رانندگان که به ندای امام جماران جهت تخلیه بار در بنادر تهران پاسخ داده اند، پیشنهاد شده است که

۵۰۰ نفر از رانندگانی که بیشتر از ۱۰ هزار کیلومتر مسافت از بنادر ورودی به داخل کشور بار حمل کنند، همراه یک نفر از اعضای خانواده شان، جهت زیارت حضرت زینب به سوریه اعزام میشوند!

افزافه جمعیت

فرماندار تهران گفت هر سالست ۱۵۰ نفر به جمعیت تهران اضافه میشود. وی از روستائیان کشور مصرانه خواست که از آمدن به تهران خودداری کنند. وی گفت "میدانیم که شما در شرایط سختی هستید، شرایط جنگ است ولی انشاء الله همانطوریکه امت شهبید پرور مشکلات را تحمل کرده است، این شرایط را از این بعد هم خواهد تحمل خواهد کرد."

عمده تقصیر

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با مشکل حمل و نقل در مجلس گفت: "کمترین تقصیری بمعده هیچک از دست اندرکاران این متف (گامیون داران) نمیباشد، بلکه عمده تقصیر به گردن دولت جمهوری اسلامی است که بازار داخلی را از لوازم و قطعات بدکی خالی نگذاشته و با اتخاذ سیاست های غلط و مفرطانه که شرح آن طولانی است هر روز سنگ جدیدی جلوی چرخ حمل و نقل قرار میدهند."

حسن شکستن دیوار صوتی!

مهدوی کنی، در نماز جمعه دانشگاه تهران در رابطه با پرواز هواپیماهای عراقی در آسمان تهران و شکستن دیوار صوتی گفت: "مردم دیگر از این بادبادک های هواپیما هراسی ندارند، این مسائل نباید موجب آن شود که عده ای از مردم که گرفتار مسائل جانبی شده اند، جنگ را فراموش کنند و به فکر کسب و کار باشند." وی سپس افزود: "جنگ مخصوص یک قشر خاص نیست و اینطور نباشد که عده ای خوشگذرانی کرده و ظنیکار هم باشند، حسن شکستن دیوار صوتی در اینست که مردم تهران جنگ را فراموش نکنند!"

کاهش تولید پنبه در گنبد

در گزارشی که در روزنامه اطلاعات راجع به وضع کشت پنبه در گنبد انتشار یافته است، به کاهش تولید این محصول که زندگی یک میلیون تن را که با آن سر و کار دارند، بمخاطره انداخته است، اشاره میشود. در قسمتی از گزارش آمده است:

"کاهش تولید پنبه بدو صورت بوده است. کاهش در سطح زیر کشت و کاهش در میزان برداشت از واحد سطح." براساس این گزارش، سطح زیر کشت پنبه از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۱ به کمتر از نصف رسیده است. در جدول زیر این کاهش مقدار زیر کشت پنبه نمایان است:

سال	مقدار زمین زیر کشت پنبه هزار هکتار
۱۳۵۶	۱۶۵
۱۳۵۷	۱۵۰
۱۳۵۸	۱۱۵
۱۳۵۹	۵۰
۱۳۶۰	۷۵
۱۳۶۱	۸۱

در رابطه با کاهش در میزان برداشت از واحد سطح، به فاکتورهای زیر اشاره شده است:

- ۱- مالکیت
 - ۲- کشت و برداشت غیر اصولی و غیر فنی
 - ۳- ایجاد مشکلات در برنامه ریزی
 - ۴- مسائل کارگری
 - ۵- مهاجرت ها
- این گزارش که حتی بسیار سعی شده است بصورت تحریف شده انتشار یابد، حاکی از ناشناسی رژیم جمهوری اسلامی در پاسخگوئی به خواستهای مردم میباشد. این رژیم نه تنها در هیچ زمینه ای وضع اسفناک زندگی رنجبران را بهبود نداده است، بلکه آنچه را هم که داشته اند از آنها گرفته است.

میزگرد مسائل دانشگاهی

در میز گرد مسائل دانشگاهی در دانشگاه صنعتی شریف، دکتر علی اکبر مانهی، رئیس دانشگاه گفت: "هیچگونه تناسبی در حال حاضر در جامعه، از نظر تامین معیشت با نوع کار هر فرد وجود ندارد. بدینصورت که یک استاد دانشگاه میبایست که از نظر تامین معیشت هیچگونه تناسبی با سایر اقشار ندارد." وی سپس ادامه میدهد: "بخصوص با توجه به قیمت های سنگین اجناس و اینکه ۴ تا ۵ سال است که نه تنها حقوق استادان، بلکه تمام کارمندان دولت هیچگونه تغییراتی نگرفته و اضافه نشده است بارسنگینی را بدوش میکشند."

دکتر حمادکی، سرپرست دانشگاه ریاضی و علوم کامپیوتر در اینمورد میگوید: "کمانیکه از خارج به همکاری دعوت شده اند، از نظر ادامه تحصیل فرزندان شان نیز با مشکلاتی مواجهند. مسئله دیگر، مسئله

مداخستان استادان است که بدون شناخت لازم و ملموس از این مسئله و مسئله کوپن، در این زمینه هم مشکلات بسیاری دارند." آنگاه حجت الاسلام مرسلی، نماینده آیت الله العظمی منتظری در دانشگاه صنعتی شریف رشته کلام را بدست گرفت و گفت: "در باب تسهیلات و اینکه آنها، بعضی استادان مرغه باشند، ما با رفاه به هر شکلش مخالفیم." وی سپس افزود: "استادانی را که از خارج می آورند، نه چهار ماه دنبال این میگردند که یک پیکال پیدا کنند، بعد شب میرود در صدکیلومتری تهران و در خانه یکی از اقوامش اشرافیت میکند و بعد ناراحتی دارد، مذهب فکری دارد، فراغت ندارد." وی سپس نتیجه میگیرد: "بنابراین او نمیتواند عنصر موافقی باشد."

دکتر مانهی، در رابطه با تعداد کادر علمی دانشگاه میگوید: "با پیروزی انقلاب اسلامی با کمبودهایی در زمینه استاد مواجه شده ایم. کادر علمی دانشگاهها آنطور که آمار نشان میدهد قبل از انقلاب بالغ بر ۱۱ هزار نفر میشده است و آمار فعلی رقمی بین ۶ تا ۷ هزار نفر را نشان میدهد. مثلاً دانشگاه ما حدود ۴۰ درصد افت از نظر کادر آموزشی داشته است." وی در مورد دانشجویان خارج از کشور و جذب آنان میگوید: "اکثر اینها هم مایل به بازگشت و خدمت در ایران هستند ولی متأسفانه آنقدر تبلیغ سو علیه انقلاب اسلامی ما در خارج زیاد است که اینها نیز تمایل نادرستی از کشور پیدا کرده اند. برای جذب این افراد باید هیئت هایی متشکل از افراد فاضل و عالم و بخصوص به همراهی یکی از روحانیون ارجمند به خارج اعزام گردد که اگر نتوانند آنها را برای آمدن و خدمت در ایران تشویق و آماده نمایند، حداقل در شکستن جو موجود نقشی داشته باشند." دکتر مانهی در پایان صحبت هایش میگوید: "بهرحال کادر آموزشی دانشگاه صنعتی فعلاً از ۱۴۰ نفر تشکیل شده است که از این تعداد، اغلب لیسانس هستند و تعدادی نیز فقط در کارهای خدماتی و تحقیقاتی فعالیت میکنند. یعنی کسب و واقعی آموزشی ما که باید از فوق لیسانس به بالا باشد، از حد نظر کمتر است و ما از نظر کادر آموزشی در مضیقه هستیم و امیدواریم این کمبود هرچه زودتر جبران شود."

انبار رقصند و شکریا پارکینگ!

قند و شکر مصرفی مردم نهاوند در یکی بقیه در صفحه ۵۹

عملکرد رژیم جمهوری اسلامی از نظر مردم به روایت روزنامه‌ها رژیم

ساکنین نقشه بیست واقع در بلوار ابوذر منطقه ۱۵ شهرداری آب آشامیدنی ندارند. چون داشتن آب آشامیدنی از لحاظ شرعی برای تمام کسانی که برابر ضوابط قانونی خانه ساخته‌اند حقی است مسلم و انکار ناپذیر لذا خواهشمند است مسئولین مربوطه هر چه زودتر نسبت به تأمین آب این منطقه اقدامات لازم و ضروری را بعمل آورند.

توضیح آنکه ساکنین این منطقه از رده مستضعفین هستند و همگی دارای اعتقادات دینی و مذهبی میباشند و داشتن آب برای ایشان واجب و ضروریست.

اهالی منطقه

۳ سال است که یخچال نداریم

مدت ۳ سال است که یخچال منزلمان سوخته است تقاضای نوشتن و به مسجد محل دادیم اما موفق نشدیم که از مسجد محل یخچال بگیریم به سبب اقتصادی تریز همراجه کردیم گفتند که شما بروید و موتور یخچالتان را عوض کنید. همین کار را هم کردیم اما تعمیر کاران هم گفتند که موتور نداریم بهر حال مدت ۳ سال است که ما به یخچال ماندگار از مسئولین تقاضا داریم ترتیبی اتخاذ دارند که توزیع یخچال عادلانه باشد و یخچال ۱۰۰۰ بین آنها که ندارند تقسیم کنند. منوچهر صادقی- تبریز

فروشگاههای مردم هر روز شماره بدهند

فروشگاههای پارچه مردم در هفته فقط یک روز شماره میدهند و برای گرفتن شماره مردم مجبورند از نیمه شب در صف بایستند. با توجه به اینکه این پارچهها با دقت و دقت اقتصادی تحویل میشود. تقاضا داریم لاف این فروشگاهها همه روزها نوبت بدهند تا مردم دسترسی به پارچه پیدا کنند. عموماً اینکه نزدیک عید است و مردم احتیاج به پارچه دارند. از کفهای مکرر به گیهان و شما

مشکل دریافت کارت نوبت برای بیمارستان

برای مراجعه به بیمارستان و زایشگاه امین ماه قمره واقع در خیابان ولیعصر، اینستگاه معتاداً به بیماران باید ساعت یک بعد از ظهر نوبت دریافت قرار گیرند تا ساعت ۶ صبح به آن کارت نوبت حاضر شوند. از آنجا که اکثر بیماران به این بیمارستان برای زایمان مراجعه میکنند حضور در ساعات فوق برای آنان بسیار مشکل و گاه غیرممکن است. از مسئولان ذیربط میخواهیم که با ترتیب دادن پذیرش نامه صحیح و مناسب به این وضع ناراحت کننده پایان دهند.

از کفهای زیاد به گیهان و شما

روزهای جمعه بیمه نیستیم!

روز جمعه فرزندم را که ششماه شد داشت به کلینیک ایرانمهر واقع در خیابان سازمان پردم وقت دقتی به بیمه را ارائه دادم آقای که ظاهراً مسئول آنجا بود گفت ما جمعه بیمه نیستیم! تا چار حق ویزیت پرداختیم و فرزندم را معاینه کردند و تسک دادند اما مسئول فاروخته‌ای که در طبقه زیرین کلینیک بود با مشاهده دقتی به بیمه گفت ما جمعه بیمه نیستیم! بهر حال پول دارو را هم پرداختیم. حالا بهتر نیست روی دقتی‌های بیمه بنویسند: دقتی بیمه مخصوص روزهای هفته به جز جمعه! تجریش

به وضع نابسان توزیع گوشت در این محل

رسیدگی کنید

تصاویر بالا از بیست‌متری دوم مسعودیه قابل به توزیع عادلانه گوشت بین اهالی نیست و این بیاد برای مردم محل نارضایتی ایجاد می‌کند. از مسئولین امر تقاضای سرویس‌دهی به سهاله توزیع گوشت در این محل را داریم. امیر داورزنی

درآستانه ششمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی مدظله‌العالی و بامیسه پیروزی نیروهای گفترستیز اسلام در جبهه‌های جنگ تحمیلی، با اطلاع امت شهبیدرود ایران خصوصاً کلیه داوطلبان خودروهای مزدا (امم از شخص حقوقی و حقیقی) می‌رساند نمایندگی‌های شرکت تهیه و توزیع لوازم یدکی مزدا نو - تحت پوشش وزارت بازرگانی - در شهرستانهای مشروح در ذیل دایر بوده و آماده همکاری میباشند:

بخاطر دوسه عدد مرغ ناقابل!

چندی است که خرید مرغ کوپنی هم فوز بالا قوز شده است و خودش را قاطی خیلی از مشکلات روزمره کرده است.

چند روز پیش عیال از ما خواست برای خرید مرغ به مرغ فروشی محله بروم و مرغ سهمیه‌ای را بخرم. عیال می‌گفت: «کوین ما داره باطل می‌شه، اگر دیر بچینی این ماه از مرغ خبری نیست زنبیل را دلفصیت من و گفتم برو توی صف زنبیل را برداشته از خانه بیرون آمدم و بکراست به سراغ مرغ فروشی محله رفتم ساعت ۵ صبح بود، هوا هنوز تاریک بود کرکره مغازه مرغ فروشی محله، عباس آقا پائین بود و خیابان سوت و کور، البته عده‌ای توی خیابان تند تند با بطری‌های خالی شیر بطرف لبنیاتی‌های محل می‌دویدند تا از قافله خرید شیر عقب نمانند. (یادم آمد که خریدن شیر هم این روزها دل شیر می‌خواهد) با این اوصاف و احوال و با بررسی تماسی جوانب، خودم را به مرغ فروشی عباس آقا رساندم. چشم بد بدور، در دو طرف مغازه عباس آقا، دو صف طویلی از زنان و مردان تشکیل شده بود، مقابل هم، هر کس با زنبیلی در صف خیزدار ایستاده بود گروهی هم برای اینکه نوبشان محفوظ باشد و کسی بد پان نگاه نکند، زنبیل‌ها را به نوبت در صف به نخ کشیده بودند. از شما چه پنهان که زنبیل‌ها هم در این دوره و زمونه برای خوششان سری توی سرها درآورده‌اند و خوششان را داخل آدم‌ها کرده‌اند اما خوب چاره‌ای برای زنبیل‌ها نبود مجبور بودند که اطاعت کنند. به هر حال زنبیل‌ها و آدم‌ها با این اوصاف در صف ردیف بودند.

ما که در انتهای صف جا داشتیم، امید زیادی نداشتیم، اما باز به خود دلاری می‌دادم و می‌گفتم مگر از قدیم الا پام نگفته‌اند که درنا امیدی پس امید است!

بالاخره ممکن است امروز دری به تخته بخورد و مرغ هم به ما برسد. در این افکار غوطه ور بودم، که عباس آقا صاحب مرغ فروشی از گرد راه رسید، کرکره مغازه را با کمک منتظران در صف بالا کشید و پس از آن با صدای نخرانیده‌ای گفت: «آقایان! خانمها! سهمیه امروز فقط ۲۵ کیلو است به ۷۸ نفر بیشتر نمی‌رسد - بقیه بفرود معطل

مشتید. زنبیل‌ها را بردارید و بی کارت‌تان بروید. ما که نزدیک به انتهای صف بودیم، کمی با این حرف عباس آقا مرغ خریدیم بگفتم و زنبیل را بردارم و بروم اما حساب چند ساعتی را که توی صف مانده بودم چه میشد! از همه بدتر جواب عیال را باید چه می‌دادم؟ این بود که دل به دریا زدم و گفتم به جهنم حالا که ایستاده‌ام یک ساعت هم روش، منتظر می‌مانم شاید برسد. ساعت ۸/۵ صبح بود و خیابان از رفت و آمد مردم شلوغ میشد، منتظران در صف دقیقه شماری می‌کردند و منتظر بودند که کی وانت مرغ فروشی از راه برسد!

چه میشود کرد. کار و کاسبی زنبیل فروش‌ها (مثل آن روزها که سبک‌ها را دانه‌ای می‌فروختند و فروش جاسبگاری گل کرده بود) گل کرده است. ما که بخیل نیستیم، فعلاً خوشا به حال زنبیل فروش‌ها... ایگفتم به هر حال، ما هم زنبیل مربوطه را در انتهای صف دخیل بستیم و به سراغ خرید شیر رفتیم. حالا خرید شیر بماند. پس از لحظاتی به سراغ صف مرغ آمدم، صف زنبیل از خیابان به کوچه مجاور امتداد یافته بود و زنبیل بود که می‌رسید و پشت زنبیل ردیف میشد.

عده‌ای که کار و باری ندارند، مثل مامورین سر پست کشیک زنبیل‌ها را می‌کشند، تا مرغ مادر مرده از راه برسد و آنرا از هوا قاپزند. صف گفتگو‌ها نیز شروع میشد، هر وقتی که از دور توی خیابان پیدا میشد نجوای داوود، اومده هم در صف می‌پیچید.

عباس آقا هم مرتب از مشتاقان مرغ می‌خواست صف را خلوت کنند، بیخود در صف نایستند اما کسی گوشش به‌کار این حرف‌ها نبود. ساعت ۹ صبح بود که از دور یک وانت پیدا شد اصغر آقا که اول صف بود و کلی از این بابت خوشحال، حق هم داشت! پیش بیتی کرد که این وانت دیگر وانت مرغ است. با شنیدن این حرف همه از سروکول هم سرک می‌کشیدند، تا در پیش گویی سهمیه باشند. اما مواظب بودند از صف خارج نشوند، خوب معلوم است اگر کسی از صف خارج بشود دیگر چطور می‌تواند ثابت کند که توی صف بوده است؟ و حالا بیاد دهها شاهد بیار که من توی صف بودم.

حسن اصغر آقا صحیح بود و همانطور که می‌گفت:

این آخری وانت مرغ فروشی بود، وانت با عزت و احترام و جلوی چشمهای مشتاقان خرید مرغ در مقابل مرغ فروشی پارک کرد همه توی صف محکم به هم چسبیدند، انگار با چسب دو قلم به هم چسبانده بودند! عباس آقا به جلو وانت دوید و با سلام و صلوات چند کارتن مرغ را از راننده تحویل گرفت و به درون مغازه برد. مشتاقان خرید مرغ دو چشم که داشتند دو چشم هم قرض کردند و چهار چشمی به مرغ‌ها زل زدن یکی می‌گفت: «شرط می‌بندیم مرغ‌ها امریکایی است از بوش فهمیدم! دیگری می‌گفت: «نه هلندی است» و حدس‌ها دور و دور مرغ و اینکه چقدر مرغ داده‌اند دور می‌زد، فلیق طولانی صرف این حرف‌ها شد، عباس آقا پس از تحویل مرغ، این دست آن دست میکرد و معلوم نبود از این کارش چه هدفی را دنبال می‌کرد! در این بین سرو صدای خانمها یکباره بلند شد و اعتراض پشت سر اعتراض، مگر مادر صف نبودیم چرا اول آقایان-»

تا این دعوا هم حل بشود فشار بیش از حدی در صف وارد میشد، ولی خوب اگر مرغ می‌رسید تحمل کرنی بود. این تقاضا به عده‌ای مرغ رسید و به مراد مرغ بیل‌های پر به خانه رفتند تا آخر فتح و پیروزی خود ایل و عیال بدهند.

کدفعه عباس آقا با صدای بلند و آمرانه‌ای گفت: آقایان! خانمها! مرغ تمام شد آقایان و خانمها تشریف ببرند و فردا تشریف بیاورند! انگار دنیا روی سرم خراب شد مشتاقان خرید مرغ دست از پا دوازتر راهشان را کشیدند و با زنبیل‌های خالی به خانه‌ها رفتند و من هم مثل بقیه، حالا مرغ به جهنم. اما غرولند عیال چه میشد! که می‌گفت: «بی عرضه نتونستی مرغ بگیر! عرضه گیر آوردن یک مرغ بی قابلیت را ندانستی. دلت خوشه تو هم عرضه دلری!

در راه همه‌اش به این فکر بودم که به عیال چه پاسخی دهم، تازه ساعت ۱۰ شده بود که پادم افتاده ساعت غیبت دارم ترسان لرزان خود را به یک تلقن عمومی رساندم و به آقای رئیس ماجرا را گفتم. آقای رئیس با عصبانیت گفت هیچ نگران دیر آمدن نباش، دوست عزیز، از فردا نیامدی هم نیامدی، چون مؤسسه ما به آدم‌های شکمو نیاز ندارد!

گزارشی از روستای موشی در استان کهگیلویه و بویراحمدی

این نوشته بر اساس گزارشی که در روزنامه‌های رژیم چاپ شده است (کهیلان ۲۱ آبان ۱۳۶۲)، تهیه شده است:

روستای موشی قریب ۵۵۰ خانوار دارد. عمده ریشته‌ای از آنها فاقد شناسنامه‌اند و در نتیجه جزو سرشماری محسوب نشده‌اند. چنانچه موردی پیش بیاید که احتیاج به ارائه شناسنامه باشد مثل تقسیم کوپن غذایی، اینان نمیتوانند وجود خود را به اثبات برسانند! شغل اصلی ساکنین منطقه بطور اعم کشاورزی و دامداری است. لیکن به علت عدم باروری زمین و در نتیجه فقر معیشت، مردهای این روستا در حدود ۴ ماه از سال را در شهرهای مختلف به کارگری مشغول میشوند. در هر خانواده ۳ تا ۲۰ - راس گوسفند و بز نیز یافت میشود که بیشتر از شیر آنها جهت تغذیه استفاده میشود. بعد از بهار دیگر آب در این محل یافت نمیشود. چشمه و قنات در این محل وجود ندارد. یکی از منابع تغذیه اهالی از گیاهان خوراکی یا طبی است. مردم مقداری از این گیاهان را برای تغذیه خویش نگه میدارند و بقیه را در شهرها به فروش میرسانند. کشاورزی و دامداری برآمده زنان است. مضافاً بر اینکه شیر دوشی، آب آوردن از چشمه یا نخ ریسی و گلیم بافی و بخصوص جمع آوری هیزم که کار مشکلی است، بر عهده زنان است. در یک کلام بدون همکاری زنان در امر معیشت، زندگی غیر ممکن است.

درآمد سالیانه هر خانوار بین ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان است. چنانچه افراد هر خانواده روستائی را بطور متوسط ۲ نفر حساب کنیم، ماهیانه ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ تومان میشود. این مبلغ وقتی بین کل افراد خانواده سرشکن میشود، درمی یابیم که هر فرد روستائی برای تهیه کلیه مایحتاج زندگی فقط ۱۹۰ تومان در ماه درآمد دارد. مردم این منطقه فاقد امکانات بهداشتی و درمانی هستند. در هیچکدام از روستاهای منطقه، حمام و توالت یافت نمیشود. عموماً از فضای باز و پشت تخته سنگها برای توالت استفاده میکنند. آب آشامیدنی منطقه تنها در ۳ ماه فصل بهار از چشمه ها تامین میشود. لیکن همین آب به خاطر داشتن املاح معدنی، موجب بیماری سنگ کلیه میگردد. اکثر اهالی به خاطر نداشتن آب مبتلا به کمر درد و سنگ کلیه هستند.

تزی دیگر از جناب آقای دکتر بنی صدر در مورد زنان!

س ۱ - در قرآن در سوره نساء آیه ۳۴ در باره زن صحبت کرده است که اگر زن خلاف کرد و سرپیچی کرد او را در خانه نگهدارید و برای دفعه دوم او را بزنید یکی از منافقین ابراد می کرد که چرا قرآن گفته بزنید!

ج: یکی از روشهای اسباب کار منافقین این است که یک جزئی را از مجموعه ای جدا می کنند که مثلاً بیا، اسلام چگونه ارزشی برای زن قائل شده؟ این است که خانم، آقا، صیغه در اسلام هست. اما در نظام اسلام معنی دارد نه در نظام شاهنشاهی. در این نظام می شود جرس را و این ربطی به اسلام ندارد. این آیه هم در نظام اسلام معنی دارد. بهر و انبزشکی مراجعه کنید فلسفه اش را به شما خواهند گفت: مثلاً بعضی زنان در رابطه با هم خوابگی خشونت پذیرند (من در رابطه با این مسائل نیستم از قول آنها می گویم) چون در طی قرون زن در موقعیت مادونی بوده و همیشه در حالت تحقیر و نوسری خور بوده یک حالت بیم و ترس در او هست و این حالت در بعضی زن ها شدید است متعادل به یک حمایتی می شوند و این حمایت به صورت خشونت طلبی در می آید و خشونت می طلبد این آیه در مورد تشوژ است و تشوژ به معنی نافرمانی است، اما نه به طور مطلق منظور از تشوژ همانطور که امام (خمینی) تفسیر کرده نافرمانی جنسی است (نافرمانی در رختخواب) آن هم ممکن است در تمام مدت زندگی یک دفعه اتفاق بیفتد که یک خشونت جزئی لازم دارد اگر گفت نکرد یک خشونتی می خواهد و موردش را روانپزشک یا حاکم شرع حل خواهد کرد یا دکتر باید تشخیص بدهد. این نافرمانی در آن مورد است نه هر موردی مثلاً نه این که مرد فرمان بدهد که نباید نماز بخوانی و زن خواند باید کتک بخورد. خداوند وقتی حقی برای خودش قائل شد برای شما هم حقی و حدی قائل است و به زن با شوهر زیاده از حد حقی را اجازه نمی دهد. امیدوارم که مسأله حل شده باشد.

باسخ آقای بنی صدر به یکی از حاضران در سخنرانی مسجد امیرالمؤمنین - آباد - جنوبی

- خیلی هم مستون، هنوز جای اولش درد میکنه ...



است. جمله نامفهومی است که بران ۱۵۰ تومان پول از مردم میگیرد. مردم از غرض ناچاری مجبور هستند با مرستی را نزد دعا نویسی ببرند و یا به امام زیاده متوسل شوند. به اعتراف اهالی هر ساله بخصوص در زمستان به علت فقدان جاده، تعدادی از بیماران این منطقه در میان راه میمیرند. بقیه در صفحه ۶۶

بیماری های دیگر نظیر سل، خصبه، مالاریا و جزام نیز مشاهده میشود. فقر فرهنگی اهالی را به نوعی مبارزه گرافتی با بیماری گشاده است. تنها کفا - دهنده ای که در این منطقه وجود دارد یک امامزاده گمنام و بی نشان و یک دعا نویسی است که تنها دعائی که برای مداوا بلد

پیام سازمانها و نیروهای بینالمللی به سچفا به مناسبت

چهاردهمین سالگرد رستاخیز سیا هکل

پیام میر شیلی

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران،

دروغهای برادرانه و رفیقانه و انقلابی خود را به مناسبت سیزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ارسال میداریم.

جایگاه سیا هکل نقطه عطفی مهم در پروسه تاریخی رهاشایی ایران میباشد.

با در شرایطی به شما دورد میفرستیم که مردم آمریکای مرکز و شیلی بیباکانه، متشکل شده و وحدت کرده اند. شما با دشمن مشترکشان یعنی امپریالیسم و طبقه متحدش، یعنی بورژوازی انحصاری به جنگ بپردازند.

بیاییم در سیاهای گرانادا را فراموش نکنیم. بلعکس باید جبهه ساندانیستهای نیکا را گوئه قهرمان و PMEN السالوادور، URNG گواتمالا و PDM شیلی را سرخس قرار دهیم.

در شیلی، نیروهای انقلابی با هم متحد شده و جنبش دیکتاتیک خلقی (PDM) را متشکل از حزب کمونیست، حزب سوسیالیست، میر، بخشی از مسیحیان چپ، بخشی از جنبش متحد عملیات خلقی، جنبش کارگران - دهقانان (Laurto) و سازمان اجتماعی، تشکیل داده اند.

برخلاف آپوزیسیون بورژوازی به نمایندگی Democratic Alliance، PDM، یعنی جنبش دیکتاتیک خلقی، هم اکنون درگیر مبارزه رو در رو علیه دیکتاتوری پیدوشه میباشد. "Democratic Alliance" خواهان دیالوگ و صحبت با رژیم و خواستار یک راه حل مسالمت آمیز برای بحران سیاسی - اقتصادی اجتماعی شیلی میباشد. جنبش دیکتاتیک خلقی PDM به این دیالوگ میگوید **خیر!!** بلعکس PDM برای براندازی کامل دیکتاتوری و برقراری یک دولت انقلابی خلقی و دیکتاتیک میجنگد. ما میدانیم که شما، رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، مانند مردم شیلی از طریق وحدت با خلق و با اسلحه پیروز خواهید شد.

رفقا، در این مبارزه بدون مرز همیشه به پیش! شما همراه خلق قهرمان ایران میدانید چگونه ایرانی انقلابی و دیکتاتیک بسازید. خون قهرمانان شهید مثل گلهای سرخ زیبای طبع، بیادلت، و آزادی در ایرانی که بخاطر آن شهید شدند، شکوفا خواهد شد.

- آزادی برای تمام زندانیان سیاسی ایران و شیلی!

- مرگ بر پیدوشه، خمینی و امپریالیسم آمریکا!

- زنده باد مبارزه خلق قهرمان ایران!

- زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!

- زنده باد انترناسیونال پرولتری!

- زنده باد همبستگی انترناسیونال!

شما راه رهاشایی، مبارزه است.

جنبش انقلابی چپ شیلی

(میر)

فوریه ۱۹۸۴

پیام راه انقلابی ترکیه

دروغهای انقلابی "راه انقلابی ترکیه" به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت چهاردهمین سالگرد قیام سیا هکل، سیزدهمین سال بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پنجمین سالگرد قیام بهمن ماه، رفقا،

تعرضات امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در منطقه خاورمیانه و در سراسر جهان در اشکال مختلفی شدت یافته است. حملات علیه جنبش آزادیبخش فلسطین، تجاوز مریان در لبنان و توسعه نقش بورژوازی ترکیه در خاورمیانه بعنوان حامی منافع امپریالیسم آمریکا، همه نشانههایی از این تعرض میباشد. بازگشت به "دمکراسی" در ترکیه، که مدتیست از سوی دیکتاتوری فاشیست در راه سازماندهی فاشیسم متشکل شده تحت لوای رژیم غیرنظامی سیز باید از این دریچه، که این هم در واقع بخشی از تعرض امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه است، نگریست. این تعرض شامل سرکوب جنبش رهاشایی بخش کردستان، و همچنین سرکوب مردم ایران و دیگر خلقهای تحت ستم منطقه نیز میباشد.

از این رو، استحکام چهارجوب سازمانی بر میثای رهنمود مارکسیست - لنینیسم امری حیاتی برای پیروزی بر امپریالیسم و دست نشاندهگان داخلی اش میباشد. همچنین، همبستگی بینالمللی مستحکم در راه رهاشایی خلقهای تحت ستم ما، حاضر اهمیت بسزایی است و این است پایه و اساس سازمان چریکهای فدائی خلقی. سیا هکل و قیام بهمن دوشهر بهملکبر پیکر رژیم دست نشانده امپریالیسم دیکتاتوری شاه بود که باید سرخس شود برای نیروهای خلقی در امر پیشبرد مبارزات به سطوح بالاتر و سرکونی قدرت طبقات حاکم و در عین حال غاصه دادن به زندگی امپریالیسم در کشورهای ما و برقراری دمکراسی های خلقی در راستای سوسیالیسم با شعار قاطعانه: **جنگ تا رهاشایی**.

- مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ایران، مرگ بر فاشیسم در ترکیه و مرگ بر امپریالیسم
- سیا هکل، روشکر راه ما بسوی انقلاب
- زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی
- زنده باد فدائی، زنده باد "دوریمچی پول" ("راه انقلابی")

۱ فوریه ۱۹۸۴





آکسیون نمایشگاه عکس و میز کتاب توسط رفقای هوادار سازمان در اینسبروک - اوست

بمناست فرا رسیدن چهاردهمین سالگرد حماسه سیاهکل و پنجمین سالروز قیام بهمن ماه، از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اطریش، هوادار سففا، مراسمی در تاریخ جمعه دهم فوریه در شهر وین برگزار گردید. برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت بیهاد شهدای خلق آغاز شد. این برنامه شامل قطعات مختلف هنری - سیاسی از جمله سرود، دکلمه، تئاتر، فیلم، اسلاید شو و مقاله بود. این برنامه با موفقیت کامل به پایان رسید. لازم به توضیح می باشد که این گونه آکسیونها از طرف هواداران - سازمان، در شرایط جو پاسو وین انجام گرفته و میگیرد و تنها آکسیون در قبال آکسیونهای ارتجاعی ضد انقلاب مغلوب (بختیاری ها) و ضد انقلاب فعلی (مبارت) از سوی هواداران نیروهای انقلابی است.

رفقای هوادار سازمان در وین (اطریش) همچنین در رابطه با سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام پرشکوه بهمن، اعلامیه های پخش نمودند که بخشی از آنرا در اینجا نقل میکنیم:

"سیاهکل سنت مبارزه قهرآمیز را در جامعه تثبیت کرد و بجای فرهنگ بی عملی و سازشکاری، فرهنگ نوین مبارزاتی را بارور نمود. سیاهکل نابودی رژیم وابسته پهلوی را در مبارزه قهرآمیز توده های میدانست و برخلاف دیدگاههای ایده آلگیتی با ضرور عناصر متکور رژیم نمیتوانست تعادل نیروها را به نفع خود برهم زند. سیاهکل فصل نویسی در تاریخ مبارزاتی توده های - جنبشمان گشود..."

در قسمت دیگری از این اعلامیه - میخواهیم:

"رفقا و دوستان: اگر آزادی و صلح میخواهیم، اگر دشمن امپریالیسم و رژیم وابسته به آن در ایران هستیم و اگر حامی توده های تحت تسلط ایران میباشیم، باید به نیاز جنبش که همانا همگامی و همکاری با آن می باشد، پاسخ دهیم. باید خواهیهای طلایی امپریالیستها و سلطنت طلبان ضد - انقلابی را به کابوس تبدیل کنیم. باید - مشی بورژوا فرمیتی شورای ملی مقاومت را افشا نمائیم، باید قاطعانه با - رویزونیسم مبارزه و از درون جنبش طرد نمائیم. باید انحرافات بسیار اساسی و ماهیت غیر پرولتری حزب با مصلح کمونیست و با مصلح سراسری را افشا کنیم. باید دیدگاههای ناسیونالیستی خرده بورژوازی این حزب جدید را که برای هر خلق "حسب اصولی" ویژه خاصی قائل است، افشا کنیم.

باید بگوئیم که تشکیلات سیاسی منطقه ای نمیتواند مصوبات حزب با مصلح سراسری را به رای نمایندگانش گذارده و بعدا اجرا کند. باید اتفاق در برنامه اش را بر سر ملی و معادله کردن سرمایه های انحصاری افشا کنیم. باید بجای برخورد متافیزیکی، آوا برخورد دیالکتیکی به پدیده ها بکنیم. باید حول برنامه عمل انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آئیم و به حمایت از این سازمان برخیزیم. باید به امکان پیروزی ایمان داشته و پیگیر آن به اهداف این سازمان انقلابی را که به سلاح آیدولوژیک پرولتاریا مسلح است و برای جامعه ای فارغ ازستم طبقاتی مبارزه میکند، تبلیغ نمائیم."

آمریکا - میامی

انجمن دانشجویان ایرانی در میامی، هوادار سففا برنامه ای بمناست بزرگداشت قیام بهمن ماه و حماسه سیاهکل در روز ۲۲ فوریه برگزار نمود. در این برنامه تعدادی از ایرانیان مقیم میامی و برخی از هواداران دیگر سازمانهای انقلابی شرکت کردند. در ابتدای برنامه، رفقای هوادار میامی در مورد قیام بهمن ماه و حماسه سیاهکل قرائت نمودند. سپس ترانه سروده های اجرا شد و اشعاری نیز دکلمه گردید. در این برنامه رفقای هوادار برای اولین بار در آمریکا فیلم "حرف بزن، ترکمن" را نمایش دادند که مظهرم اشکالات تکنیکی، مورد استقبال فراوان واقع شد. همچنین رفقا با نمایش اسلاید شو توانستند به افشای سیاستهای رژیم پرداخته و جنبش نویسی انقلابی ایران را به حصار معرفی نمایند. رفقای هوادار همچنین با پخش اعلامیه و

گذاشتن میز نشریات، به تبلیغ مواضع سازمان پرداختند. این برنامه با موفقیت تمام به پایان رسید.

آمریکا - مینیا پولیس

انجمن دانشجویان ایرانی در مینیا پولیس هوادار سففا، برنامه ای جهت بزرگداشت قیام با شکوه بهمن و حماسه سیاهکل در روز شنبه ۲۵ فوریه برگزار نمود. برنامه بزرگداشت با قرائت مقاله ای در مورد قیام بهمن و چشم انداز آینده جنبش انقلابی شروع شد. رفقا با ارائه تحلیل از قیام و دلایل به گمراه رفتن آن، بر ضرورت انجام بحثهای تشویریک و سیاسی حول مسائل سرم جنبش با هواداران دیگر نیروها، بخصوص هواداران مجاهدین که از شرکت کردن در هرگونه بحثی خودداری میکنند، تاکید کردند. در ادامه برنامه فیلم "حرف بزن، ترکمن" به نمایش گذاشته شد که مورد استقبال فراوان قرار گرفت. سپس رفقا برای معرفی جنبش نویسی کمونیستی ایران، مقاله ای در مورد تاریخچه مختصر سیاهکل قرائت کردند. اسلاید شو قیام و سیاهکل در این برنامه نشان داده شد. همچنین نمایشگاه عکس از جنایات مزدوران رژیم در فیلیپین به معرفی سایش گذاشته شد.

آمریکا - نیویورک

مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل در شهر نیویورک در تاریخ ۴ فوریه برگزار گردید. این برنامه شامل سخنرانی به زبان فارسی و انگلیسی در مورد قیام و اوضاع کنونی جنبش اسلایدشو، سرود و فیلم سخنرانی رفیق سعید سلطانپور در بهشت زهرا

بود. در این برنامه نیروهای بین المللی از جمله هواداران مهر شیلی، فارابوندو - مارتی و راه انقلابی ترکیه شرکت نمودند که پیام همبستگی آنها نیز قرائت شد. هواداران نیروهای انقلابی ایرانی نیز در این برنامه شرکت کردند.

آمریکا - کلمبوس

در تاریخ اول مارس مراسمی از طرف هواداران سچفا به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن برگزار شد. این برنامه شامل مقاله‌ای در مورد وضعیت زنان در ایران به زبان انگلیسی، نمایشگاه عکس در مورد زنان ایران، فیلم تظاهرات زنان در مالدور ۸ مارس در سال ۱۳۵۷، بود. در پایان بحثی پیرامون مسئله زن در گرفت که شرکت کنندگان بطور خلاصه در آن شرکت کردند.

آمریکا - بوستن

در ۱۷ فوریه مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل توسط هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بوستن برگزار گردید. این برنامه شامل سخنرانی‌ای در باره اهمیت رستاخیز سیاهکل و پیوند آن با جنبش خلق و کمونیستی، اسلایدشو در حمایت از زندانیان سیاسی و فیلم‌ها و بود. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان روبرو شد.

آمریکا - شیکاگو

از طرف شورای هماهنگی سازمانهای دانشجویان ایرانی در شیکاگو، برنامه بزرگداشت سیاهکل و قیام، در تاریخ ۱۲ فوریه برگزار شد. در این برنامه که پیش از حد نفر در آن شرکت کرده بودند، ابتدا پیام سازمانهای دانشجویی خوانده شد. همچنین نمایشنامه‌ای در افشای جنایات رژیم اجرا گردید. فیلمی در مورد انقلاب نیکاراگوفه نیز نشان داده شد. در فواصل برنامه‌های مختلف، آهنگ‌های محلی نیز اجرا گردید.

آمریکا - لس آنجلس

در تاریخ ۱۱ فوریه، مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل از طرف هواداران سازمان در شهر لس آنجلس، برگزار گردید. در این برنامه پیام نیروهای انقلابی (بیرا) لمللی از جمله هواداران فارابوندومارتی و... قرائت گردید. سخنرانی‌ای نیز تحت عنوان درسهای قیام بهمن انجام گرفت که در آن به وضعیت کنونی جنبش انقلابی و وظایف جنبش

کمونیستی اشاره شد. در پایان فیلمی در مورد السالوادور نشان داده شد.

کانادا - مونترال

برنامه بزرگداشت قیام و سیاهکل در تاریخ ۹ فوریه با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر در مونترال - کانادا، برگزار شد. در این برنامه مقاله‌ای در مورد قیام و سیاهکل قرائت شد. هواداران نیروهای انقلابی خارجی از جمله هواداران فارابوندومارتی، میر شیلی و گروه "اقتضای بر علیه دیکتاتوری مارکونی در فیلیپین" نیز فعالانه در این برنامه شرکت کردند و هنرمندان گروه اخیر به اجرای ترانه‌های فولکلوریک فیلیپینی پرداختند. آنگاه پیام نیروهای بین المللی قرائت گردید. رفقای فارابوندومارتی نیز به اجرای رقص السالوادوری پرداختند. سپس گروه هنری انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال، هوادار سچفا، رقص کوراوغلی را اجرا نمود. در این برنامه پیام همبستگی هواداران راه کارگر نیز قرائت گردید. سپس اسلاید شو قیام و سیاهکل نشان داده شد. در پایان پان تومیم کارگر، دهقان، دانشجو اجرا شد که مورد استقبال حضار قرار گرفت.

هند

کنفرانس سراسری فدراسیون محلیین هند (S.F.I.) از تاریخ ۲۲ تا ۲۶ ژانویه بمدت ۴ روز و با شرکت نزدیک به هزار و دویست نماینده از سراسر هتم برگزار گردید. فدراسیون محلیین هند بزرگترین تشکل دانشجویی در این کشور است که دارای بیش از یک میلیون و صدهزار نفر عضو میباشد. در این کنفرانس علاوه بر نیروها و شخصیت‌های هندی، نمایندگان از سازمان آزادیبخش خلق جنوب غربی آفریقا (SWAPO)، کنگره ملی آفریقا (ANC)، سازمان جوانان انقلابی کامبوچ، اتحادیه دانشجویان مرفی نیال، اتحادیه دانشجویان بنگلادش، سازمان جوانان افغانستان و سازمان دانشجویان ایرانی در هند هوادار سچفا شرکت داشتند.

از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در هند، پیامی در محکومیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در این کنفرانس قرائت گردید. علاوه بر پیام، جزواتی در رابطه با خیانت‌های تاریخی حزب شده، مصوبات اولین کنگره سچفا، برنامه عمل سازمان، پوستر و تقویمی که از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در هند تهیه شده بود، در سطح نمایندگان شرکت کنندگان توزیع گردید.

در پایان کنفرانس قطعنامه‌ای در رابطه با تجاوزات امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در گرانادا، کشورهای آفریقا، آمریکای لاتین، آمریکای مرکزی، کامبوچ، افغانستان، بنگلادش، نیپال و غیره و همچنین محکومیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کشتار، زندانی و شکنجه انقلابیون، از طرف سازمانهای شرکت کننده به تصویب رسید.

آلمان

برگزاری شبهای همبستگی با خلق قهرمان کرد در آلمان

جهت حمایت از مبارزات حق طلبانه خلق کرد و افشای هرچه بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی، سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سچفا در آلمان، هواداران چریکهای فدائی خلق (ارتش‌هاشمی) و هواداران وحدت کمونیستی در آلمان تصمیم به برگزاری شبهای همبستگی در شهرهای مختلف آلمان نمودند. این مراسم که تاکنون در شهرهای ماینز هایدلبرگ، فرانکفورت - گودینگن - کلن برگزار شده است مورد استقبال بی سابقه نیروها و عناصر مرفی ایرانی و خارجی قرار گرفت. شبهای فوق در برخی از شهرها به صورت یکپارچه به دیگر نیروهای ایرانی موجود در شهر برگزار شد. بعنوان مثال در فرانکفورت هواداران کومله - راه فدائی - سازمان دانشجویان کردهای مقیم خارج از کشور نیز در برگزاری مراسم شرکت نمودند. این مراسم در شهرکلن با شرکت هواداران حزب دمکرات کردستان و ایرانیان مرفی شهر کلن برگزار شد. شبهای کردستان در آیتده نیز در شهرهای برنهاینور نیز برگزار خواهد شد.

آهانگر

انگلستان
AHANGAR
C/O BOOKMARKS,
265 SEVEN SISTERS ROAD
LONDON N4 ENGLAND

آمریکا
AHANGAR
2265 WESTWOOD BLVD #256
L.A. CA. 90064 USA

بهای اشتراک

آمریکا - ۱۰ شماره ۱۵ دلار

انگلستان - ۱۳ شماره ۵ پوند

برای دریافت نشریه سیاسی - فکاهی "آهانگر" با آدرس‌های فوق تماس بگیرید

برزیل روز ۲۵ ژانویه حدود ۲۵۰ هزار تن از مردم برزیل در خیابانهای ساپولسو، بمنظور محکوم ساختن رژیم نظامی این کشور، دسته به تظاهرات گسترده ای زدند. تظاهر کنندگان خواهان برکناری حکومت نظامی ۲۰ ساله و انتخابات آزاد شدند. ساپولو با ۱۲ میلیون جمعیت، یکی از مراکز صنعتی برزیل است. سال گذشته این شهر بر اثر اعتراض بیکاران با بحران شدیدی روبرو گردید. اقتصاد برزیل که از جانب کشورهای امپریالیستی در سال ۱۹۷۰ "اقتصاد معجزه-آمیز" نام گرفته بود، هر روز با بحران عمیق تری روبرو میگردد. تولیدات ۱۵٪ پائین آمده و تورم به مرز ۲۱۱٪ در سال رسید. بدهی های برزیل به صندوق بین المللی پول در حدود ۹۲ بیلیون دلار میباشد. این مسئله از یک طرف با پائین آمدن سرمایه آور دستمزد کارگران و از طرف دیگر با بالا رفتن مواد غذایی و سایر مواد مورد نیاز روزانه مردم، همراه بوده است.

اروگوئه

روز ۱۹ ژوئن حدود ۱۰۰۰۰ تن از کارگران که از طرف ۱۵۰ اتحادیه کارگری بسیج شده بودند، در شهر مونته ویدئو، به خیابانها ریختند و دسته به تظاهرات زدند. این تظاهرات که در تاریخ اروگوئه بی سابقه بود، با عکس العمل شدید ارتش و پلیس ضد شورش اروگوئه روبرو شد. خواسته های تظاهر کنندگان شناسایی حقوق اتحادیه های کارگری آزادی زندانیان سیاسی، برقراری دیکراسی در کشور، مبارزه با کمبود اوراق و مواد اولیه روزمره مردم و پائین آوردن قیمت نان بود.

السالوادور

دو فروند هلیکوپتر نظامی آمریکا در تاریخ ۱۸ فوریه در حین اجرای عملیات نظامی بر فراز یکی از ایالت های السالوادور که در کنترل چریک های فارابوندو مارتینی بود، سقوط کردند. سخنگوی چریک های انقلابی ضمن انتشار بیانیه ای اعلام کرد "یکی از هلیکوپترها بوسیله آتشبارهای چریکها مورد اصابت گلوله قرار گرفت که در حین سقوط به هلیکوپتر دیگر برخورد کرد و منجر به سقوط هلیکوپتر دومی شد. بنا به گزارش مقام های دولتی السالوادور، این حادثه در چهار سال جنگ بین نیروهای دولتی و چریک های فارابوندو مارتینی، سابقه نداشته است. در این حادثه ۲۸ تن از نیروهای نظامی دولتی کشته شدند.

روز ۶ فوریه، اتحاد جماهیر شوروی تشکیل کمیته همبستگی برای دفاع از مبارزه خلق های آمریکای لاتین بر علیه تجاوز نظامی آمریکا را اعلام کرد. در همین رابطه، خبرگزاری تاس از قول یکی از اعضای کمیته همبستگی اظهار داشت که "تحرکات حاضر علیه نیکاراگوئه، دخالت آشکار آمریکا در السالوادور و اخیرا تجاوز نظامی آمریکا در گرانادا، همه مدارکی هستند دال بر اینکه، استقلال کشورهای آمریکای لاتین و دیگر شفاط جهان، بدلیل رشد بی سابقه نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی، در خطر است."

رابرت وایت، سفیر سابق آمریکا در السالوادور (بین سالهای ۸۰ و ۸۱)، در روز ۲ فوریه اعلام کرد که دولت آمریکا از سه سال پیش میدانش که انقلاب سان السالوادور را، روبرو اوپوایسون، رهبر راستپسای افراطی السالوادور به قتل رسانده است و در سال ۸۰، ۲ نفر را اجیر کرده بود که اسقف سان السالوادور، آقای اسکات رنولفو رومرو را به قتل رسانند. سفیر سابق آمریکا در السالوادور همچنین اعلام کرده است که دولت آمریکا از سه سال پیش میدانش که این ثروتمندان السالوادوری هستند که از میامی "جوخه های مرگ" را سازماندهی میکنند، از لحاظ مالی تامین میکنند و از لحاظ سیاسی رهبری میکنند. وی نام رهبران اصلی این جمعیت را افشا کرده است.

نیکاراگوئه

بدنبال اعلام برگزاری انتخابات آزاد از جانب رژیم انقلابی نیکاراگوئه و اعلام اینکه کلیه مخالفین دولت به جز طرفداران سامورا و اعضای گارد ملی سامورا حق شرکت در انتخابات را دارند، روز سه شنبه ۲۱ فوریه در تظاهراتی که با شرکت بیش از ۵۰۰۰۰ تن به مناسبت سالگرد مرگ آگوستا - سزار سانچس، قهرمان انقلابی نیکاراگوئه در شهر ماناگوا برگزار گردید، ۵۰۰۰۰ نفر در رهبر دولت انقلابی سانچس ها روز - برگزاری انتخابات را ۲ نوامبر اعلام نمود. اورتگا در سخنرانی خود حداقل سن برای رای دهندگان را ۱۶ سال اعلام نمود و گفت که رئیس جمهور و نائب رئیس جمهور و ۹۰ تن از اعضای مجلس قانونگذار تا روز ۱۵ ژانویه ۱۹۸۵ انتخاب خواهند شد. دولت انقلابی نیکاراگوئه تعهد نموده است که به کلیه کاندیداها و افرادی که مایل به شرکت در انتخابات سرتاسری باشند، وقت مساوی در

تلویزیون و سایر وسائل ارتباط جمعی بدهد.

گواتمالا

نقل از یوشایتندپرس و اینفوپرس: "یک واحد چریکی از "سازمان انقلابی خلق ملخ" (ORPA) با نارتجک به کاج ریاست جمهوری گواتمالا حمله کردند - مهاجمین موفق به فرار شدند."

هندوراس

لوموند ۴ فوریه: واینسگر، وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که پنتاگون قصد دارد یک نیروی ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفری از ارتش آمریکا را بطور دائمی در هندوراس نگه دارد. از طرف دیگر مجلس نمایندگان آمریکا در یک گزارش منتشر شده، پنتاگون را متهم کرده است که بدون اجازه کنگره آمریکا، در هندوراس - تاسیسات نظامی ایجاد کرده است.

پرو

روز ۲ فوریه، در شهر لیما (Lima) پایتخت پرو، تظاهرات وسیعی با شرکت دانشجویان پروی برگزار شد. در این تظاهرات دانشجویان بر علیه بالا رفتن کرایه اتوبوسها دسته به اعتراض زدند. دانشجویان با درست کردن باریکادها در خیابانهای شهر لیما، به مقابله با پلیس ضد شورش پرداختند. دو هفته قبل از این حادثه، اتوبوسها بوسیله دانشجویان محاصره شد. که آنها را به محوطه دانشگاه بردند. دولت پرو کرایه اتوبوسها را ۲۰ تا ۲۵٪ افزایش داده است.

افریقا

مراکش

مدها هزار تن از مردم مغرب در اعتراض به گران شدن قیمت نان، شکر و سایر کالاهای مورد نیاز در شهرهای مختلف مغرب از جمله تطوان، اوچادا، ناور، صمیه - کسراکبیر، دسته به تظاهرات وسیعی زدند. آنها در شهر صمیه ۱۰۰ هزار تن در تظاهرات علیه دولت سلطان حسن، پادشاه مغرب شرکت داشتند. در شهر تطوان ۵۰۰۰ نفر از نیروهای دولتی و ارتش برای سرکوبی و مقابله با تظاهر کنندگان به خیابانهای شهر ریختند. بطوریکه در زد و خورد بین مردم و نیروهای دولتی، حدود ۱۰۰ کشته و تعداد زیادی نیز مجروح شدند. این تظاهرات بدنبال اعتراضات و شورشهای اخیر مردم تونس بر علیه گرانسی نان صورت گرفت.

نگاهی به اوضاع مراکش

طبق آمار بانک بین المللی توسعه، بیش از ۴۵٪ جمعیت این کشور در فقر مطلق زندگی میکنند، یعنی حتی قادر به پرداخت حداقل پولی نیستند که از لحاظ جسمی زنده بمانند. در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد مردم بیگارند که ۸۰ درصد این تعداد از جوانان میباشند. بیگاران از هیچگونه کمک دولتی برخوردار نیستند و اگر کمک خانواده‌هایشان نباشد، از گرسنگی تلف میشوند. از سال ۱۹۷۰ هر ساله ۲۵۰ هزار کشاورز از زمین‌هایشان بیرون رانده شده‌اند. اقتصاد مغرب بدون حمایت صندوق بین المللی پول بیش از یکروز نمیتواند روی پای خود بیايست. بدهی‌های خارجی این کشور حدود ۱۰ بیلیون دلار است که ۸۰٪ درآمد ناخالص ملی را تشکیل میدهد. بخاطر بالا بودن درصد بهره، هر بار دولت مجبور است که زیر بار قروض جدیدتری رود تا قرض قبلی را پرداخت نماید. تنها راه حلی که صندوق بین المللی پول برای این اقتصاد ورشکسته دارد، همان ادامه استعمار مردم زحمتکش است، چرا که این راه حل چاره را تنها در بالا بردن قیمت آن اجناس میداند که تنها زحمتکشان و کارگران آنها را مصرف میکنند. نان، شکر، حبوبات موادی هستند که بالا رفتن قیمت آنها موجب کاهش مصرفشان میگردد که این خود "راه حلی" است که دولت قروض خود را پرداخت نماید.

دولت سلطان حسن حدود ۸ سال است که در بحران فزاینده دست به جنگ توسعه طلبانه‌ای زده است. این جنگ روزانه ۱ بیلیون دلار یعنی ۴۵ تا ۵۰ درصد بودجه دولت را بخود اختصاص داده است. بدهی مغرب تنها به فرانسه در زمینه وسایل نظامی شگفتانگین، ۲ بیلیون دلار میباشد. از طرفی مغرب وسایل نظامی پیشرفته‌تری که فرانسه قادر به تولید آنها نیست از آمریکا دریافت میکند. این ابزار جنگی شامل رادارهای جاسوس پیشرفته میباشد که آمریکا بخاطر نشان ناخفته است که مغرب کلیه وام‌های مورد نیاز برای تهیه این وسایل را از صندوق بین المللی پول دریافت خواهد نمود و - درموضع آمریکا به ایجاد پایگاه‌های نظامی زیادی از جمله پایگاه نیروهای واکنش سریع، پست‌های کنترل کننده، پایگاه‌ها بمنظور عملیات مشترک نظامی با همکاری مستقیم ارتش مغرب (که آشکارا علیه لیبی انجام میگردد) خواهد پرداخت. گذشته از این، سلطان حسن از دوستان بسیار نزدیک یزادران راکفلر، ریگان و میشران، رئیس جمهوری فرانسه میباشد. اگرچه سلطان

حسن بخاطر پشتیبانی امپریالیسم فرانسه و آمریکا، توانسته است موقتا صدای اعتراض توده‌ها را خاموش کند، ولی اعتراضات اخیر یک پیروزی برای مردم مغرب محسوب میشود زیرا سلطان حسن را مجبور ساخت تا در تلویزیون اعلام نماید که برای آخرین بار قیمت اجناس را بالا نمیرد.

الجزایر

لوموند ۵ و ۶ فوریه: در سال ۸۲ شرکت‌های فرانسوی با الجزایر مجموعاً ۲۵ میلیارد فرانک قرار دادهای مختلف منعقد کرده‌اند. میزان این قراردادها در سال ۸۲، ۱۵ میلیارد فرانک بوده است.

آفریقای جنوبی

در اولین روزهای سال ۱۹۸۴، بزرگترین اتحادیه کارگری شیاهان در آفریقای جنوبی دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. این اعتصاب که با شرکت ۸۶۰۰ کارگر شروع شد، از جانب اتحادیه کارگری پتروشیمی که بزرگترین شرکت نفتی و تهیه مواد شیمی در آفریقای جنوبی میباشد، سازماندهی شده بود. در روز ۱۶ ژانویه در شهر ترانسوال (Transvaal) حدود ۵۰۰۰ کارگر به منظور اعتراض به پاشین آوردن دستمزدها، دست از کار کشیده و محل کار خود را ترک نموده، بدنبال این حرکت، ۲۵۰۰ کارگر دیگر نیز در یکی از نواحی این شهر به کارگران اعتصابی پیوستند. دو روز بعد از اعتصاب، کلیه کارگران یک شرکت دیگر بنام Umbogintwini به نشانه همبستگی و دفاع از خواسته‌های کارگران اعتصابی دست از کار کشیدند.

مصر

جبهه پولیساریو اعلام کرد که اگر آمریکا و فرانسه به دولت مراکش اسلحه نفروشند، دولت مراکش نخواهد توانست در مقابل مبارزات جبهه پولیساریو دوام آورد.

چاد

ارتش فرانسه منطقه تحت کنترل خود در چاد را تا ۱۰۰ کیلومتر بطرف شمال گسترش خواهد داد و نیروهای فرانسوی مجاز خواهند بود بدون اخطار قبلی به روی هر کسی که از این مرز ممنوعی عبور کند، شلیک کنند تا بتوانند از نفوذ نیروهای مخالف رژیم به منطقه تحت کنترل ارتش فرانسه جلوگیری کنند. دولت لیبی نیز اعلام کرده است که هیچگونه نیروی در چاد ندارد و این خود چادی‌ها هستند که با حضور ارتش فرانسه در چاد مخالفت می‌روند و در نتیجه این دولت فرانسه است که در امور داخلی چاد مداخله میکند.

آسیا

پاکستان

صدا تن از دانشجویان پاکستانی با بستن باریکاد و آتش زدن لاستیک‌های ماشین در دو شهر بزرگ پاکستان، اعتراض خود را به حکومت نظامی اعلام شده از جانب دولت ارتجاعی ضیاء الحق اعلام داشتند. این تظاهرات که بعد از ۲ روز پی در پی ادامه داشت، به منظور اعتراض به لغو اتحادیه‌های دانشجویی و معاذره اموال و بودجه این اتحادیه‌ها انجام گرفت. پلیس در شهر کراچی، با انفجار کارهای اشک‌آور به پراکنده کردن تظاهرکنندگان پرداخت و ۹۰ نفر از تظاهرکنندگان را دستگیر نمود. در همین رابطه در شهر لاهور نیز تظاهراتی برگزار شد که منجر به دستگیری ۱۲ دانشجو از جانب پلیس شد. این چندمین بار ظرف



Rally of 90,000 unemployed workers at Rio's Cathedral Plaza last September.

چند ماه گذشته است که اعتراضات اقشار مختلف مردم پاکستان بر علیه اعمال فشارهای روزافزون دولت ضیاء الحق با سرکوب شدید پلیس روبرو گردیده است.

ویتنام

پس از گذشت سه سال از برنامه ترمیم اقتصاد در ویتنام، در بخش تولیدات کشاورزی، رکود تولید مواد غذایی که در نتیجه جنگهای پی در پی این کشور بوجود آمده بود، شکسته شد. پنا به گفته سان، سفیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سازمان ملل متحد، این برای اولین بار در تاریخ ماست که مجبور نیستیم مواد غذایی را از خارج وارد کنیم. تولیدات سالانه مواد غذایی ۲۹٪ از سال ۷۵ تا بحال افزایش یافته و ۶٪ نیز به این مقدار ظرف دو سال آینده اضافه خواهد گردید. این یک موفقیت بزرگ در ارتباط با اولویتهای تعیین شده از جانب حزب و دولت ما محسوب میشود.

— سان، سفیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سازمان ملل در مورد سیاستهای بین المللی ویتنام گفت: "ما خروج تدریجی نیروهایمان را از کامبوج برای سال ۱۹۸۴ برنامه ریزی کرده ایم، شبیه این برنامه نیز در سالهای ۸۲ و ۸۳ انجام شده است. از طرفی نیروهای ما بموجب درخواست جمهوری دموکراتیک کامبوج در آنجا استقرار یافته اند. چرا که بعضی خروج نیروهای پل پوت مجددا در جهت تسخیر قدرت اقدام خواهند نمود و به سیاستهای ارتجاعی قبلی خود ادامه خواهد داد." سان در مورد روابط ویتنام با چین گفت: "روابط چین - ویتنام مسئله تازه ای نیست. گرچه ویتنام مدتهاست که خواهان برقراری روابط عادی با چین است، با این حال چین همواره سیاستهای خصومت

آمیز و دشمنی خود را علیه ویتنام ادامه داده و از ایجاد روابط عادی همواره خودداری ورزیده است."

هنگ کنگ

روز ۱۲ ژانویه سال جاری هنگ کنگ که مستعمره انگلستان میباشد، با یکی از بی سابقه ترین تظاهرات عیونت آمیز خود طی ۱۷ سال گذشته روبرو شد. مأموران پلیس با گاز اشک آور و باتوم برای درهم شکستن شورش هزاران جوانی که در منطقه پرجمعیت نزدیک ساحل جنوب غربی شبه جزیره کولون، به غارت فروشگاهها و آتش سوزی دست زده بودند، وارد صحنه شدند. شورش در اوج - اعتصاب دو روزه تاکسیدان روی داد که تقریبا عبور و مرور در هنگ کنگ را فلج کرده بود. رانندگان تاکسی به نشان - اعتراض به افزایش ناگهانی و زیاد هزینه های مربوط به گرفتن جواز و شماره، چهار راهها را مسدود کردند و اتوموبیل ها را از حرکت بازداشتند. هنگ کنگ جزه مستعمره انگلستان میباشد که تقریبا جزه خاک کشور چین محسوب میشود. در حال حاضر این کشور در رهن انگلستان است و در سال ۱۹۹۷ مدت رهن آن به پایان میرسد. در همین رابطه، دولت چین اعلام کرده است که قصد دارد اداره امور هنگ کنگ را در سال ۱۹۹۷ بار دیگر خود در دست گیرد.

فیلیپین

در تاریخ ۱۸ ژانویه، هزاران تن از مردم فیلیپین به منظور اعتراض به رژیم وابسته به امپریالیسم مارکوس در خیابان - مانیل به تظاهرات پرداختند. این اعتراضات بدنبال تظاهرات قبلی برگزار شد و در آن مردم خواهان کناره گیری مارکوس از حکومت شدند. مارکوس بعد از به قتل رساندن آکیشو، قانونی را مبنی بر دستگیری

افراد بدون حکم بازداشت، صادر نمود. تظاهرات ۲۸ ژانویه در نزدیکی فرودگاه بین المللی مانیل انجام گرفت.

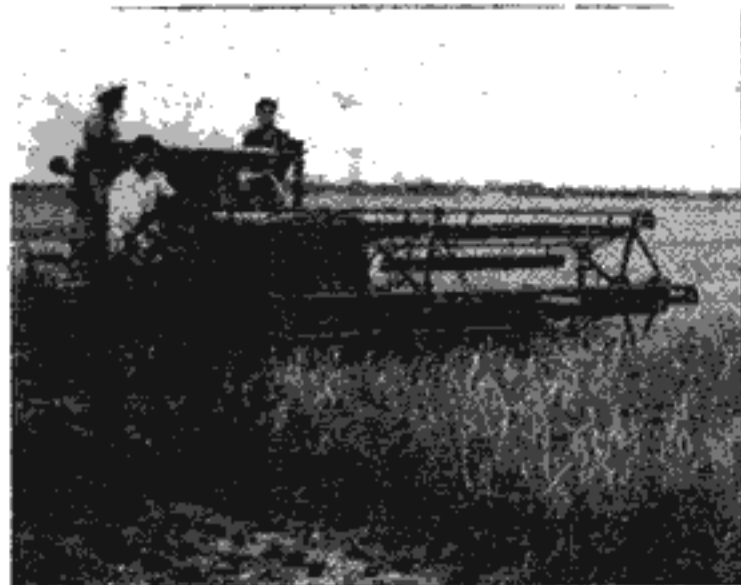
اروپا

اسپانیا

در حدود ۲۰۰ هزار نفر کارگر در سراسر اسپانیا با دست زدن به اعتصاب و راهپیمایی نسبت به از بین رفتن مشاغل و حرفه های صنعتی، اعتراض خود را به دولت نشان دادند. این اعتصابات و اعتراضات که از جانب اتحادیه های کارگری که اکثرا بوسیله کمونیستها رهبری میشود در کارخانه ها گشتی سازی و در بنادر ترتیب داده شده بود. بنا به گفته خبرگزاری های جهان این بزرگترین اعتصابات بود که تا بحال بر علیه دولت به اصطلاح سوسیالیست اسپانیا ترتیب داده شده بود.

نامیبیا: ... بنیه از صفحه ۲۱

کرده اند. حتی یک روز سم بدون درگیری نظامی بین نیروهای ما و اشغالگران سیری نمیشود. پلان (PLAN) نه تنها جای پای خودش را محکم کرده، بلکه قدرت خودش را در جنگ گسترده تر هم نشان داده است. نژاد پرستان آفریقای جنوبی نتوانستند از وسیع تر کردن و پیشروی نیروهای پلان در سراسر کشور جلوگیری کنند. مبارزان قهرمان موفق شدند که حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن را متوقف کنند و کماکان شیز دشمن را مجبور کنند که بخاطر اشغال نظامی کشورمان، قیمت گزافشتری را بپردازد. اخیرا پیروزیهای بزرگی از جانب نیروهای پلان که منجر به خسارت فراوانی به نیروهای دشمن شده، نصیب ما گردیده است. رژیم پرتوریا امروزه مجبور است که روزانه بیش از سه میلیون دلار خرج نیروهای نظامی اش کند تا منطقه اشغال شده کشورمان را نگه دارد.



Vietnam has become self-sufficient in food production.

نامیبیا: مبارزه برای استقلال اوج میگیرد



Invading South African troops in Angola. Pretoria's aggression is facilitated by expanded U.S. arms sales.

بدنبال حمله تجاوزگرانه نیروهای نژادپرست آفریقای جنوبی به بخشهای جنوبی خاک آنگولا و مقابله با چریکهای سواپو در اواخر دسامبر گذشته که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای دو طرف شد، اکثر کشورهای جهان خشم و تنفر خود را نسبت به حملات تجاوزگرانه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ابراز داشتند. سازمان ملل متحد نیز به دولت آفریقای جنوبی هشدار داد که باید هرچه زودتر مناطق اشغالی را ترک نماید. بدنبال این فشارها و انزجار مردم جهان، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی اعلام کرد که تا اواخر ژانویه نیروهای خود را از این مناطق بیرون خواهد کشید. ولی این بار نیز به گفته‌های خود عمل نکرد و مجدداً حملات جدیدی را بر علیه چریکهای سواپو در نواحی نامیبیا، بمنظور از بین بردن این جنبش ادامه داد. چندی قبل با تهدید اتحاد جماهیر شوروی در مورد دخالت نظامی و حمایت از جنبش سواپو و دولت انقلابی آنگولا، نمایندگان سه کشور آنگولا، آمریکا و آفریقای جنوبی روز ۱۶ فوریه در کشور زامبیا بمنظور آتش‌بس جنگ و اتخاذ تصمیم نهایی در مورد استقلال نامیبیا، پای میز مذاکره رفتند.

کشور نامیبیا (آفریقای جنوب غربی) که بین آفریقای جنوبی و آنگولا واقع گردیده است، ابتدا جزء مستعمرات آلمان بود و در سال ۱۹۲۰ زیر نفوذ آفریقای جنوبی قرار گرفت. اکثریت این کشور را سیاهان تشکیل میدهند. این کشور همواره زیر نفوذ رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قرار داشته است. چریکهای سواپو بعنوان تنها نماینده خلق نامیبیا، مدتهاست که برای سرنگون کردن این کشور و استقلالش به مبارزه خود ادامه میدهند که البته در این راه مورد حمایت کشورهای شرقی و سوسیالیستی منجمله کوبا، شوروی و آنگولا نیز بوده‌اند.

ما بمنظور آشنائی بیشتر خوانندگان "جهان" با جنبش خلق نامیبیا و شناختن از مواضع سواپو جنبش رهبری کننده این خلق، به بخشهایی از بیانات سام شانیونانا جوما، رئیس‌جمهور سواپو در کنفرانس بین‌المللی همبستگی با مبارزه خلق نامیبیا، که در تاریخ ۲۵ تا ۲۹ آوریل ۱۹۸۳ در ساختمان یونکو در پاریس و با شرکت بیش از ۵۰۰ نماینده از ۱۴۰ کشور، جنبش‌های

کار کمیته تشکیلات به کمیته مرکزی جدید ارائه داد.

در این گردهمایی اعضای شرکت‌کننده منشور و برنامه عملی را که برای ۵ ساله آینده طرح ریزی شده، به تصویب رساندند و رئیس‌جمهور دوره قبل سواپو را مجدداً انتخاب نمودند. همچنین ۱۱ عضو جدید به کمیته مرکزی اضافه شد.

جاء طلبی‌های امپریالیسم آمریکا در جهان

این کنفرانس در موقعیتی برگزار میشود که استقلال نامیبیا هنوز بدست نیامده است و دولت ریگان برای کسب خواسته‌های امپریالیستی‌اش در سراسر جهان، مردم محروم ما را بعنوان بخشی از این خواسته‌ها و منافع بیشتر، تحت‌استعمار و ستم فراوان قرار داده است. با این وجود، مردم مبارز ما مشتاقانه کنفرانس را زیر نظر دارند و امیدوارند که نتایج و قطعنامه‌های آن همبستگی و پشتیبانی عملی جامع بین‌المللی را برای مبارزه عادلانه در راه استقلال ملی، بدنبال داشته باشد. ما در سال ۱۹۸۰ در یکی دیگر از کنفرانسهای همبستگی با نامیبیا، امیدوار بودیم که تا سال ۸۳ کشورمان استقلالش را کسب کند. درست عین همان امیدواری‌ها بعد از کنفرانس بین‌المللی برای تحریم آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۸۱ در همین محل برگزار شد، مجدداً زنده گشت. عملکردهای تعرضی و تجاوزکارانه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی (رژیم پرتوریا) نتیجه مستقیم حمایت امپریالیسم آمریکا در این منطقه است که به این رژیم کمکهای نظامی میکند، طرف

از دبش و شخصیت‌های بین‌المللی برگزار گردید، اشاره میکنیم. رئیس‌جمهور نامیبیا در این کنفرانس به گردهمایی اخیر کمیته مرکزی، جاء طلبی‌های امپریالیسم آمریکا در جهان، استفاده نیروهای ارتجاعی از مزدوران آنگولائی و مسائل دیگر اشاره کرد. **گردهمایی وسیع کمیته مرکزی**

"این گردهمایی با شرکت ۱۲۸ نماینده از بخشهای رهبری ملی سواپو، رهبران ارتش آزادیبخش نامیبیا (PLAN) مسئولین بخشها و شاخه‌های سواپو در خارج، اتحادیه ملی کارگران نامیبیا (MURW)، نمایندگان ما که با سازمانهای بین‌المللی همکاری میکنند، نمایندگان محلی از قبیل مناطق جنگی، مرکز آموزشی و بهداشتی نامیبیا در جمهوری خلق آنگولا و جمهوری نامیبیا، و کارکنان درجه اول از مراکز لوازم، روسای سواپو و نمایندگان از مرکز ملی وندهوک، پایتخت نامیبیا برگزار شد.

دومین گردهمایی وسیع اعضای کمیته مرکزی عملکرد شش سال گذشته جنبش را که مرکب از تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های تصویب‌شده در اولین پلنوم کمیته مرکزی که در جولای ۱۹۷۶ در نامپوندو (Nampundwe) زامبیا برگزار شد، مورد بررسی انتقادی و تجزیه و تحلیل دقیق و همه‌جانبه قرار داد. برپائی این گردهمایی از طریق تدارکاتی که بوسیله کمیته تشکیلات و زیر نظارت کمیته ملی سیاسی (امروز پلیت-بورو نامیده میشود) انجام گرفته بود، در روزهای ۱۲ و ۱۵ آوریل ۱۹۸۳ برگزار شد. بعد از آن، پلیت‌بورو عقایدش را در مورد

به سال گذشته ما شاهد نظامی کردن هر چه بیشتر نامیبیا از جانب رژیم پرتوریا بودیم که آنجا را به پایگاه نظامی خود بدل نمود. نتایج مستقیم این سیاست ظلم و ستم هرچه بیشتر بر خلق نامیبیا بصورت قتل، آدم ربائی، شکنجه، حبس قتل عام افراد بیگناه در دهکده‌ها، تجاوزات و - عملیات وحشیانه مکرر بوده است. رژیم نژادپرست پرتوریا دست به یکسری تبلیغات وسیع حساب شده به منظور خرابکاری و متزلزل نمودن دولت‌هایی از قبیل آنگولا، موزامبیک، سوتو، زمبابووه، زامبیا، بوتسوانا و دیگر دولت‌های آفریقایی زده است و برای خرابکاری به نظریات گیتی، تعلیم و تبلیغ مزدوران و افراد تعصبی این کشورها پرداخته است.

اشغال بیخ‌های جنوبی آنگولا

رژیم نژادپرست پرتوریا و امپریالیست‌های حامی آن برای متزلزل کردن دولت جمهوری خلق آنگولا به سیاست‌های مختلف از جمله تحریم‌های سیاسی علیه آن، دست زده‌اند. با استفاده از منطقه اشغالی نامیبیا بعنوان پایگاه، رژیم آفریقایی جنوبی عملیات ضد انقلابی و خراب‌کننده و حملات نظامی بسیاری را داخل مرزهای آنگولا انجام می‌دهد. از طریق این حملات وحشیانه، رژیم نژادپرست از سال ۱۹۸۱ - منطقه جنوبی آنگولا را بشکل نظامی اشغال کرده است که بزودی با اشغال هرچه بیشتر این منطقه، ایجاد پایگاه‌های نظامی بیشتر در نامیبیا و بوجود آوردن منطقه سرور و وحشت، کلیه رژیم‌های مترقی این منطقه را در خطر قرار خواهد داد. با حمایت کشورهای امپریالیستی از تجاوزات رژیم نژادپرست، یکی از خواسته‌های برجسته مردم استعمار شده و ستم‌دیده این ناحیه، یعنی خودمختاری، آزادی و استقلال ملی زیر پا گذاشته شده است. از طرف دیگر این را نمیتوان نادیده گرفت که اردوگاه سوسیالیسم و دیگر کشورهای مترقی، مدافعین واقعی و دائمی ایده دمکراسی و پیشرفت واقعی خلق‌های استعمار شده و ستم‌دیده میباشند. آنها بر عکس دولتهای سرمایه‌داری که همواره حامی سیستمهای استعمار گرو و دولتهای ستمگر در سراسر جهان میباشند، عمل مینمایند.

نقش گروه‌های واسطه در مورد مسائل نامیبیا

میانجیگری گروه‌های واسطه دیگر کافی است! ما این کشورها را بخاطر قانونهای جنایتکارانه محکوم میکنیم و قولهای پیوج و بیانات دروغین آنها را در زمینه پیشرفت نامیبیا و رهائی آن از یوغ استعمار، رد

میکنیم.

حال قصد دارم کمی هم در مورد عمل کردن این گروه‌های با اصطلاح واسطه صحبت کنم. این گروه کشورها که همواره برعلیه ما و بنفع رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی نقش ایفا نموده‌اند، عبارتند از پنج قدرت غربی: کانادا، آلمان غربی، فرانسه، انگلیس و آمریکا که در شش سال گذشته، در موقعیت‌های مختلف عنوان کرده‌اند که حاضرند بعنوان گروه واسطه از طریق سازمان ملل برای خواسته اولیه نامیبیا، یعنی آزادی و استقلال واقعی، کمک کنند. تا بحال شورای امنیت یک برقا به اسکان مبنی بر قطعنامه ۴۳۵ (در سال ۱۹۷۸) را به تصویب رسانده است. اما این برنامه که همانا ایجاد زمینه‌هایی به منظور بحث در مورد استقلال نامیبیا میباشد، بوده است. در این رابطه، من از طرف کمیته مرکزی سوابو مامور شدم تا بطور واضح و مشخص اعلام کنم که جنبش ما تاریخچه تبادل نظر و عملکرد "گروه‌های واسطه" سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بررسی نموده است و به این نتیجه رسیده است که این گروه‌ها بجا تعویبات قطعنامه ۴۳۵ موافقتی ندارند. بخصوص کمیته مرکزی سوابو نشان داده است که دولت‌تاریگان با طرح این مسئله که استقلال نامیبیا با تخلیه نیروهای گوبائی از آنگولا عملی میباشد، باعث تحریک کردن نژادپرستان آفریقایی جنوبی و باعث تاخیر در استقلال و آزادی کشور ما شده است. کمیته مرکزی ما مشخصا این رابطه غیر عادلانه، مغرضانه و غیرمنطقی را که قابل شوال نیز هست، رد و شدیداً محکوم میکند. موضع سوابو این است که خلق ستم‌دیده نامیبیا بدون هیچگونه وقفه و بدون هیچگونه پیش شرطی حق استقلال دارد. از این رو سوابو به این نتیجه رسیده که هدف پنج قدرت غربی الغای قطعنامه ۴۳۵ (۱۹۷۸) شورای امنیت بطور عمده است. روی همین اصل است که این قدرتها بویژه دولت ریگان باید از عملیات تحریک‌کننده‌شان برای سوءاستفاده از گفتگوهای صلح نامیبیا، جلوگیری کنند.

بهمن خاطر ما از این مجمع عالی می‌خواهیم تا تصمیم‌های اخیر OAU کمیته آزادی و هفتمین گردهمایی سران کشورهای غیرمتعهد مبنی بر اجرای فوری قطعنامه ۴۳۵ مصوبه شورای امنیت را با استفاده از شوریه این سازمان در دستور کار خود قرار دهند.

تصمیم‌های اخیر امپریالیست‌های اروپا اشکالات زیادی را برای مبارزه خلق نامیبیا

بوجود آورده است. با اتخاذ تصمیم‌های ارتجاعی و مغرضانه و با تهیه کمک‌های مالی مستقیم، تحت نام‌های دروغین، به نیروهای مزدور آشکولائی و خودفروختگان در نامیبیا اشغال شده، و با در پیش گرفتن حمایت علنی از نیروهای پرتوریا، دست‌انها را در متزلزل کردن و تحریکات بر علیه رژیم آنگولا باز گذاشته‌اند. ما شدیداً کسانی که این تصمیم‌های ارتجاعی را گرفته‌اند، محکوم میکنیم و تصمیمات آنان را بعنوان عملیات مغرضانه بر علیه مردم آفریقا، رد می‌کنیم.

هیچ چیزی را نباید بفراوانی سپرد

قبل از اینکه صحبت را تمام کنیم، چنانکه متداول است و همینطور از صمیم قلب، از این فرصت استفاده کرده، همبستگی نظامی سوابو را با مردم در حال مبارزه آفریقایی جنوبی، تحت رهبری کنگره ملی آفریقا (ANC) که شاخه نظامی آن (Umkhontwesizwe) هر روزه ماشین نظامی رژیم نژادپرست را به مبارزه میطلبد، مردم صحرا (Sahrawi) تحت رهبری جبهه پولیساریو (Polisario Front)، مردم فلسطین تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) و شمام نیروهای غذا امپریالیستی و دمکرات جهان که در حال مبارزه برای آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی هستند، اعلام میدارم. در پایان اعلام میکنم که نیروهای مبارز نامیبیا به رهبری سوابو، تنها نماینده واقعی آنها، همیشه واقع بینانه و خونرد با سختی‌ها در طول مبارزه برخورد کرده و سعی در حل کردن تمام مسائل تا استقلال کامل نامیبیا میکنند. یکبار دیگر در مقابل این مجمع محترم جهانی قول میدهم که ما در مبارزه‌مان برای آزادی نامیبیا هیچ چیزی را بفراوانی نخواهیم سپرد. ما تا وقتی که رژیم نژادپرست حاضر به مذاکره برای استقلال نشود، به مبارزه نظامی ما ادامه خواهیم داد. ما کاری میکنیم که فرار اشغال سرزمین ما بیشتر از نفعش برای رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی باشد.

مبارزان قهرمان ارتش آزادیبخش نامیبیا (PEAN) مقاومت در مقابل تجمع نیروهای نژادپرست آفریقایی جنوبی در نامیبیا را ادامه میدهند و نیروهای دشمن را مجبور به عقب‌نشینی به منطقه ای وسیع از رودخانه زامبزی (Zambesi) در شمال شرقی کشورمان تا اقیانوس اطلس و از جبهه‌های شمالی تا محدوده ویندهوک (Windhoek) و تا عمق مرکز نامیبیا،

چگونه روز جهانی زن بوجود آمد

در هفتم مارس ۱۹۰۸ زنان کارگر - نساجی آمریکا طی تظاهرات وسیعی در نیویورک، خواهان پایان دادن به قوانین غیرانسانی ۱۲ ساعت کار روزانه برای زنان و کودکان شدند. در این تظاهرات خواستهای مانند عدم اشتغال کودکان در تولید، تقلیل ساعات کار در هفته و بدست آوردن حق رای زنان مطرح شد. این تظاهرات نقطه عطف جدیدی را در تاریخ مبارزات زنان آمریکا تشکیل داد و به آن چهره‌ای تازه ای و - پیشرو بخشید که مورد استقبال سایر زنان انقلابی جهان قرار گرفت.

در سال ۱۹۱۹ در کنفرانس بین‌المللی زنان در کپنهاگ، به پیشنهاد کلارا زتکین، چهره درخشان سوسیال دموکراسی آلمان و از پیشروان جنبش زنان، تصمیم گرفته شد که برای گرامیداشت مبارزات زنان کارگر نساجی آمریکا و مبارزه کلیه زنان زحمتکش جهان، هفتم مارس بعنوان روز جهانی زن شناخته شود و همه ساله به این مناسبت، در این روز، جشنها، کنفرانس‌ها و جلسات آموزشی و بسیجی ویژه برگزار گردد.

در سال ۱۹۱۱، روز جهانی زن از طرف انترناسیونال دوم رسماً پذیرفته شد و نخستین مراسم روز جهانی زن، در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار گردید. انتخاب این روز به علت اهمیت تاریخی آن در مبارزات پرولتاریای آلمان بود. در چنین روزی در سال ۱۸۴۸ (در جریان انقلاب ۱۸۴۸) امپراتور پروس در برابر نیروی عظیم توده‌ها و شورش کارگران سرغرد آورده و تعهد کرده بود که خواسته‌های آنها از جمله حق رای به زنان را بپذیرد (که البته بدان عمل نکرد). انترناسیونال دوم برای برگزینی روز جهانی زن، کوشش بسیاری نمود. در جریان تدارک مراسم این روز، مجله "رای برای زنان" در آلمان و مجله "روز زن" در اطریش منتشر شد و مباحثی در مورد "زنان و پارلمان"، "رابطه زن خانه‌دار و سیاست" و ... طرح گردید. و بدین ترتیب اولین مراسم بزرگداشت روز زن در کشورهای آلمان، اطریش، سوئیس و دانمارک با موفقیتی غیرمنتظره برگزار گردید و دامنه تظاهرات زنان به شهرهای کوچک و حتی روستاهای این کشورها کشیده شد. در بعضی نقاط پلیس به صفوف تظاهرکنندگان حمله نمود.

در سال ۱۹۱۳ مجدداً روز جهانی زن

به هفتم مارس انتقال یافت و از آن سال بعد این روز بعنوان روز جهانی زن در - تاریخ خلقهای جهان ثبت گردید. زنان مبارز روسی برای اولین بار "روز زن" را در هفتم مارس ۱۹۱۳ جشن گرفتند و علیرغم اختناق شدید حکومت تزاری، زنان در سن پترزبورگ و مسکو، جلسه‌های بحث و سخنرانی تشکیل دادند. از آن پس تصمیم گرفته شد که مجله‌ای به نام "زن کارگر" از طرف زنان مبارز روسی انتشار باید که البته پس از چندی تمامی اعطای شورای نویسندگان مجله به استثنای یک نفر، توسط پلیس تزاری دستگیر شدند. در روز هفتم مارس سال ۱۹۱۴ تنها عضو آزاد شورای نویسندگان مجله "زن کارگر"، آنا الیزا ووا، نخستین شماره مجله را به تنهایی انتشار داد و زنان را گرد شعار "حق رای برای زنان کارگر" بسیج کرد.

در سال ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ با آغاز جنگ جهانی اول، زنان پیشرو کوشش بسیار کردند که روز هفتم مارس "روز تظاهرات زنان بر ضد جنگ" اعلام شود اما به علت آشفتگی اوضاع اجتماعی و عدم درگاه‌های این مسئله و نیز خیانت برخی از گروه‌های سیاسی به مبارزات مردم، این تظاهرات انجام نشد. در سال ۱۹۱۵ "روز زن" تنها در نروژ برگزار گردید.

در روز هفتم مارس ۱۹۱۷، تظاهرات زنان روسی بر ضد جنگ و تزاریسم برگزار شد. توده وسیعی از زنان زحمتکش به خیابان‌ها ریختند تا بر ضد جنگ، گرسنگی، سرما و ... اعتراض کنند. کارگران مرد روسی با اعتصابات یکپارچه در پتروگراد از تظاهرات زنان پشتیبانی کردند. مجموعه این حرکات به تظاهرات سیاسی پرشوری علیه تزاریسم مبدل شد. این روز در تاریخ روسیه، روزی فراموش‌نشده است. انقلاب فوریه در این روز آغاز شد. یک هفته بعد، روزنامه - پرودا در مقاله‌ای با عنوان "روز بزرگ" چنین نوشت: "اولین روز انقلاب، روز زنان است، افتخار بر زنان باد، افتخار به این روز جهانی باد، افتخار بر زنانی که در - روز خود به خیابانهای پتروگراد گام نهادند."

در ایران نیز جنبش زنان پس از انقلاب مشروطه و بهروزی انقلاب اکتبر، در طی سالهای ۱۹۳۰ - ۱۹۱۹ گسترش و تکوین یافت. در این سالها جمعیت‌های گوناگون برای

کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در نقاط مختلف ایران تشکیل شد. در سال ۱۳۰۰ (شمسی) جمعیتی بنام "هیک سعادت" در گیلان (رشت) با انتشار مجله "هیک سعادت-نشان" اعلام موجودیت نمود. مؤسسين این گروه را جمیله مدیقی، سکینه شیرنگ، روشنگر نوعدوست و اوزاتوس یاریاب تشکیل میدادند. هفتم مارس بعنوان روز جهانی زن برای اولین بار در ایران به دعوت این جمعیت جشن گرفته شد. مقارن همین ایام به مناسبت روز جهانی زن، جمعیت دیگری بنام "نشان وطن خواه" برای اولین بار تظاهراتی با شعارها و اعتراضی بر علیه ستیکشیدگی زن به روی صحنه آورد. این تظاهراتی که "دختر قربانی" نام داشت، به کمیته میرزاده عشقی، شاعر آزادیخواه و حامی جنبش زنان ایران تهیه و اجرا گردید.

با استحکام و استقرار حکومت رضا شاه همه‌جامع مبارز و مترقی از جمله انجمنهای مختلف زنان نظیر "بیداری نشان"، "جمع انقلاب زنان"، "انجمن نشان" و ... منحل و سرکوب گشتند. پس از سقوط رضاشاه، بسا شکل گرفتن مجدد مبارزات زنان از جمله تشکیل "سازمان دموکراتیک زنان ایران" روز جهانی زن، جشن گرفته میشد و در شهرهای مختلف تلاش‌هایی در جهت بیداری و تشکیل مبارزات زنان علیه بی‌سوادی، فقر و ستم حاکم صورت میگرفت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و استقرار دیکتاتوری محمدرضاشاه، مبارزات امینیل زنان کاملاً سرکوب و منقرض گردید و بجای آن سازمانهای زنان ممنوعی و شمشاخه به ریاست اشرف پهلوی، شکل گرفت. در این دوره بجای روز جهانی زن، یعنی هفتم مارس (۱۷ اسفند)، روز ۱۷ دی، "روز زن" در ایران اعلام گردید.

با آغاز انقلاب ۱۳۵۷ (۱۳۵۷) و بدنبال سرنگونی رژیم سلطنتی پهلوی، بار دیگر جنبش زنان مجال شکوفایی یافت. اولین مراسم بزرگداشت هفتم مارس (۱۷ اسفند) در "بهار آزادی" ایران، همراه با تظاهرات وسیع با شکوه زنان در دانشگاه تهران برگزار گردید. این تظاهرات در عین حال اولین حرکت اعتراضی مردم را علیه سیاستهای ارتجاعی و ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی نظیر حجاب اجباری، قوانین اسلامی و ارتجاعی در مورد ازدواج و طلاق، محدودیت اشتغال بقیه در صفحه ۵۹

۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم و

برخورد به مسئله زن را محدود به گرامی‌داشت این روز نکنیم!

امروز هیچ نیروی شرقی و مردمی نیست که روز همبستگی جهانی زنان (۸ مارس) را به رسمیت شناخته و گرامی ندارد. بزرگداشت این روز بطور سبلیک نمودار این واقعیت است که علاوه بر مبارزه دوش به دوش زنان و مردان زحمتکش علیه استثمار و استثمار، مبارزات ویژه زنان در راه برابری و رهایی از ستم جنسی و مردسالاری از حقایق تاریخی برخوردار است. امروزه مبارزات سیاسی و فرهنگی زنان پیشرو در کشورهای مختلف شواسته است توجه هر نیروی آگاه سیاسی و اجتماعی را به مسئله زن جلب نماید. اما این نکته نیز مسلم است که نیروهای اجتماعی و سیاسی گوناگون، فراخور جایگاه طبقاتی، بینش و ایدئولوژی خود، برداشت، جهت‌گیری، برنامه و سیاست‌های متفاوتی نسبت به این مسئله دارند.

اگرچه دموکراسیم بورژوازی و نهفت مساوات طلبانه زنان، که بعد از رشد بورژوازی شکل گرفت، از لحاظ تاریخی آغازگر مبارزات آزادیخواهانه زنان بوده است، اما مارکسیسم و سوسیالیسم علمی اولین فلسفه و جریان اجتماعی بود که به برخوردی ریشه‌ای، جدی و انقلابی را نسبت به مسئله زن آغاز کرد. خواستهای پیشروان دموکراسیم بورژوازی و حامیان جنبش مساوات طلبانه زنان چه در غرب و چه در شرق و چه مرد و چه زن از جان استیوارت میل (John Stuart Mill) انگلیسی، سوزان بی. آنتونی (Susan S. Anthony) آمریکایی، آنا فیلسوفا (Anna Filosofova) روسی و... گرفته تا میرزا ملکم خان، میرزا جهانگیر مور اسرافیل، دهخدا، آخوندزاده، ایرج میرزا، بهار، بی‌بی‌خانم، مدیقه دولت‌آبادی، زنده‌ت شیرازی و... از حد خواستهای در مورد برخورداری زنان از یک سری حقوق بورژوازی و شهروندی نظیر حق رای، حق اشتغال و حق تحصیل و غیره فراتر نرفت. حامیان اندیشه‌های سوسیالیستی (غیرعلمی) نیز هیچگاه نتوانستند برخوردی صحیح و ریشه‌ای به‌شکستگی زن داشته باشند. پروتین، پدر "سوسیالیسم انسانی" که مالکیت و ثروت را "بردگی و جنانیت" میدانست در مورد زن نوشت: "زن را باید تابع نگاهداشت، زیرا زن انعکاس فد خلق است." (۱)

اما باید توجه داشت که اگر چه مارکسیسم برای اولین بار بطور علمی و

تاریخی ریشه‌های شکستگی زن و مسئله ستم مغفرا طرح کرد و کتاب "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" انگلس، پایه‌های تشویریک و مبانی علمی مسئله را عنوان نمود لیکن جنبش کمونیستی چه از لحاظ نظری و چه در زمینه عملی و تشکیلاتی در مورد مسئله زن (در مقایسه با سایر مسائل اجتماعی) رشد و تکامل لازم و همه جانبه را نداشته است. ادبیات مارکسیستی-لنینیستی گروه‌ها و احزاب کمونیست در این زمینه دارای کمبودها و اشکالات و عقب ماندگی‌های بینشی قابل ملاحظه‌ای هستند.

در ایران همزمان با رشد و تعمیق جنبش‌های بختی و مبارزات فدائیمربالینستی و دموکراتیک و گسترش اندیشه‌های سوسیالیستی جنبش زنان نیز از خواستها و ایستاده پیشرفته‌تری برخوردار شده است. اما جنبش کمونیستی نتوانسته است به همان نسبت در برخورد به مسئله زن، چه در حوزه نظری و تشویریک و چه در زمینه تاکتیکها و برنامه‌های مشخص عملی، رشد و بختگی نشان دهد. البته فراموش نکنیم که جوانی و ناپختگی جنبش کمونیستی ایران، تنها دلیل این امر نیست چرا که جریان‌های نظیر حزب شده که خود را "کمونیست" میدانند و "جوان و ناپخته و کم تجربه" هم نیستند، کارنامه‌شان در زمینه جنبش زنان غامه در طی انقلاب اخیر مانند سایر زمینه‌ها، شرم آور و ننگین است. جریانی که مدعی شده بود که: "قاید ما هرگز در تاریخ ایران شخصی را ندیده باشیم که برای زن چنین ارزش مناسب و شایسته‌ای قائل شود که امام خمینی شده‌اند." (۲)!! بگذریم که خیانت‌های حزب شده بسیار فراثر از مباحث مربوط به زنان و غیره است. اصولا بسیاری از نیروهای چپ برخورد به مردسالاری و مسئله زن را به بعد از انقلاب موکول میکنند و معتقدند که بعد از برانداختن نظام طبقاتی، مردسالاری و ستم جنسی نیز خودبخود از بین خواهد رفت. بر اساس چنین پیش‌فرض اکتومبستی و یک جانبه‌ای است که امروزه بسیاری از نیروهای چپ ایران برخورد به مسئله زن را به چند مقاله کلیشه‌ای و شعارهای آتشین آنها فقط بمناسبت بزرگداشت روز جهانی زن و بصورت یک انجام وظیفه، خلاصه کرده‌اند. هنوز هیچ تلاش تشویریک و تشکیلاتی مشخص، متداوم و با برنامه‌ای در این زمینه نشده است.

البته بعضی از محافل روشنفکری و جریانات بورژوا - لنینیستی آزادیخواه از این نقطه ضعف سوء استفاده کرده، تلاش دارند جنبش زنان را در مقابل جنبش چپ و در قدیت با آن و جدا از مبارزات طبقه کارگر و سازمانهای کمونیستی قرار دهند، آنها با تکیه بر وجه جنسی ستم مغفرو فلسفه "خواهر خواندگی" (Sisterhood)، وجه طبقاتی ستم‌کشیدگی زنان را مخدوش و بنا اساساً منکر میشوند. بعضی از زنان مبارز طرفدار زحمتکشان نیز یافت میشوند که بجای تلاش در جهت اصلاح ضعف‌ها و مبارزه با اشکالات موجود در درون جنبش کمونیستی نسبت به مسئله زن، با برخوردی منفعل و توأم با بدبینی و یأس و با عکس‌العملی جدائی طلبانه، به قدیت با گروه‌های چپ برخاسته و راه خود را از راه مبارزات طبقاتی و تشکیلاتی کمونیستی کاملاً جدا می‌ازند. امروز بخصوص در بین مبارزین ایرانی مقیم خارج از کشور، چنین گرایش‌هایی مشاهده میشود.

وجود حکومت ارتجاعی و قرون وسطایی کنونی و وسعت و عمق مردسالاری که با سطح رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان ایران عدم تناسبی سابقه‌ای دارد، احقاق حقوق دموکراتیک زنان را (حتی در حدود بورژوا - دموکراتیک آن) به یکی از مبرم ترین نیازهای جنبش و مهمترین مسائل دموکراتیک انقلاب ایران بدل کرده است. این مسئله وظیفه نیروهای پیشرو - پرولتاریا را نیز در این زمینه سنگین تر و جدی تر از گذشته کرده است. موقعیت زنان در برخی از کشورهای رها شده از یوغ امپریالیسم و نیز تجربه انقلاب اخیر به ما آموخته است که در کنار خواست سرنگونی و نفی نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود، باید تبدیل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را نیز تبلیغ و ترویج نمائیم. بنا براین وظیفه نیروهای پیشرو است که از همان اولین مراحل پروسه انقلاب، معیارها، ارزش‌ها و فرهنگ نوین سوسیالیستی را نیز ترویج نمایند. در همین رابطه مبارزه سیاسی و فرهنگی علیه مردسالاری و ستم جنسی جزئی لاینفک و مهم از بعد ایدئولوژیک - فرهنگی مبارزات سیاسی نیروهای پیشرو بر علیه نظام کهن را تشکیل میدهد. اگر کمونیست‌ها میخواهند ثابت بقیه در صفحه ۶۶

بسیج زنان: انقلاب در انقلاب (۱)

مقدمه

"مرکز اطلاعات گواتمالا" در لوس آنجلس با مبارزین انقلابی گواتمالا همکاری میکند و نیز در دانشگاه کالیفرنیا، در رشته تحقیقات زنان و انسان شناسی تدریس می نماید.

ما از خوانندگان "جهان" و رفقای هوادار می خواهیم که با ارسال مقالات و نظریات خود در این زمینه، ما را در تلاش در جهت ترویج و تبلیغ تفوریک، سیاسی و تشکیلاتی جنبش زنان، یاری رسانند.

علیرغم اشکالاتی که در این مقاله وجود دارد که عمدتاً ناشی از اختلافات فرهنگی و مراحل متفاوتی از مبارزه در جامعه آمریکا نسبت به جوامعی نظیر ایران میباشد، ما درج این مقاله را برای آغاز یک بحث جدی در این زمینه، مفید و مناسب تشخیص می دهیم. از اینرو چاپ این مقاله در "جهان" به معنی تأیید تمامی نکات و نظریات نویسنده آن نمی باشد.

"جهان"

رزمجویانه آنان را از قوه به فعل درآورد. الزامات متعددی برای دست یابی به چنین درکی وجود دارد. نخست یافتن ریشه های تاریخی و منابع معاصر ستم کشیدگی زنان است (Fee and Gonzalez, 1977: 3). ضرورت دیگر جمع بندی تفوریک و پراوتیک جنبش سوسیالیستی در رابطه با شرکت زنان در جنبش و جنبه های گوناگون مسئله زنان میباشد. هدف این مقاله کوششی برای ارائه چنین جمع بندی ای میباشد.

برای آنان که معتقدند که مبارزه انقلابی آشگاه به فرجام میرسد که با شرکت توده های استثمار شده و ستمدیده و به رهبری یک حزب انقلابی انجام پذیرد، مسئله اساسی این است که چگونه رابطه بین استثمار و ستم کشیدگی را باید تفهیم نمود و چه نوع استراتژی و سازماندهی را باید حزب سوسیالیست بکار گیرد تا بر آنهی غلبه نماید.

مسئله بسیج زنان از دیدگاه مارکسیست-لنینیستی دارای دو جنبه است: جنبه اول در باره چگونگی بسیج زنان به نمایندگی از طرف کارگران یا بعنوان بخشی از طبقه کارگر میباشد. جنبه دوم به چگونگی بسیج زنان به نمایندگی از طرف خودآنان و برای رهائی خود آنها به گوشه ای که جنبش سوسیالیستی را نیز گامی به پیش براند، مربوط میشود. برای سوسیالیستها که نظام سوسیالیستی را به مثابه نظامی مینگرند که قاطعانه در پی رهائی زنان میباشد، هر دو سؤال بالا باید در ارتباط با هم و همزمان مورد توجه قرار گیرد.

هرگاه تنها یکی از این دو جنبه مورد حمایت و توجه قرار گیرد، توانائی کامل مبارزه زنان برای تغییر اجتماع هیچگاه از حالت بالقوه به حالت بالفعل در نخواهد آمد. لیبرال ها و رادیکال-فمینیست ها از ضرورت بسیج زنان در پیوند با طبقه کارگر چشم می پوشند. آنها به آزادی زنان در متن آزادی کامل توده های مردم باور ندارند و تشخیص نمیدهند که شرایط آزادی زنان را تنها در روند مبارزه برای سوسیالیسم میتوان بنسباند نهاد.

از سوی دیگر، مارکسیستهای جزمگرا و اکوئومست ضرورت مبارزه زنان برای تحقق آزادی خود زنان و مبارزه حزب علیه نه فقط استثمار اقتصادی سرمایه داری، بلکه جنبه های مختلف ایدئولوژی هائی که از سرمایه داری دفاع میکنند (مانند برتری طلبی مردان) را نفی میکنند. دیدگاههای جزمگرا ادعا میکنند که

بمناسبت روز جهانی زن، از فرصت استفاده کرده، آغاز به طرح جدی تر و تفوریک مسئله زن و ارتباط آن با مبارزات طبقاتی و بویژه جنبش کارگری و کمونیستی، در نشریه جهان میکنیم. مقاله زیر که در دو بخش ارائه میشود و توسط یکی از رفقا ترجمه شده است، نوشته ای است از نورما چین چیا که از زنان مبارز و مارکسیست-لنینیست آمریکا میباشد. او که جزء هیئت تحریریه نشریه تحقیقی و سیاسی Latin American Perspective میباشد، تحصیلاتش را در رشته اقتصاد و انسان شناسی گذرانده است. از نورما تحقیقات و نوشته هائی نیز در زمینه وابستگی (سرمایه داری وابسته) در مجلات سیاسی و علمی مختلف منتشر شده است. تحقیق اصلی نورما در مورد جنبش های آمریکای لاتین و شرایط اقتصادی و سیاسی این جوامع، بویژه گواتمالا است. در حال حاضر او در

تفوری مارکسیستی رهائی زنان در بستر مبارزه طبقاتی، موضوع بحث و جدلهای فراوانی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بوده است. تغییرات چشمگیری که در موقعیت مادی و سیاسی گروه بزرگی از زنان در این کشورها بوقوع پیوسته است، بسیاری از نکات مهم را روشن نموده است. در معالک پیشرفته سرمایه داری انحصاری تعداد کثیری از زنان را به بازار کار جذب نموده بدون آنکه در جهت اجتماعی نمودن کارخانگی یا مراقبت از فرزندان یا تغییر در سیستم کار اجتماعی یا خانگی گام چندان مؤثری بردارد. "جنبش های زنان" در پاسخ به این تفاده ها شکل گرفتند که از نظر ریشه داشتن در چپ، ماهیت انقلابی خواسته هایشان و پایه موجود و بالقوه ای که در بین زنان کارگر دارند، از جنبش های فمینیستی گذشته متمایز میباشد. برخلاف جنبش های پیشین که خواستار "برابری حقوق" بوده اند، جنبش های معاصر شوک حمله شان را متوجه تقسیم کار بر اساس جنسیت در زندگی اجتماعی و خصوصی که زائیده جامعه طبقاتی است، میکنند.

مسئله شرکت سوسیالیست ها و کمونیست ها در جنبه های متحد حول "مسئله زنان"، با در نقش رهبری جنبش های زنان، بویژه اکنون که لیبرالهای رفرمیست در ایالات متحده رهبری سازمانی بر جنبش زنان یافته اند که سرآغازی رادیکال داشته و هنوز هم اعضای سازمان نبافته رادیکال چپ را در خود دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار میگردد (Redstocking, 1975).

با پیدایش یک جنبش دست راستی که مخالف برابری زنان، همجنس بازان و حق زنان برای سقط جنین است، مسئله شرکت سوسیالیستها در بسیج مترقی زنان شکل عاجل تری یافته است. این فقط در معالک پیشرفته سرمایه داری نیست که رهبری مبارزه خود بخودی زنان و نبرد برای آنان اهمیت یافته است. در آمریکای لاتین آشکار است که عده ای از زنان به تائیدرات بحران امپریالیستی پاسخ دلاورانه ای دادند و نیز نقش بالقوه آنان در جنبش برای سوسیالیسم نیازمند توضیح و تفسیر آگاهانه و روشنی میباشد. این نیز مسلم است که بورژوازی قصد دارد تا در هر جا که ممکن است زنان را بر علیه کمونیسم بسیج نماید و عدم چاره اندیشی نیروهای چپ فقط کار آنان را آسان تر مینماید.

بنابراین چه در شمال و چه در جنوب آمریکا نیاز برای تدوین یک تفوریک عمومی، استراتژی و تاکتیک هائی که زنان را به مبارزه طبقاتی پیوند دهد، وجود دارد تا تمامی پتانسیل

رویزیونیسم می‌باشد. اگرچه روابط بین ثوری و عمل و بین سمت‌گیری‌های عمومی و سمت‌گیری‌های خاص همواره کاملاً بهم پیوسته نمی‌باشد، اما ثوری‌نارسی و عمل‌ناکافی در مبارزه طبقاتی معمولاً بهم وابسته‌اند. اگرچه یک خط مشی ضعیف یا رشتی نیافته در باره هر مسئله‌ای (از جمله زنان) همیشه امکان تصحیح شدن و تکامل یافتن را دارد، یک جزمگراشی اکونومیستی کاملاً تثبیت‌شده یا یک خط رویزیونیستی تمام عیار بعید به نظر می‌آید که بتواند خود را اصلاح نماید. اپورتونیسم یک حزب در رابطه با جنبش زنان، عموماً ناشی از گرایش‌های اپورتونیستی کلی حزب می‌باشد. بنابراین یک ثوری سوسیالیستی رهائی‌شان در ارتباط تنگاتنگی با مفهوم سوسیالیستی انقلاب و خودسوسیالیسم قرار دارد.

جنبش‌های زنان و فمینیسم

جنبش‌های زنان، جنبش‌های اجتماعی هستند که همزمان با رشد سرمایه‌داری و امپریالیسم شکل یافتند. قبل از آن به ندرت کوششی سازمان‌یافته برای دستیابی به اهدافی نظیر برابری و با آزادی برای زنان وجود داشت. اکنون جنبشی آگاهانه سازمان‌یافته است که در آن نوعی درک ایدئولوژیک یا تجزیه و تحلیل چگونگی دست‌یابی به این اهداف موجود است و در آن زنان حول خواسته‌هایی که به مثابه گامی بسوی هدف‌هایی می‌باشند، بسیج می‌گردند (Omvedt, 1977:89). جنبش‌های زنان ممکن است در مسیر جنبش‌های طبقاتی شکل بگیرد و ممکن است بخشی از مبارزه طبقاتی یا مجزا از آن باقی بماند. اهداف این جنبش‌ها ممکن است منحصر بر مسائل مربوط به "برابری" (حقوق برابر در نظام موجود) یا "آزادی" (اعتراض و مبارزه علیه تقسیم کار در جامعه حاضر) دور زند، یا ممکن است آمیزه‌ای از برابری و آزادی، جدا یا در ارتباط با دیگر اهداف اجتماعی و اقتصادی باشد. جنبش‌های زنان شامل اهداف مشخص ایدئولوژی‌ها، درجه سازمان‌دهی، بسیج و همگونی آگاهی شرکت‌کنندگان است.

مسئله است که جنبش‌های زنان ایدئولوژی‌ها و پایگاه‌های طبقاتی متفاوتی دارند. اما فمینیسم چطور؟ آیا فمینیسم هم به یک ایدئولوژی یا جنبش اجتماعی وابستگی دارد؟ اگرچه فمینیسم معمولاً برای مشخص کردن زنان (اکثراً بورژوا و خرده‌بورژوا) اواخر قرن نوزدهم که برابری حقوق را تبلیغ می‌نمودند (حق رای و غیره) و یا به رادیکال‌های دهه ۶۰ این قرن که مردان را دشمن زنان می‌پنداشتند، استناد می‌گردد در حقیقت فمینیسم یک ایدئولوژی یکپارچه نبوده، بلکه یک جنبش اجتماعی برای حقوق برابر با آزادی می‌باشد که همواره با ایدئولوژی طبقاتی مشخص همراه است (لیبرالیسم، رادیکالیسم، سوسیالیسم). جنبش‌های فمینیستی بر اساس خاستگاه و ایدئولوژی شرکت‌کنندگان آن، پایگاه‌های طبقاتی متفاوتی دارند. علیرغم ادعای برخی رفقای مرد، پایگاه طبقاتی این جنبش‌ها همیشه بورژوازی یا خرده بورژوازی نمی‌باشد. نخستین جنبش شکل گرفته فمینیستی در تاریخ جنبش زنان کارگر ماهر کارخانه‌های فرانسه در سال‌های دهه ۱۸۳۰ بود که در وقایع سال ۱۸۴۸ نیز نقش موثری ایفا نمودند. در دوره قبل از جنگ جهانی اول در لندن شرقی زنان بخش اعظمی از اتحادیه اجتماعی - سیاسی زنان انگلستان (The Women's Social and Political Union of England) را تشکیل می‌دادند تا اینکه تعصبات طبقاتی یکی از رهبران اتحادیه، کریستوبیل پانکهورست، منجر به اخراج آنان گردید. فلورا ترستون، فمینیست و انقلابی سوسیالیست فرانسوی که در راه مبارزه برای منافع زنان کارگر جان خود را فدا نمود، نوشت: "فقرتها تمام جهان علیه من است. بدلیل درخواست



"همبستگی" - ۱۹۳۲

زنان کارگر فقط حول مسائلی می‌توانند سازمان‌یافته باشند که آن مسائل مورد توجه مردان کارگر نیز باشند و سازمان‌دهی زنان کارگر باید برای دفاع از منافع خانواده‌ها و شوهرانشان باشد، نه از منافع شخصی مادی خودشان در خانواده یا طبقه. دیدگاه جزمگرای این مسئله که "جنسیت تضاد ذاتی است" را به "جنسیت مشکلی" ثانویه است" تبدیل میکند و از این مسئله که "خانواده پرولتری واحد رزمنده انقلاب است"، سود می‌جوید تا از حمایت مبارزات زنان برای برابری در خانواده، محل کار، و در خوب‌طره رود. (بعنوان نمونه این گونه ثوری و پراستیک می‌توان حزب کمونیست انقلابی (Revolutionary Communist Party) را نام برد که یکی از گروه‌های بنفقد فرقه گراست که فاقد پایه بوده‌ای در آمریکا می‌باشد.

مارکسیست اکونومیستی از دیدن اهمیت مبارزه ایدئولوژیک گروه‌های متحدیده و طبقات و اقشار متحدیده عاجز است. خصیصه اکونومیسم نقش اساسی دادن نه به خلافت کارگران، بلکه به جمع نیروهای تولیدی و دانش تکنیکی نوین می‌باشد (Bettleheim, 1976). در انطباق با مسئله زنان، این دیدگاه از زنان می‌خواهد که مبارزه برای رهائی زن را تا زمانی که دولت سوسیالیستی بتواند کاملاً زنان را در فعالیت تولیدی شرکت دهد و کار خانگی را اجتماعی نماید، به تعویق بیندازد. آنها قادر به درک این موضوع نیستند که رهائی یونندی است که از طریق نبرد و سازمان‌دهی در هر دوره‌ای تحقق می‌یابد. از نظر تاریخی، اکونومیسم به احزاب کمونیست رویزیونیستی منتهی شد که توده‌ها را با عنوان نمودن اینکه تکامل سرمایه‌داری به سوسیالیسم از طریق گذار مسالمت‌آمیز ممکن می‌باشد، خلع سلاح می‌کند. موضع رویزیونیستی در رابطه با "مسئله زنان" به رفرمیسم منتهی می‌شود و به دنبال روی از آگاهی خودبخودی طبقه کارگر نسبت به زنان بسته می‌کند، بجای آنکه سعی کند چنین آگاهی‌های را به میان طبقه ببرد. از نظر تاریخی، موضع اکونومیستی در باره زنان ناشی از رویزیونیسم دوران حزب و آریستوکراسی کارگری در میان پرولتاریا بوده است.

ثوری رهائی زنان نمونه خاصی از ثوری عمومی تحول سوسیالیستی جامعه است. وقتی یک جنبش سوسیالیستی قادر به درک و عملی نمودن یک استراتژی برای سازمان‌دهی زنان با مبارزه علیه برتری طلبی مرد نباشد، این ضعف عموماً بازتاب‌گرایش به جانب برخی مسائل بنیادی تراز جمله جزمگراشی، اکونومیسم یا

رهائی زنان، مردان با من دشمنی میورزیدند و بخاطر درخواست رهائی مزدگیران، سرمایه‌داران.

جنبش طبقه کارگر در طول تاریخ با جنبش فمینیستی همراه بوده و بسیاری از نویسندگان کلاسیک مارکسیست، فمینیست بوده‌اند. (اگر از فمینیست منظور ما کسی است که از ستم و استثمار و بزه‌ای که زنان با آن روبرو هستند، آگاه می‌باشد و خواستار سازماندهی و مبارزه علیه آن می‌باشد) اما در بین جبهه‌های مارکسیست (چه در آمریکای لاتین و چه در ایالات متحده) فمینیسم کلمه مشکوک و ناخوشایندی است که غالباً آن را با مبارزات بورژوا-دمکراتیک مرتبط می‌دانند. تا با مبارزات رهای بخش و یا آنرا با نوع خاصی از فمینیسم نظیر رادیکال-فمینیسم یا فمینیسم جدائی‌طلب (Separatist Feminism) یکی قلمداد می‌کنند. در بین مارکسیستهای معاصر "فمینیست" غالباً به برجسته‌ترین تبدیل می‌شود و با همان لحنی که دشمن طبقاتی را مورد خطاب قرار می‌دهند، فمینیست‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهند. تا زمانی که این اتفاق نظر وجود ندارد که مارکسیست‌ها می‌توانند فمینیست باشند و بالعکس باید در باره لزوم بنیان نهادن یک جنبش سوسیالیستی زنان و دفاع کردن از خواسته‌های زنان که منجر به آزادی آنان می‌گردد، سخن گفت.

جنبش‌های زنان و احزاب مارکسیست

پیوندهای تاریخی نزدیکی بین جنبش‌های زنان و جنبش‌های طبقاتی وجود دارد. چه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و چه در کشورهای عقب‌مانده غیر سرمایه‌داری، جنبش‌های زنان با دوره‌های مبارزه شدید طبقاتی، رفاه‌های اجتماعی و جنبش‌های ملی همزمان بوده است. برای نمونه می‌توان هند (Omvedt, 1976, 77) در اواخر قرن نوزدهم و آرژانتین پرونیست (Hollander, 1974) (1977) را مثال زد. چنین جنبش‌های اغلب جنبش‌های وسیع و مهمی بوده‌اند هرچند در کتب تاریخی به آنها اهمیتی داده نشده است. مثلاً "جبهه متحد مکزیک برای حقوق زنان" Frente Unico Pro Derechos de la Mujer در دوره ریاست جمهوری کاردناس، ۵۰۰۰ نفر عضو داشت و "کشافورزان" زنان عضو اتحادیه کاسیکاران خرد، ماشین‌نویسان، تلگرافچی‌ها، روشنفکران، متخصصین و مهمتر از همه معلمان روستاها را سازمان می‌داد (Rascón, 1975: 160-161). برنامه این گروه از رفرم‌های جزئی گامی فراتر نهاد و معتقد بود که با طبقه کارگر هدفهای "مشترک و در عین حال متفاوتی" دارد. زنان عضو حزب کمونیست مکزیک در این جبهه شرکت نمودند تا اینکه شغیر و تحولات بین‌المللی ایجاب کرد که آنان از جبهه بیرون بیایند و از کاردناس در طول فعالیت جبهه‌های خلق سالهای دهه ۳۰ قرن بیستم حمایت کامل کنند.

لازم است در باره تاثیرگذاری جنبش زنان و جنبش طبقاتی بر یکدیگر مطالعه بیشتری کنیم. اگرچه برای جمع‌بندی کامل از مسئله، مطالعات بیشتری لازم است، اما با توجه به نمونه‌های که مورد مطالعه قرار گرفت، می‌توانیم به نتایج زیر دست یابیم: هرچا که جنبش‌های زنان موجود نبوده و یا ضعیف بوده، دست راستی‌های بورژوا با استفاده از نگرانی‌های زنان و توجه آنان به خانواده، به آسانی از آنها سوءاستفاده کردند (نمونه شیلی). هرچا که احزاب سوسیالیست از حمایت انقلابی از جنبش‌های زنان خودداری کردند، نشان دهنده این بود که با گرایش‌های اکونومیستی و رفرمیستی موجود در حزب مبارزه نشده بود (نمونه آلمان). هرچا که جنبش‌های زنان در متن جنبش‌های ناسیونالیستی و پوپولیستی وقوع پیوستند، دست‌آوردهایشان محدود و موقتی



Book!

طرح‌ها از:
کته کولویتز
Käthe Kollwitz
زن انقلابی و
هنرمند آلمانی
(۱۸۶۷-۱۹۴۵)

نشان ۱۹۲۴

بود (آرژانتین بعد از دوره پرونیسم و انقلاب ۱۹۳۰ مکزیک). اما هر جا که این جنبش‌ها در متن یک جنبش آزادیبخش ملی با روابط محکمی با حزب کمونیست (چین، ویتنام، کامبوج) یا رهبرانی که کتاب‌هایش تحت تاثیر سوسیالیسم بوده است (آنگولا، موزامبیک، زیمبابوئه، کینه بیاشو) رخ داده‌اند، دست‌آوردهای عظیمی داشته‌اند.

سرنوشت جنبش‌های زنان پیوند تنگاتنگی با سرنوشت جنبش‌های طبقاتی و ارتباط متقابل این دو با یکدیگر دارد. فمینیست‌ها و کمونیست‌ها در چین، قبل از انقلاب، مورد پیگرد و حشایه‌گویی نام‌گذاری بودند. سیاست آگاهانه حزب کمونیست برای جلب فمینیست‌های مشرقی سبب گشت که بسیاری از آنها در سالهای پس از ۱۹۴۷ به حزب پیوستند و تبدیل به رهبران مهمی گردیدند. خانم چیانگ چینگو (که یکی از نظریه‌سین‌های حزب و صاحب‌نظر در باره مسائل زنان تا قبل از اعدامش در هاکو در سال ۱۹۴۸ بود) مسئول ایجاد چنین پیوندی بین حزب و بخشی از جنبش زنان بود که وی از آن بعنوان "زنان استادکاری که میخواهند مستقل (از خانواده) بمانند و حق مسئولیت دارند"، یاد می‌کرد. جنبش‌زنانی که در آلمان در دهه ۹۰ قرن گذشته در گرفت تحت تاثیر مستقیم جنبش سوسیالیستی بود که توسط حزب سوسیال-دمکرات، قبل از انشعابش به دو بخش کمونیستی و روبریونیستی قبل از جنگ جهانی اول، رهبری میشد. در میان عده‌ای از زنان برجسته که در رهبری حزب بودند، از جمله روزالوگزامبورگ، زتکین، و بادر، کلارازتکین بیش از دیگران برای تهیه یک نظریه سوسیالیستی برای رهایی زنان و جلب زنان به سوسیالیسم، کوشش نمود. زتکین با گرایش‌های شدید "انتنی فمینیسم پرولتاری" (Thonnessen, 1973) که در مقاومت زنان کارگر در شرکت کامل در کار حزب نمایانگر میشد، مبارزه کرد و حزب را به مبارزه برای رهایی زنان در تئوری و عمل تشویق می‌نمود. زتکین از طریق انتشار روزنامه "برابری" (Die Gleichheit) به پیشرفت کارهای زن کمک‌گایانی نمود.

حزب سوسیال-دمکرات این امکان را داشت که بر مبارزات زنان تأثیری انقلابی بر جای گذارد. تعداد زنان کارگر بین سالهای ۱۸۸۲ و ۱۹۲۵ دو برابر شد و بسیاری از آنان در بخش‌های صنعتی به کار اشتغال داشتند. زنان کارگر بدلیل حضور مداوم حزب در جنبش زنان و وجود سازماندهان برجسته‌ای چون زتکین، نسبت به حزب گرایش داشتند. علیرغم اینکه زنان دسته دسته و به تعداد

بی سابقه‌ای به حزب می‌پیوستند، به دلیل تفاد بین دشوری و عمل و قدرت‌گیری گرایش‌های رادیکال‌تر، که بویژه پس از اشغال که بدلیل حمایت از جنگ جهانی اول (جدا شدن زتکین و بیشتر کادرهای زن فعال و لیکنکشت، فرانسه و مکرپینگ و قبیله از گروه اکثریت) صورت گرفت، شکل جریان تری بخود گرفت، حزب نتوانست زنان عضو را در جریان بحران سالهای ۳۰ بدور خود نگهدارد. حزبی که از مبارزه علیه سرمایه‌داری و مبارزه علیه آن دسته از روابط اجتماعی در خانواده و محل کار که مستقیماً بر وضعیت زنان تأثیر گذاشت، قاصر بود، نمی‌توانست پتانسیل انقلابی موجود در دشوری سوسیالیستی رهاشتی زنان را بکار گیرد. همانگونه که تون سن این دوره را جمع‌بندی میکند: "شکست جنبش سوسیالیستی زنان با شکست سوسیالیسم در کل آن فرین بود." و شکست جنبش سوسیالیستی زنان، یکی از عوامل مؤثر در قدرت‌گیری فاشیسم در آلمان بود.

نمونه شیلی

نمونه حزب سوسیال دموکرات آلمان، سؤال‌هایی را در ذهن مطرح میکند که فقط از طریق بررسی دقیق تر و دشورینگ و تاریخی میتوان پاسخ کامل آنان را یافت: چه چیز سبب تأسیس دولت بورژوازی نسبت به گروههای زنان به‌ویژه زنان خانه‌دار میگردد؟ تا چه اندازه شکست یک حزب سوسیالیستی در شناخت موقعیت خاص زنان در خانواده و محل کار، در تقویت بورژوازی برای بسیج بخش‌های مختلف زنان دخیل است؟ و با بررسی چگونه میتوان روابط مبتنی بر سلطه جوشی و فرمانبرداری را سرمایه‌داری به زنان تحمیل میکند، به یک حمله سیاسی واقعاً انقلابی تبدیل نمود که به مبارزه موفقیت‌آمیزی علیه روابط بورژوازی در درون سازمان‌های سوسیالیستی منجر شود؟

اینها مسائلی میباشند که بویژه برای درک سیاست شیلی پیش از آئنده و در مدت زمانمداری او، مفید می‌باشند. تعداد زنان کارگر، روزگر و خرده بورژوازی که در دوران پیش از روی کار آمدن اتحاد خلق (Popular Unity) در سیاست فعالیت داشتند، نسبتاً کم بود. در شروع اتحاد سه ساله سوسیالیستها و کمونیستها، تعداد کمی از زنان مستقل شیلی، همانند زنان در بسیاری دیگر از کشورهای آمریکای لاتین، به کار خارج از خانه اشتغال داشتند. (بر طبق سرشماری سال ۱۹۷۰، ۱۱ درصد زنان بالغ کار میکردند، از این تعداد حدود ۴۰ درصد به‌کفالتی یا رختشویی اشتغال داشتند و ۲۰ درصد کارگر کارخانه بودند و تعداد قلیلی از آنها در اتحادیه‌های کارگری عضو بودند). زنانی که فقط به کار منزل اشتغال داشتند، از محیط اجتماعی دور افتاده بودند و برای دریافت آگاهی سیاسی شان بیش از هر چیز به وسایل ارتباط جمعی متکی بودند (حتی در بسیاری از موارد که همسر و یا هم‌خانه‌شان سوسیالیستها و یا کمونیستها بودند). زنانی که در مشاغل حاشیهای و فردی کار میکردند، از وضعیت تقریباً بهتری برخوردار بودند.

فرهنگ سیاسی غنی و سنت مبارزه طبقه کارگر در شیلی که زنان همگان است، بسیاری از زنان را دربر نمی‌گرفت. مسائلی که وضعیت زندگی زنان را مستقیماً تحت تأثیر قرار میدادند (کار منزل، نگهداری از فرزند، تعلیم و تربیت، مسائل اخلاقی و زندگی خانوادگی) از طرف هیچ حزبی از جمله احزاب سوسیالیست و کمونیست بعنوان مسائل سیاسی در مد نظر گرفته نمیشدند. اما با تحریک بورژوازی این‌ها رنگ سیاسی به خود گرفتند، چرا که بورژوازی در آنها امکان جلب زنان "مسائل جهانی مورد علاقه زنان" بدون توجه به ارتباط طبقاتی

آنها را میدید.

اجترائی دست راستی‌ها در باره زنان آگاهانه نبود و به عنوان مکانیسمی برای جلوگیری از به قدرت رسیدن یک دولت سوسیالیستی و یا تضعیف جنبش دولتی به کار گرفته شد. این استراتژی در پی آن بود که با بسیج زنان و آوردن آنها به خیابان‌ها و "بی اعتبار و نرمکین ساختن" و "تحت فشار قرار دادن" مقامات رسمی دولتی، جوی از غوغا و ترس بوجود آورد. هدف آن بخشایشی از زنان بود که احتمال میرفت بیشترین تأثیر را بر جای گذارند: زنانی که فقط در خانه کار میکردند، زنانی که در "مرکز مادران" شرکت نمی‌نمودند (که بجای آنکه تحت رهبری اتحاد خلق باشد، تحت رهبری دموکراتهای مسیحی بود که ارزش‌های سنتی و پدرسالارانه را تحکیم میکردند)، زنانی که به بخشهای محافظه کار کلیسای کاتولیک گرایش داشتند و زنانی که شوهرانشان در بخشهای کار میکردند که امکان استفاده از آنها در جهت منافع دست راستی‌ها وجود داشت (متخصصین مستقل و غیر کارمند، کامیون داران و کارگران حقوق بگیر معدن) اما همچنین تأثیر آن بر تعداد به مراتب بیشتری از آنچه که عملاً جذب شده بودند، بود.

مسائلی که قبلاً بهیچ وجه سیاسی نبودند، به یکباره توسط خود بورژوازی عمیقاً سیاسی گشتند:

"همان بورژوازی که تا سال ۱۹۴۹ سرخخانه از اعطای حق رای به زنان خودداری میکرد (حتی که از سال ۱۸۹۸ مورد درخواست زنان بود) و هیچگاه به تقاضاهای آنان برای حقوق مدنی واقعی نگذاشت، ناگهان برای تغییر نقش سنتی زنان به تگاپو افتاد. آشکارا، بورژوازی دیگر نمیتوانست تحمل کند که زنی هستی‌اش را مستقلانه محدود به مادر بودن، همسر بودن، و با خاتم خانه بودن، که سنتاً بوجود آورنده ارزشهای اساسی سیستم بود، نماید. اکنون دیگر بورژوازی احتیاج داشت که او فعال شود، سازمان بدهد، برای دفاع از "دموکراسی" که او سمبل زنده آن می‌بایست باشد، مردم را بسیج کند."

بدیهی است که بسیج زنان توسط دست راستی‌ها برای آن نبود که آنان را برای همیشه وارد زندگی اجتماعی نماید، این فقط برای آن بود که "آبی بر آتش" ریخته شود. این بسیج نمایانگر فمینیسم نبود، بلکه نشانه ارتجاع بورژوازی بود. سرمایه داری انحصاری در معالک پیشرفته امکان دارد به زنان در تولید اجتماعی "نیاز" داشته باشد و از اینرو اجازه قدری انعطاف در تبیین رابطه "بیولوژی" و "سرنوشت" را بدهد، اما یک اقتصاد نو استعماری همانند اقتصاد شیلی نیاز به استحکام بخشیدن هرچه بیشتر نقش‌های اجتماعی سنتی دارد:

"عنصری که دست راستی‌ها روی آن حساب میکردند و قصد آن را داشتند که بی هیچ چشم پوئی از آن سود ببرند فاعلهای بود که ایدئولوژی حاکم بین زنان و سیاست ایجاد نموده و از آن پشتیبانی میکرد. فاعلهای هرگاه در ضمیر ناآگاه فرد جایگزین میگشت، اجازه این را میداد که شیوه جدید رفتار زنان را به مثابه چیزی نهی از یک محتوای سیاسی به زنان عرضه نماید و مورد قبل آنان قرار گیرد."

در طول مدت حکومت اتحاد خلق که در آن مبارزه شدید طبقاتی جریان داشت، خط مشی همه احزابی که بنحوی در زیر چتر اتحاد سوسیالیست‌ها و کمونیستها قرار داشتند، حتی چپ‌ترین آنان (یعنی میر MIER) نسبت به زنان ضعیف ماند. اشارات آئنده بهیچ یک در صفحه ۲۸

دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر)

بمناسبت بزرگداشت شهدای ۲۵ اسفند ۱۳۶۰

مقدمه:

یکی از مهمترین معیارهای شناخت از یک حزب یا سازمان کمونیستی این است که این حزب یا سازمان در هر مرحله از تکامل جنبش چگونه به گذشته خود برخورد میکند، با چه معیارهایی ثنوری و عمل مبارزاتی اش را به نقد میکشد و به چه ترتیب از این جمع بندی در جهت ارتقاء کیفیت ثنوری و پراتیک اش استفاده میکند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز در مقاطع مختلف از حیات پرفراز و نشیب ۱۲ ساله اش به نقد انقلابی جنبه های گوناگون ثنوری و عمل خود نشسته و در هر مرحله با تدقیق ثنوری انقلابی متناسب با شرایط متحول جامعه و کار بست آن در پراتیک مبارزاتی گامی جلو برداشته است. پس از قیام بهمن ۵۷، با بجا ماندن بحران اقتصادی - سیاسی جامعه و جد شدن روزافزون توده ها از رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی، چپ انقلابی ایران و بویژه سازمان فدائی با وظائف مبرم جدیدی روبرو شد. این درحالی بود که چپ و در بطن آن سازمان فدائی خود از درون با بحران روبرو بود. با رشد نظرات روبریزیونستی توده های در بخشی از مرکزیت و کادرها و سلطه فزاینده آن بر مبنی سازمان، رفقای جناح انقلابی (اقلیت) به مقابله با آنان برخاستند و در بکروند چند ماهه مبارزه ایدئولوژیک حاد، کسبه انشعاب اپورتونیستی های راست از سازمان و از جنبش طبقه کارگر و توده ها منجر شد (بهار ۵۹)، موفق گردیدند گامی جدید در پالایش انحرافات غیر پرولتری از سازمان و در جهت پیشبرد وظائف انقلابی خویش جلو بردارند.

دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر) از جمله آثاری است که در ماه های قبل از انشعاب در پاسخ به وظیفه مبرم افشای رفرمیست ها تدوین شد و در ۲۹ بهمن ۵۸ نشر درون سازمانی یافت. بگفته رفقای فدائی، این نوشته در مقطع برگزاری اولین کنگره سازمانی (پائیز ۶۰) از جمله نوشته هایی بود که مبنای عقیدتی رفقا نسبت به گذشته سازمان را روشن نمود. اولین کتاب در خرداد ماه ۶۲ نشر خارجی یافت. نظر به اهمیت این اثر برای جنبش کمونیستی بمناسبت دومین سالگرد شهادت رفقای کادر مرکزی سازمان، اقدام به معرفی آن میکنیم.

کتاب "دیکتاتوری و ..." شامل یک مقدمه و ۶ بخش است. در مقدمه این کتاب شرایط رشد جریان اپورتونیستی راست (موسوم به "اکثریت") در دوران پس از قیام تشویج میشود و به تبلور سیاست های اپورتونیستی در تاکتیک ها، برنامه ها و تشکیلات (بمورت فقدان استراتژی و هدف مشخص، پراگماتیسم، خرده کاری بی حد و حصر، اکونومیسم در فعالیت های کارگری، دنباله روی از این و یا آن جناح حاکمیت، آنارشیزم تشکیلاتی، فراموش کردن اصل انتقاد و انتقاد از خود، جایگزینی سانسورالیزم بوروکراتیک بجای سانسورالیزم دمکراتیک، نفی مبارزه عادلانه خلق ها و بویژه خلق قهرمان کرد، و ... اشاره میشود.

بخش اول کتاب، "اعمال قهر انقلابی و اشکال مبارزه مسلحانه" با تشریح مفهوم تاریخی قهر ضد انقلابی و انقلابی شروع میشود. با ذکر مثالهایی از مبارزات توده ها در ایران به دو نکته زیر اشاره میشود. اولاً هر قهری مسلحانه نیست چرا که قهر مسلحانه فقط عالی ترین شکل قهر است. ثانیاً هر قهری مضمون سرنگونی ندارد و الزاماً واژگونی طبقه حاکم و کپی قدرت سیاسی را هدف مستقیم خود قرار نمیدهد. اما باید توجه داشت که "در کشوری که دیکتاتوری نظامی - فاشیستی بر آن حاکم است و هر گونه حرکت مسالمت آمیز توده ها با سرکوب قهرآمیز روبرو میشود، حرکات و اعتراضات توده ها غالباً خطت قهرآمیز (و نه الزاماً مسلحانه) بخود میکشند." این پدیده از نظر رفقای نویسنده کتاب یکی از زمینه های عینی اعمال قهر مسلحانه از سوی پشاهنگ است.

اما اشکال متفاوت و متنوع مبارزه توده ها خود تابعی از شرایط تاریخی جوامع گوناگون است. کتاب "دیکتاتوری و ..." با اشاره به تفاوت اشکال قدرت سیاسی در روسیه و چین (قیام در مقابل جنگ دراز مدت توده ای) و تجربه تبلیغ مسلحانه در انقلاب ویتنام و ... این نکته را روشن نموده و استدلال میکند که تعمیم دکماتستی و مکانیکی تجربیات انقلابی دیگر همواره به جنبشهای انقلابی جوان لطمه وارد آورده است. سازمان سپس تجربه کوبا را بررسی کرده و

سالگرد شهادت رفقا هادی، نظام، کاظم اعضای کادر مرکزی سیجفخا و دیگر شهدای ۲۵ اسفند ۱۳۶۰

گرامی باد



رفیق کبیر احمد غلامیان لنگرودی (هادی کوهی،

که ایستاده کنار سپیده دم بر کاکلت هنوز نشسته

ستاره ای.

رودی،

که در هوای سحرگاه می تپی پبوسته و شکسته،

چو آتشفشان واره ای.

چون رود،

سهربان

مانند کوهسار شکستنی،

زیبایی ای دلور،

زیبایی!

"سپید"

غیر از اینها غمی که در نوزدهم بهمن ماه سال ۲۹ سبزیگی دامنه های سیا هکسل را گلگون کرد، در حرکت توفنده خود رودخانه خروشان را آفرید که موج آن از آمیزه خون و تبلور اندیشه فدائیان خلق مایه میگردد. رستاخیز سیا هکل، نخستین سنگری بود که در دامان آن نبلی مبارز پرورده شد. شل شداوم، شل اندیشه و عمل، این شل ماندگار، شلی سرخت است و نیز شلی مهربان و نرمدل، شلی که سر نوشتش بنیه در صفحه ۳۰

بر این نکته تاکید میکند که انقلابیون "جنبش ۱۶ ژوئیه" در شرایطی مبارزه مسلحانه را آغاز کردند که در کوبا اعتلای انقلابی بوجود آمده بود و با سرعت بسوی یک موقعیت انقلابی پیش میرفت. از اینرو برخلاف ویتنام که "عملکرد واحدهای تبلیغ مسلحانه و تاکتیک مسلحانه، نه در خدمت سرنگونی بلاواسطه دشمن، بلکه در خدمت پایه‌سازی سیاسی و ایجاد زمینه و جو مساعد برای کار سیاسی و تشکیلاتی در میان توده‌ها بود، در کوبا" بلحاظ آمادگی توده‌ها و به علت وجود اعتلای انقلابی عمل تبلیغ مسلحانه همراه است با پیوستن سریع توده‌ها به مبارزه مسلحانه و توده‌ای شدن آن".

"دیکتاتوری و ... ضمن برخورد به نظرات نظامی گراشی و فرمالیستی روی دبره و دیگر تحریفات اپورتونیستی چپ و راست" از انقلاب کوبا سؤال میکند: "آیا پیشاهنگ تحت شرایطی در غیاب موقعیت انقلابی حق دارد تاکتیک مسلحانه را با مضمون تبلیغی و ... بکار گیرد؟" رفقا با ذکر جمبعی هاشی از الجزایر و تجربه رفقای مارکسیست - لنینیست سازمان F.P.I. در السالوادور و همچنین مثالهای آنگولا، موزامبیک، نیکاراگوئه و حتی کوبا (که در آن در آغاز عملیات مسلحانه "جنبش ۲۶ ژوئیه"، نه موقعیت انقلابی، بلکه اعتلای انقلابی حکمفرما بود) عنوان میکنند که تحریکات متعدد مبارزات خلقی جوامع دیگر به سؤال بالا پاسخ مثبت میدهد و نفی کلی تاکتیک مسلحانه را از جانب پیشاهنگ در غیاب موقعیت انقلابی برخوردی دگماتیستی است.

آنگاه در بخش دوم کتاب "شرایط و زمینه‌های عینی که تبلیغ مسلحانه را امری ضروری ساخت"، مورد مطالعه قرار میگیرد. در این رابطه کتاب، سئوالات زیر را مطرح میکند:

"توسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه، تاکتیک تبلیغ مسلحانه و کاربرد آن چه ضرورتی داشت؟" و "چرا پیشاهنگ تنها از راه‌های سالم‌آمیز و تنها به اتکال اشکال غیر مسلحانه تبلیغ نمیتوانست وظایف خود را انجام دهد؟" و "آیا تبلیغ مسلحانه بعنوان شکلی از اشکال تبلیغ اصول عام مارکسیستی مغایر است؟"

در پاسخ به این سئوالات، کتاب "دیکتاتوری و ..." با تأکید نظر رفیق جزئی، عامل زیر را بعنوان عمده ترین عوامل تعیین اشکال مبارزاتی مشخص کرده و به ارزیابی شرایط سالیهای پس از رفورم ارضی می‌پردازد:

- ۱- موقعیت اجتماعی و ترکیب طبقاتی جامعه ...
 - ۲- موقعیت اجتماعی - سیاسی جامعه ...
 - ۳- موقعیت روحی توده‌ها ...
 - ۴- سنت‌ها و اشکال مبارزاتی گذشته مردم ...
 - ۵- موقعیت سیاسی جهانی و منطقه‌ای ...
- پس از تحلیل مختصری از کتاب - اصلاحات ارضی در تغییر ساختار جامعه ایران و همچنین اثرات کوتاه مدت رفورم در افت مبارزات توده‌ها، کتاب به نقش دیکتاتوری فاشیستی، بعنوان شکل اصلی حاکمیت سرمایه داری وابسته ایران، در سرکوب اعتراضات و مبارزات اقشار خلق اشاره میکند.

مسئله دیگر تأثیر شکست‌های جنبش‌پس از مشروطیت و صدمات ناشی از بی‌کفایتی سستی و خیانت‌رهیوان سنتی جنبش بورژوازی توده‌ها و ایجاد زمینه‌های نومبستی و سرخوردگی در آنهاست. بر این زمینه است که کتاب به نقش تسریع کننده پیشاهنگ انقلابی در زدودن این روحیه تسلیم و دلسردی اشاره نموده و با آنان که سهم روانشناسی اجتماعی مارکسیستی در تحلیل شرایط جامعه را بفراموشی می‌پارند، مریضی میکند.

بنابراین با توجه به عوامل بالا، ادامه شش‌هائی نادرست گذشته عملاً به تن نیست رسیده به خود و نیروهای پیشرو و مبارز در جامعه در سردرگمی و بلاتکلیفی بسر می‌بردند. شرایط نویسنده اشکال سازمانی و مبارزاتی مشتاسب با قهر فاشیستی سرمایه‌داری وابسته را می‌طلبید. در این نکته که علیرغم دیکتاتوری نظامی - فاشیستی شاه، انقلابیون به امر سازماندهی، تشکل و آگاهی توده‌ها بپردازند، اختلافی وجود نداشت. مشکل در یافتن تاکتیک‌ها و اشکال نوینی از مبارزه بود که به پیشاهنگ امکان ادامه کاری و ایجاد زمینه‌های ارتباط توده‌ای را بدهد.

پس از تشریح نکات فوق، دیکتاتوری ... ضرورت کاربرد تبلیغ مسلحانه را، بعنوان یکی از اشکال تبلیغ در شرایط سالیهای ۵۰ تأکید میکند و یادآور میشود که بسر سراسری تبلیغ مسلحانه باعث شد، که علیرغم اشتباهاتی که در نحوه اعمال این تاکتیک صورت گرفت، آن سازمان‌هایی که اپورتونیک را بکار گرفتند، از بهترین موقعیت در سطح جامعه برخوردار شوند.

بررسی "استراتژی و تاکتیک‌ها بطور عام - تاکتیک محوری بطور خاص" سومین بخش از کتاب را تشکیل میدهد. پس از بحث مختصری در باره استراتژی و تاکتیک و جدائی عمیق بین درک کمونیستی و اپورتو-

نیستی، رفقا به تشریح مقوله "تاکتیک محوری" و تفاوت آن با "تاکتیک عمده" می‌پردازند و در این زمینه به تجربیات جنبش کمونیستی بویژه به آثار گرانقدر لنین و تجربیات انقلابات روسیه مراجعه میکنند. "دیکتاتوری و ..." به درستی به این نتیجه میرسد که تاکتیک محوری "تاکتیک است که به مثابه ستون فقرات و محور تاکتیک‌های دیگر عمل میکند". برخلاف تاکتیک عمده که شکل برتر و عمده مبارزه توده‌هاست، تاکتیک محوری از جانب پیشاهنگ اتخاذ میشود و از این طریق "وحدت پیشرو جنبش توده‌ای، وحدت اشکال گوناگون مبارزه و سر به هدف استراتژیک" میسر میگردد. کتاب توضیح میدهد که چگونه عدم توجه به ارتباط تاکتیک‌ها با استراتژی و نفی تاکتیک محوری باعث میشود که اشکال فعالیت پیشاهنگ و توده‌یخی گرفته شود. تاکتیک‌ها لحظه‌ای و بدون هدف اتخاذ شوند و با پوشش "انعطاف‌پذیری تاکتیک" به دنباله‌روی از جنبش خودبخودی توده‌ها منجر گردد.

در بخش چهارم، "تبلیغ مسلحانه به مثابه تاکتیک محوری"، این مسئله بررسی میشود که آیا تبلیغ مسلحانه در مقاطعی از سالیهای ۵۰ خلعت محوری داشته است یا نه. در صورت پاسخ مثبت، این مراحل چه بوده است. کتاب به درستی با تشریح زمینه‌های عینی و ذهنی سالیهای آستانه دهه ۵۰ و بویژه "خلعت قهرآمیز مبارزات توده‌ها قهر ضد انقلابی رژیم، ناراضی‌دم افروزی توده‌ها، بسته شدن تمام راه‌ها و شیوه‌های قانونی و علنی مبارزه" و همچنین وجود بلاتکلیفی، سردرگمی و خردکاری در طبقات جریانات سیاسی، نتیجه‌گیری میکند که در آن شرایط به اشکال سازمانی نیاز بود که ضمن جذب مارکسیست - لنینیستهای انقلابی بتواند در برابر یورشهای پلیس‌تاب مقاومت داشته باشد و بعنوان نمونه‌ای از "مداقت، شهادت و ایمان انقلابی به توده‌ها" رنگارنگ "هر گونه باس و سرخوردگی از مبارزه و هر گونه بی‌اعتمادی توده‌ها را نسبت به پیشاهنگ" از بین برد. در مرحله اول فعالیت سازمان (یعنی تا زمان تشبیت آن)، تبلیغ مسلحانه از آنرو خلعت محوری داشت که "کاربرد این تاکتیک، موجودیت، بقا و ادامه‌کاری این سازمان در شرایط دیکتاتوری تروریستی، در دوران یورش‌های فاشیستی به سازمان‌های سیاسی و پیگیرهای مدام پلیسی را تأمین می‌کرد، زمینه وحدت پیشرو و جنبش توده‌ای، وحدت تاکتیک‌ها و

سیر به هدف استراتژیک را میسر میساخت. البته پس از تثبیت نسبی سازمان در اوائل سال ۵۳ و گسترش جنبش‌های خودبخودی در این دوران، سازمان می‌بایستی ضمن کار به تبلیغ مسلحانه بعنوان یکی از اشکال مبارزه، در جهت اهداف مرحله‌ای خود یعنی "بردن آگاهی بوسیله‌ی تبلیغ و دمکراتیک به درون طبقه کارگر" و همچنین "توضیح برنامه انقلاب‌رهای بخش برای تمامی نیروهای خلق"، از انتشار یک نشریه سراسری بعنوان تاکتیک محوری مرحله نوین استفاده کند. امری که بنابر تحلیل کتاب در مرحله اول و پیش از تثبیت موجودیت سازمان امکان ناپذیر بود. و در مرحله دوم نیز سازمان به آن بهای لازم را نداد.

بخش پنجم کتاب به بحث پیرامون "تبلیغ و اشکال مختلف آن" می‌پردازد. در این بخش، تاکید میشود که بیعت فسادان موقعیت انقلابی، در شرایطی که تاکتیک مسلحانه از سوی سازمان فدائی بکار گرفته شد، "نه توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه نمیتوانست مطرح باشد و نه سرنگونی رژیم. سپس سؤال میشود "پس چرا ما بخود حق می‌دهیم در غیاب موقعیت انقلابی و شرایطی که توده‌ها آماده سرنگونی رژیم نبودند، اعمال قهر انقلابی پیشرو را مجاز بدانیم و بر چه اساس تاکتیک تبلیغ مسلحانه را تبیین کنیم؟"

برای پاسخ دادن به این سؤال ابتدا مفهوم تبلیغ و ترویج بطور مختصر تشریح میشود و به شرایط کلی عمده شدن هر یک در مقاطع تاریخی معین حیات یک جنبش انقلابی، اشاره میگردد. بر این اساس "دیکتاتوری..." نتیجه‌گیری میکند که اگر چه دو سالهای آخر دهه چهل، امکان تبلیغ وجود داشت اما تبلیغ وسیع توده‌ای به اشکال کلاسیک آن امکان پذیر نبود. برای روشن تر

ندن مطلب به تجربیات انقلابات روسیه، چین و ویتنام و شیوه‌ها و روشهای متنوع تبلیغ در شرایط ویژه هر یک از آنها، اشاره میشود.

"بررسی و ارزیابی تبلیغ مسلحانه در ایران" عنوان آخرین بخش کتاب است. در این بخش با ارائه نقل قول‌هایی از رفقای بنیانگذار سازمان فدائی استدلال میشود که "رفقای تدوین کننده تئوری مبارزه مسلحانه، علیرغم برداشتهای متفاوت خود از شرایط حاکم بر جنبش، همگی بر سرشت تبلیغی مبارزه مسلحانه تاکید داشتند." با اینحال رفقا به انحرافات موجود در دیدگاههای اولیه سازمان اشاره میکنند و ضمن رد اتهامات دگماتیست‌ها و رفرمیست‌ها، که جوهر انقلابی تبلیغ مسلحانه را در دوران رکود توده‌ای نفی میکردند، بر کمبودها و نقاط نظرات نادرستی نیز که در آثار رفقای تدوین کننده تئوری مبارزه مسلحانه وجود داشت، انگشت می‌گذارند. بویژه این نکته تصریح میگردد که "از آنجا که رفقای سازمان از همان آغاز توده‌ای شدن سریع مبارزه مسلحانه را در نظر داشتند و تاکتیک مسلحانه را در تمام طول پروسه فعالیت سازمان بعنوان محور تاکتیکهای خود پذیرفته بودند، این امر موانعی در جهت کار سیاسی - تشکیلاتی گسترده و اشکال متنوع مبارزه پدید آورده بود." بنابراین این زمانی که حمایت معنوی حداثی بخشهایی از توده‌های مردم بدست آمده بود و نیروهای آگاه به مبارزه‌ای فعال روی آورده بودند، لازم بود که با فعالیت‌های گسترده سیاسی این حمایت معنوی تبدیل به حمایت مادی گردد. سپس تشریح میگردد که بر چه زمینه‌هایی تبلیغ مسلحانه "که در یک مرحله آنچنان موثر بود و کارآیی داشت که نقش محوری پیدا کرده بود، در مرحله

دوم، در رابطه با اهداف و وظائف مرحله‌ای نوین، محدودیت‌های وسیعی بر سر راه - وظائف و فعالیت‌های سازمان فراهم می‌آورد." با اینحال رفقای نویسنده اذعان میکنند که رفقای سازمان در آن سالها بتدریج و در پراختیای انقلابی خود از این کمبودها و انحرافات جمع‌بندی می‌کردند و در جهت گسترش پایه‌های توده‌ای سازمان و بویژه در جهت پیوند با طبقه کارگر امکانات وسیعی را تخصیص می‌دادند که با ضربات سال ۵۶ و شهادت تمامی کارهای رهبری سازمان، قطع ارتباطات و از بین رفتن بخش وسیعی از امکانات، این امر نتوانست به نحو صحیحی انجام گیرد. سرانجام کتاب "دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر)" با جمع‌بندی از نقش‌آرزان رفقای بنیانگذار جنبش نوین انقلابی و کمونیستی ایران و دره عمیقی که این عقابان بلند پرواز را از فرصت طلبان این مرغان خانگی، که "از اشتباهات گذشته برای محو دست‌آوردهای عظیم تبلیغ مسلحانه و تاکتیک محوری سوء استفاده میکنند" و با تاکید بر لزوم پیگیری در انتقاد و انتقاد از خود و مبارزه‌ای - آشتی ناپذیر با فرصت طلبان پایان می‌یابد. کتاب "دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر)" اثر شوریک‌آرزانده‌ای است که به عمده‌ترین مشکلاتی که در مقابل جنبش کمونیستی ایران در اواخر دهه ۴۰ و اوائل دهه ۵۰ قرار داشت، برخورد میکند و با دیدی انتقادی نقطه‌های ضعف و قوت جنبش مسلحانه را جمع بندی میکند. بدون تردید چنین جمع بندی‌ها از گذشته میتواند جنبش کمونیستی را در انجام هر چه بهتر وظائفی که امروز در مقابل خود دارد یاری نماید. ما منتظریم این اثر ارزنده را به خوانندگان "جهان" توصیه می‌کنیم.

سالگرد شهادت رفقا

بقیه از صفحه ۲۸

با سرنوشت مبارزه طبقاتی جاری در میهنمان تا درهم شکستن کامل زنجیرهای استثمار و ستم، پیوند دارد. نسلی که سبیل صداقت و مبارزه است، نسلی که در جنگل ریشه دارد، نسل صداقت و جرئت است. نسل فدائی، نسل کمونیست. این نسل مبارزه - نسل در شنگای حیات بارور خویش، بلکه در فراغیای پرفراز و فرود هستی و در زمینه سهمگین - تربیت مبارزات طبقاتی بشریت و در راستای تکامل تاریخ و انسان پویا میکند و خود را با همه تلاش و پویندگی، خشتی استوار و خوشتر می‌بیند در استقرار آزادی و - برابری انسان بالنده فردا.

یکی از معیارهایی که آرمان‌عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی را مشخص میکند، مداومت و کوشندگی در حفظ دستاوردهای جنبش و حرکت در جهت اعتلای آنها و زدودن غبار اندیشه‌های ناپویا از سطح جنبش است. و آنان، آن سه رزمنده شهید فدائی، رفقا هادی، نظام و کاظم، اعضای کادر مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، جسم زنده این معیارها و نماد راستین عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی بودند.

در مقطع انشعاب، زمانی که بینش منحنی "اکثریت" خاشاک با دسیسه و تزویر، بلعیدن سازمان را آهنگ کرده بود و زیونانسه

می‌کوشید که اندیشه سازمان را از جوهر انقلابی، از خلاقیت و از رزمندگی و سازندگی تهی سازد، آن سه کمونیست رزم آور و - اندیشمند، هم‌دوش و هم‌پیمان با رفقای خویش شجاعت سازمان را از ورطه هولناک رفرمیسم کمر بستند. آنان حلقه‌های استوار زنجیره‌ای پولادین بودند که همه فدائیان راستین را از سباهل تا امروز بهم پیوند می‌دهد. آنان از نسل تدوام و اندیشه بودند، از نسل مسعود و پویان، از نسل بیژن، مهرش، مرغیه، حمید، سعید، سیامک و... کارنامه حیات رفقا هادی، نظام و کاظم کارنامه خونین عنصر فدائی

دیدگاهها



بمنظور پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله با مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه! : نقدی بر کتاب تبیین جهان

محبت کشیم. (۲)
توحید (خدای قادر و مطلق) در ادیان مختلف با هم وجود داشته است. در ادیانی که دارای خدایان متعدد بودند نیز ما با خدائی مواجه میشویم که خدایان دیگر را زیر هژمونی خود دارد. برای مثال الله (بت اعراب دوران جاهلیت) در مقایسه با بت های دیگر از آشوب رسته و احترام خاصی در بین مردم برخوردار بود و از همین رو در اسلام نام این بت بر خدای یگانه گذاشته شده است.

در آئین یهود توحید در جسم یک زعيم قبيله پدريالاری با اراده مطلق و قادر به كنترل انسانهای نافرمان آمده است.

در مسیحیت خدا بصورت یک پدر روحانی برای ارشاد انسانهای گناهکار ترسیم شده است و در اسلام خدا بصورت یک رئیس قبیلۀ عرب سختهگیر و جنگجوی است که انسانهای نافرمان را از آتش غضب خود می ترساند و گاهی نیز به انسانهای گناهکار رحم میکند. در قرآن قدرت الهی به دو شکل ظاهر میشود:
۱- نیروی متمركزی مبنی بر دستگاہ هیرارشی که در آن كنترل کامل بر شیاطین و اجنه از یک طرف و فرشتگان و ملائکه از طرف دیگر، وجود دارد. ۲- نیروی پراکنده ای که در همه جا، در همه چیز و در همه وقت حاضر است. شکل اول در سوره های زیر بعنوان مثال دیده میشود: "خدا از آنچه میکند، بازخواست نمیشود" (۲) و از عرشش حکومت میکند و "قلمرواش آسمانها و زمین را فرا گرفته" (۴) و برتر از هر چیز بوده و "فرشتگان و جبرئیل در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است سوی او میروند." (۵) شکل دوم در سوره های دیگر بطور نمونه دیده میشود: "به هر جا رو کنید، خدا همانجا است." (۶)، "خدا نیور آسمانها و زمین است" (۷) و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست" (۸).

آثار اغلب "الهیون" تحت تاثیر شرایط اقتصادی - اجتماعی کشورهای اسلامی و مشغول فرهنگ و علوم یونانی، ایرانی، هندی، یهودی، مصری ... قرار داشت. در عصر جدید بورژوازی هم کوششهای تجدیدطلبانه در "تعمیر" جدید از اسلام (مثلاً از طرف "نهضت آزادی" و سپس "سازمان مجاهدین") برای اثبات جنبه وحی شده الهیات اسلامی انجام داده است.

در الهیات مجاهدین، با استناد به برخی از سوره های قرآن و علوم جدید "تعمیرات" جدیدی از توحید، نبوت و معاد ارائه شده است. اما در بخش آخر این مقالات در باره جهان بینی و متدولوژی مجاهدین مفعلاً به الهیات و متافیزیک آنها برخورد خواهیم کرد. ولی در اینجا برای کمک به درک سیستم التقاطی مجاهدین، بهتر است اجمالاً با استناد به کتب مقدس سامی و متدولوژی علمی، توحید و نبوت را تشریح کنیم. زیرا این دو مقوله بعنوان منابع مجاهدین بطور مکرر مورد استناد قرار میگیرند. (در بخش ما ترابالیم تاریخی به مسئله معاد از دیدگاه مجاهدین خواهیم پرداخت). اگرچه این مقوله ها در الهیات قرار میگیرند، مملاً آقای رجوی با "تعمیرات" جدید آنها را در فلسفه جای میدهد. ایشان بجای تقسیم بندی مقولات به مقولات علمی و به مقولات متافیزیکی (گویا ایشان از کلمه متافیزیک خوششان نمی آید) آنها را به "علمی و فلسفی" (۱) تقسیم بندی میکنند و بدینگونه علم را در مقابل فلسفه قرار میدهد. آقای رجوی میگوید: "نکته بعدی فرق تشریح و تبیین است. در حقیقت فرق علم و فلسفه. پاسخ هائیکه از اسلام به مسائل ایدئولوژیک دادیم و بصورت ۱ (توحید)، ۲ (معاد) و ۳ (نبوت) فرموله کردیم، پاسخ هائی فلسفی هستند و نه علمی. یعنی اصلاً در حیطه فلسفه هستند و نه علم. اصلاً بایستی بعدها در باره علم و فلسفه معنی آنها و روشهایشان، قلمرو آنها و...

در قسمت اول این مقاله، پس از ذکر مقدمه ای در مورد ضرورت مبارزه ایدئولوژیک با شالوده های عقیدتی مجاهدین خلق، به سیستم التقاطی آنها در مورد پیدایش جهان پرداختیم و همچنین نشان دادیم که تلاقی مجاهدین برای تلفیق علم و مذهب، کار تازه ای نیست. در این شماره ما برای آنکه سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش جهان را هرچه روشن تر نشان دهیم، ابتدا به بحث پیرامون این مسئله خواهیم پرداخت که آنچه مجاهدین از آن بعنوان فلسفه پیدایش جهان نام میبرند، چیزی جز الهیات اسلامی نیست. آنگاه به توضیح افسانه آفرینش جهان در ادیان سامی خواهیم پرداخت و برای مقایسه، تشریح علمی پیدایش جهان را نیز مختصراً تشریح خواهیم نمود. در پایان این قسمت جمع بندی خود را در مورد سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش جهان ارائه خواهیم داد.

الهیات مجاهدین بجای فلسفه

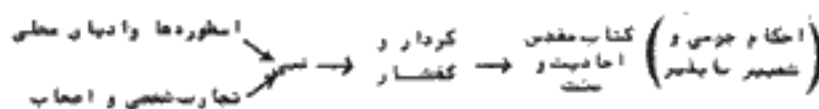
الهیات کوششی است برای اثبات خدا و رابطه اش با جهان و انسان. الهیات سامی از دو بخش عمده "وحی" شده (تسورات، انجیل و قرآن) و کسب شده (مطالعه خلقت جهان) تشکیل شده است. در اسلام قرآن در بخش اول و حدیث و سنت در بخش دوم قرار میگیرد. در هر عصر بخش "وحی" شده تحت تاثیر علوم معاصرش، "تعمیر" میشود. ظرف ۳۰ سال اول صدر اسلام اصحاب محمد به جمع آوری نسخه های متعدد قرآن و سپس نوشتن یک نسخه رسمی قرآن پرداختند. در ۱۴۰۰ سال اخیر مفسرین و مورخین اسلامی مانند بخاراشی، طبری، غزالی، ابن سینا، حنبل، رازی، ابن خلدون، جرجانی، ابن اثیر، ابن کثیر، بلخی، ترمذی، فارابی و دیگران در جمع آوری احادیث، تفسیر قرآن و تثبیت سنت و هیوارشی اسلامی برای اثبات جنبه "وحشی" شده الهیات اسلامی کوشیدند. در گذشته

در قرآن منشأ خلقت جهان توسط خدا دو گونه است. اول، سوره هائیکه نشان میدهند خلقت از دگرگوشی ماده اولیه (آب و دود) بتوسط خدا حاصل شده است (۹). در اینجا فعل "خلق" به معنی "چیزی را شکل دادن"، آمده است. این تفسیر بیشتر مورد قبول تجدد طلبان مذهبی مانند مجاهدین است. دوم سوره هائیکه اشاره به این میکنند که خدا جهان را از هیچ Ex-Nihilo آفریده است (۱۰) که مورد قبول روحانیون و مذهبیهون سنتی میباشد. بنا براین تناقض گوئی در مورد منشأ خلقت جهان در قرآن به روشنی دیده میشود. مکاشف خلقت مبتنی بر فرمان خدا به ماده اولیه است که برای دگرگوشی مورد خطاب قرار میگردد (۱۱). مدت خلقت شش روز است که در آن آسمانها در دو روز، زمین در دو روز و موجودات زمین در دو روز آفریده میشوند. (۱۲) در اینجا "روز" بدون وجود زمین و نتیجتاً گردش آن بدور خود گویای "اشباهی" تاریخی در تورات است. در پیرو خلقت بنظر میرسد که خلقت از آب شکل گرفت و آسمانها از دود، و آسمان و زمین از جسم جامد تشکیل شده بود که خدا آنها را از هم جدا کرد. (۱۳) هدف خلقت برای تفریح و "بازیکنانه" نبوده (۱۴)، بلکه برای سجده خدا بتوسط شیاطین، پریان، آدمیان، آسمان و زمین میباشد (۱۵). خدا را آنطور که در کتب مقدس به گانه سامی در رابطه با مقوله خلقت توصیف شده است، پیشوانیم در دو مرحله جمع بندی کنیم:

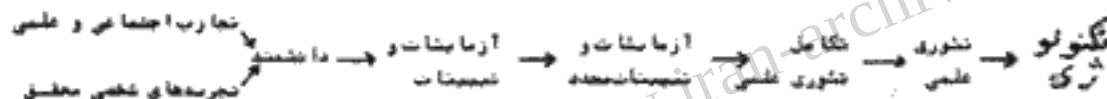
- مرحله اول:** پیش از خلقت جهان که خدا مشغول تزیین و بعضاً انسانی را داراست:
- ۱- مبدا هستی است و مادی نیست.
 - ۲- روح داشته و نقشه کائنات را داراست.
 - ۳- صاحب مکانیم تفهیرات جهان است.
 - ۴- آفرینش را ابتدا در عرش و سپس در زمین شروع میکند.
 - ۵- خصوصیات انسانی دارد (تکلم، دیدن، استراحت)
- مرحله دوم:** پس از خلقت انسان، رفتار خدا بیشتر جنبه انسانی پیدا میکند:
- ۱- به عبری و عربی تکلم میکند.
 - ۲- به فلسطین و عربستان نظری خاص دارد.
 - ۳- صفات گمراه دارد.
 - ۴- صفات عارضه دارد.
 - ۵- مردگان را زنده میکند.
 - ۶- بر زمین و آسمان سلطنت میکند.
 - ۷- روز جزا تشکیل خواهد داد.
 - ۸- معجزه میکند.
 - ۹- برای هر امتی یک نبی میفرستد.
 - ۱۰- گاهی در جنگها شرکت میکند.

مسئله نبوت در مذاهب به گانه سامی بدینگونه است که معمولاً طفلی یتیم (موسی، عیسی و محمد) که به سنین میانه رسیده، در حالتی عرفانی و اشراق (ما به جنبه های روانشناسانه این مسئله در اینجا کاری نداریم) در عالم غور فرو رفته و این "تجربه" فردی را در نشست های متعدد به اصحاب خود انتقال میدهد که بعد از مدتی در جامعه بصورت دگمهای تغییرناپذیر ولی تعبیر پذیر تثبیت میشود. بدینگونه در ادیان سامی پیامبران از جانب خدا برای هدایت بشر مبعوث میشوند. بعثت نبوی، "تجربه" فردی، عارفانه، بدون تاهید و غیرقابل تکرار بوده که معمولاً مدتها بعد از اتفاقشان از طرف حواریون و اصحاب بصورت سیستمی اعتقادی تدوین میشوند. دیاگرام ۱، مقایسه بین پیرو تکیوین "عنصر فلسفی - ادراکی" در الهیات و علم را عرضه میکند.

الف - الهیات



ب - علم



دیاگرام ۱ - مقایسه بین تکیوین "عنصر فلسفی - ادراکی" در الهیات و علم

اوست. بلکه همه قطرات، چه بخواهند و چه نخواهند بجانبا و روان، در سجد و وسوسه هستند. (۱۶) بدینگونه قوانین تکامل دستاویز قرار میگیرند تا ایده آلیسم اثبات شود! برخلاف عنصر فلسفی - ادراکی در الهیات، عنصر فلسفی - ادراکی در علم براساس تجربیات اجتماعی و علمی موجود و تجربه های شخصی دانشمندان و همکارانش در آزمایشات و تبیینات عقلی یا دلیل و برهان بصورت یک تئوری تکامل پذیر مدون میشود. تجربه علمی از طرف دانشمندان دیگر قابل تکرار، آزمایش و ردیابی میباشد و بخاطر بویائی، با پیشرفت علوم کامل تر میشود. برخلاف نظرات نبی، نظرات عقلی وابسته به فرد عالم و در انحصار وی نبوده و تمام آن - قابل آزمایش و ردیابی است.

بطور خلاصه آنچه که مجاهدین از آن بعنوان فلسفه پیدایش جهان نام میبرند، چیزی جز الهیات اسلامی نیست که توحید و نبوت اساس آنرا تشکیل میدهد. بعبارت دیگر مجاهدین نیز مانند روحانیون تشیع

در الهیات منابع نبی اسطوره ها و ادیان محلی و نیز تجارب شخصی نبی و اصحاب وی میباشد. او در یک دوره تنهایی (مثلاً راه پیمائی ۴۰ روزه عیسی و یا به کسوه حرا رفتن محمد) و در حالتی اشراق آمیز بخش اول الهیات خود را در کردار و گفتار به اصحاب خود ارائه میدهد. چنانچه مذهبی بخاطر شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مناسب، موفق به کتب اتورینه سیاسی شود، یعنی امپراتوری بزرگی را مسخر کند (مانند مسیحیت در امپراتوری روم بعد از قرن چهارم میلادی و اسلام پس از فتح ایران) بعد از گذشت نسلها و قرنها، این نظرات بصورت کتاب مقدس و احادیث کتبی و بسا تطبیق با شرایط اجتماعی بصورت سیستم دگمهای برای هیرارشی مذهبی تثبیت میشوند. "عنصر فلسفی - ادراکی" مذهبی از لحاظ تاریخی ایستا و منشأ آن در - متافیزیک قرار دارد. نظرات نبی بصورت احکام بودن دلیل و بر اساس منطق فیهیایستی پذیرفته میشوند. بعدها برای اثبات این احکام، الهیات تعبیرات و

معتقدند که خلقت جهان توسط "ذات اقدس" احدیت صورت گرفته که بعد از رسالت و هدایت انسان به عنوان بخشی از مجموعه آفرینش، به انبیا سپرده شده است.

حال بگذارید که افسانه آفرینش جهان در ادیان سامی بطور کلی و تئوری علمی پیدایش جهان را مختصراً مرور کنیم.

۲- افسانه آفرینش جهان در ادیان سامی

در حرکت دسته‌های انسان نواحی از آفریقا بسوی اروپا و خاورمیانه، مسیر آنها از جنگلها به دشتهای گرمسیر و سپس به غارها در مناطق نسبتاً سردسیر، با کاربرد ابزار در شکار حیوانات بزرگ و کوچ دسته جمعی توأم بوده است. براساس علوم باستانشناسی و انسانشناسی، نخستین پایه‌های دین در قبور و قارهای نشاندار - ناله‌های اروپا (۲۰۰ هزار سال پیش) دیده میشود. در این دوره تفاد عمده انسانها با طبیعت آشفته به خاطرات میهم از سرزمین‌های پشت سرگذاشته، دلهره از افقهای روبرو، حضور مردگان عضو دسته در رویاها، دیدن تصویر خود در برکه‌ها، پیدایش سایه سیاهی از خود در روز و شب مهتابی صداهاشی از دورن مله‌بزمین، رعد و برق غیرقابل پیش‌بینی در آسمان و شبخون سحرگاہی گوشه‌خواران بزرگ بود. تبلور این تفاد در ذهن انسانها نخست در جادو - گران کیمیاگران و سپس در تعدد خدایان صاحب قدرت کنترل بر نیروهای قهار طبیعت و جلال بین آنها بهنگام پیدایش بلایای طبیعی در اسطوره‌های شفاهی و کتبی دیده میشود. اسکان انسانها در مجاورت رودخانه‌های نیل و بین‌النهرین با بسط کشاورزی و دامداری و در نتیجه حدود جغرافیائی و خویشاوندی قومی و قبیله‌ای منجر به پیدایش ارتشهای قبیله‌ای میشود. در این دوره تفاد عمده بین اقوام مجاور هم و انسانهای عضو یک قوم بوده است. بقای هر نسلی مطابق سنت قبیله‌ای، در گرو ایجاد یک پدر واحد برای قرابت اقوام تا داشتن منشاء واحد میباشد. این نیاز به یک منشاء واحد در پیدایش ادیان سامی شوحیدی تبلور می‌یابد. شرح قهرگاه گاه طبیعت، وقایع قومی، منازعات اقوام مجاور شخصیت‌های قومی و اخلاقیات مدنی از طریق افسانه‌ها و فولکلور بطور شفاهی و گاهی در آثار مستغرقه انتقال می‌یافت، تا سرانجام با پیدایش شهرنشینی، مدنیت، خط و ابزار نوشتن، این داستانها و مراسم تدوین یافتند. هیرارشی قبیله‌ای تبدیل به دودمانهای بزرگ‌سومر، اکد، کلد، بابلس

(منشور حمورابی در ۲۸۰۰ سال پیش)، مصر (مذهب آمهوتپ در ۲۵۰۰ سال پیش) و سپس آرامی در دمشق، عبری در اورشلیم، فینیقی، مادی، پارسی (آزادی یهودیان از بابل توسط کوروش در ۵۲۵ ق.م.) شد که در گذشتان اقوام و قبائل کوچکتر (بویژه اعراب دوره جاهلیت) با چسباندن کاروانها، تجارت، باغداری و شبانی در جاهلیت پسر می‌پردند. نخستین مجموعه تدوین یافته بصورت کتابی بنام عهد عتیق در ۳۰۰۰ سال پیش میباشد که پایه‌های یهودیت، عیسویت و اسلام قرار گرفت.

از نظر فلسفی، فرض بر وجود خدا و قدرت خلقتش میباشد. خدا در شش روز جت‌شیب نور، افلاک و غیره را آفرید: "در ابتدا خدا آسمانها، زمین... تاریکی و آب" را آفرید (۲۱) و بعدها معاد (بهشت و دوزخ)، شیاطین و اجنه و فرشتگان، نبوت و معجزه‌ها را برای بشر آورد. (۲۲) روز هفتم خدا استراحت کرد. در این افسانه، فقط هفت مقوله که در فوق ذکر شدند، در زمان تدوینش نام برده شده‌اند. ولی بعدها، بخاطر ضرورت‌های زمان، مقوله‌های دیگری (که معلوم نیست در چه روز "هفته" معاد (بهشت و دوزخ)، فرشتگان (شیاطین و اجنه) می‌آیند.

بطور خلاصه افسانه سامی آفرینش جهان براساس مبدا غیر مادی، خلقت خلق الساعه و فقدان پدیده‌های میکرو میباشد. و اما جزء دوم سیستم التقاطی رجوی، تئوری پیدایش جهان است که در زیر تشریح میشود:

۳- تئوری پیدایش جهان براساس انفجار اولیه

از سالهای ۱۹۲۰ به بعد، با پیشرفت نجوم و فیزیک اتمی، پروسه پیدایش جهان بصورت یک تئوری تدوین شد. در اینجا تئوری بمعنای یک سیستم منجم براساس فاکتورها برای توضیح یک پدیده و پیش‌بینی عملکرد آن میباشد. در علم، تئوری با مفروضات آغاز گشته و سپس آنها با فاکتورها و مشهودات توجیه میشوند. علم، دانش متکی بر مشاهدات و آزمایشات است که بطور دقیق و سیستماتیک تجربه شده‌اند و تحت اصول عام علمی برای توضیح طبیعت درآمده‌اند. بطور فرمولی تئوری پیدایش جهان را میشود در دیاگرام ۳ عرضه کرد:

دیاگرام ۳ - تئوری پیدایش جهان

حفره سیاه اولیه بختل عظیم جاذبه است که از آن هیچ چیز، حتی نور، نمی‌تواند بگریزد. لذا چون نور نمیتواند خارج شود، این قسمت از فضا سیاه است و چون ماده در آن سقوط میکند (جذب میشود)، حفره نامیده میشود. محتوای این حفره، نوترون‌ها هستند که بطور بسیار متراکم، غیر جامد و در درجه حرارت زیاد بوسیله نیروی جاذبه بهم چسبیده‌اند. البته هنوز هم حفره‌های سیاه (بقول دکتر هشترویدی، خورشیدهای نامرئی) در فضا وجود دارند. (۱۹) بین ۱۰ تا ۲۰ - میلیارد سال پیش، انفجار اولیه عظیمی در حفره سیاه اولیه رخ داد که ماده و انرژی بخاطر نیروی گریز از مرکز و فعل و انفعالات اتمی (اتمهای سبک و الکترون - پروتون - نوترون) بفضا پرتاب شدند. در هسته این اتمها، نوترون و پروتون با نیروی اتمی بهم چسبیده‌اند و بدورشان الکترونها بخاطر نیروی الکتریسته، قرار گرفته‌اند. کهکشانها از طریق پیدایش مراکز ثقل در ماده اولیه گسترده در فضا، ایجاد شدند. اینها مجتمع ستارگان زیادی هستند که در حال دور شدن از هم تحت تاثیر نیروی جاذبه میباشند. خورشیدها آن دسته از ستارگانند که بدورشان سیاراتی وجود دارد. کهکشان ما - راه شیری - از نظر تراکم ستارگان در فضا شکل S می‌باشد. قطر آن ۱۰۰ هزار سال نوری بوده و در منطقه بیرونی و بفاصله ۳۰ هزار سال نوری از مرکز آن، خورشید ما، قرار گرفته است که هر ۲۳۰ میلیون سال یکبار بدور آن میگردد.

حدود ۵ میلیارد سال پیش در قسمت بیرونی کهکشان راه شیری، منظومه شمسی در اثر انقباض و دوپاره شدن ماده سازنده خود به ۹ سیاره و هر کدام با اقمار یا حلقه‌های گازی تبدیل شدند که همه بدور خورشید می‌گردند. حدود ۴/۵ میلیارد سال پیش، بخشی از زمین پس از اینکه قشر بیرونی زمین جامد شده بود ولی درون آن پر از مواد مذاب بود، در قسمت اقیانوس آرام از زمین جدا شد (ماه). حدود ۴ میلیارد سال پیش سلسله کوهها و کوههای آشفته‌شان روی زمین پیدا شدند. پس از تقلیل حرارت در سطح زمین و پیدایش گازهای متان (CH₄)، آمونیاک (NH₃)، هیدروژن (H₂) و همچنین پیدایش آب (H₂O)، مولکولهای پیچیده‌تر بیولوژیک پروتئینها، اسیدهای آمینه و نوکلئیک در

زمین - منظومه شمسی - راه شیری - کهکشانها - انفجار اولیه - حفره سیاه اولیه

اقیانوسها تشکیل شدند. از تجمع این مولکولهای مرکب - یا مواد سازنده حیات سرانجام در آنها، تنگ سلولهای ساده گیاهی و سپس باکتری ها تکیه میتوانستند خود را تکثیر کنند، پیدا شدند. از ۶۰۰ میلیون سال پیش، ماهیان، خزندگان، پرندگان، پستانداران و انسان تماها، ظاهر شدند و سرانجام انسان در یک میلیون سال پیش روی کره زمین پیدا شد. بطور خلاصه شئوری پیدایش جهان بر اساس منشاء مادی و تغییرات پروسه‌ای در اثر قوانین طبیعی فرموله شده است.

۴- جمع بندی

بطور خلاصه سیستم التقاطی آقای رجوی در مورد پیدایش جهان از تلقی شئوری علمی پیدایش جهان و سفر پیدایش تورات حاصل شده است. جدول ۱، مقایسه سیستم علمی، سامی و التقاطی در مورد پیدایش جهان را ارائه میدهد:

جدول ۱ - مقایسه سیستم در مورد پیدایش جهان

مقوله	سیستم علمی	سیستم سامی	سیستم التقاطی
مبدأ	مادی	خدا	خدا
تکوین	پروسه‌ای	خلق الساعه	مرحله‌ای
روابط	علمی	مجزا	علمی
مکانیسم تغییر	قوانین علمی	ارادی	قوانین علمی
جهت تغییر	پیچیده شدن	توحید	توحید
علت تغییر	تصادف	مشیت الهی	وحدت

کاملاً مشهود است که سیستم اعتقادی مجاهدین از التقاط دو سیستم علمی و سامی مشتق شده است. برخلاف سیستم علمی که در پروسه تکاملی با تئوری ها و مشاهدات کاملاً مشر میشود، سیستم سامی در زمان ساکن بوده و تنها تعبیر و تفسیر آن در زمانهای مختلف تغییر میکند.

افسانه خلقت دستاورد ابتدائی انسان از طریق تخیل و خاطرات قومی در مورد پیدایش جهان بود که بعدها با پیشرفت علوم و شناخت بهتر انسان از طبیعت، مقبولات "خلق الساعه"، "مطلق"، "ساکن"، تبدیل به "پروسه‌ای"، "نسبی" و "در حال تغییر" شدند. با مقایسه دقیق تر به سیستم علمی، سامی و التقاطی مجاهدین معلوم میشود که نظرات مجاهدین در مورد مبدأ پیدایش جهان و جهت حرکت آن، هیچگونه ثباتی با نظرات سامی و اسلام سنتی ندارد. در مورد این مقوله، که در حقیقت جزء اساسی ترین

مقوله‌های فلسفی است، مجاهدین با قبول خدا به عنوان مبدأ و غایت هستی، در کمپ ایده‌آلیسم قرار میگیرند. در مورد توضیح مقوله‌هایی مانند روابط بین پدیده ها و مکانیسم تغییر آنها، مجاهدین به سیستم علمی اتکا میکنند. در مورد مقوله‌های دیگر مانند تکوین پیدایش جهان و علت تغییر آنها با نفی پروسه‌ای بودن تکامل جهان و نفی تصادف و قبول وحدت بعنوان علت تغییرات هستی، به واضح ترین شکل ممکن التقاط فکری خود را به نمایش میگذارند. بنابراین، وقتی ما نظرات آنها در مورد پیدایش جهان را التقاطی نامیدیم، حکم بیهوده‌ای صادر ننمودیم. امروز صحت نظرات ماثریالیستی در مورد پیدایش جهان آنچنان روشن شده است که دانشمندان و متفکرین غیر مارکسیست نیز آنها را می‌پذیرند. بقول برتراند راسل، "جهان برخلاف الهیات، آفریده نشده، بلکه تکامل یافته است." (۲۰)

بطور خلاصه سیستم التقاطی رجوی ادامه همان کارهای ادبی نهضت آزادی و

مجاهدین سالهای چهل می باشد. اگر در گذشته مجاهدین با نزدیکی و حمایت از مارکسیستها چه در دادگاهها و چه در جزوایشان، از مارکسیسم برای ایده‌آل‌لوی خود استفاده میکردند، این پروسه هیاگونه که رفیق جزئی پیش بینی میکرد به دو جزء خسود، یعنی ایده‌آل‌لوی پرولتری و بورژواشی تجریده شده و آقای رجوی با پشت پا زدن به سنتهای اولیه سازمان خود و اتحاد با بورژوازی، به تعدیل نظرات گذشته سازمان پرداخته است. اگر اسلام "مفوی" صرفاً با خرافات در مدد قبولاندن خلقت جهان به مردم است، اسلام "علوی" آقای رجوی درجده است که بنا سیستم‌سازی تئوری های علمی را با اساطیر سامی مربوط به آفرینش "سازگار" ساخته او آنها برای روشنفکران خرده بورژوا فرموله کند. انگیزه اصلی آقای رجوی از تشبیه به تئوریهای علمی برای ترویج نظرات ایده‌آلیستی خود از کجا ناشی میشود؟ پاسخ

به این سؤال روشن است. عمر ما، عصر آگاهی انسانها و عصر پیشرفتهای عظیم علمی است. امروز کمتر جوان تحصیل کرده‌ای را میتوان یافت که براضی زیر بار خرافات مذهبی برود. برای جذب افراد، ایده‌آل‌لوی خرده بورژواشی اینبار به تاچار ایده‌آلیسم عصر عتیق خود را زیر "عبارات و جملات" بعاریت گرفته شده علمی می‌پوشانند. پیشرفتهای علمی و رشد جهان بینرینی مارکسیستی اینجا میبکند که امروزه ایده‌آلیستها نه در لباس استغفار کلی ها و محمداقر مجلسی ها، بلکه در لباس کینزیرگها و رجوبها ظاهر شوند. بدون تردید مبارزه طبقاتی در ادامه خود رنگ و لعاب "علمی" نظرات آنها را خواهد زدود و جوهر ایده‌آلیستی نظرات آنها را در معرض قضاوت تاریخ خواهد گذاشت.

فهرست منابع

- ۱- رجوی، تبیین جهان، جلد ۵، ص ۱۹
- ۲- همانجا، جلد ۱، ص ۱۲-۱۳
- ۳- شرحه پاینده، قرآن، ۲۱:۲۲
- ۴- همانجا، ۲:۲۵۵
- ۵- همانجا، ۴:۷۰، ۵:۲۲
- ۶- همانجا، ۲:۱۱۵
- ۷- همانجا، ۲۲:۲۵
- ۸- همانجا، ۲۳:۸۲
- ۹- همانجا، ۱۱:۷، ۱۲:۹-۱۱، ۲۱:۳۰
- ۱۰- همانجا، ۷:۵۲، ۲۵:۵۹، ۱۰:۲
- ۱۱- همانجا، ۳۶:۸۲، ۶:۷۳، ۲۰:۱۱۷
- ۱۲- همانجا، ۹:۱۲
- ۱۳- همانجا، ۲۱:۳۰، ۹:۱۲
- ۱۴- همانجا، ۲۸:۲۷، ۲۹-۳۸، ۲۴:۳۸، ۲۱-۱۶
- ۱۵- همانجا، ۵۱:۵۹، ۲۲:۱۸
- ۱۶- رجوی، همانجا
- ۱۷- همانجا، جلد ۳، ص ۲۴
- ۱۸- همانجا، جلد ۱، ص ۲۶
- ۱۹- نیوزویک، ۲۱ اکتبر ۸۳، ص ۹۰
- ۲۰- راسل، تاریخ فلسفه غرب، ص ۴۷

از خوانندگان

بقیه از صفحه ۶۳

نباید اینرا به مثابه پایان راهمان تلقی نمود. اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی فقط یک وظیفه مبرم بود ولی این وظیفه مبرم باید در کدامین سو بنا چیه مضامینی سمت گیری نماید، خود از ویژگی خاصی برخوردار است. این نشریه شامل اخبار مطالبی در مورد سال نومیلادی، کردستان، سالگرد فرار شاه، "چرا پناهانده باید بزدان رود؟" و شعر، تقویم تاریخ و... میباشد.

بازتاب رویدادهای اجتماعی و تاریخی در شعر فارسی شعر دوران مشروطه

وقت خویش را صرف ترویج و حمایت مذهب شیعه نمود. در نتیجه دربار به شعر و شاعری فقط در جنبه های مذهبی توجه مینمود. اما در این دوران بسیاری از شعرا از دربار روی برگردانیدند. اما بجای آنکه به توده ها و به رثالیسم روی آورده اند، سبک هندی را که مفاهیم خیالی و دور از ذهن و تصاویر غم انگیز از زندگی را به خواننده تلقین میکرد، اختیار نمودند. سبک هندی مانند سبک امپرسیونیسم از موجودات صراحتا خام نمیبود و حتی سمبل و نماد آنها ذکر نمیکند. از اینرو آثار شاعران این دوره مثل ماسب تبریزی، طالب آملی و عرفی شیرازی و... تنها برای عده معدودی اغلغ قابل درک بود. سخنوران این سبک در جستجوی مفاهیم ناگفته و دور از ذهن تا بحدی افراط میورزیدند که کار را به ابتذال و بیهودگی میکشاندند. بقول محمد تقی بهار:

فکرها ست و تخیل ها عجیب، شعر پر مضمون ولی دل ناقریب
وز فحاشتی بی نصیب

هر سخنور بار مضمون میکشید، رنج افزون میکشید

زان سبب شد سبک هندی مبتذل!

بعد از هرج و مرج های اقتصادی و سیاسی اواخر دوران صفویه و نابسامانی هایی که پس از آن نصیب طبقات تحتانی جامعه گشت، در اوایل دوران قاجار و مخصوصا در زمان سلطنت فتحعلی شاه، جامعه ایران از امنیت سیاسی ضعیف برخوردار گشت. دربار فتحعلی شاه مجددا "شاعران شعلق گو و چاپلوس را بدور خود جمع کرد تا برای ربودن جله و جایزه بهترین شاعر و لقب ملک الشعراء از یکدیگر سبقت جویند." (۴) در این دوره فثودالیزم آخرین لحظات حیات تاریخی خویش را میگذرانید و برای توجیه وضعیت موجود، دست به سوی شعرا دراز میکرد. اما بعلت مجموعه شرایط موجود، شعرای دربار قاجار که فقط تقلیدی از آثار قدما میکردند، کار ساز نبودند. سبک ادبی که توسط شاعران اوایل دوران قاجار به کار گرفته میشد، به سبک "باز گشت ادبی" مشهور است. این سبک که در آثار هاتف، سروش، مجمر، میا و... چشم میخورد، تلاش داشت با تاسی جستن به شعرای قدیمی مانند فردوسی، منبری، سعدی و حافظ، به سبک خراسانی و سبک عراقی بازگردد. "بازگشت ادبی" که تلاشی بود برای رهایی از تبااهی و فقر ادبی دوران مظوی و نابسامانی های بعد از آن، یک بازگشت کامل و بی قید و شرط و بقول نیما "بازگشتی از روی عجز به طرف سبکهای قدیم بود." (۵) از آنجا که مینای کار هنری نه ابداع و ابتکار، بلکه بر تقلید آثار قدما گذاشته شده بود، سخنوران این دوره بموض انعکاس بحران دوران زوال فثودالیزم، دردها و رنجهای توده های مردم، نفوذ استعمار و ستم دربار قاجار، به تصوف و عرفان روی کرده بودند و بی اعتباری دنیا و بدبینی نسبت به مسائل اجتماعی را تبلیغ مینمودند. بقول از نست قیصر "در جامعه ای که در حال زوال است ادبیات اگر مادقانه باشد، باید خود این زوال را نمایان سازد. ادبیات اگر نخواهد رشته پیوند خود را با نقش ویژه اجتماعش بگسلد، باید جهان را تحول پذیر بنمایاند و به تحول یافتن آن کمک کند." (۶)

از جمله شاعران بدبین این دوران، فتح الله خان شیبانی است که در آثار او یاس و نومیدی دوران اضمحلال فثودالیزم

تاثیرات متقابل ادبیات و رویدادهای تاریخی و اجتماعی در دوران مشروطه بر یکدیگر، باید در پروسه تحولاتی که در آخرین مراحل سلطه فثودالیزم در ایران روی داد، مورد بررسی قرار گیرد. با انحطاط فثودالیزم در ایران در قرن هجدهم و نوزدهم، طبقه نوپای بورژوازی ایران کم کم شکل گرفت. (۱) نفوذ سرمایه خارجی و فرهنگ بورژوازی غرب در شکل گیری بورژوازی ایران بسیار موثر بود. نفوذ استعمار نه تنها مخالفت بورژوازی نوپای ایران را برانگیخت، بلکه همراه با انحطاط کشاورزی و فشار به زحمتکشان شهری، منجر به رشد ناراضی سیاسی اقشار پائینی جامعه گشت. (۲) بر بستر چنین ناراضی هایی بود که انقلاب مشروطه تکوین یافت.

ادبیات از جمله ابزار بود که بورژوازی نوپای ایران برای رسیدن به قدرت از آن استفاده نمود. ولی مطلب به اینجا ختم نمیشود. زیرا فثودالیزم در حال زوال نیز مذبوحانه به آن جنگ می انداخت و طبقات تحتانی جامعه نیز آرزوها و تمایلات فردی و اجتماعی خویش را از طریق آن پاسخ می گفتند. مطالعیه ادبیات دوران مشروطه این مبارزه بین طبقات و جدال بین اندیشه های کهن و نوین را منعکس می یازد. از آنجا که اولین بررسی محدوده به ادبیات منظوم است، در این مطالعه با جدشا بازتاب رویدادهای تاریخی و اجتماعی دوران مشروطه را در آثار شعرای این دوره مورد ملاحظه قرار میدهم. شعر فارسی دوران مشروطه را میتوان از جهات مختلف مورد مطالعه قرار داد. اما بدلیل محدودیت صفحات این نشریه، ما صرفا به مسائل زیر (آنها) به اختصار می پردازیم:

- ۱- مروری بر ادبیات منظوم در دوران صفویه و اوایل دوران قاجار
- ۲- ناسیونالیزم و ایدئولوژی بورژوازی در شعر دوران مشروطه
- ۳- نوگرایی در فرم و محتوی و مسئله آزادی زنان
- ۴- سلاج انتقاد طنز و هجو
- ۵- بازتاب اندیشه های سوسیالیستی در شعر
- ۶- ضعف های شعر دوران مشروطه

مروری بر ادبیات منظوم دوران صفویه و اوایل دوران قاجار

در دوران سلطه فثودالیزم در ایران، دهقانان، پیشه وران و صنعتگران بخاطر کار سنگین و کمزگرایی که داشتند، عملا مجالی برای پرداختن به امور دیگر و از آن جمله ادبیات و هنر، نمی یافتند. اقشار مرفه ساکن شهرها و فثودالها که با استعمار دیگران، از زندگی آسوده ای برخوردار بودند، مجالس تفریحی ترتیب میدادند و "گاه شعرا و ادبا و اهل فضل و سیاست در منازل خود یا در کاخ بزرگان مجتمع و برای استعاره علمی و ادبی از یکدیگر بمنظومه و مباحثه مشغول میشدند. گاه امرا و شخصیت های متمکن، ارباب علم و ادب را در منزل و بارگاه خود، برای همیشه مستقر می ساختند و در هر فرصتی از خرمن علم و دانش آنان خوشه چینی میکردند." (۳)

در دوران صفویه بعلت سیاست خاصی که این سلسله در خصومت با آل عثمان و سنی مذهبان در پیش گرفت، قسمت اعظم نیرو و

بخوبی نمایان است:

با من چرا زمانه به کین است این چنین

غم بارد از سپهر و من روید از زمین
من خود کیم چه دارم؟ کاین چرخ دزدوار

برکین من نشسته شب و روز در کسین
بهر حال با فتح الله خان شیبانی و محمود خان ملک الشعرا
که جز آخرین شعری درباری به حساب می آمدند و هر دو قبل از
شروع ناصرالدین شاه درگذشتند، کار شعر درباری نیز به پایان رسید.

ناسیونالیسم وایدئولوژی بورژوازی

درشعردوران مشروطه

انقلاب مشروطه ایران، انقلابی بورژوا - دمکراتیک بود که هدف آن ایجاد قانون، مساوات، برادری و برابری بورژوازی بود. همچنین بخاطر سلطه استعمار، ناسیونالیسم یکی دیگر از ویژگی های این انقلاب بود. بورژوازی متمدن ایران که مبارزه با فئودالیسم و استعمار را در دستور کار خود قرار داده بود، این اهداف را در ادبیات نیز دنبال میکرد. لازمه حیات و رشد بورژوازی نوپای ایران آزادی فردی و اقتصادی بود، "زیرا نظام فئودالی ایران این آزادی و اختیار را به فرد میدهد که در پی نفع شخصی، هر کالائی را می خواهد آزادانه تولید کند و آزادانه بهر کجا می خواهد ببرد و بهر که خریدار است، بفروشد." (۷) بنابراین طبقه ای که در حال زایش بود در درجه اول به قانون، نظم و پارلمان احتیاج داشت تا آزادی او را تثبیت کند. اغلب ادبای مدر مشروطیت از قبیل میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالقانی، حاج زین العابدین مراغه ای، میرزا ملکم خان، راه حل مشکلات را در "قانون" می دیدند. از اینرو عشق به قانون نامی در روزنامه های بنام "قانون" که زیر نظر میرزا ملکم خان در لندن چاپ میشد، تصادفی نیست. ادیبان مالک فراهانی در قصیده "ملحیه بلد"، بی قانونی، عدم مساوات و فساد دوران قاجار را چنین ترسیم میکند:

دوش از جفای خصم ستمگر، ظلمه ای

بردم به نزد قاضی ملحیه بلد

ولی در آنجا می بیند:

از اخذ و بند و رشوه و کلاشی و طمع

برسیده کسی ننهاد است دست رد...

با تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم، و آلت دست شدن دربار قاجار، ملیت خواهی و ناسیونالیسم در ایران رشد نمود. باید دانست که ناسیونالیسم تنها نتیجه شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران نبود، بلکه فرهنگ بورژوازی غرب در شکل گیری آن تاثیر زیادی داشت. کلمه "ملت" که قبلا در ایران به معنای دینی و مذهبی بکار میرفت، اندک اندک از طریق ترکان عثمانی که بر سر راه غرب قرار داشتند، بصورت مفهوم () درآمد.

در قصیده ای از فخر الواعظین کاشانی که در شب نامه چاپ شد، خطاب به اثنایک آمده است: (۱۰)

داین غیرت چو شود در گف ملت ظاهر

پاک از لوث وجود تو کند بهشتانرا

عارف قزوینی نیز این مفهوم را در تصنیف های خود بکار میبرد:

ملت از بداند شعر آزادی را

برکنند زین ریشه استبدادی را

با محمد تقی بهار در مورد "وطن" می راید:

نمیدانم چرا ویرانه گشتی؟ وطن!

مقام لشکر بیگانه گشتی، وطن!

بغیر از ناسیونالیسم شرقی، ناسیونالیسم افراطی نیز در شعر مشروطه خود را بصورت تاسف بر ایام پر شکوه گذشته و مفاخره از فرهنگ و تمدن پارسی نشان میدهد. قطعه زیر از چکامه ادیبان مالک فراهانی، اغلب توسط مشروطه خواهان زمزمه میشد:

ما شیم که از پادشاهان باج گرفتیم

زان پسر که از ایشان کمر و تاج گرفتیم

دیهم و سریر از گهر و عاج گرفتیم

اموال و ذخایرشان ناراج گرفتیم

وز بیکر شان دیبه و دیباج گرفتیم

ما شیم که از دریا امواج گرفتیم

و اندیشه نکردیم ز طوفان وز تیار

با اینحال مفاخره نسبت به فرهنگ گذشته که در آشعار بسیاری از اندیشمندان این دوران نیز چشم میخورد، دربرانگیختن مردم به مبارزه بسیار موثر بود. میرزا آقاخان کرمانی در تاسف بر ایام گذشته میگوید:

کجا رفت آن اختر کاویان؟ کجا رفت اورنگ فرکیان؟

که اکنون به پستی نیاز آمدت. چنین اختر بد فراز آمدت (۱۱)

مخالفت با دخالت مذهب در دولت، یکی دیگر از ویژگی های

ایدئولوژیک شعر مشروطه است. بهار که متأثر از انقلابات

بورژوا - دمکراتیک زمان خود بود، می نویسد:

شروت و ملک و ناموس و مذهب چار چیز است در ما مرکب

شروت و ملک و ناموس ما را برده این اختلافات مذهب

نوگرایی در فرم و محتوای شعر و مسئله

آزادی زنان

نوگرایی در فرم و شکل را نمیتوان از نوگرایی در محتوای و مضامین آن جدا ساخت. زیرا این دو پویا به موازات هم ادامه داشته و بر یکدیگر اثرات متقابل میگذارند. نوگرایی در شعر فارسی در دوران مشروطیت محدود به یک طبقه خاص نمیشود. در کنار بورژوازی متمدنی که خواهان کسب هویتی طبقاتی خود بود و برای کسب آن، نوآوری اجتماعی را جستجو میکرد، اشراف قاجار نیز از دستاوردهای نوین فرهنگ مادی غرب (بورژوازی) برای رفاه و آسایش بیشتر برخوردار بودند. بنابراین منظور از نوگرایی در اینجا آن نوع نوگرایی است که با تکامل اجتماعی و تاریخی هموار باشد.

نوآوری در فرم و شکل شعر در جامعه سنتی ایران که همیشه چشم به گذشته و به چهره های مثل فردوسی، سعدی و حافظ داشته است، کار سهل و آسانی نیست. در اوایل دوران مشروطه نیز مردم در شعر همانند امور دیگر به گذشته گرایش بیشتری نشان میدادند. "بازگشت ادبی" موبد همین نظر است. ادبای صدر مشروطه در حلقه خود به فرهنگ گذشته، سبک ادبی گذشته را نیز مورد انتقاد قرار دادند. مثلا حاج زین العابدین مراغه ای در "سفرنامه ابراهیم بیگ" می نویسد:

"گفتم معلوم است که دیوان حافظ عبارت از اشعار متین در

تصوف که خوانندگان کمتر کسی معنی آنرا می فهمد. اطفال از

خواندن آن که ظاهرا سراپا سخن از باده و محبوب و محبوبه و

عشق بازی است چه بهره ای حاصل توانند نمود؟..." (۱۲)

در میان شاعران دوران مشروطه، ایرج میرزا از کسانی است

که انقلاب ادبی زمان خویش را نمی پذیرد. وی هر چند بیشتر عمر

خود را در فقر مادی زیست، با ایشال دیدگاه اشرافی خود را

همچنان حفظ نمود. کشمکش بین اندیشه های نوین و کهنه در اشعار

ایرج میرزا بنجم میخورد. از یک طرف (همانطور که به— اشاره خواهیم کرد) به دفاع از آزادی زنان برمیخیزد، ولسی از طرف دیگر فرهنگ مبتذل اشرافی را تبلیغ میکند و "انقلاب ادبی" زمان خود را به مسخره میکشد:

این جوانان که تجدد طلبند راستی دشمن علم و ادبند
شاعری طبع روان میخواهد نه معانی نه بیان میخواهد
در اینجا ایرج استعداد شاعری را فطری میداند و تاثیر عوامل اجتماعی بر محتوی شعر را انکار میکند. در مثلثی— طنزآمیز "انقلاب ادبی"، وی نوآوری در فرم شعری را رد میکند:

میکنم قافیه‌ها را پس و پیش تا شوم نایفه دوره خویش
منظومه رثالیستی و مفصل "ایده آل" اثر میرزاده عثقی، که برخلاف عنوانش بسیار گویا و واقع بینانه است، انقلابی در سبک شعری بشمار میرود. گذشته از ایده‌های خرده‌پورزواشی و آثار رثیستی که در این اثر وجود دارد، این منظومه که در سه تابلو (پرده) سروده شده است، از جهت سبک نگارش و شیوه بیان و اصالت مضمون بی نظیر است. در این سه تابلو در کنار توصیف اغفال دختری به نام مریم توسط یک اشرافزاده، تاریخچه کوتاهی از انقلاب مشروطه و نتایج آن برای اقشار پائینی جامعه و سرخوردگی آنها ترسیم میشود:

چه گویمت من از این انقلاب بد بنیاد
که شد وسیله‌ای از بهر دسته شیاد
چه مردمان خرابی شدند از آن آباد

گر انقلاب بُد این، زنده باد استبداد
که هرچه بود از این انقلاب بود بهین...

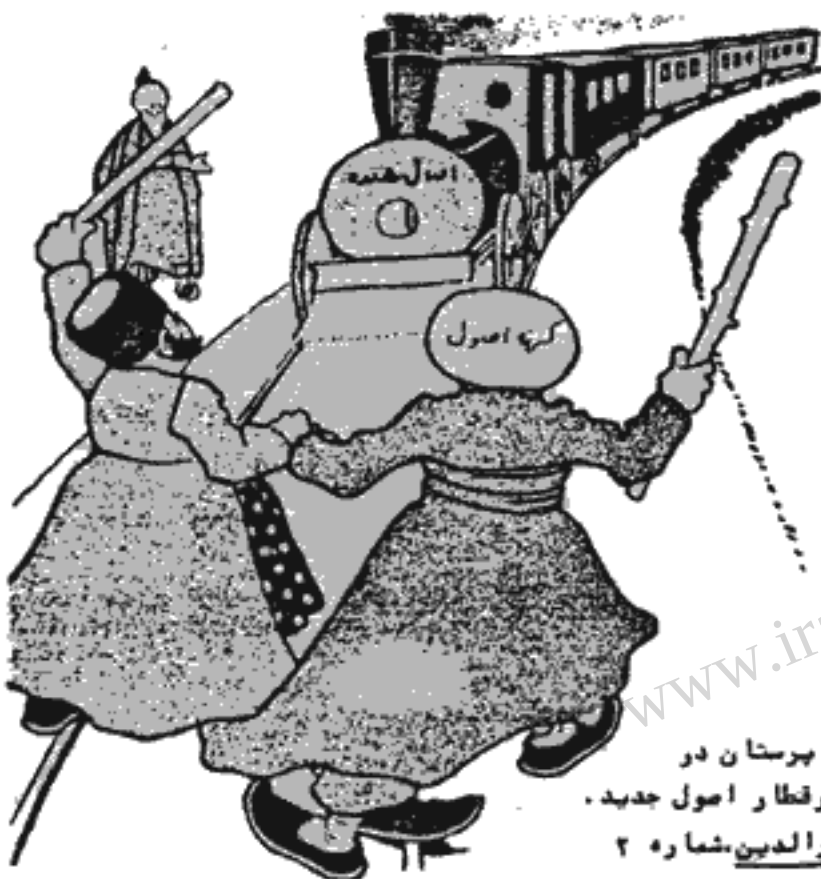
بغیر از عثقی، شاعرانی نظیر دهخدا، عارفه لاهیجی و بهار نوآوری بسیاری در سبک شعری بعمل آوردند. کشمکش بین شعر به سبک کهن و شهر به سبک نو بعد از انقلاب مشروطه نیز ادامه یافت. مخالفان تجدد ادبی در جرگه ادبی "دانشکده" و موافقان تجدد ادبی در روزنامه "تجدد" گرد آمدند. "دانشکده" تمایل به حفظ اشعار گذشته داشت و تنها خواهان رفرمهای جزئی ادبی بود. درحالیکه "تجدد" معتقد بود که "تجدد به مثابه انقلاب است و انقلاب را نمی‌شود با "قطره‌شمار" به چشم جماعه ریخت". (۱۲) به غیر از این دو پویش متضاد، مجله "آزادستان" در نوآوری سبک‌های ادبی تاثیر زیادی داشت. در حالیکه بحث و جدل بین کهنه‌پردازان و نوپردازان داغ بود، علی اسفندیاری (نیما) به پا خواست، فریاد های تجدد طلبانه پراکنده را متمرکز ساخت و انقلاب واقعی در فرم و محتوی شعر را بنیاد نهاد.

شعر فارسی دوران مشروطه علیرغم نوآوری هاشی که در فرم شعری بوجود آورد، نتوانست گریبان خود را از قید قواعد عروضی فارسی خلاص کند. اما باید دانست که آنچه شعر فارسی این دوره را نسبت به گذشته متمایز میسازد، نوگرایی در مضمون و محتوی شعر است. از این لحاظ شعرای متعهد دوران مشروطه تحولی عظیم در شعر فارسی بوجود آوردند. ترقی و تکامل محتوی شعر فارسی بعدی بود که موجب حیرت و شگفتی ایران شناس و ادیبان بزرگی مثل ادوارد براون گشت. وی می‌نویسد: "پس از نیمه قرن نوزدهم میلادی ادبیات فارسی نشرا و نظما روحی جدید یافت و نه فقط روی به فساد نگذاشته بود، بلکه به مرتبه‌ای از تعالی و ترقی رسیده که در چهارمصد سال اخیر (۱۵۰۰-۱۹۰۰) به آن نایل نگردیده بود". (۱۳)

آثار شاعران دوران مشروطه عمدتاً از لحاظ محتوی نسو و سنت شکن محسوب میگردد. با اینحال مقامین ایده‌آلیستی و تقدیر گرایانه نیز کمابیش در آنها یافت میشود. این مسئله در

مورد شعرای متأخر دوران مشروطه، مثل بهار و پروین اعتما می به چشم میخورد. برای مثال پروین، تقدیر گراشی خویش را اینگونه ترسیم میکند:

زادن و کشتن و پنهان کردن دهر را رسم و ره دیرین است
برای نشان دادن نوآوری در محتوی شعر، قطعه طنزآلود زیر را از اشرف‌الدین حسینی که در آن مرتجعان و کسانی را که بدیده‌های شو را نمی‌پذیرند مورد انتقاد قرار میدهد، می‌آوریم:
اشرفا این ناله و فریاد چیست؟ از برای خلق آه داد چیست؟
میکشی ترغیب و تحریص شدید کودکان را برمگاتیب جدید
طفل باید با دیان بازی کند! طفل باید شروخط بازی کند!
گر در این دنیا ذلیم ای عمو لیک در محضر جلیلم ای عمو!
اشرفا ترغیب بر صنعت مکن از علوم خارجه محبت مکن



کهنه پرستان در
برابر قطار اصول جدید.
ملانصرالدین، شماره ۲

ترسم آخر بشکندت پا و دست فال بین و مرشدوغاضی پرستان
یکی از مهم‌ترین ویژگی های شعر فارسی دوران مشروطه که بیانگر نوآوری و سنت ستیزی در مضمون شعری است، توجه آن به مسئله آزادی زنان است. قبل از دوران مشروطیت در ایران به علت حدود و قیود گوناگون و از هم گسیختگی های اجتماعی زنان از ورود به عرصه های اجتماعی و از آمیزش با مردان منع میشدند و تحت شدید ترین نوع ستم جنسی قرار داشتند. بورژوازی نوپای ایران که متأثر از فرهنگ بورژوازی غرب بود و احتیاج مبرمی به نیروی کار زنان در تولید داشت، بالطبع نمی‌توانست این مشکلات را تحمل کند. ایرج میرزا از شاعرانی است که بدبختی زنان را در بی سودای و حجاب میداند:

مگر در زن تمیز خیر و شر نیست؟
زنان را عصمت و عفت ضرور است
نه چادر لازم نه چاقچور است
چو زن تعلیم دید و دانش آموخت
روان و جان به نور پیش افروخت
به هیچ افسون ز عصمت برنگردد
به دریا گریفتد شر نگرده...

همچنین ایرج در جواب امیرالشعرا نادری که از شعرا مخالف کشف حجاب زنان بود و با وی کینه‌ای دیرینه داشت، نوشت: تمام این مفاسد از حجاب است

حجاب است آنچه ایران زان خراب است (۱۵)
البته شاعران بسیاری نیز بودند که از موضع مترقی سری ستم جنسی زنان را مورد انتقاد قرار می‌دادند. عارف اینگونه با زنان تحت ستم زمان خود همدردی می‌کند: مر مرا هیچ گنه نیست بجز آنکه زنم

زین گناه است که تا زنده‌ام اندر کفتم بدون تردید هیچکدام از شاعران دوران مشروطه به اندازه لاهوتی به مسئله آزادی زنان نمی‌پردازد. نه تنها ستم جنسی بر زنان در اشعار او بازتاب می‌شود، بلکه وی برخلاف کسانی که زن را صرفاً برای زیبایی و التذاذ جنسی ستایش می‌کنند، زنان را به مبارزه برای رهایی از قید ستم جنسی ترغیب می‌کند. وی نه تنها درد را توصیف می‌کند، بلکه راه علاج را نیز نشان می‌دهد. اگرچه مادر بودن همچنان به مثابه نقش محوری زنان تصویر می‌شود:

چند گویم که رخت‌ماه بود در خوبی
چند گویم که قدت سرو بود در رفتار
مدح تو بیشتر از هر که توانم گویم
لیک اینها همه حرف است و ندارد مقدار
من به زیبایی بی علم غریبار نیم
حسن مفروش دگر با من و کردار بهار
و ندر این دور تمدن، شما لایق نیست
دلبری چون تو ز آرایش دانش بکنار
ننگ باشد که تو در پرده و خلقتی آزاد
شرم باشد که تو در خواب و جهانی بیدار...
سخن از دانش و آزادی و زحمت می‌گوی
تا که فرزند تو با این سخنان آید بار
بی‌یقین گر تو چنین مادر خوبی باشی
من اقبال وطن از تو شود زر عیار
توجه و کوششی که در ادبیات مشروطه در مورد مسئله عقب ماندگی زن بعمل آمد، در کار شاعران بعدی بسویژه شاعران زن، تاثیر مهمی گذاشت. بطوریکه بسیاری از آنها ستم جنسی زنان را از لحاظ طبقاتی نیز مورد توجه قرار دادند. برای مثال پروین اعتصامی در شعر مشهور خود بنام "شکایت زن" استادانسه تاریکی گوشه‌های زندگی زن پشم ریزی را (که نمونه‌ای از کنار سخت، طاقت فرمای زنان است) که نور دیدگانش را بر اثر کار مفرط از دست داده است، تصویر می‌کند.

سلاح انتقاد: طنز و هجو

شعرا و نویسندگان صدر مشروطه اغلب به انتقاد از وضعیت موجود می‌پرداختند و گاهی نیز از سران قاجار توقع و انتظار "اصلاح شدن" و "سر عقل آمدن" داشتند. با اوج گیری جنبش مشروطه طلبی و توده‌ای شدن آن، انتقاد، خواست اصلاح طلبانه خویش را اندک اندک از دست داد و بصورت طنز و هجو، سلاخی شد برای شفی سیستم اجتماعی غالب. طنز، سبک ادبی ویژه‌ای است که زندگی اجتماعی و معایب و مفاسد آنرا بصورت اغراق آمیز و لسی بدون اغماض تصویر می‌کند. بسیاری از شعرا در دوران مشروطیت آثار ارزنده‌ای در طنز فریبند که شاید بتوان آنها را با آثار برنارد شاو مقایسه کرد. در آثار این هزل پردازان خنجر پیروز منداخته شاو دیده می‌شود. آنها می‌خندیدند اما می‌دانستند

که هیچ چیز چنانکه می‌نماید خنده‌دار نیست. ولی شاد و خوشحال بودند، زیرا مرگ نظام فترت موجود را در مقابل خود می‌دیدند. آنها به مثابه نمایندگان طبقه جدید که در پروسه شکامیل تاریخی، جایگاه ویژه‌ای برایشان مشخص شده بود، خنجر به سوی زیرکانه و کنایه آمیز سر می‌دادند. طنز و هزل آنها روی بسوی زندگی داشت. بسیاری از طنزنویسان تنها به طبقه متوسط وعده و نوید پیروزی نمی‌دادند آنها اغلب به رنج و درد اقشار تحتانی جامعه نیز فکر می‌کردند.

در مطالعه طنز و هزل در دوران مشروطه به چهره درخشانی چون ادیب الممالک فراهانی برخورد می‌کنیم که در آن فساد دربار قاجار، و تزویر روحانیون را به مسخره می‌گیرد. "حشرات الارض بهارستان"، نامی است که ادیب الممالک به مستبدان و اشراف مرتجع قاجار می‌دهد:

هنگام بهار آمد جان ای حشرات الارض!
از لانه بیرون آشفید افزوده بطول و عریض
سازید ز یکدیگر نیش و دم و دندان قرغ
و آزار غلایق را دانید همی‌دون قرغ!
وقت است که هر موری سیمرغ نشان گردد
و زباده بهاری مست چون باده کشان گردد...

اشعار طنزآمیز این دوران بیشتر در روزنامه‌ها چاپ می‌شد. اشرف الدین حسینی و زهدا به عنوان برجسته ترین طنز پردازان این دوره، اشعار خود را به ترتیب در روزنامه "نسیم شمال" و "موراسرافیل" چاپ می‌کردند. قطعه زیر که در روزنامه نسیم شمال چاپ شد، در هجو محمد علیشاه مخلوع در هنگامی است که وی تمام تلاشش را در بدست آوردن تاج و تخت پیرویه و ماطل می‌بیند:

مستم مردم مشهور بی ننگ و عار	که بودم همیشه به خواب و خمار
اگرچه مرا گنده گشته شکم	ولی گردنم آبد باشد دنبه وار
اگر سوی تهران نمایم گذر	کنم جمله را شقه قصاب وار
همه خلق را چون شیش می‌کشم	به تحریک همسایه نابکار ...
ولی بسته دست قفاست من	شکسته است پشت مرا روزگار ...
شده رگبسته پول و نه درکله عقل	ناپای گریز و نه راه فرار ...

این روزنامه همچنین در وصف بهادرخان که از سرداران محمد علیشاه بود و به انزلی آمده بود تا مردم را با شاه سر مهر آورد، اشعار طنز آلودی دارد. بهادرخان به مردم انزلی گفته بود: "من وقتی قلیان می‌کشم یک قوت و دلوری در من پیدا می‌شود که به وصف در نمی‌آید" (۱۶)

بهر من قلیان چو غلغل می‌کند	گوشتی چه چه چو لیل می‌کند!
اسب من تقلید دلدل می‌کند	نشسته قلیان عجب گل می‌کند!
ای مامد جعفر، نزول قلیان گتور!	
می‌کنم من کله صمام را	می‌نمایم صید خود خرگام را
می‌کشم ستار شیکو نام را	ای پسر از دوغ پرکن جام را
ای مامد جعفر نزول قلیان گتور!	

باید دانست که اشعار انتقادی اشرف الدین تا حدودی تحت تاثیر روزنامه فکاهی "ملاترالدین" و شاعر آن علی اکبر مایر بوده است. (۱۷) مانند این قطعه:

ای فعله تو همداخل آدم شدی امروز

بیچاره چرا میرزا مشمش شدی امروز؟
در مجلس اعیان بخدا راه نداری
زیرا که زر و سیم به همراه نداری
در سینه بی‌کینه بجز آهن نداری!

بازتاب اندیشه‌های سوسیالیستی در شعر

انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و انقلابات ۱۸۴۸ اروپا، در بیرون آوردن کشورهای آسیائی از تیرگی قرون وسطائی و فئودالیسم نقش مثبتی ایفا نمودند. "از قرن نوزدهم از یک طرف غربی و چرخ‌های ارابه بورژوازی و هیاهوی تجارتی و نظامی او شرق - خواب‌آلود را بیدار کرد و افکار نو را در این سرزمین پراکنده ساخت و از سوی دیگر نهفت‌آهنگی او بار و بار مردم شرق در مبارزه بر ضد سرمایه‌داران متجاوز خارجی گردید." (۱۹)

با ظهور سوسیالیست‌های تخیلی در اروپا، روشنفکران ایرانی که به‌غرب می‌رفتند، مخلوطی از ایده‌های نوین بورژوازی را در کنار ایده‌های سوسیالیسم تخیلی فرا می‌گرفتند. از اینرو مادر آثار بسیاری از شعرای مشرقی دوران مشروطه این التقاط فکری را می‌بینیم. همچنین ما شاهد بروز افکار مائتریالیستی بصورت‌غام در آثار بعضی از شاعران این دوره هستیم. مثلاً غنی‌زاده، شاعر آزادیخواه آذربایجانی در غزلی تحت عنوان "تحمیر" مسئله "آفرینش" جهان را مورد شک قرار می‌دهد.

کم شد رهم به دشت، نشان قدم کجاست؟

فرسوده شد قدم زشکاپو، حرم کجاست؟

تفسیر وحی و باطن تزییل گو سخنان

ما را بسر مباحث پر پیچ و خم کجاست؟

توریده را که باز نداند سر از قدم

امکا رخصی و بحث‌حدوث و قدم کجاست؟

جلوه‌هایی از سوسیالیسم غام در اشعار میرزا آقاخان لـ

کرمانی، اشرف، عشقی، پروین و ... دیده میشود. اشعار میرزا آقاخان کرمانی که باید به حق او را آگاه تریستن و با فرهنگ‌ترین متفکر صدر مشروطه دانست، سوسیالیسم غام و تخیلی را نشان می‌دهد. وی از یک طرف مظلومان را به مقابله "از روی دل و جان" بر علیه ظالمان برمی‌انگیزاند، ولی از طرف دیگر راه حل را در "حقوق بشر" (دست‌آورد انقلاب بورژوازی فرانسه) می‌داند:

برآشید و بپنید کار شگفت، به‌آسان توانید گیتی گرفت

ولی نا شناسید از غیر و شر، بیا بست خواندن حقوق بشر

جهت‌گیری به طرف زحمتکشان در اشعار اشرف‌الدین حسینی بازتاب خاصی دارد. اشرف در منظومه آخ عجب سرماست، محرومیت و رنج زحمتکشان و سرخوردگی آنها را از سازش بورژوازی به قدرت رسیده با فئودالها، نشان می‌دهد:

تو نگفتی می‌کنم امشب الو، تو نگفتی می‌خوریم امشب پلو

نه پلو ندیدم امشب نه چلو، سخت افتادیم اندر منگنه

آخ عجب سرماست امشب‌ای نه!

ما که می‌میریم در هذالسته ...

ما ز سرمای زمستان بی قرار، لخت و عریان، مات و مبهوت و نگار

اغصا در رخت‌خواب ز رنگار، خفته با جا، و جلال و طنطنه

آخ عجب سرماست امشب‌ای نه!

ما که می‌میریم در هذالسته!

عشقی از شاعران مردمی دوران مشروطیت است که به‌علت نمایان آثار شیستی و نسبی‌بستی خود قادر به درک قانون مندی - های تکامل اجتماعی و انقلاب نیست. سوسیالیسم تخیلی وی اگرچه به طرف زحمتکشان سمت‌گیری دارد، ولی آنقدر آشوب‌گراست که راه حل مشکلات را در "عید خون" میدانده برای نمونه قطعه‌ای از منظومه "ایده‌آل" او را که در آن خود وی به طور تلویحی آشوب‌گرایی خود را می‌پذیرد، می‌آوریم:

ماهر نیز قطعه‌ای مشابه به زبان آذربایجانی دارد. اشرف حسینی مشاجرات ادبی زیادی با علی اکبر ماهر و جلیل محمد - قلی‌زاده، طنز نویس دیگر روزنامه ملانصرالدین داشت. این مشاجرات جنبه انتقادی داشته و بیشتر برای یادآوری اشکالات و نواقص کار بود.

علی اکبر دهخدا در روزنامه "موراسرافیل" ستونی تحت عنوان "چرند و پرند" بخود اختصاص داد. در این ستون وی سبک جدیدی از طنز نویسی را که بیشتر حملاتش متوجه اشراف و حکام فئودال بود، بوجود آورد. کسروی در مورد ستون "چرند و پرند" می‌نویسد: "خوانندگان پایین بخش بیشتر روی می‌آورند و انگیزه رواج روزنامه بیش از همه این بخش بود." (۱۸)

در سال ۱۹۰۷ دهخدا مسطفی‌کاهی "آکبلی" را در "موراسرافیل" چاپ نمود. منظور از "آکبلی" (کربلائی که یک اصطلاح معاوَره‌ای و در عین حال ریشخند آمیزی است) محمد علی‌شاه می‌باشد: مردود خدا، رانده هر بنده، آکبلی

از دلقک معروف نماینده، آکبلی

با شوخی و با مسخره و خنده، آکبلی

نژ مرده‌گذشتی ونه از زنده، آکبلی

هستی توجّه یک پهلوی و یک دهنده، آکبلی

از گرسنگی مُرد رعیت، به جهنم

ور نیست درین قوم معیته به جهنم

ترباک برید عرق همت، به جهنم

خوش باش تو با مطرب و سازنده، آکبلی

هستی توجّه یک پهلوی و یک دهنده، آکبلی ...

محمد تقی بهار نیز اشعاری طنزآلود و هجو آمیز دارد. قطعه "جهنم" او که در آن فئاتیسم خشک و زاهدانه روحانیون مرجعی چون شیخ فضل الله نوری، به طنز گرفته می‌شد، بسیار شنیدنی است:

واتس که شد وکیل وز مشروطه حرف زد

دوزخ بود بروز جزا پارلمان او!

آنکس که روزنامه نویسنده است و چیز فهم

آتش فند به دفتر و کلک و بیان او!



تمام مملکت آسرو زبرو رو گردد
که قهر ملت با زور روبرو گسردد
به خائنین زمین آسمان آید و گردد
زمان کشتی امواج مرده شو گسردد
بسپط خاک ز خون پلیدشان رنگین
وزیر عدلیه ها بر فراز دار رو شد
رئیس نظمیه ها سوی آن دیار رو شد
کفیل مالیه ها رنجه در مزار رو شد
وزیر خارجه ها از جهان کنار رو شد
که تا نماند از ایشان کسی به روی زمین ...
در این محیط که بی مرده شوی دون دارد
وزیر قبیله عناصر ز حدزون دارد
عجب مدار اگر غامری جنون دارد
بدل همیشه تقاضای "عیدخون" دارد
چگونه شرح دهم "ایده آل" خودیه از این؟
پروین اعتصامی گوینده ای است که محتوی و مضمون اشعارش
نمادهائی از رنج، زحمت و تضادهای طبقاتی است. آثار وی نیز
مانند بسیاری از شاعران معاصر خود، بیانگر سوسیالیسم تخیلی
است. "مناظره دو قطره خون" اثر ارزنده ای است که دید پروین
را از تضادهای طبقاتی جامعه نشان میدهد. در این قطعه، هر
قطره خون سمبل خون طبقه ای خاص است. یکی از دست فرادستی به
زمین چکیده است و دیگری از دست کارگری. اگرچه پروین عمق تضاد
را بخوبی تشخیص میدهد، ولی در یافتن راه حل این تضاد به
ایده آلیسم و تقدیر گرایی پناه میبرد.
شنیده اید میان دو قطره خون چه گذشت؟
یکی بگفت بآن دیگری تو خون کهای؟
من اوفتاده ام اینجا ز دست تاجوری
بگفت من بچکدم زبای غار کنی
ز رنج غار که رفتن بیا چو نیشتری
جواب داد ز یک چشمه ایم هر دو چه غم
چکیده ایم اگر هر یک از تن دیگری
بخنده گفت میان من و تو فرق بیست
توئی ز دست شهی، من زبای کارگری
تو از فراغ دل و عشرت آمدی بوجود
من از خمیدن پشتی و زحمت کمری
تو از فروغ می تاب سرخ رنگ شدی
من از نگوشت غاری و سوزش جگری
فضا و حادثه، نقش من از میان نبرد
گدازم قطره خون را بود چنین هنری ...
ز قید بندگی این بستگان شوند آزاد
اگر بشوق رهائی زنند بال و پری
درخت جور و ستم هیچ برگ نداشت
اگر که دست مجازات، میزدش تیری
سپهر پیر نمی دوخت جامه بیداد
اگر نبود ز صبر و سکونش آستری
بدون تردید، با زتاب واقعی اندیشه های سوسیالیستی در
شعر فارسی دوران مشروطه را تنها میتوان در آثار لاهوئی و
فرخی یزدی مشاهده کرد. ایندو با الهام از انقلاب ظفرنامه و
اکتبر، در اشعار خود سمت گیری بطرف طبقه کارگر را نشان
میدهند. لاهوئی کرمانشاهی انقلابی ترین شاعر دوران مشروطه
به شمار میرود. وی در اشعار خود همه جا پیام آور نظم نویسن

سوسیالیستی است. نقش تعیین کننده کار در پروسه تکامل
اجتماعی، یکی از تم های اصلی اشعار او را تشکیل میدهد. وی
همچنین نظرات فونکسیونالیستی روحانیون را که وجود پدیده های
متضاد (مثل فقر و ثروت، عدل و بیداد) را برای تعادل و توازن
اجتماعی لازم می شمارند، رد میکند:
شیخ میگوید عدل باید باشد و بیداد هم
در جهان انصاف هم فرست و استبداد هم
مطلقا بایست باشد هم گدا هم مالدار
واجبست از حکمت حق میدهم عیاد هم
لیک من گویم بدون فعله ویران میشود
لندن و پاریس، بصره و بغداد هم
زحمت آن باشد که چشمنافعی حاصل کند
ورنه در کشتار زحمت میکشد، جلد هم
عاشق زحمت توئی لاهوئی، ایبتان عشق را
کس ندید از وامق و مجنون و از فرهاد هم
در مورد نقش تعیین کننده کارگران و زحمتکشان و تشکیل
نشان در رهائی آنها، لاهوئی می نویسد:
گر نیست و دست نامور ما را کس می نراند از جفا ما را
تا چند برای نفع خود اشراف آواره کنند و دربدر ما را ...
چون جمع شدیم هیچ بازوئی از هم نکنند جدا دگر ما را
وز هیچ کسی کمک نمی خواهیم کافیت دو دست کارگر ما را
لاهوئی هیچگاه در اشعارش دهقانان را به مثابه متحد
کارگران، از قلم نیانداخته است. قطعه زیر که تحت عنوان
"ادبیات بابا احمد" در روزنامه "چشمه پا برهنه ها" بدون تاریخ
چاپ شد، تاسف به حال گاو ایست از زبان یک دهقان پریشان که زیر
بار مرارت فئودالیسم کمر خم کرده است.
در این منظومه دهقان خطاب به گاو خویش، ولی در واقع
به دهقانان دیگر، میگوید:
ای رنجبر سپاه چرده تا چند بخواب نیم مرده ...
ای رنگ پلو بخواب دیده ای بوی کباب ناشنیده
ای گاو من، ای شریک زحمت رحمت به تو، مددزار رحمت
دایم شوبه زحمتی و رنجی از رنج تو برده اند گنجی
گاو انبیدی اگر به ایران ایران بودی تمام ویران ...
ای گاو بدان که مدعی کبیت این لافری ترا سبب چیست
ارباب بپرده بونجه و کلاه ما شیم رعیت او بود شاه ...
ای همدم گاو و مونسوی برخیز گذشت موسم دی ! ...
فرخی یزدی، شاعر و نویسنده آزادیخواه و انقلابی، از
شاعرانی است که سمت گیری سوسیالیستی را میتوان در اشعارش
مشاهده نمود. وی در زندان تحت تاثیر دکتر آرائی، با اندیشه
کمونیستی آشنا شد و از آن پس همیشه آنها را در اشعارش بکاربرد.
آنچه را با کارگر سرمایه داری میکند
با کبوتر، پنجه باز شکاری میکند
میبرد از دشرنجش گنج اگر سرمایه دار
بهر قتلش از چه دیگر با فشاری میکند؟
سال و مه در انتظار قرص نان، شب تا به صبح
دیده زار چرا اختر شماری میکند؟
پس از سازش نیروهای ارتجاعی و سازشکار که منجر به
شکست انقلاب مشروطه گردید، دیدگاه های پوپولیستی اشکافک
ضعیف گشت و ضرورت مبارزه طبقاتی بیشتر روشن شد. فرخی از کسانی
بود که گسترش مبارزه طبقاتی (با بقول خودش "جنگ منفی") را
ترغیب نمود و جان خود را نیز عاقبت در این راه نهاد:

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود

کشمکش را بر سر فقر و غذا باید نمود

ضعفهای شعر فارسی دوران مشروطه

همانگونه که دیدیم شعر فارسی دوران مشروطه تحولی عظیم در ادبیات ایران بشمار میرود. با اینحال شعر فارسی این دوره محدودیتها و ضعفهای خاص خود را که اغلب اجتناب ناپذیر بودند، دارا بود. بیشتر شاعران این دوره (بجز لاهوتی و فرخی) را می توان رئالیست انتقادی شمرد. منظور ما از رئالیسم انتقادی، دیدگاهی است که میخواهد معایب جامعه را از طریق انتقاد برطرف سازد و درک درستی از نظام جدیدی که باید از لحاظ تاریخی جایگزین نظام فعلی شود، ندارد. البته باید در نظر داشت که بسیاری از رئالیستهای انتقادی دوران مشروطه (اعرف الدین حسینی، میرزاده عشقی، پروین اعتصامی) تأکید خاصی بر اقشار پائینی جامعه داشتند. با اینحال آنها درک درستی از مبارزه طبقاتی نداشتند و اصولا برخورد آنها با مشکلات اجتماعی، یک پرخاش فردی و اجتماعی بود. همچنین نقشی برای نیروی بالنده دوران ما، یعنی طبقه کارگر قائل نبودند. علیرغم این ضعفها، شعرای انتقادی دوران مشروطه منشاء آگاهگری و بیداری نسل جدیدی از شاعران شدند که بعدا راه آنها را ادامه دادند.

قبلا اشاره کردیم که شعر فارسی دوران مشروطه از لحاظ - فرم با شعر کهن مرزبندی کاملی نداشت. حتی شاعران رئالیست - سوسیالیست این دوره مثل لاهوتی و فرخی، برای بیان مقصود خود از کلمات و عباراتی استفاده میکردند که با توجه به شرایط جدید اجتماعی، با واقعیت های موجود بیگانه بود. عبارات واستعارات آنها اغلب همان عبارات واستعارات شاعران قدیمی بود. همچنین شعر دوران مشروطه از نظم و ترکیب خاصی برخوردار نبود و پراکنده گویی بوضوح در آن دیده میشد. بغیر از لاهوتی که اشعار وی تا حدودی از وحدت موضوعی برخوردار است، در - آثار اغلب شعرای این دوره ارتباط دیالکتیکی بین مفاهیم دیده نمیشود. شاعران این دوره، مثل شاعران گذشته همچنان اسیر

محدودیتهایی که وزن و قافیه ایجاد میکرد، بودند. آنها رابطه دیالکتیکی بین شکل و محتوی را درک نمی کردند. قالسب و چارچوب کهن شعر دوران مشروطه، ظرفیت و گنجایش افکار تازه و محتوی نوین را نداشت و از اینرو محکوم به شکست بود. در شماره آینده از انقلابی که نیما در شکستن چارچوب شعر فارسی و تکامل شعر معاصر بعمل آورد، سخن خواهیم گفت.

منابع

- ۱- احمد اعرف، نظام آسایشی یا نظام فئودالی، مجله جهان نو، تهران، سال ۲۲، شماره ۸-۱۰، سال ۱۳۲۴، صفحه ۲۹
- ۲- پاولویچ، ایرانگی و شریا، انقلاب مشروطیت و ریشه های اجتماعی و اقتصادی آن، ۱۳۳۰، ص ۱۱۹
- ۳- مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد سوم، ص ۶۴۰
- ۴- یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، جلد اول، تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۵
- ۵- همانجا، ص ۲۵
- ۶- ارنست فشر، ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۶۶
- ۷- دکتر میترا، رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات ایران، ۱۳۵۳، ص ۸
- ۸- اسماعیل حاکمی، ادبیات معاصر ایران، تهران، ۱۳۵۳، ص ۳-۷
- ۹- احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، ۱۳۵۳، ص ۲۶
- ۱۰- همانجا، ص ۲۶
- ۱۱- ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات فارسی در دوران مشروطیت، جلد دوم، تهران، ۱۳۳۸، ص ۲۹
- ۱۲- حاج زین العابدین مراغه ای، سیاحتنامه ابراهیم بیگ، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۵
- ۱۳- یحیی آرین پور، پیشین، جلد دوم، ص ۲۴۸
- ۱۴- ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا عصر حاضر، تهران، ۱۳۲۶، ص ۲۰۶
- ۱۵- ج. جنید او، مسئله آزادی زن در شعر معاصر فارسی، ترجمه صدیق، تهران، ۱۳۵۵، ص ۶۹
- ۱۶- ابراهیم فخرائی، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۷۸
- ۱۷- یحیی آرین پور، پیشین، ص ۷۰
- ۱۸- احمد کسروی، پیشین، ص ۲۷۷
- ۱۹- لوتسکی، تاریخ عرب در قرون جدید، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۴۶

سالگرد شهادت

است، زیرا آنان همه مشرکات، ویژگی ها و معیارهایی را که ممیزه عنصر تاریخی - اجتماعی فداشی است، در خود داشتند. دو ماه پیش از آن طی یک درگیری شهادت اجتماعی فداشی است، در خود داشتند. رسیده بود، اما رژیم برای تضعیف روحیه اندیشمندی، کوششهای سازش ناپذیری، تواضع، مبارز جویانه توده ها و سازمان، شهادت عشق به زندگی، مسئولیت شناسی و تحرک از این رفقای رزمنده را همزمان و همراه با عمده ترین عوامل این رفقای شهید بود، هر آن، تلاشی سازمان جویانه فداشی خلق یک نقشی بزرگ در بازسازی سازمان و حفظ و تداوم میراث انقلابی آن بعد از انشعاب "اکثریت" داشتند. جامعه، یکبار دیگر نشان داد که عنصر تاریخی - اجتماعی فداشی نیز انقلاب ایران شکوفه های هرنگ خون انبوه شهیدان بخون می نشست. رژیم دمدنش جمهوری اسلامی بار دیگر جنایتی هولناک آفرید. این بار قلب سازمان هدف قرار گرفت و رفقا هادی، نظام و کاظم طی درگیری های متفاوت شهادت رسیدند. در این درگیری ها پنج فداشی دیگر رفقا جواد، امیر، عباس، حمید، بخشایار نیز شهید شدند. رفیق محسن مدیر شانه جی، عضو دیگر مرکزیت سازمان نیز حدود دو ماه پیش از آن طی یک درگیری شهادت رسیده بود، اما رژیم برای تضعیف روحیه اندیشمندی، کوششهای سازش ناپذیری، تواضع، مبارز جویانه توده ها و سازمان، شهادت عشق به زندگی، مسئولیت شناسی و تحرک از این رفقای رزمنده را همزمان و همراه با عمده ترین عوامل این رفقای شهید بود، هر آن، تلاشی سازمان جویانه فداشی خلق یک نقشی بزرگ در بازسازی سازمان و حفظ و تداوم میراث انقلابی آن بعد از انشعاب "اکثریت" داشتند. جامعه، یکبار دیگر نشان داد که عنصر تاریخی - اجتماعی فداشی نیز انقلاب ایران شکوفه های هرنگ خون انبوه شهیدان بخون می نشست. رژیم دمدنش جمهوری اسلامی بار دیگر جنایتی هولناک آفرید. این بار قلب سازمان هدف قرار گرفت و رفقا هادی، نظام و کاظم طی درگیری های متفاوت شهادت رسیدند. در این درگیری ها پنج فداشی دیگر رفقا جواد، امیر، عباس، حمید، بخشایار نیز شهید شدند.

* * *

تجدید قرارداد نیروگاههای اتمی بوشهر خیانتی دیگر به

زحمتکشان ایران و منطقه

این مقاله توسط رفاقی هوادار در
انجمن تهیه و تنظیم شده است.
"جهان"

از جمله سیاستهای جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی، تداوم قراردادهای اسارتبار امپریالیستی رژیم گذشته میباشد. رژیم با وفا حتی وصف پذیر از تجدید قراردادهای امپریالیستی سخن میگوید و با عنوان کردن "طرح جدید سرمایه گذاری خارجی در - ایران بر اساس انتقال تکنولوژی" (اطلاعات ۶۲/۵/۹)، وقیحانه اعلام میدارند که تاکنون ۱۸۰ شرکت امپریالیستی همچنان به فعالیت خود ادامه داده و دسترنج نوده های زحمتکش را به تاراج میرساند. جالب اینجاست که رژیم غارت امپریالیستها را صرفاً "کسب تکنولوژی و دانش فنی آنها" قلمداد میکند! نگاه کوتاهی به سیاست رژیم در مورد چگونگی فعال کردن این شرکت ها، خود بیانگر ماهیت رژیم است که جز به استثمار خلق نمیتواند باشد.

رژیم با تلاشی فراوان و پرداخت غرامتهای کمر شکن از جیب شده ها، توانست امپریالیستها را متقاعد سازد که فعالیت چهارلنگرانه خود را در ایران هرچه بیشتر گسترش دهند. در همین رابطه، بدنبال خوشرویی رژیم در پائیز سال ۱۳۶۲، عسدهای از سرمایه داران آلمانی از طرف سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به ایران دعوت شدند. در این دیدار رژیم کوشید تا سرمایه داران آلمانی را متقاعد سازد که از سرمایه های آنها حفاظت خواهند کرد. در ماندگی رژیم تا آنجا انجامید که برای جلب اعتماد نمایندگان امپریالیسم، اجازه داد محل خزانه ارزی بانک مرکزی توسط فیلمبرداران آلمانی فیلمبرداری شود. بنا بر گزارش تلویزیونی شبکه ZDF آلمان، که از طرف این هیئت بازدیدکننده تهیه شده بود، سرمایه داران آلمانی که بیش از ۷۰ شرکت مختلف آلمانی را نمایندگی میکردند، موفق شدند زیر چتر حمایت رژیم از اکثر نقاط صنعتی ایران بازدید کنند.

از جمله مناطقی که مورد بازدید این هیئت قرار گرفت، محل نیروگاههای اتمی بوشهر بود.

ساختمان این نیروگاهها در سال ۱۹۷۵ توسط شرکت آلمانی کا- و - او (KVO) (۱) شروع شد و تا مقطع قیام با صرف هزینه ای بیش از ۱۰ میلیارد مارک ادامه داشت.

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم هتدارها و افشاگریهای متمرقی و انقلابی در مورد این طرح امپریالیستی، هیچگاه از لغو قرارداد نیروگاههای اتمی بوشهر نه تنها سخنی بر زبان نیاورد، بلکه طی ۵ سالی که از حکومت آن میگذرد، غرامتهای سنگینی که از طرف شرکت سازنده نیروگاهها مطالبه شده بود، کلاً پرداخت کرده است. رژیم با عنوان کردن اینکه نگهداری ساختمانهای نیمه تمام نیروگاهها برای ایران متحمل هزینه فراوانی است و با اینکه ایران احتیاج مبرمی به تولید الکتریسته دارد، (۲) طی دیدار هیئت آلمانی، رسماً اعلام داشت که حاضر است در باز - سازی و تکمیل این نیروگاهها دوباره دستبکار شود.

از آنجا که پروژه نیروگاههای اتمی بوشهر از هر لحاظ برای ایران غیرضروری و غیر اقتصادی میباشد و با شام رساندن این پروژه خیانت دیگری به خلقهای تحت ستم ایران محسوب میشود، بر آن شدیم تا طی گزارش کوتاهی یکبار دیگر نشان دهیم که چگونه رژیم جمهوری اسلامی مانند اسلاف جنایتکارش فرمانبردار و

اطلاعات پنجمین شماره خردادماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۷۰۲۰

انرژی اتمی در ایران
دکتر غفوری در مورد انرژی اتمی در ایران گفت: در برنامه ۲۰ ساله وزارت نیرو استفاده از انرژی اتمی نیز گنجانده شده است که احتمال زیاد در اواخر برنامه دوم نیروگاه بوشهر که ۸۰ درصد بک - و - او آن ساخته شده است تکمیل خواهد شد.
وی در پایان با اشاره به عدم هماهنگی در کارها در گذشته گفت: شورای انرژی در جلسات اخیر خود تصویب کرد که کتنام انرژی جای تو توسط وزارت نیرو انجام گیرد.

اطلاعات چهارمین شماره آبرماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۷۰۵۱

از شرکت ژاپنی طرح شیرین کردن آب دریا در بوشهر رفع توقیف شد

در پی رفع توقیف از شرکت ژاپنی شیرینساز این شرکت در اختیار سازمان انرژی اتمی قرار گرفت. روابط موسس بنیاد مستظمان شمس الاعلام این مطلب خاطر نشان ساخت: شرکت شیرینساز که متشکل از سه کسربومبوی ایندینیز، سانسورا اینجیرینگ کیمای و سویتوموتوچی کایشا میباشد بجای طرح شیرین کردن آب دریا در بوشهر است که طبق حکم دادستانی انقلاب بوشهر توقیف شده بود.

بر اساس همین گزارش: شرکت مزبور در سال ۱۳۵۶ طی قراردادی با سازمان انرژی اتمی ایران، اجرای طرح شیرین کردن آب را به ظرفیت ۲۰۰ هزار مترمکعب در روز بعهده گرفت اما پس از پیروزی انقلاب اساس توقیف و تحت سرپرستی بنیاد مستظمان استان بوشهر قرار گرفت که با حکم دادستانی انقلاب و رفع توقیف مجدداً به سازمان انرژی اتمی بازگردانده شد.

Kraftwerk Ulm AG. - Atomwirtschaft, Februar 1977

Das Kernkraftwerk Iran-1 und Iran-2 am Persischen Golf

Entwicklung des Projekts

NUCLEAR ENGINEERING INTERNATIONAL

UKAEA begins waste management research programme for Iran

The UK Atomic Energy Authority has received the go-ahead from the Nuclear Safety Division of the Atomic Energy Organization of Iran for a comprehensive programme of work to be managed by the North...

اکنون که واپسین دم حیات رژیم جمهوری اسلامی نزدیک است، روزی نیست که گوشه و کنار وزق باره های وابسته به رژیم و دیگر مطبوعات خارجی از اخبار هجوم امپریالیست های غارتگر به ایران، مزین نباشد.

مجلس بنام "خلیله" تعیین شد. پس از تحقیقات مختصر زمین‌شناسی قرار داد اصلی در تاریخ چهارم اوت ۱۹۷۶ با امضا رسید. لازم به یادآوری است که علاوه بر شرکت KWU شرکتهای زیر در اجرای این طرح شرکت داشتند:

1- Hoechst AG

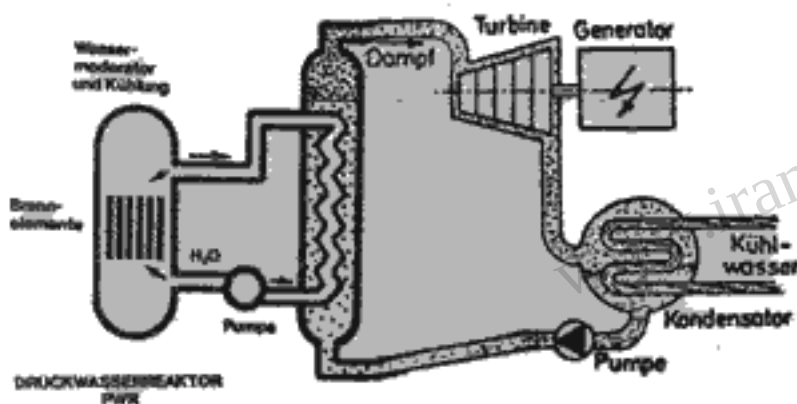
2- Bycherholf & Widmann AG

3- General Mechanic AG (شرکت ایرانی - آمریکایی)

همزمان با قرارداد بالا، "سازمان انرژی اتمی ایران" قرارداد دیگری نیز با KWU امضا نمود که برطبق آن مصرف سوخت اتمی نیروگاههای اتمی بوشهر برای ۱۰ بار مصرف از طرف این شرکت، به توجه به قیمت روز مواد سوختی تضمین گردید. (۲) هزینه ساختمان نیروگاهها حدود ۱۰ میلیارد مارک برآورد شد که این رقم بزرگترین قراردادی بود که در تاریخ اقتصاد آلمان، یک شرکت آلمانی توانسته بود در خارج از خاک آلمان منعقد سازد. (۳)

نوع نیروگاههای اتمی بوشهر

نوع راکتورهای اتمی بوشهر از نوع DWR (PWR) است که عتصر خنک‌کننده آن آب میباشد. لازم به تذکر است که تمام مقیاسات و سیستم های کنترل راکتورهای مزبور در انحصار شرکت KWU میباشد. شکل ۲ طرح کار این نوع راکتور اتمی را نشان میدهد.



شکل ۲

نیروگاه اتمی بوشهر و عدم رعایت مسائل ایمنی

الف - محل ساختمان نیروگاه اتمی بوشهر در این مورد مورد معمولاً مسائل زیر مورد توجه قرار میگیرد:

۱ - جنس زمین ۲ - زلزله خیز نبودن منطقه ۳ - آب و هوا و درجه حرارت محیط.

در طرح نیروگاههای اتمی بوشهر، شرکت آمریکایی (Bares & Moore) عهده دار تحقیقات زمین‌شناسی و دیگر مسائل میساز شده در بالا میشود. این شرکت آمریکایی قبول میکند که هرچند سریعتر نتیجه تحقیقات خود را در اختیار شرکت KWU بگذارد و در این مورد تاکید میشود که این کار باید در اسرع وقت انجام پذیرد. (۳)

جهت اطلاع بیشتر در مورد مشخصات منطقه، قسمتی از اصل گزارش شرکت آمریکایی مذکور در زیر ارائه میگردد:

طبق گزارش نشریه "اتم و برترشافت"، اگر قرار بود که شرکت KWU چنین نیروگاههایی را در داخل خاک آلمان بکار بیاورد، مسائل ایمنی خاصی در نظر میگرفت که در مورد ساختمان نیروگاههای اتمی بوشهر این مسائل نادیده گرفته شده است. بررسی

عدم تکرار امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. برای این منظور ابتدا ضمن مرور سابقه تاریخی شکل گیری این قرارداد حملگی، اصل گزارش شرکت KWU که در نشریه "اتم و برترشافت" (۳) در فوریه ۱۹۷۷ به چاپ رسید را همراه با استناد دیگری که حاوی اطلاعات افشاگرانه است، مورد بررسی قرار خواهیم داد و در پایان به خطرات و زیانهای ناشی از نیروگاههای اتمی اشاره خواهیم کرد.

سابقه تاریخی

رؤیای خاشاک شاه با وعده "تمدن بزرگ" و "صنعتی شدن ایران" کوشید تا پایه‌های سرمایه‌داری وابسته را در ایران محکم سازد. از جمله اقدامات و برنامه‌های در دستور کار آن این بود که تا آخر هشتمین برنامه پنج ساله‌اش (یعنی تا آخر سال ۱۹۹۳) قدرت تولید الکتریسیته ایران را ظاهراً تا ۵۶۰۰۰ مگاوات (هر مگاوات برابر یک میلیون وات است) برساند. بر اساس این پیش‌بینی قرار بود که ۲۲۴۰۰ مگاوات از رقم بالا (نزدیک به ۵۰٪) از طریق بکارگیری انرژی اتمی تامین گردد. برای این منظور، ساختمان ۲۰ نیروگاه اتمی در نقاط مختلف ایران طرح ریزی شد. در رابطه با اجرای این طرح، "سازمان انرژی اتمی ایران" از اول سال ۱۹۷۴ با شرکت‌های تولید کننده نیروگاههای اتمی کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلیس و ژاپن مذاکره نشست. حاصل این نشستها قراردادی بود که در نوامبر ۱۹۷۴ بین "سازمان انرژی اتمی ایران" و شرکت آلمانی KWU با امضا رسید.



Abb. 1: Lage des Standortes des Kernkraftwerkes Iran-1 und Iran-2 am Persischen Golf.

شکل ۱

بر طبق قرارداد مذکور، KWU متعهد میگردد که فوراً دست بکار ساختن دو نیروگاه بنامهای "ایران - ۱" و "ایران - ۲" هرکدام با قدرت ۱۳۰۰ مگاوات بشود. در همین قرارداد به KWU در مورد انتخاب محل نیروگاهها اختیارات تام داده شد. (۳) بنا بر گزارش این شرکت با توجه به سهولت مسئله حمل و نقل، سواحل خلیج فارس مد نظر قرار گرفت. (شکل ۱) در قرارداد مزبور همچنین در مورد تاریخ اتمام نیروگاهها، تاریخ اول دسامبر ۱۹۸۰ برای نیروگاه "ایران - ۱" و اول نوامبر ۱۹۸۱ برای نیروگاه "ایران - ۲" در نظر گرفته شد. بالاخره در ماه مه ۱۹۷۵ تصمیم قطعی جهت تعیین محل نیروگاهها اعلام گردید. محل نیروگاهها در ۱۸ کیلومتری بوشهر، در

بود که در مورد "جوشکاری کوره اطمینان" (شکل ۲) توسط متخصصین آلمانی اتفاق افتاد.

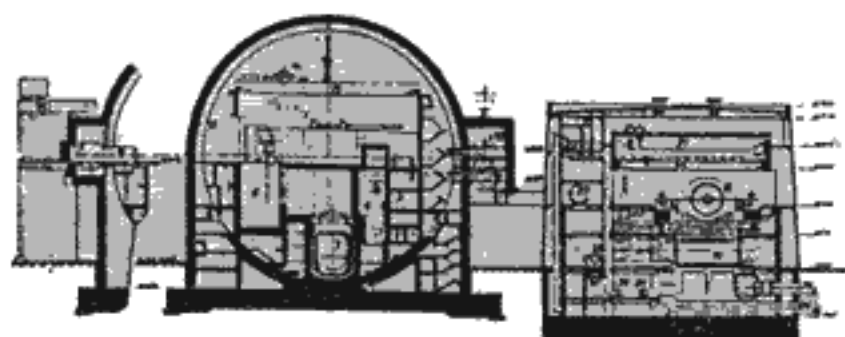


Abb. 7: Schnitt von Reaktor- und Maschinenhaus.

- | | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| 1. Reaktor- und Maschinenhaus | 16. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 2. Druckbehälter | 17. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 3. Reaktor- und Maschinenhaus | 18. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 4. Reaktor- und Maschinenhaus | 19. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 5. Reaktor- und Maschinenhaus | 20. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 6. Reaktor- und Maschinenhaus | 21. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 7. Reaktor- und Maschinenhaus | 22. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 8. Reaktor- und Maschinenhaus | 23. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 9. Reaktor- und Maschinenhaus | 24. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 10. Reaktor- und Maschinenhaus | 25. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 11. Reaktor- und Maschinenhaus | 26. Reaktor- und Maschinenhaus |
| 12. Reaktor- und Maschinenhaus | 27. Reaktor- und Maschinenhaus |

شکل ۲

معمولا برای بالا بردن ضریب ایمنی نیروگاه‌های اتمی متداول است که بر حول مخزن حرارت و مدار نخستین، یک کوره اطمینان ساخته شود تا در صورت بروز نقائص فنی از قبیل ترک برداشتن مخزن حرارت و یا لوله‌های مدار نخستین (شکل ۲) مواد رادیو اکتیو در کوره مانده و به محیط زیست اطراف نفوذ نکنند. این کوره از ۴۶۲ قطعه ضخامت ۳ الی ۴۰ میلیمتر تشکیل شده که این قطعات بهم جوش داده میشوند تا کوره‌ای بشعاع ۶۶ متر بوجود آید.

در مورد جوشکاری این کوره، شرکت کروب آلمان عهده‌دار این کار میگردد. پس از اتمام کار، ۵۵ درصد از جوشکاریها ترک بر میدارند و شرکت هربور بلادرتگ درمدم تعمیر آنها برمیآید. این مسئله که باعث بروز اختلاف بین دو شرکت امپریالیستی گردید، سرومادی زیادی در مطبوعات اروپا بها نمود. (۵) شرکت KWB برای اینکه به کارش جنبه قانونی بدهد و در حقیقت از خود سلب مسئولیت کند، تصمیم گرفت که نمونه‌هایی از این جوشکاری‌ها را توسط یک موسسه تحقیقاتی آلمانی دیگر (۱) مورد آزمایش قرار دهد. البته نتیجه این تحقیقات هرگز اعلام نشد. فقط این مسئله برای ما روشن است که دعوی خانوادگی دو شرکت امپریالیستی پایان یافت و ساختمان نیروگاه‌ها ادا به پیدا کرد. مسلم است که چنین سهل انگاری‌ها و اشکالات خطرناک، در سایر قسمتهای دیگر نیز وجود دارد که "کارکنان سازمان انرژی ایران" پس از قیام در میانه خود به بعضی از آنها اشاره کردند. (۶)

مشکل دیگری که در ساختمان نیروگاه‌ها وجود داشت مسئله بالا بودن درجه حرارت در تابستان بود. کارگزاران امپریالیسم که در مدد تکمیل "تجارب" و پر کردن جیب خود بودند، در این مورد نیز چاره‌جویی نموده و پیشنهاد خرید دستگاه‌های عظیم تهویه هوا و دستگاه‌های خنک کننده آب را کردند. (آب خلیج در این منطقه در تابستان تا ۴۸ درجه سانتی گراد گرم میشود). لازم به تذکر است که هزینه این تاسیسات اضافی میرم می‌بایستی توسط ایران جداگانه تامین گردد.

باید دانست که آب خلیج حاوی ۴/۸٪ نمک میباشد، که برای استفاده در مدار خنک کننده رآکتورها خطرناک و غیر قابل استفاده است. در این مورد نیز برای شفیه نمک، دو دستگاه

وضعیت زمین شناسی بوشهر نشان میدهد که این منطقه از لحاظ جغرافیائی جزو مناطق زلزله خیز جهان محسوب میگردد و در حال حاضر شدت لرزش زمین بین ۲ الی ۵ متر در ثانیه میباشد. (بطور متوسط لرزش زمین محل نیروگاه‌های آلمان ۱۰ الی ۱۶ بار کمتر است). اگر با کمی شامل تاریخ منطقه را ورق بزنیم، درمی‌یابیم که همین چند سال قبل در اثر زلزله مهیبی هزاران زحمتکش ایرانی در منطقه لار که فاصله چندانی هم با "خلیج" ندارد، جان خود را از دست داده‌اند و خانه و کاشانه هزاران نفر نیز نابود گردید. چند سال بعد از آن مجددا فاجعه مشابهی در محل "قبر و کارزین" فارس اتفاق افتاد.

با مرور سطحی این حقایق، هر انسان با شرف و بی غرضی در می‌یابد که چنین محلی برای ساختن نیروگاه‌های اتمی مناسب نیست و خطرات وحشتناک و پیش‌بینی نشده‌ای برای خلقهای رنج کشیده ایران و منطقه در بردارد.

ب- بررسی ساختمان اصلی نیروگاه‌ها
مجموع ساختمانی نیروگاه‌های اتمی بوشهر در زمینی به مساحت ۲۰۰ هکتار ساخته شده است. شمای تقریبی قرار گرفتن قسمتهای مختلف نیروگاه‌ها در شکل ۳ ملاحظه میگردد.

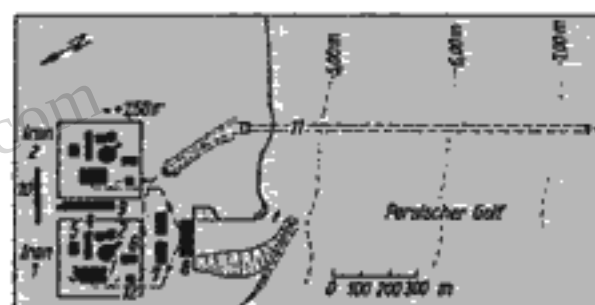


Abb. 5: Lageplan des Kernkraftwerkes Iran-1 und Iran-2.

- | | |
|--|--|
| 1. Reaktor- und Maschinenhaus | 7. Kältemaschinenhaus |
| 2. Hilfsanlagenhaus | 8. Kühlwasserreinigungs- und -aufbereitungs- und -verteilungsbauwerk |
| 3. Maschinenhaus | 9. Heizenanlagenhaus |
| 4. Schaltanlagenhaus | 10. Heizwasser- und Kühlwasser- und -verteilungsbauwerk |
| 5. Heizwasser- und Kühlwasser- und -verteilungsbauwerk | 11. Kühlwasser- und Kühlwasser- und -verteilungsbauwerk |
| 6. Notstromhaus | 12. Kraftschlußbecken |

شکل ۳

پس از ارائه شدن نتیجه تحقیقات عجولانه شرکت آمریکائی Dames & Moore طبق گزارش بعدی KWB (۲)، این شرکت بها مشکلات و مسائل تازه‌ای روبرو میگردد. طبق اظهار خود شرکت، ساختن نیروگاه‌های اتمی بوشهر تجربه‌های جدیدی را برای این شرکت به همراه خواهد داشت. و "این پیشروی در تکنولوژی محسوب میگردد... (۳)"

کارشناسان مالی این شرکت نیز به این جمع بندی رسیدند که ایران باید ساختمان نیروگاه‌ها را با هزینه گزافتری پیشبرد! کارشناسان فنی شرکت KWB اعلام داشتند که به علت آسروش بیش از حد زمین بهتراست کمی به قطر بتونهای بکار رفته در قسمتهای اصلی نیروگاه‌ها اضافه گردد و فاصله کانالهای ارتباطی مربوط به نیروگاه‌ها زیاده‌تر شود. (۴)

از آنجا که این بزرگترین پروژه ساختمانی بود که سرمایه‌داران آلمانی در خارج از کشورشان بآن مشغول میشدند، آنها بهیچ وجه حاضر نبودند از چنین لقمه چرب و نرمی چشم پوشی کنند. (۴) بنا براین خطرات ایمنی نادیده گرفته شد. در اینجا بد نیست بتوان نمونه، اشاره به مسئله‌ای کنیم که در حین ساختمان نیروگاه‌ها بوقوع پیوست و آن افتخاری

نمک زدایی آب دریا، هر کدام به ظرفیت صد هزار متر مکعب در روز، در خلع جنوبی ساختمان نیروگاهها طرح ریزی شد. از آنجا که از این خوان یغما، سرمایه داران ژاپنی هم نمیپاشی بی بهره نمائند، اجرای این طرح به شرکت ژاپنی میتسوبیشی محول گردید.

ج - سیستم خنک کننده

مسئله حیاتی دیگر در مورد ساختمان نیروگاههای اتمی که از اهمیت خاصی برخوردار است، سیستم خنک کننده آن میباشد. حال ببینیم این سیستم در مورد نیروگاههای اتمی بوشهر به چه صورت طرح ریزی شده است.

در طرح نیروگاههای اتمی بوشهر قرار بر این بود که از آبخلیج بعنوان قسمتی از مدار خنک کننده استفاده شود. در این مورد نیز بعلمت فوق العاده بودن شرایط منطقه، راه حل کاملاً غیر عادی و یا بگفته KWU "خارق العاده" ای (۳) بکار گرفته میشود. طبق گزارش این شرکت، ساحل خلیج فارس در این منطقه کاملاً مسطح میباشد بطوریکه عمق دریا در فاصله ۱/۵ کیلومتری حدود ۷ متر است. در نتیجه اختلاف درجه حرارت آب در عمق و سطح دریا تقریباً وجود ندارد. (چنانکه قبلاً توضیح داده شد، در این طرح ابتدا آب دریا را نمک زدایی میکنند و بعلمت بالا بودن درجه حرارت آب خلیج، قبل از اینکه آب به رآکتورها برسد، در مراحل مختلف پله پله خنک میشود و پس از گردش در مدار خنک کننده آب گرم شده، دوباره به دریا برگردانیده میشود) (۳).

کارشناسان آلمانی بتلاش افتادند تا طرح "خارق العاده" ای! پیاده کنند. در این مورد طرحی از طرف موسسهای وابسته به دانشکده فنی هانوفر (۴) ارائه میشود که مورد توجه قرار میگردد. (۳) این طرح خارق العاده باین صورت عملی خواهد شد که ابتدا با ساختن موج شکن هائی در فاصله ۱۲۰۰ متری از ساحل، زیر کف دریا کانال مخصوص بطول ۱۲۰۰ متر احداث خواهد شد و آب گرم برگشتی از رآکتورها توسط این کانال بوسط دریا هدایت خواهد شد (شکل ۵). در این زمینه KWU در گزارش خود امیدوار است که با این عمل، تغییر درجه حرارت آب دریا حداکثر یک تا دو درجه سانتی گراد بیشتر نباشد. (۳)



Abb. 8: Längs- und Querschnitt durch den Kühlwasserrücklaufkanal.

شکل ۵

آنچه مسلم است، این است که تغییر ناگهانی درجه حرارت آب دریا در شرایط زندگی موجودات زنده دریائی تاثیر فراوانی دارد و اینکه تغییر تحولات چه زیانهای جبران ناپذیری به محیط زیست وارد میکند، شوالی است که بی جواب مانده است. (۸) جالب توجه اینجاست که تاکنون هیچگونه اقدام تحقیقاتی در این مورد از طرف شرکت سازنده و یا دیگر مقامات مسئول انجام نگرفته است.

هزینه های جانبی

در خاتمه گزارش KWU به این مطلب نیز اشاره شده است که همراه با احداث دو نیروگاه فوق الذکر، به تاسیسات جانبی

مختلفی نیاز است که اهم آنها بصورت زیر است:

- ۱- دو دستگاه تولید آب شیرین جهت آب آشامیدنی مصرفی، هر کدام بظرفیت ۳۴۰۰ مترمکعب در روز.
- ۲- کارخانه دیزل برق بقدرت ۲۳۰۰ کیلو وات.
- ۳- کارخانه دیزل برق بقدرت ۲۲۵۰۰ کیلو وات.
- ۴- احداث تعمیرگاه بزرگ با پارکینگ مخصوص برای کامیونهای سنگین و ماشین های ساختمانی.
- ۵- کارخانه بتون سازی مستقل.
- ۶- طرح شبکه برق محلی.
- ۷- ۲۰ واحد ساختمانی جهت کارهای اداری.
- ۸- ۳۰ واحد ساختمانی جهت انبار.
- ۹- احداث ۶۵ کیلومتر جاده آسفalte.
- ۱۰- مجتمع ساختمانی مسکونی جهت کارکنان نیروگاهها.

در محلی بنام "بندرگاه" مجتمع مسکونی جهت کارکنان خارجی و خانواده آنها ساخته شده که ساختمانهای آن بصورت آپارتمانهای پیش ساخته، مستقیماً از آلمان وارد شده اند و شامل ۶۰۰ واحد مسکونی انفرادی و ۵۴۰ واحد خانوادگی میباشد. همه آپارتمانهای این واحد تمام مبیل و دارای دستگاه تهویه مرکزی میباشد.

بد نیست اضافه کنیم که علاوه بر هزینه های ۵ میلیارد مارکی جهت هر یک از نیروگاهها، بنا به گزارش نشریه آلمانی دنبسای کار (مورخ ۱۹۷۸/۹/۷) اقلام زیر جهت نیروگاههای اتمی بوشهر پرداخت شده است.

- ۱- بودجه شرکت های حمل و نقل ۴۰۰ میلیون مارک.
 - ۲- تعداد ۲۹۰۰ کامیون برای حمل و نقل ابزار و آلات مورد نیاز بمحل نیروگاهها بارزش ۳۷۰ میلیون مارک.
 - ۳- ۸۰۰۰۰۰ لاستیک کامیون و اتوموبیل بارزش ۴۰۰ میلیون مارک.
 - ۴- ۱۱۰۰ اتوبوس کوچک و بزرگ بارزش ۲۳ میلیون مارک.
- فقط با تحمیل کردن اقلام بالا به ایران، بنا به گزارش همین نشریه، حدود ۲۱۰۰۰ نفر آلمانی بمدت ۸ سال در آلمان صاحب کار خواهند بود!

با بکار افتادن مجدد نیروگاههای اتمی بوشهر و آلوده شدن محیط زیست و منطقه، زیانهای جبران ناپذیری ببار خواهد آمد که باختصار به بررسی آنها میپردازیم:

نیروگاههای اتمی و بهداشت محیط زیست

قبل از بررسی زیانها و خسارات حاصله از اشعه های رادیواکتیو، بهتر است ابتدا مختصراً طرز کار نیروگاههای اتمی را توضیح دهیم.

- در اثر بمباران نوترونی، اتمهای اورانیوم داخل محفظه احتراق (شکل ۲) بطور زنجیره ای شکافته میشود (۹) و هر بار مقدار زیادی انرژی حرارتی آزاد میگردد. در اثر حرارت ایجاد شده، آب مجاور محفظه احتراق به بخار تبدیل شده و درجه حرارت آن تا ۲۹۰ درجه سانتی گراد میرسد. در اثر بخار تولید شده در مدار اول، آب داخل مدار دوم نیز به بخار تبدیل شده که باعث گردش درآمدن توربین تولید برق میشود.

- از خواص اورانیوم این است که در حالت عادی و در موقع شکافته شدن از خود اشعه هائی تولید میکند که به آن اشعه رادیواکتیو میگویند. در اثر شکافته شدن هسته اتم اورانیوم، عناصر دیگر رادیواکتیو نیز تولید میگردد که برخی از آنها مانند کربن ۱۴، گازی شکل میباشد. اینگونه عناصر رادیواکتیو

بطور مستقیم و یا غیر مستقیم در ارگانهای مختلف بدن نفوذ خواهند کرد. در صورت آلوده شدن جریان آبهای زیرزمینی در دراز مدت این آلودگی به دریا نیز سرایت خواهد کرد.

۳- در مورد نیروگاههای اتمی بوشهر، خطر آلودگی آب دریا بسیار زیاد است زیرا در اثر بروز سانحه و یا نقائص فنی، مقدار زیادی مواد رادیواکتیو مستقیماً وارد دریا میگردد. در اینصورت خطرناکترین جنبه آن برای انسان عبارت خواهد بود از مصرف گوشت آلوده ماهی و دیگر موجودات زنده دریایی.



عواقب اقتصادی پروژه نیروگاه اتمی

آنچه که گذشت مختصری از چگونگی روند شکل گیری و با اجرا درآمدن قرارداد امپریالیتی نیروگاههای اتمی بوشهر و خطرات و زیانهای ناشی از آن بود. با مرور این مختصر میتوانیم بهتر به سیاست نجا و زکارانه امپریالیسم و عملش پی ببریم. مسلماً ماهیت و هدفی که رژیم سرسپرده شاه خاشاک از بستن چنین قراردادهایی دنبال میکرد، برکسی پوشیده نیست. امپریالیسم در دهه ۷۰ پیوسته تلاش میکرد تا دلارهای نفتی سرازیر شده به کشورهای تولیدکننده نفت را دوباره در مدار سرمایه داری جهانی حفظ کند. و باز هر کسی پوشیده نیست که ایران با داشتن منابع عظیم انرژی نفت و گاز احتیاجی به چنین طرحهایی ندارد. جالب توجه اینجاست که نزدیکی محل نیروگاههای اتمی بوشهر، یکی از بزرگترین منابع انرژی جهان قرار دارد ولی رژیم سرسپرده سلطنتی با عنوان کردن این مطلب که گویا ذخائر نفتی ایران تا ۴۰ سال آینده پایان میپذیرد، سعی داشت با اجرا درآوردن چنین طرح هائیشی ضمن پنهان داشتن اهداف جنايتکارانه خود، شعار "دروازه های تمدن بزرگ" را تبلیغ کند. رژیم جمهوری اسلامی نیز از همان فردای قیام شکوهمند ۲۲ بهمن مجری سیاستهای خائنانه برانداز امپریالیستها شد. در روند حکومت کوتاه و نتگین خود همان سیاستی را پیشه کرده که خواست امپریالیسم و اردوگاه سرمایه داری است. اگر رژیم شاه تکنولوژی غرب را برای رسیدن به "دروازه های تمدن بزرگ" میخواست، امروز نیز جمهوری اسلامی با شعار "استفاده از تکنولوژی و دانش آنها"، و به اجرا درآوردن طرحهایی نظیر طرح نیروگاههای اتمی بوشهر، همان راهی را میپیماید که رژیم شاه آغاز کرده بود. برای درک بهتر این مسئله که طرح نیروگاههای اتمی بوشهر چگونه خلفای رنج کشیده ایران را هرچه بیشتر بسوی وابستگی سوق میدهد، لازم است با کمک گرفتن از اعداد و ارقام این مهم را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم. در بین سالهای ۵۴-۱۳۵۲ "سازمان زمین شناسی ایران" به کمک کارشناسان فرانسوی به مدت دو سال دست به اقدامات تجسی زدند و طبق گزارشی که منتشر شد معلوم گشت که ایران از لحاظ منابع اورانیوم بسیار فقیر میباشد. با توجه به این مطلب در صورت بکار افتادن نیروگاههای اتمی بوشهر برای تامین سوخت اتمی آنها، الزاماً میبایستی دستبدمان کارتل هسته ای

گازی شکل میتوانند بزراحتی به محیط زیست اطراف نفوذ کنند و هوای تنفسی موجودات زنده را برای سالهای مدهدی آلوده به مواد رادیواکتیو کنند. این گونه آلودگی میتواند در اثر بسوزن نقائص غنی از قبیل سوراخ شدن، ترک برداشتن و ترکیدن لوله های مدار اول راکتورها شدت یابد.

بطور کلی آنچه با ثبات رسیده است این است که وجود مواد رادیواکتیو در محیط زیست موجودات زنده، زیانهای غیر قابل جبرانی به بار می آورد که بطور خلاصه بگونه ای از آنها اشاره میکنیم.

تماس اشعه های رادیواکتیو به سلولهای موجودات زنده موجب تجزیه و متلاشی شدن آنها میگردد. بطور کلی میتوان از لحاظ بیولوژیک زیانهای حاصله از مواد اشعه های رادیو اکتیو بر انسان را به دو گروه مختلف تقسیم بندی کرد:

الف- زیانهای مستقیم: هنگامی که ارگانهای بدن مستقیماً مورد نفوذ مواد رادیواکتیو قرار میگیرد، فرد یا موجود زنده بیمار گشته و در صورت شدید بودن میزان اشعه های رادیو اکتیو، با بروز عوارض سوختگی، سردرد، سرگیجه، تب و اسهال شدید، استفراغ خون، ریزش مو و ظاهر شدن لکه های سرخ روی پوست بدن، بیمار پس از چند روز کاملاً بی حس شده و میمیرد.

در صورت ظاهر نشدن عوارض فوری، اشعه های رادیواکتیو میتوانند بیماری های زیر را باعث گردند:

سرطان خون، سرطان ریه، سرطان غده کواتر، سرطان استخوان، عفیم شدن، پیروی زودرس و کم شدن مقاومت بدن در مقابل بیماری های مختلف.

ب- زیانهای غیر مستقیم: شامل بیماریهایی میباشد که از طریق زنها به نسل های بعدی منتقل میگرددند. علاوه بر ناقص العصبو شدن نوزادان در اثر تخریب در کروموزونها، عوارض زیر بوقوع می پیوندند:

کم خونی، اختلال حواس، مرع و غش، عقب ماندگی ذهنی، اگزما، جراحت مفاصل، انواع بیماری های پوستی، نابینایی، سنگ کلیه، کم زندی استخوانها، نرمی استخوان، بیماریهای کبدی و... (۱۰)

پنا بر تحقیقات انجام شده، اکثر امراض بالا علاجناپذیرند زیرا معلول انتقال ژنتیک میباشد. در حقیقت هنوز تجربه و تحقیقات کافی در مورد عوارض ژنتیک اشعه های رادیواکتیو وجود ندارد. در این مورد در گزارش "کمیسیون بین المللی حفاظت در مقابل اشعه رادیواکتیو" چنین آمده است:

"... ارزیابی اثرات ژنتیک اشعه های رادیواکتیو بخصوص در حالت میزان کم آن بسیار مشکلتر از ارزیابی اثرات مستقیم آنها میباشد... نسلهای آینده اند که نمایانگر این اثرات خواهند بود!" (نشریه شماره ۸ مورخ ۱۹۶۶)

بطور کلی نفوذ مواد رادیواکتیو به ارگانهای بدن میتواند از راههای مختلف زیر صورت گیرد:

۱- از طریق تنفس هوای آلوده به گازهای رادیواکتیو. این مواد مستقیماً وارد ارگان تنفسی شده و باعث متلاشی شدن و انهدام آنها میگرددند. همین گازها میتوانند بهنگام ریزش باران جذب ارگانهای گیاهی گردند، که در صورت تغذیه این گیاهان توسط انسان، و با حیوانات، عوارض بالاروی میدهند.

۲- در اثر نفوذ مواد رادیواکتیو به جریان آبهای زیرزمینی، آبهای آشامیدنی آلوده گشته که در صورت آشامیدن و یا آبپزایی

بین المللی فروشنده اورانیوم غنی شده، شد. کشورهای تولید کننده اورانیوم غنی شده عمدتاً عبارتند از: آمریکا، کانادا، آفریقای جنوبی و استرالیا. با توجه به روند تصاعدی افزایش قیمت اورانیوم طی سالهای اخیر (۱۱) (جدول شماره ۱)، در میانهیم که برای تامین هزینه سوخت اتمی راکتورها، ایران مجبور است با مدور نفت و گاز ارزان به همان کشورهای تولید کننده سوخت اتمی، از آنها اورانیوم را به بهائی گزاف خریداری کند. (۱۱) لازم به یادآوری است که هر یک از نیروگاههای اتمی پوشش احتیاج به ۱۰۲ تن اورانیوم غنی شده دارد که سالانه حدود یک سوم آن مصرف میگردد. (۲)

سال	بهای هر پوند اورانیوم
۱۹۷۱	۵/۵۲ دلار
۱۹۷۲	۸/۲۵
۱۹۷۵	۱۰/۵۰
۱۹۷۶	۲۰/۰۰
"	"
"	"
"	"

جدول شماره ۱

اگر توجه کنیم که سالانه بیش از ۲۰ میلیارد مترمکعب گاز (۶) در بیابانهای ایران (که چندان هم از محل نیروگاهها دور نیستند) شب و روز میهود و سی مصرف میشود، هرچه بیشتر به خاثنای بودن طرح نیروگاههای اتمی پوشش می یابیم، افزایش وابستگی و محکم شدن پایه های سرمایه داری وابسته به آنچه در فوق به آنها اشاره شد، محدود نمیشود، بلکه دامنه اش بسیار وسیعتر است و در دراز مدت هرچه بیشتر راه را برای غارت سرمایه داران باز میکند. خلاصه اینکه تا زمانی که این نیروگاهها در ایران وجود دارند، این وابستگی ها نیز وجود دارند. بطور مثال تامین وسائل بدکی و نیروهای متخصص در انحصار شرکت های تولید کننده میباشد. با وجود فقر نیروهای ماهر محلی، دوباره شاهد سرازیر شدن کارشناسان خارجی خواهیم بود.

معمولاً سیاست تولید کنندگان این نیروگاهها چنین است که همراه با مدور نیروگاهها، متخصصین رده پائین خود را به کشورهای خریدار اعزام میدارند و از جیب خلقهای تحت تسلیم به آنها حقوقهای کلانی میپردازند. بگفته شواهد عینی اغلب افراد متخصص آلمانی با ساختن مدارک جعلی خود را بعنوان مهندسین متخصص معرفی کرده اند. "کارکنان سازمان انرژی اتمی ایران" در بیانیه خود متذکر میشوند: "(فروشندهان نیروگاهها) همراه با فروش راکتورهای هسته ای، کارشناسان خود را نیز با حقوقهای گزاف به ایران تحویل میکنند..." (۶)

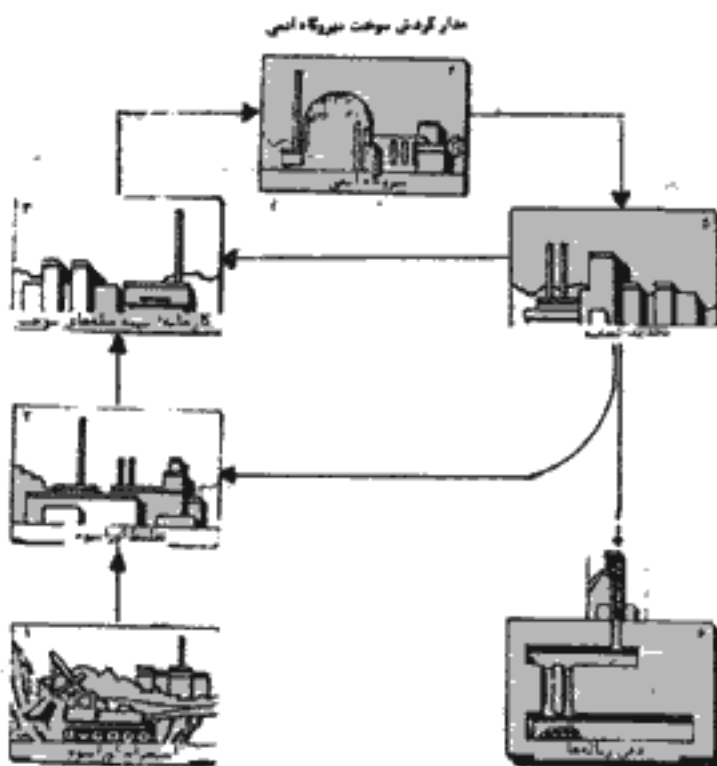
هزینه ها و طرح های آتی

همانطوریکه اشاره کردیم شدید وابستگی به مسائل گفته شده محدود نمیشود، بلکه نکات زیر را نیز دربر میگیرد:

۱- با گذشت ۵ سال از متوقف شدن طرح نیروگاهها، بعطت شرایط جوی منطقه، اکثر تاسیسات موجود بعطت پوسیدگی و زنگ زدگی غیر قابل استفاده میباشند، بنابراین هزینه سنگینی جهت خراب

کردن و بازسازی آنها لازم است.

۲- اگر فرض بر این بگذاریم که ساختمان نیروگاهها با تمام رسیده اند، در اینصورت علاوه بر ساختمان نیروگاهها احتیاج به تاسیسات جانبی دیگری است که در شکل نشان داده شده اند.



شکل ۶

چنانکه ملاحظه میگردد علاوه بر خود نیروگاه اتمی، به پنج تاسیسات دیگر احتیاج است که در حقیقت بدون وجود آنها، بکار انداختن نیروگاه اتمی کار بیهوده ای محسوب میگردد. این تاسیسات عبارتند از: ۱- تاسیسات استخراج اورانیوم، ۲- تاسیسات تغلیظ اورانیوم، ۳- کارخانه تولید میله های سوخت اتمی، ۴- تاسیسات تجدید تصفیه اورانیوم، ۵- تاسیسات دفن زباله های اتمی. احداث هر یک از این تاسیسات متضمن سرمایه گذاری های کمرشکنی است که نه تنها در خدمت منافع زحمتکشان نیست، بلکه هر یک از آنها بنوبه خود موجب بروز زیانها و خطراتی میگردد که قبلاً در مورد آنها توضیح دادیم. برای اینکه از میزان هزینه هنگفت برای احداث هر یک از این تاسیسات تصویری داشته باشیم، کافی است به هزینه ۲۰ میلیارد مارکی احداث تاسیسات تجدید تصفیه اورانیوم که قرار است در آلمان ساخته شود، اشاره کنیم.

به این مطلب نیز اشاره کنیم که در مورد تاسیسات "دفن زباله های اتمی" بین "سازمان انرژی اتمی ایران" و "سازمان انرژی اتمی انگلستان" UKAEA در سال ۱۹۷۸ قراردادی با امضاء رسید که طبق این قرارداد انگلستان موظف میشود که طرح "دفن زباله های اتمی ایران" را با اجرا در آورده، محل دفن زباله های اتمی نزدیک شهر اصفهان، در حاشیه کویر در نظر گرفته شد. در این قرارداد انگلستان متعهد میشود که نیروی انسانی و متخصصین لازم را تربیت و با در اختیار ایران بگذارد. (۱۲) بدینگونه سرمایه الیم انگلیس نیز در این مورد بی کلاه نمی ماند.

بنا بر آنچه در مباحث بالا آمد، میتوانیم حاصل کلام را در نکات زیرین خلاصه کنیم:

منابع

- (۱) کا- و- او KWU شرکت مختلطی است از شرکت های آ- ا- ی (AG) و شرکت زیمنس "SIEMENS" آلمان
- (۲) گزارش تلویزیونی شبکه ZAF آلمان، دسامبر ۱۹۸۲
- (۳) نشریه "اتمویرتشتافت" Atomwirtschaft مورخ فوریه ۱۹۷۷ صفحات ۷۲ الی ۸۰
- (۴) تا اواخر سال ۱۹۷۸ نزدیک به ۲۰۰۰ مشخص و کارشناس آلمانی در نیروگاه های اتمی بوشهر اشتغال بکار داشتند. مطابق گزارش مجله "اشرن" (۸ مارس ۱۹۷۹)، اعلام گردید که اگر مبادرت آلمان به ایران قطع گردد، بیش از ۲۰۰۰۰ نفر آلمانی کار خود را از دست می دهند!
- (۵) نویه زوریخو ساینشتوک، مورخ ۱۹۷۸/۱/۲۱
- (۶) بیانیه "کارکنان سازمان انرژی ایران" ۱۳۵۷/۱۰/۲
- (۷) Franzius- Institut für Wasserbau und Rüsteningenieurwesen- Pilsen Der in Hannover مطابق محاسبات انجام شده فقط ۲۰ الی ۴۰ درصد از گرمای تولید شده صرف تولید برق میشود و بقیه از طریق ماسداز خاک کهنه راکتورها به محیط زیست برگشت میکند.
- (۸) اگر هسته اتم اورانیوم تحت بمباران شکافته شود، بیوسته در کنار حرارت تولید شده در اثر شکافته شدن هسته اتم اورانیوم تعدادی نوترون نیز آزاد میگرددند. نوترون های آزاد شده نیز در بمباران هسته اتم های مجاور شرکت جسته و در نتیجه یک فعل انفعال زنجیره ای حاصل میشود که قادر است در مدت زمانی کمتر از یک ثانیه مقدار زیادی حرارت تولید کند.
- (۹) نشریه پزشکان اطریش شماره ۲۰، مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۷۵
- (۱۱) هوالد تریسون مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۷۶
- (۱۲) نشریه Nuclear Engineering International, Nov. 1977.

۱- رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم شاه خائن سیاست شرکت های ورشکسته امپریالیستی را پیشه کرده و با فروش ارزان و بی رویه نفت به امپریالیستها و پرداخت غرامت به آنها، با عجز و لایه از آنها میخواهد تا هرچه بیشتر به فعالیت استعمار گران خود ادامه داده و دسترنج ثروتهای زحمتکش را بفارت ببرند.

۲- رژیم جمهوری اسلامی طی ۵ سال حکومت سنگین و فاشیستی خود با سرکوب نیروهای انقلابی مدافع کارگران و زحمتکشان و سرکوب خلقهای قهرمان کرد، شرکه بلوچ، ترکمن و عرب کوشیده است تا به امپریالیستها ثابت کند که فرمانبردار خوبی برایشان خواهد بود و قادر است از سرمایه و منافع آنان حفاظت کند.

۳- طرح نیروگاه های اتمی بوشهر نه تنها در خدمت زحمتکشان ایران نیست، بلکه جز وابستگی هرچه بیشتر ایران به دول امپریالیستی، چیز دیگری همراه ندارد و آنچه نصیب آنها خواهد شد چیزی جز فقر، ناپسا مانی، بیماری و مرگ نخواهد بود.

۴- بعثت عدم رعایت روابط ایمنی در تعیین محل و ساختمان نیروگاه ها و وجود نواقص تکنیکی و فنی که نتیجه سهل انگاری و سیاست بهره کشی بیشتر سازندگان و طراحان آن می باشد، با ادامه ساختمان این نیروگاه ها در آینده شاهد سوانح و فجایع جبران ناپذیری خواهیم بود.

۵- نیروگاه های اتمی و تاسیسات جانبی آن، عامل آلودگی محیط زیست بمواد رادیواکتیو میباشد. این آلودگی ها حامل خطرات کشنده ای برای نسل حاضر و نسل های آینده میباشد.

۶- در صورت بکار افتادن نیروگاه های اتمی بوشهر، احتیاج به تاسیسات جانبی دیگری است که هزینه های کم رنگ آن در جهت منافع امپریالیستها بوده و به کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل میشود.

۷- در صورت بکار افتادن نیروگاه های اتمی بوشهر، بعثت فقر نیروهای متخصص در آینده شاهد سرازیر شدن سیل کارشناسان

بقیه از صفحه ۴۰

بسیج زنان:

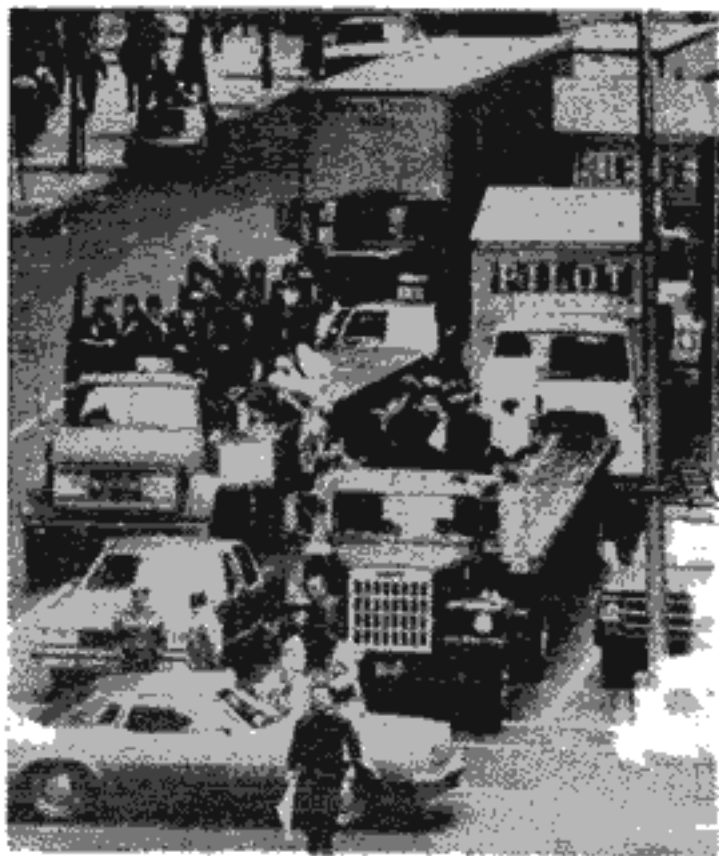
زنان در سخنرانی های پیش از انقلاب بودند. زنان بعنوان "همسران، مادران، دوستان دختر و معشوقه های" مبارزین مورد خطاب قرار میگرفتند. یعنی کسانی که حمایتشان مورد نیاز بود، اما به عنوان اقشار طبقات مختلف که میبایست به مبارزه ای برای احقاق حق خود دست بزنند. در یک کنفرانس ویژه زنان که در ژوئن سال ۱۹۷۱ توسط حزب کمونیست برگزار گردید، تاکید شد که مسئولیت عمده زنان این است که مطمئن باشند که کارگران کارخانه و برزگران تولید را افزایش دهند. به آزادی زنان از ستم درون خانواده و با ادغام آنان در نیروی کار اجتماعی، هیچ توجه ای نمیشد. در عوض حمایت آنان از طریق تن دادن به روابط موجود سلطه مردان، بدون اینکه گامی برای حل نیازهای خاص آنان بعنوان اعضای خانواده بپوشانده شود (نگهداری بچه، کار منزل، تهیه آذوقه)، طلب میشد. بسیج زنان کاری تفرقه افکنانه به نظر می آمد و به بسیج زنان بعنوان بخشی از طبقه نیز توجه نمیکردند و برای آن ارزش چندانی قائل نبودند.

آشکار گشتن جذابیت حرف های دست راستی ها، بویژه در مطبوعات خارجی و محافظه کار شیلی، بحث هایی را در مورد اینکه چه برنامه ای را باید برای مقابله در پیش گرفت، برانگیخت. سخنرانی "وایا با میبرا" یک سال پس از روی کار آمدن دولت آلنده که در مجله punto final چاپ شد، به برخی از اعمالی که

حکومت میتواند به آن دست زند، اشاره نمود:

"وظیفه دولت اتحاد خلق است که اگرچه به مقابله با موقعیت حقوقی زنان برخاسته است، اما در این کار بسیار نا آرام و بزدلانه عمل نموده است. از سوی دیگر، اگر دولت اتحاد خلق انقلاب را با سرعت و جورانه به پیش میراند، احزاب "مرکز" و دست راستی ها که از دفاع زنان دم میزنند، مقیاس وسیعی توسط زنان حمایت میگردند، ناچار میشوند که با چپ ها هم جهت گردند و با نقاب از چهره بردارند" (1972, 81)

با میبرا معتقد بود که باید "به یک بسیج گسترده زنان حول مسائل آنان دست زد و بعنوان سرازاز جستجو برای یافتن راه حل، زنان را سازماندهی نمود"، عملی که با انجام آن "فقط بورژوازی چیزی را از دست خواهد داد" (Bambirra, 1972). اگر در دو سال اول حکومت اتحاد خلق به این راه حل توجه بیشتری میدول می شد، ممکن بود که این مسئله به ریشه ای سر نمودن مبارزه طبقاتی به نفع طبقه کارگر کمک نماید. اما در وضعیتی کلی که حکومت اتحاد خلق عمل میکرد- وضعیتی رفرمینتی، اتحاد با رهبران دمکرات- مسیحی ها که فعالانه بر علیه اتحاد خلق توطئه میکردند و عدم تمایل به گسترش قدرت کارگران برای دستیابی به قدرت دولتی- استراژی دست راستی ها در مورد زنان با سلاح هایی که بورژوازی در اختیار داشت، بسیار موثر واقع شد.



راشدگان برای نشان دادن همبستگی خود با
راشدگان اجتماعی شرکت اتوبوسرانی آمریکا
دل‌خیابانهای فیلادلفیا رژه می‌روند

اودر توضیح دشواری ارزش‌افزایی متذکر شود که بحران نتیجه عدم وجود تجانس بین رشد نیروهای مولده جامعه و مناسبات تولیدی حاکم بر آن است

سرمایه‌داری سیستم تولید کالایی و تولید برای مبادله است و هدف آن رفع احتیاجات انسانی نیست. در این سیستم نیروی کار نیز کالاست و این خود موجب جدایی نیروهای مولده از تولیدگران می‌شود. تمرکز کنترل نیروهای مولده که انسانها در عین بیگانگی با آن - جزئی از آن هستند، در دست سرمایه‌داران شرایط تاریخی را فراهم می‌کند که بحران را اجتناب ناپذیر می‌نماید. تولید در سرمایه‌داری - تنها به خاطر سود انجام می‌گیرد و آنجا که سودی نیست تولید از حرکت باز می‌ایستد. توقف تولید موجب بیکاری شده و این خود باعث تولید سیستم را دچار نقصان می‌کند. سود در حقیقت چیزی جز مزد نیروی کار نیست. به کارگر نیست کاهش نیروی کار در تولید (بیکاری) نرخ سود را پائین خواهد آورد، مگر آنکه با جایگزینی تکنولوژی و اتوماسیون پیرو تولید بتواند بدون انقطاع ادامه پیدا کند. تنها می‌پروند تولید سرمایه‌داری در یک حالت انارشیک کامل بر می‌خیزد. سرمایه‌داری نه یک سیستم برنامه‌ریزی شده تولیدی که اجزای آن در هماهنگی است بلکه سیستمی است که بوسیله افراد جدا از هم (با احتیاجات اما تنها برای کسب سود بیشتر) تشکیل شده و حرکت آن را بازار تعیین می‌کند. هماهنگی که ذکر نمودیم، اینها کاراکترهای بحران در حالت عام هستند. در حالت خاص یعنی بحران امروزی سرمایه‌داری کاراکترهای مشخص خود را داراست. سرمایه‌داری امروز در سطح جهانی در بالاترین مرحله انحصاری خود قرار داشته و بنا بر این عواملی نظیر پائین آمدن نرخ سود یا نرخ مصرف تنها در این سطح قابل فهم است. همچنین رقابت با زار تنها در سطح مونوپولی آن قابل بررسی است. به همین جهت حالت‌های جدیدی مانند Stagflation بوجود می‌آید که دلیل آن فشار سود مونوپولیستی در یک جامعه بسیار متمرکز سرمایه‌داری است. ما بخواهیم این پدیده را در رابطه با بالا رفتن قیمت‌ها دقیقاً زمانی که بازار حالت ایستادگی پیدا کند دارد، می‌بینیم. در شرایط رقابت آزاد سرمایه‌داری، هنگامی که بازار حرکتش کند می‌شود، قیمت‌ها

بحران امپریالیسم

و چشم انداز آن

مقدمه

تحولات عظیم سیاسی بین‌المللی در چند دهه اخیر، لزوم یک بررسی همه‌جانبه در مورد نیروهای موجود در عرصه مبارزه طبقاتی را مدّچندان می‌کند. تحلیل دقیق و مشخص از سرمایه‌داری جهانی، کشورها و مجموعه تحت نام کمپ‌سوسیالیسم متحد شده‌اند و همچنین پرولتاریا و نیروهای انقلابی کشورهای تحت سلطه، بصورت عمده‌ترین وظیفه سوسیالیسم علمی درآمده است. در شرایط امروز، بدون داشتن شناخت علمی از این نیروها هیچ استراتژی انقلابی موثر نخواهد بود. از اینرو تلاش برای ارائه تحلیل واقع‌بینانه از هر یک از این نیروها و روابط متقابل آنها، خود محور مبارزه ایدئولوژیک دامنه‌داری است که هم اکنون شیوه‌ی

ابفا دوسیم می‌چریا ندارد. نظریه و سمت مطلب این مقاله تنها قصد بررسی کمپ سرمایه‌داری جهانی، بحران درون آن و ابفا اتحاد امپریالیستها (بخصوص نقش امپریالیسم آمریکا بحران فعلی آن و چشم انداز حرکت آن تا آخر قرن بیستم) را دارد.

★★★★★

انتخاب ریگان به ریاست جمهوری آمریکا، مارگرت تاچر به نخست‌وزیری انگلستان و هلموت کهل به صدراعظمی آلمان فدرال، که هر سه نفر از سیاستمداران محافظه‌کار روست راستی هستند، سئوال مهمی را در اذهان همگان زنده نموده است. آیا سرمایه‌داری بسوی فاشیسم می‌رود؟ در این صورت آینده جهان چه خواهد شد؟ در پاسخ به این سئوالات با دوتنوع جواب روبرو می‌شویم.

عده‌ای معتقدند که ظهور مجدد فاشیسم در آمریکا و سایر کشورهای سرمایه‌داری غیرممکن است. به نظر عده‌ای دیگر، هم‌اکنون فاشیسم در این کشورها غالب می‌باشد. بنظر ما هر دو این جوابها ناقص و غیر علمی است. پیش از آنکه به جواب مورد قبولی دست یابیم، بایستی به اینکه چرا و چگونه سرمایه‌داری در گذشته بفاشیسم رسید و امولا عوامل مهم ظهور فاشیسم را تحلیل کنیم. کلید شناخت این عوامل در بررسی انباشت سرمایه و چرخش تولید و بازتولید در سیستم سرمایه‌داری نهفته است. بحران به معنای عام خود، یعنی اخلال در سیستم تولید، اما - معانی خاص بحران را می‌توان در دوره‌های مختلف سرمایه‌داری یافت. مثلا کاراکترهای بحران بزرگ اواخر دهه ۲۰ با کاراکترهای امروزی - آن تفاوت محسوس دارند. اگر در آن دوران وجود کالا در بازار، قیمت‌ها را پائین می‌آورد و تولید را کند کرده و بحران می‌آفرید، امروز علیرغم وجود کالاهای بسیار در انبارها، قیمت‌ها نیز هر روز بالا رفته و تورم Inflation که نشانه صعود قیمت‌هاست با رکود Stagnation اقتصادی همراه شده و حالت جدیدی را بشام Stagflation می‌آفریند.

مارکس با کشف قانون تکامل سرمایه‌داری ثابت نمود که بحران جز ذات این حرکت و بطور کلی اجتناب ناپذیر است. مارکس با دآوری نمود که بحرانها بصورت دوره‌ای رخ داده و همیشه و هر لحظه بروز نمی‌کنند. بقول مارکس بحران چیزی نیست مگر اثبات اینکه مراحل مختلف تولید در اتحاد قرار نداشته و بصورت جدا از هم درآمده‌اند.

با شین میا مد. در حالیکه در حال حاضر قیمت ها در رابطه با نرخ سود مونوپولیستی تعیین شده و رقابت معمولی شایع حرکت آن نیست. مونوپول ها برای کنترل قیمت ها حتی حاضرند که میلیونها دلار مواد مصرفی را نابود کنند. طبق آمار یونسکو در سال ۷۶ بطور تخمینی حدود ۵۰ میلیون دلار مواد مصرفی کشاورزی و لبنیات توسط کمپانیهای آمریکایی به اقیانوس ریخته شده است این در حالی است که بخش کشاورزی عموماً بیشترین بخش صنعتی، از شاخص بازار آزاد پیروی میکند.

مسئله سرمایه انحصاری که با آوردن میزان تولید، بلکه بالا بردن نرخ سود و یا شین آوردن نرخ مخارج تولید و محدود کردن رقابت است هدف سرمایه دار سود بیشتر و اگر لازم باشد تولید کمتر است. یکی دیگر از علل بیکاری در واقع همین است سرمایه دار کارگران را بیکار میکند زیرا وجود کالای بسیار به بازار خیره میزند. بنابراین حذف قوانین دست و پا گیر کار، با شین آوردن مالیات ها، و با شین آوردن هزینه دولتی برای رفاه عمومی، خواستهای اصلی سرمایه داران است چرا که اینها عواملی است که به بالا رفتن نرخ سود خیره میزند. البته بین خواست سرمایه داران و آنچه که بحفاظت مبارزات کارگران در مقابل مجبور به قبول آن میشوند، تفاوت وجود دارد.

سیاستهای بورژوازی در میا ر کردن بحران

تا بحال سه سیاست اقتصادی برای میا ر کردن بحران از طرف سرمایه داری عرضه شده است (۱) سیاست حمایت از عرضه کنندگان Supply Side (۲) سیاست مونوتاریستی (۳) سیاست کینزگرایی Keynesianism

الف: سیاست Supply Side
منطق این سیاست آنست که عرضه موجود تقاضا است و بنا بر این اگر برای آنجا که عرضه کننده هستند تسهیلات بیشتر فراهم آید، تقاضا خود بخود بهبود خواهد یافت. در نتیجه بیکاری و تورم از بین رفته و مشکلات اقتصادی حل خواهد شد. عرضه کنندگان در جامعه انحصاری یعنی سرمایه داران بزرگ و در حقیقت تعداد کمی کمپانی که کنترل تولید را در دست دارند. بنا بر این با با شین آوردن مالیات ها برای این کمپانیها، حذف قوانین مختلف مربوط به کار و کونه کردن دست دولت از کنترل تولید و توزیع، این کمپانیها فرصت عرضه بیشتر و بنا بر این ایجاد تقاضا و در تحلیل نهایی، حل بحران را خواهند داشت. نه تنها مسائل اقتصادی، بلکه مشکلات اجتماعی نیز از بین خواهد رفت. به عقیده طرفداران پروپاقرص این فرمول، تسلط بر دین از بین رفته و آزادی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برقرار خواهد شد علاوه بر این از آنجا که فراهم آوردن تسهیلات برای ثروتمندان، آنها را ترغیب به مصرف بیشتر و خرید بیشتر از بازار میکند، این نیز خود به شکوفایی اقتصادی کمک خواهد نمود. بر اساس این فرمول برای بالا بردن قدرت خرید و افزایش ثروت مردم، با با شین شروت را بطور کلی و به تبع بخشیه با ثروتمندان را و اداریه خرید بیشتر کرد. از آنجا که ثروت بطور کلی قابل بسط نیست، بنا بر این باید سیاستی را فراهم آورد که ثروتمندان رغبت بیشتری به مصرف و خرید نشان دهند. دیوید استاکمن وزیر کابینه ریگان نیز این راه حل را بطور فرموله چنین بیان میکند "... با با شین آوردن مالیات سرمایه داران بزرگ و ثروتمندان، بازار بحران زده رونق گرفته و شکوفایی اقتصادی به همه منتقل خواهد شد. " فرمول Supply Side اساس برنامه اقتصادی کابینه ریگان را تشکیل میدهد.

ب- سیاست مونوتاریستی

مونوتاریستی برهبری میلتون فریدمن معتقدند که حجم پول بخودی خود تعیین کننده قیمت است. بنا بر این زیادی پول در -

مقابل کمی تولید، باعث تورم شده و بحران زاست. مونوتاریسم با طرح دانشگاه شیکاگو "شایهت های اساسی با فرمول Supply Side دارد. بخصوص این سیاست معتقد است که باید نقش دولت محدودتر شده و آزادی کامل به سرمایه داران در مورد استخدام با اجراج، تعیین دستمزد، تعیین شرایط کار و چگونگی تولید و ... داده شود. دخالت دولت، بنا به گفته مونوتاریستها باعث افزایش پول شده و این خود برای سیستم خطرناک است کم کردن نقش دولت بیش از هر چیز به معنای کم کردن مالیات ها است چرا که قدرت اقتصادی دولت - غیر از اینکه خود نیز صاحب کارخانجات و غیره است - عموماً بستگی به مقدار شرونی دارد که از راه جمع آوری مالیات ها بدست میآورد. ب- سیاست کینزگرایی

کنترل هر چه بیشتر دولت و افزایش مالیات سرمایه های بزرگ اساس حرکت این فرمول است. برخلاف فرمول Supply Side این نظر معتقد است که تقاضا عرضه را میآفریند، و در مقابل مونوتاریستها اعتقاد به تعیین کنندگی بازار در شاخص نرخ و قیمت کالا دارد. کینزگرایی نه تنها به اداره امور بوسیله دولت معتقد است بلکه در صحنه بین المللی نیز تسلط یک اقتصاد دیرتر (مثلاً اقتصاد انگلستان قبل از جنگ جهانی دوم و اقتصاد امروز آمریکا) را برای ادامه حرکت سرمایه داری ضروری میداند. این نظریه سالها بر عرصه اقتصاد سرمایه داری حکومت میکرد. مدافعان آن که عازا زحل بحرانهای گذشته از جمله سقوط وال استریت را و آخر دهه ۲۰، بحران سالهای ۵۰، ۶۰، ۷۰ بودند، در مقابل دشواری جدید Supply Side و مونوتاریسم عقب نشینی نموده و در حقیقت ناتوانی خود را در حل بحرانهای سرمایه داری نشان دادند.

در بین سیاستمداران کنونی در سطح جهان، کندی، پیرترودو (کانادا)، و میتران (فرانسه) هنوز هم بفرمول کینز یا بینه میباشند. اعلام عدم شرکت کندی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نشانده آنست که حتی حزب دمکرات آمریکا نیز حداقل برای انتخابات سال ۱۹۸۴، کاندیدائی که معتقد به این فرمول باشد، معرفی نخواهد کرد. نشانه های سیاست جدید اقتصادی Supply Side در اواخر دولت کارتر کاملاً محسوس بود و این نشانه آنست که لیبرالها در صحنه سیاست شکست خورده و مجبور به عقب نشینی شده اند. چرا که آنان اعتقاد دارند که سرمایه داری میتواند با شکیه به رفرمیایی از جمله کوپن های مجانی غذا، حقوق بیکاری و غیره شا رضایشی را کاهش دهد. تمام این سیاست ها عملاً نتیجهای نداده و بقول جمهوریخواهان همین سیاستها باعث بحران اقتصادی امروز شده است. از این روست که امروزه سیاست جدید اقتصادی همراه با تشدید نظامیگری و برنامه ریزی جهت همکاری اقتصادی و نظامی دامنه دار بین کشورهای سرمایه داری در دستور کار قرار گرفته است.

کنفرانس سران کشورهای امپریالیستی در ویلیا مزبورگ با - آنکه نتوانست مشور همکار ریهای دراز مدت بین معالک مختلف امپریالیستی را تهیه کند، اما بر این نکته که امروزه سرمایه ها نمیتوانند تنها در چارچوب ملی عمل کنند صحه گذاشت. این کنفرانس همچنین به وجود بحران در اقتصاد جهان سرمایه داری - تاکید ورزیده و علیرغم اختلاف نظر در چگونگی رفع آن، لزوم یک سیاست مشترک را یادآوری نمود.

این خود نشان میدهد که جهان سرمایه داری در موقعیت بسیار ویژه ای بسر برده و به هیچوجه امنیت گذشته را ندارد. از همین روست که سیاست میلیتاریسم و تکیه هر چه بیشتر به نیروی نظامی از جانب سرکرده کشورهای امپریالیستی - آمریکا - بیش از پیش مورد نظر قرار گرفته است. خصوصیت جنگ طلبی امپریالیسم نه تنها مربوط



گوانا دا پس از تهاجم امپریالیسم آمریکا، نیروهای نظامی آمریکا همچنان جوانان را تحت فشار قرار می‌دهند به اشغال سرزمینهای بیشرجهان میشود، بلکه برای گریز از بحران نیز صورت می‌گیرد. تاریخ به سرمایه داری آموخته که بدون ایجاد کار، بحران تخفیف نخواهد یافت و در مواقع بحرانی جز با ازدیاد، بخشیدن به تولید نظامی مسئله ایجاد کار حل نخواهد شد. فاکتور دیگر در رشدید میلیتاریسم در آمریکا، غیر از آنچه که اشاره شد، تقلیل قدرت رهبری سیاسی امپریالیسم آمریکا است. از این جهت تکیه آمریکا بر قدرت نظامی که قدرت تخریب آن بسیار فراتر از کشورهای دیگر سرمایه داری است، شناسا راه حل بنظر می‌رسد. علیرغم همکاری و اتحاد بین امپریالیستها اختلاف نظر و تضاد بین آنها هر روز شدت می‌یابد. این تضادها را میتوان در مورد چین، ناتو، طرح با شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، شعبه‌های موشکی و اتمی در اروپا (با آنکه این مسئله بخشی در کنفرانس اخیر مطالعه شده است) اتخاذ سیاست مشترک در مورد انقلاب فدا امپریالیستی بخصوص در منطقه آمریکای لاتین، مسئله خاورمیانه و بسیاری مسائل دیگر مشاهده نمود. متحدان امپریالیسم آمریکا دیگر مانند سالهای ۵۰ تا ۷۰ به رهبری آن شکن نبوده و در مورد هر یک از مسائل اشاره شده فرمولبندی خاص خود را ارائه می‌دهند. البته این بهیچ عنوان به معنی غلبه جنبه تضاد بر وحدت بین امپریالیستها نیست. امروزه بوضوح روشن است که هدف تمامی کشورهای سرمایه داری بزرگ سرکوب انقلابات در کشورهای تحت سلطه و همچنین مبارزه با کشورهای سوسیالیستی است و در این مورد تمامی آنها اتفاق نظر داشته و اختلاف‌ها تنها بر سر شیوه اجرای این سیاست‌هاست. امروز میلیتاریسم آنچنان ابعاد وسیعی بخود گرفته است که دیگر بحث بر سر احتمال وقوع جنگ نیست بلکه مسئله آنست که چه موقع و کجا آتش جنگ افروخته خواهد شد. ایشبار بدون شک هدف نابودی کل بشریت است زیرا مسئله مرگ و زندگی امپریالیسم و سرمایه داری در سطح جهان مطرح است این برای اولین بار در تاریخ است که کلیه کشورهای سرمایه داری بزرگ بدین شکل با هم متحد شده و هدف نابودی جهان را دارند. هم اکنون قدرت تخریب امپریالیسم آمریکا تنها در جهان نیست بلکه برای نابودی تمام انسانهای روی زمین به ۱۵ برابر قدرت لایو می‌رسد. نصب ۹۰۰ موشک اتمی در خاک اروپا که هدف اعظم آن خاک شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است ایجاد نیروهای جنگی و اکتش سریع Rapid Deployment و اخیرا پروژه های نظامی فضا، به علاوه رشد سرسام آور بودجه نظامی آمریکا، حکایت از آن دارد که امپریالیسم خود را برای روبرو رونی نهائی آماده میکند. حال با توجه به آنچه که در مورد ریشه های بحران و اتخاذ

سیاستهای جدید برای مقابله با آن از جانب امپریالیستها گفته شد، چشم انداز آینده جهان سرمایه داری چگونه خواهد بود؟ بیسک معنا اگر سیاست اقتصادی ریگان Reaganomics که با اختصار از کینزگراشی شروع و به Supply Side رسید به شکست بیانجامد و اگر انقلابات در کشورهای تحت سلطه فروزان نشده و پس از سیگاراکوتی، السالوادور و دیگر کشورهای آمریکای لاتین از یوغ امپریالیسم آزاد شوند (که تجربه روزمره نشان میدهد که این امر اجتناب ناپذیر خواهد بود) و اگر مجموعه این شرایط تاریخی عمومی در کشورهای سرمایه داری بزرگ را دامن بزند (که بدون شک دامن خواهد زد) آنگاه سرشوت دمکراسی بورژوازی بکجا خواهد رسید؟ آیا امپریالیستها به این شرایط تسلیم خواهند شد یا لاجرم به سرکوب عربان، خفقان و فاشیسم متوسل خواهند گردید؟

چشم انداز فاشیسم

فاشیسم با درک عامیانه، به معنای هرنوع اختناق و ترور دولتی نژادپرستی، سیاست نظامیگری، جنگ طلبی، فداکمونیتی و ناسیونالیسم افراطی و... بکار میرود. دلیل این درک آنست که اولحاظ تاریخی فاشیسم در هر مرحله تمام با بخشی از این ویژگیها را دارا بوده است. همین درک عامیانه ریشههای شاه و خمینی و ملک حسین و امثالهم را فاشیستی میدانند. و عموما از این واژه برای نشان دادن بالاترین درجه اعمال زور از جانب یک اقلیت یا حکومت ترورپرستی استفاده میکنند. تعریف فاشیسم بطور تاریخی باید با پروژه اصلی بروز و علت وجودی آن در شرایط مشخص خود همراه باشد و آن چیزی نیست جز حالت خاصی از مجموعه صفات یاد شده. بنابراین هرنوع دیکتاتوری نظامی و هرنوع رژیم ترور و زورگویی را نمیتوان فاشیسم نامید.

قابل قبول ترین تعریف از فاشیسم را دیمتروفه رهبر انترناسیونال سوم ارائه میدهد. او فاشیست را سیاست اتخاذ شده از جانب ارتجاعی ترین و راست ترین بخش بورژوازی امپریالیستی و موشیوپولیتیستی دانسته که تحت لوای جنگ و نژادپرستی، ناسیونالیسم و ترور دولتی و دیکتاتوری مطلق درمدد نجات سرمایه داری از بحران و فراهم آوردن شکوفائی اقتصادی است. دیمتروف برای بورژوازی امپریالیستی، بخشهای مختلف قائل شده و فاشیسم را نتیجه غلبه مطلق یکی از بخشها - ارتجاعی ترین و راست ترین و هارترین - بر بخشهای دیگر میدانند. تشکیل جبهه های ضد فاشیستی چه در سطح بین المللی و چه فطی بین احزاب انقلابی و بخشهایی از بورژوازی بر همین درک استوار بود. در مقابل دیمتروف در همان زمان، کودتای رهبر حزب کمونیست انگلستان قرار داشت او معتقد بود که فاشیسم نه پیروزی جناح ماوراء راست و ارتجاعی سرمایه داری و نه یکی از چندین راه و فرمول حرکت سرمایه داری، بلکه منطقی ترین شکل حکومت سرمایه داری در عصر امپریالیسم است البته هر دو تعریف در مورد سیاست جنگ طلبی مطلق و دیکتاتوری عربان و سیاست فداکمونیتیستی ناسیونالیسم و ترور دولتی و غیره متفق القول بوده و این صفات را بوضوح در کشور آلمان هیتلری مشاهده مینمودند. این علائق کلاسیک یعنی ضدیت با یهودیان بعنوان نژاد پست که منجر به قانونی کردن کشت و کشتار آنها شد، انحلال جمهوری و جایگزین کردن آن با رایش سوم به پیشواشی هیتلر، دست زدن به جنگ برای بسط قدرت، قلع و قمع علنی کمونیستها و هرچه که بقول فاشیستها غیر آلمانی بود، فراهم آوردن حمایت توده ای از راه تبلیغ ناسیونالیسم و شعار همه چیز برای آلمان؟ بیورش به تمام آزادیهای بورژوازی، انحلال تمام احزاب، گروه ها، روزنامه ها، اتحادیاست اقتصاد جنگی که



تظاهرات دانشجویان ضد جنگ ویتنام

در نوامبر ۱۹۶۸

ژنرالهای پر قدرت را بر علیه او برانگیخت و او خود سرانجام مورد غضب قرار گرفت.

پایان کابوسی که کارتیسم، آغاز دورانی دیگر از اختناق - علمی و لگدمال کردن حق اظهار عقیده بود. این دوران که بیش از ۱۰ سال طول کشید، ناشی از تحمیل جنگی نابرابر از طرف امپریالیسم امریکا بر خلق ویشتام است. عکس العمل مردم امریکا، مسجوع تظاهرات ضد جنگ و مبارزه هر روزه در دانشگاهها و خیابانها بر علیه کشت و کشتار در ویتنام، همراه با تقویت دستگاههای سرکوب و اختناق بود. انتخاب نیکسون و اوج گیری جنگ ویشتام به اقدامات شبه فاشیستی دستگاههای دولتی دامن زده تا جایی که بخشی از بورژوازی از این موقعیت علیه بخش دیگر آن استفاده میکرد. جریان واژگیت و اختناق کابینه نیکسون ابعاد وسیع جاسوسی، توطئه و ترور دولتی را نشان داد. اتحاد درونی طبقه حاکمه آنچنان با لا گرفت که نیکسون مجبور به استعفاء شد و بسیاری از اقدامات شبه فاشیستی دولت او بر ملا گردید. در سال ۱۹۷۵ کمیته مخوف فعالیت غیر امریکائی در سنا منحل شده و خط این کمیته که بخوبی پتانسیل تبدیل به کشتاپو را داشت، موقوفه رفع گردید. همچنین کارآئی هیئت کنترل عملیات خرابکاری که مسئول فشار و اختناق وسیعی در زمان جنگ بود نیز با کاهش بودجه کاهشیافته پایان جنگ ویتنام، استعفای نیکسون و جریان واژگیت و بر ملا شدن فعالیت های شبه فاشیستی هیئت حاکمه، بار دیگر نشان داد که خطر فاشیسم در جامعه بورژوازی بحران زده همیشه وجود دارد. با آنکه دوران کارتر با شعارهای حقوق بشر و لبخندهای شرمگینانه بورژوازی از کثافتکاری های قبلی شروع شد، اما بزودی با بالا گرفتن بحران اقتصادی و اوج گیری جنبشهای توده ای در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، سیاستهای قبلی از سر گرفته شد و ادامه فعالیت آن به دولت ریگان واگذار گردید. ظهور دارودسته ریگان همراه با آزادبهای بیشتر برای جاسوسی و سرکوب بود و اختیارات وسیع CIA, FBI, NSA (سازمان امنیت ملی) در پیگیری و تعقیب مخالفین به بالاترین حد خود پس از دوران مک کارتی رسید. پیشنهادی که "کمیته فعالیت های غیر امریکائی" در کنگره از جانب ۱۵۸ نماینده داده شده که، برای تمویب آن به ۲۱۸ رای احتیاج است قدرت گیری بی اندازه جریانات مذهبی مانند Moral Majority که دارای بودجه نامحدود بوده و خواهان برگشت به پرنسپهای "امریکائی" و شعارهایی مانند "خدا امریکا خانواده" هستند و نقش تعیین کننده ای در انتخاب ریگان برپاست جمهوری - داشتند، همه و همه نشان میدهد که امپریالیسم در رابطه با سیاست

موجب رشد بی سابقه اقتصادی به میزان ۱۰۴ درصد بین سالهای ۳۷-۳۳ شد، اعطای امتیازات رفاهی بسیار (پیش از شروع جنگ) به - بخشی از کارگران و تکنوکراتها، بومتهم کردن خارجی ها و سرمایه - داران لیبرال و "غیرآلمانیها" به عنوان مشغول مشکلات جنگی و - بسیاری اقدامات دیگر، از جانب هر دو (دیمتروف و مانتیادآوری شده اند، اما تفاوت اصلی بین دو نظر یعنی اینکه آیا این سیاست ها مورد قبول کل بورژوازی است یا بخشی از آن، زمینه اصلی اختلاف - نظر در آن دوره بود. نکته ایست که نتایج جنگ دوم و پیروزی شبهه - های ضد فاشیستی و استفاده از تفاذه بین بخشی مختلف سرمایه - انحصاری جهت شکست فاشیسم، تحت نظرات دیمتروف و کمینترن را - نشان داد. بنا بر این فاشیسم بشکل تاریخی نه با کودتا و توسل به قهر نظامی، بلکه با تکیه به برنامه های بسیار دقیق و حساب شده که بورواشناسی شونده ای و برنامه اقتصادی منظم استوار بود از طریق قانونی به حکومت رسید. در مورد آلمان، هیتلر با ۹۳ میلیون رای بعنوان مدراظم انتخاب و بلافاصله تمام ارگانهای قانونی را که او خود بوسیله آن به قدرت رسیده بود منحل کرد. حمایت توده ای از هیتلر تا سالها بعد از به قدرت رسیدن او هنوز با برجا بود.

زمینه های عینی پیدایش فاشیسم، وجود بحران شدید اقتصادی گسترش جنبش کارگری و جنبش کمونیستی و ناتوانی بورژوازی در جلوگیری از رشد جنبش چپ از طریق کانالهای قانونی و پارلمانی است. وقتی که بورژوازی نتواند جنبش روبه اوج کارگری را سد نماید، چاره ای جز توسل به فاشیسم ندارد.

بنابر آنچه گفته شد اطلاق فاشیسم به هرگونه اختناق و - دیکتاتوری و ناسیونالیسم و غیره خطای شتوریک فاشی بوده و بررسی اینکه آیا کشورهای سرمایه داری و به خصوص امریکا امروز بسوی - فاشیسم میروند، باید با توجه باین موضوع صورت گیرد، بطور مثال امکان فشار دستگاههای جاسوسی و سرکوب دولتی مانند سیا، اف بی آی و ان.اس.ای (CIA, FBI, NSA) به جریانات مشرقی و کارگری تا سرحد انحلال و نابودی آنان بسیار زیاد است. با اینحال این به معنی غلبه فاشیسم نیست. در سالهای اخیر جمع آوری اطلاعات از - طریق نفوذ در سازمانهای مختلف در سطح امریکا شروع شده است و بدون شک اینگونه اطلاعات تنها موقعی بطور کامل مورد استفاده قرار خواهد گرفت که فعالیت قانونی ضد فاشیسم در چارچوب دموکراسی بورژوازی وجود نداشته باشد. ابعاد اینگونه نفوذها آنچنان است که تنها در شهر شیکاگو بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰، تعداد ۵۱۲۵ مأمور و جاسوس و خبرچین FBI بدون سازمانهای سیاسی، اتحادیه ها و سازمانهای کارگری نفوذ کرده بودند.

تجربه قبلی ظهور نوعی از فاشیسم در امریکا آنقدرها هم دور نیست. دهه ۵۰ و موج مک کارتیسم، که در نتیجه آن هزاران نفر به اتهام خدا امریکا بودن، کمونیست بودن، کتاب کمونیستی خواندن و ... کشته، زندانی، ناپدید و از کار اخراج شدند، هنوز در ذهن ها باقی است. تهیه لیست سیاه و ایجاد گروههای ترور شهری بنام "گروه سرخ"، استخدام هزاران جاسوس جهت نفوذ در سازمانها و گروههای مختلف - استخدام گروههای ضربت برای برهم زدن میهنیتگها و تظاهرات و ترور افراد و اعضا، جریانات مورد سوء ظن، تقویت عملیات گروههای - نژادپرست و تروریستی مانند KKK، نئونازی، امریکن لژیون و غیره تنها گوشه ای از اقدامات انجام شده در آن زمان است. مک کارتیسم بخوبی پتانسیل مسلط شدن بر جامعه امریکا و تبدیل آن به یک جامعه فاشیستی را دارا بود. بهر حال این دوران بدون تسلط فاشیسم سیری شد و این از یک طرف ناشی از مقاومت پیش از اندازه نیروهای ضد مک کارتیسم و از جانب دیگر ایجاد واکنش در درون خود بورژوازی بود. حمله شدید جوزف مک کارتی به رهبری نظامی ارتش امریکا،

داخلی نیز هر روز هارتر میشود. شکاهی برشد روزافزون بحران، که ایدئولوگهای اقتصادی را وادار به قبول همیشگی آن بعنوان جزء تفکیک ناپذیر سیستم میکند، نشان میدهد که دوران قدرت گرفتن هارترین بخش بورژوازی با رسالت نجات کل طبقه و حاکمیت آن قرا رسیده است. جهان سرمایه داری به هیچوجه موقعیت گذشته را در مقابل جهان سوسیالیستی و انقلابات قدامت پرستانه نداشت و هر روز مجبور به عقب نشینی از مواضع گذشته خود میباشد. شک نیست که - شرایط ویژه کنونی که خصوصیت اصلی آن تقویت جنبه وحدت - امپریالیستها در مقابل کشورهای سوسیالیستی و انقلابات ضد - امپریالیستی برجسته تفاد آنهاست، هرگونه تغییرات تحول در یک کشور سرمایه داری بخصوص در آمریکا، با شیوات بسیاری بر دیگر کشورها خواهد گذاشت. اما از جانب دیگر پیروزی روزافزون انقلابات در - کشورهای تحت سلطه، تفاد بین آنان را عمیقتر کرده و هم اکنون دو کسب مشخص در اردوگاه سرمایه داری میتوان مشاهده نمود. بخشی زیر پرچم "سوسیال دموکراسی" خواهان سیاستهای لیبرالی و رفرفرم در مقابل انقلاب و استفاده از سرگوب بعنوان آخرین و موثرترین حربه، و بخشی دیگر یعنی مجموعه احزاب ماورا راست و محافظه کار که بدون شک خواهان تسلط مطلق قدرت خود را بودی هر چه سر را استه میباشند. این احزاب اخیرا در سازمانی بنام "اتحادیه دموکراتیک" متحد شده و منظور آنها حاکی از آن است که باید در مقابل اقدامات لیبرالیستی "سوسیال دموکراسی" ایستادگی کرده و برنامهای هماهنگ در مقابل انقلابات پدید آورد. حزب جمهوریخواه آمریکا به نمایندگی جورج بوش و احزاب محافظه کار انگلستان و آلمان فدرال که حکومت را در دست دارند از اعضاء فعال این اتحادیه میباشند. با آنکه وجود این جناح در سرمایه داری خود نشانه تفاد عمیق آنهاست اما آنجا که مسئله نجات سیستم جهانی سرمایه داری باشد برنامه یک جناح مورد قبول جناح دیگر قرار نخواهد گرفت.

سوالی که در اینجا مطرح میشود این است که آیا تسلط هارترین جناح امپریالیستی در آمریکا به معنی امکان استقرار فاشیسم در این کشور است؟ برای پاسخ به این سوال باید زمینه های عینی ظهور فاشیسم را که مایلا به آن اشاره کردیم، در نظر گرفته اولاً علیرغم تشدید بحران اقتصادی امپریالیسم آمریکا، ابعاد این بحران به هیچوجه با بحران اقتصادی امپریالیسم در آستانه ظهور فاشیسم در اروپا، قابل مقایسه نیست. ثانیاً جنبش کارگری و کمونیستی در آمریکا بسیار ضعیف بوده و از چنان شکل سازماندهی برخوردار نیست که بتواند مشکلی برای امپریالیسم ایجاد کند. در شرایطی که کارگران آگاه و انقلابی آمریکا حتی یک نماینده واقعی در کنگره امپریالیستی آمریکا ندارند و بورژوازی رهبری بزرگترین اتحادیه های کارگری را در دست دارد، امپریالیسم آمریکا هیچ نیازی برای تسویه فاشیسم ندارد. (برای مقایسه بدافکت که در آلمان در - آستانه ظهور فاشیسم، کمونیستها در آستانه کسب اکثریت پارلمانی بودند). البته این به معنی انکار امکان رشد و تقویت باز هم بیشتر هارترین جناح امپریالیستی نیست. اما نکته اساسی اینجا است که با توجه به ضعف جنبش کارگری و کمونیستی در آمریکا، اکثر جناح های غالب امپریالیسم توسل به فاشیسم عربان را (با ترمیمی که قبلاً - ارائه دادیم) غیر ضروری و حتی بر علیه منافع دراز مدت امپریالیسم میباشد. هنگامی تدارک عملی فاشیسم در دستور کار امپریالیسم آمریکا قرار میگیرد، که شدت بحران اقتصادی جا معه، زمینه های لازم برای رشد سریع و شونده ای جنبش طبقه کارگر فراهم آورد و امپریالیسم شوا لازم را برای مقابله "فانونی" و پارلمانی با جنبش کارگری و چپ را در خود نبیند.

بنابراین امروز علیرغم وجود بحران اقتصادی در جامعه آمریکا

و تسلط جناح ماورا راست بورژوازی در حاکمیت چشم انداز تسلط فاشیسم در جامعه آمریکا وجود ندارد. در جوامع امپریالیستی اروپا که در آنجا جنبش کارگری چپ به مراتب قوی تر از آمریکا است نیز جنبش چشم اندازی وجود ندارد. یکی از عوامل عمده ای که ظهور مجدد - فاشیسم در اروپا را مشکل میسازد، مخالفت بخشی از بورژوازی حاکم اروپا (سوسیال دموکراسی) است که از قدرت سیاسی قابل ملاحظه ای - نیز برخوردار است.

هرچند که امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی در رابطه با سیاست داخلی، نیازی به استقرار فاشیسم ندارد، با این حال این به معنی ندیدن رشد روزافزون و خطرناک میلینتاریسم آمریکا نیست. در چند سال گذشته، بویژه پس از قیام ایران و پیروزی انقلاب نیکاراگوئه و رشد جنبش های رها شیبش در آمریکا و لاتین، امپریالیسم آمریکا هیچ چاره ای جز توسل به میلینتاریسم برای سد کردن جنبش های رها شیبش ندارد. در آینده مادر مورد سیاستهای خارجی امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا، شاهد رشدی هم بیشتر میلینتاریسم خواهد بود.

اما شدت بحران سرمایه داری جهانی به حدی است که راه حلهای میلینتاریستی نیز فاقد در نیست امپریالیسم را در بحران مزمن اقتصادی و سیاسی نجات بخشد. قانونمندی مبارزه طبقاتی و تکامل اجتماعی چنان است که پیروزی های مقطعی امپریالیسم آمریکا در کرانه ها و خارومیانه به شکست تبدیل میشود و امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی که از همونی خود در لبنان سرمت بودند، امروز مجبور میشوند عقب نشینی کنند. با این حال تا برقراری سوسیالیسم در سراسر جهان و - تا بودی کامل امپریالیسم رشد میلینتاریسم و خطر تسلط فاشیسم وجود خواهد داشت. تنها پیروزی انقلاب در کشورهای تحت سلطه و سبب - پروتشارها در کشورهای امپریالیستی و سرنگون کردن حاکمیت سرمایه - داران و برقراری حکومت سوسیالیستی در این کشورها میتواند خطرفاشیسم را برای همیشه نابود کند.

- 1) Karl Marx, Theories of surplus Value, Moscow: Progress.
- 2) Karl Marx, Grundrisse
- 3) Karl Marx, Capital, Vol. 1
- 4) Erank, Andre Gunder, "Whence the Demand for Supply-Side Economics?" Cambridge.
- 5) R. Palme Dutt, Fascism and Social Revolution. International Publishers, 1934.
- 6) George Dimitroff, 7th Congress of Comintern and United Front. Proletarian Publishers.
- 7) The Economic Education Project of the Union for Radical Political Economies, US Capitalism in Crisis, Jan. 1978.
- 8) Contemporary Marxism, No. 4, 1982.
- 9) Harry Magdoff, Paul Sweezy: The Deepening Crisis of U.S. Capitalism. Monthly Review, 33, 5, October, 1983.



”چکیده انقلاب“ حیدر عمو اوغلی و اندیشه‌های او

575

۲ - تشکیل پارلمان از دو کتلی که در دوره شانزدهم و نوزدهم انقلاب شده بودند.

۳ - تسلیم ترافیک و با تجلیها و با خروج صاحبان تجلیها و تجلیها.

اینکه پارلمان از این پیشنهادات و پذیرفته و استفاده داد شاه قبول نکرد و پیشنهاد تجلیها را مانع تشکیل کابینه داجر او پیشنهادات در مورد خود.



بالجمله گفتی بارگاه است نه مشاعات نامه گنجینه عماره جلین جهت
است که می گویم . شرح این شعران و این طوطی دیگر - آمد زمان طائر

پنجم دی ماه معادف بود با سالروز شهادت حیدر عمو اوغلی، شخصیتی که به عنوان یکی از بنیادگذاران و یکی از رهبران جنبش کمونیستی و انقلابی ایران شناخته شده است. بقول عارف قزوینی، "حیدرخان عمو اوغلی شخصی بزرگ و چکیده انقلاب بسود." در بزرگداشت این چهره درخشان تاریخ جنبش انقلابی و کمونیستی ایران، یکی از رفقای هوادار نوشته‌ای تهیه و برای چاپ در "جهان" ارسال داشته است.

آئینه در زیر می‌آید پاسخگوی این نیاز نبوده، بلکه تلاشی است برای آشنا شدن بیشتر خوانندگان "جهان" با اوضاع کلی و زمینه‌های تاریخی زندگی سیاسی حیدر عمو و غلّی. نویسنده این نوشته را اساساً بر پایه کتاب "چکیده انقلاب، حیدر خان عمو و غلّی" اثر رضا زاده ملک تهیه و تنظیم کرده است و "جهان" با درج این نوشته خواهان آنست که خوانندگان علاقمند را جهت یک ارزیابی تحقیقی و تحلیلی جدی از وقایع جنبش گیلان، نقش کمونیستها و دموکراتها در آن، نقش حزب کمونیست شوروی و ... ترغیب نماید.

کفشن اینکه دهقان فاقد هرگونه حقوقی
سیاسی بود، زائد بنظر میرسد. دهقانان
ایرانی زیر فشار استثمار قشودالشی و
امپریالیستی، دچار فقر و خانه خرابی
میشدند، صنعتگران به ورشکستگی دچار
میکشتند و در کشور قحطیهای متناوب روی
میداد. مثلاً در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۶۹، ۱۸۷۸-۱۸۸۰ و سالهای بعد نیز قحطی روی داده
است. بخصوص در سالهای ۱۸۶۹-۱۸۷۲ بسیار
وحشتناک بود. میگویند که در زمان ایسن
قحطی، قریب ده درصد تمام مکنه ایران
تلف شدند. دهقانان و پیشه وران فقیر و
خانه خراب، به تعداد کثیری برای کسب و
کار به روسیه، به ماوراء قفقاز و ماوراء
خزر فرار میکردند. در اواخر قرن نوزدهم
و در آغاز قرن بیستم همه ساله تا دویست
هزار نفر، برای کسب و کار، از ایران
بازم روسیه میشدند. (۲)

"حیدر، فرزند مشہدی علی اکبر بہ سال ۱۹۲۸ ہجری قمری (برابر سال ۱۸۸۰ میلادی) در ارومہ زادہ شد و ہنگام کوچ خانوادہ اش بہ الکساندریہ، یازدہ سال داشت۔"

سلطه سرمایه مالی و مبارزه بخاطر
مدور سرمایه وضعی را در ایران بوجود
آورده بود که در دوره های قبلی بیما
بود - یعنی به پیدایش امتیازات خارجی،
وام و تأسیسات گهای خارجی منجر شد و
همچنین از کشاورزی کشور برای تأمین
احتیاجات حکومت های امپریالیستی استفاده
میشد - ایران به زاشده کشاورزی و مواد خام
ببدل گردید. (۱)

در کنار استعمار خارجی، عمال و حاکمان ایرانی نیز از هیچگونه خوشخدمتی در مقابل استعمارگران انگلیسی و روسی فروگذار نکرده و تا جاییکه می‌شواستند به استعمار و سرکوب زحمتکشان می‌پرداختند.

در چنین اوضاع و احوالی است که بسیاری از زحمتکشان بخاطر قحطی و گرسنگی و زیر فشار حکمرانان گرگ مفت مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و برای پیدا کردن لقمه ناشی آواره ديارهای ديگر گردیدند. "استعمار فئودال - سروازی، با استعمار رباخوارانه توأم ميشد. البته

هیدر تحمیلات ابتدائی را در الگٹاڈر پیل
و سپس تحمیلات عالی را در مدرسه عالی
ایروانی گذراند. پس از چندی در مدرسه
صنعتی تغلیس مهندسی برق آموخت.

حیدر در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به مشهد آمد و کارخانه برق آن شهر را درست کرد. چگونگی آمدنش به ایران را رضا زاده ملک از قول تحریرات خود حیدرخان چنین آورده است: "در باکو ... مظفرالدین شاه، در سفر اول به فرنگ با منیرزا علی اصغر خان اتابک مقتول یک نفر مهندس مسلمان را بزمایشان شده بود که در مشهد مقدس کارخانه برق دایر کند. چون در آن زمان بیست و سه مسلمانها مهندس برق بسیار کم بود، لذا مسلمانهای باکو مرا معرفی نموده، ماشین OTTO DUEZ و لوازم چهارصد چرخ را خریداری نموده و به سمت خراسان حرکت کردم. گرچه خرید اشیاء به توسط حکیم الملک بود ولی من که بواسطه اتابک معرفی شده بودم، این سمت را قبول کردم." (۳) او بعد از یازده ماه مشهد را ترک کرده و به تهران عزیمت نمود. حیدرخان در خاطراتش راجع به مشهد از جمله چنین تقریر کرده است: "در پند و ورود من به مشهد خراسان، منظره هولناکی مشاهده

شعومد که از آن منظره اهالی خراسان حاکم جدید را تحسین و تمجید کرده و میگفتند که این حاکم خوب، حاکم سفاکی بوده و خواهد شوانست حکومت کند، ولی طبع من و قلب من از این منظره بسیار منزجر بود و آن حرکت را برخلاف وجدان و انسانیت یعنی وحشیگری صرف تصور نمودم و آن عبارت بود از اینکه شخصی را شقه کرده یک قطعه بدنش را به یک طرف دیگر آویخته بودند و من این منظره وحشیگری را نمی توانستم از سد نظر خود مجوز بدارم. پس از مدت قلیلی، اتفاق دیگری که از این سفاک بعرضه شهود رسید، آن بود که با عموم ملاکین متفق شده، گندم را انبار و احتکار کرده بر قیمت آن افزودند، به قسمی که نان را مردم به سختی تحصیل کرده، به قیمت گزاف میفروختند از این احتکار بر قیمت آن خیلی افزوده شد که فقرا و ضعیفا از خریدن آن عاجز بودند. نظر به اینکه من با اغلب از اهالی آشنا بودم، همین گران نانی را دست آوریز نموده، اهالی را بر علیه حاکم ظالم تحریک و تحریض نموده، آنها را به هيجان آوردم که بر عزل حکومت اجماع و قیام نمایند. رفته رفته هیجان غربی در مردم ظاهر شده، دفعته ازدحام کرده، عزم حاکم را خواستار شدند. در ضمن هیجان عمومی مردم خراسان چندین خانه هم تاراج شد که یکی از آنها خانه نایب التولیه بود که بیست و پنج شراب از منزلش بیرون آوردند. (۵)

حیدر بعد از آمدن به تهران در اداره راه آهن تهران - شاه عبدالعظیم و بعد از چندی در تجارتخانه روسی حمل و نقل ایران مشغول به کار شد. بعد از شکست انقلاب ۱۹۰۵ میلادی روسیه، او سفری به اروپا کرده در آنجا تحصیلات خود را کاملتر نمود و سپس به ایران بازگشت. حیدر بعد از یکسال کار در تجارتخانه به کارخانه برق حاج حسین آقا امین الضرب رفته و در آنجا مشغول بکار میشود. اشتغالات متعدد او فرصتهایی برای او فراهم ساخت تا از نزدیک با افرادی از طبقات مختلف جامعه آشنا شود. این آشنائی ها در تکوین نظرات انقلابی حیدر بسیار مفید واقع شدند.

بعد از اعلام مشروطیت، با توجه به رشد نسبی آگاهی سیاسی مردم، زمینه را برای یک حزب سیاسی آماده دیده و با کمک تعدادی از افراد که از سابقه فکریشان با خبر بود، فرقه اجتماعین عامیون (سوسیال دمکراتها) را در تهران طرح ریخت.

حیدر در تحریراتش راجع به چگونگی تشکیل این فرقه چنین نوشت: "زمان انتخاب وکلا رسید. جهد گامی داشتیم که اشخاص عالم برای وکالت انتخاب شوند. یک حوزه غیر منظمی که از خوبان بازار تشکیل داده شده بود، که مواقع لازمه بالضروره جمع شده و شور می نمودند. سعی کردیم که آنها را تحت یک اصولی آورده، منظم نمائیم و به این نقشه موفق شده دو قسم - حوزه تشکیل شد. یکی حوزه خصوصی که عبارت از هفت نفر بود. دیگری حوزه عمومی که اشخاص زیاد از خوبان اهل بازار در آن عضویت داشتند. وکلا انتخاب شدند. رفته رفته انجمن تشکیل شدند که تمام ترشییبات سابقه ما بهم خورد و هر کس در انجمن عضویت پیدا کرده، حوزه عمومی ما هم از هم پاشید. پس از آن من ماندم و همان هفت نفر حوزه خصوصی که با فرقه اجتماعین عامیون کارگری روسیه (سوسیال دمکراتها) نیز ارتباط داشتیم. (۶)

فرقه اجتماعین عامیون برای آگاه کردن مردم و زحمتکشان به حقوق سیاسی شان و در راه افشا حکمرانان وابسته خونخوار بسیار کوشید. آنها برای پیبردن امور آگاهی مردم برای اولین بار شبیه سرور سیاسی و عملیات نظامی را در جامعه پیاده کردند. از آن جمله میتوان از سرور انابک و همچنین انداختن بمب در خانه علاء الدوله نام برد. حیدر خود بمب را در خانه علاء الدوله انداخت. او در تحریراتش در این مورد چنین نقل کرد: "در یک جلسه، پس از شور زیاد، قرار بر آن شد که برای تریاندن مستبدین که در آن زمان به اسم "انجمن خدمت" حوزه ای تشکیل داده و به محمد علی میرزا ارتباط باطنی داشتند و برای تحریک اباس مشروطیت کار میکردند، یک بمبی به خانه وزیر مخصوص انداخته شود. چند نفر از فدائیه های باکو که در تهران بودند مأمور این خدمت شدند. اما از عهده اجرای آن برنیا مده، بمب را در خانه وزیر مخصوص گذاشته، فرار کرده بودند. چون مستبدین از مشاهده آن متنبه نشده، باز مشغول قساد و شرارت بودند. لذا رای داده شد که شب بمبی به خانه علاء الدوله انداخته شود که صدای آن به گوش اهالی برسد. مقصود از این مسئله فقط ترسانیدن مستبدین بود و پس به این جهت شب ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۵ من تنها در پی این مأموریت برخاسته و... طرف صحرای اجتماع متفرق شد. با حاجی خان به طرف خیابان لاله زار آمدم که بهینیم واقعه دیشب چه تأثیراتسی در افکار مردم داده است. بلی، این مسئله

تأثیرات فوق العاده در مردم داده است. حتی اروپائیهای مقیم تهران نیز عقیده پیدا کرده، میگفتند که: ایران دیگر ایران سابق نیست، دیگر ملت به حقوق خود واقف شده، حق گرفته شده از دولت راجوبی نگاهداری خواهند کرد. (۷)

بعد از کشتن انابک وزیر داخله که بدست عباس آقای تبریزی انجام شد، فرقه اجتماعین عامیون، دست به یکسری افشاگری پیرامون اقدامات محمد علیشاه در تهیه مقدمات انهدام مشروطه زد. در اول آنها فکر میکردند که با این افشاگریها محمد علیشاه از تحریکاتش بر علیه مشروطه دست برخواهد داشت، ولی واقعیت این چنین نبود و محمد علیشاه کماکان در تلاش برپاشی استبداد بود. فرقه که بر پایه طفولیت جنبش سوسیال دمکراسی در ایران و خامی اندیشه و تجربه حرکت میکرد، در جلسه حوزه مخفی خود قتل محمد علیشاه را در دستور کار خود قرار داد که حیدر عمو اوغلی رئیس کمیته اجرائیه آن اعلام گردید. حیدر و هم دستاوتش که مأمور اجرای عمل بودند تعدادی بمب تهیه کردند و در روز موعود آنها را در جلوی کالسه محمد علیشاه منفجر نمودند. البته در عملیات انفجار آسیبی به محمد علیشاه نرسید. بعد از آن واقعه حیدر عمو اوغلی به اشفاق میر - اسماعیل قفقازی، ضیا السلطان چراغ برقی و مدیرالطنایع را بعنوان مجریان طرح دستگیر کردند که بعداً همه آنها در دادگاه صرشته شدند.

بعد از به توپ بسته شدن مجلس و دستگیری آزادبخواهان، حیدر به باکو رفت. در آنجا او با همکاری مجامع انقلابی گرجستان، تعداد زیادی داوطلب برای کمک به انقلابیون تبریز گرد آورده و با مقدار زیادی اسلحه به تبریز فرستاد و سپس خود نیز به آنجا رفت و به همکاری با انقلابیون تبریز پرداخت. او در آنجا نیز به کمک دیگر انقلابیون از جمله علی میو، فرقه اجتماعین عامیون را بازسازی کرد. "نظمی که در روابط اعضا فرقه حکومت میکرد، آنچنان حساب شده و دقیق بود که هیچ فرد نامحرم نمیتوانست به سلولهای فرقه رسوخ کند، و همین امر موجب بود که فرقه اجتماعین عامیون تبریز به "مرکز غیبی" معروف شود. (۸)

در آن دوران سیاه نیروهای ترقی خواه آذربایجان به رهبری فرقه اجتماعین عامیون جنگ بی امان خود را برعلیه استبداد ادامه میدادند. نقش حیدر عمو

اوغلی در آن مقاومتها بسیار بود طوری که ستارخان شیفته رهبری و خردمندی او شده بود که در موردش میگفت: "هرچشمه عمو اوغلی بگوید، همان است".

بعد از گشوده شدن مرند و خوی که در آنجا حیدر عمو اوغلی یکبار دیگر ارادتش به آزادی و کاردانش را در اداره امور نشان داد، شوه ستمیده خوی در تجلیلش شعر سرودند و تصنیف ساختند.

"عمو اوغلی گلدی خوبا

غومبولارا قرار قویا
بیشملرین قارنی دویا

باشاسین گوزل عمو اوغلی
عمو اوغلی مینیب قایتونا
تومار وریب اوز آتونا
چووک پتیب یوز آلتینا

باشاسین گوزل عمو اوغلی
راستا بازارلار راستاسی
گلیر مجاهد دسته سی
عمو اوغلی دور سرکرده سی

باشاسین گوزل عمو اوغلی
با قال بازار چراغ قویدی
کاسیب با خدی قارنی دویدی
هر بیر ایشه قانون قویدی

باشاسین گوزل عمو اوغلی
(ترجمه تحت اللفظی)

عمو اوغلی (پسر عمو) آ مدیه خوی
تا نظم و قانون برقرار کنه
تا شکم پشیمان سیر شه
زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی

عمو اوغلی سواردرشکه شده
ایش را شومار زده
قیمت نان را به حداقل رسانده
زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی

از وسط راسته بازار
دسته های مجاهد میاید
که سر دسته شان عمو اوغلی است
زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی

دکان ها و بازار را غارتی شده
فقیران و غریبان را شکست برده
هر کاری نظم و قانون یافته
زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی

بعد از فتح تهران و فرار محمدعلیشاه

اکثر وزارتخانه ها باز از نمایندگان
فتوادلها و تجار بازار پر شد و بازار
بسیاری از سردمداران قاجار تحت السوای

آزادیخواهی و مشروطه خواهی خود را در صف
مشروطه خواهان جا زدند. این مسائل خود
باعث شد که انقلابیون واقعی بیشتر صفوف

خود را متشکل کنند. "کسانی که بنام
انقلابیون معروف شده بودند، دسته به تشکیل

حزب دمکرات زدند و مرا مانامه و نظام نامه
جامعی که مناسب با روحیات یک ملت مترقی

بود نوشته و به طبع رساندند... مرام حزب
دمکرات از مرام حزب سوسیال دمکرات -

فرقه اجتماعون عامیون اقتباس شده بود
ولی چون در آن زمان هنوز مسلک سوسیالیستی

توسعه پیدا نکرده و عالمگیر نشده بود و
مردم از آن اسم بیم داشتند و کلمه
سوسیالیست را در ردیف کلمه اشتراکسی

می پنداشتند به ناچار زعمای حزب از اختیار
لفظ سوسیال دمکرات اجتناب کردند و به کلمه

دمکرات قناعت کردند. مرام این حزب که در
آن زمان تاحدی انقلابی بود، روی چند اصل

مهم استوار گشته بود که یکی مبارزه
با فتوادلیم یا ملوک الطوائفی و دیگری

انفکاک قوه سیاسی از قوه روحانی بود. (۱۰)
بعد از قتل سید عبدالله بهبهانی،

اعضای حزب اعتدالیون که اکثرا از
روحانیون، رجال مستبد و ارتجاعی بودند،

در مدد بهره برداری از آن واقعه افتادند
و چند تن از مجاهدین دسته سردار بحیی که

که از اعضای حزب اعتدال بود، به از میان
برداشتن حیدرخان عمو اوغلی مامور شدند.

البته آنها موفق به آن عمل نشدند ولی
زیر فشار محبفان حزب اعتدال، از ظرف

نظمیه حیدر را توقیف کردند. حیدر بعد از
چندین جلسه با زبیری با کمک و فعالیت

سایر اعضای حزب دمکرات از توقیف رهائی
یافت و به یک ماموریت مخفی میان ایمل

بختیاری رفت. بعد از چندی او باز به
تهران بازگشت ولی از آنجا شیکه دولت وقت

از بودنش در تهران خوشنود نبود، حیدر
مجبور شد که ایران را به قصد اروپا ترک

گوید.
در اروپا حیدر عمو اوغلی به همکاران

لنین، پیوتای کبیر انقلاب اکتر پیوست.
او در اروپا در ضمن فعالیت در حزب

سوسیال دمکرات روسیه، به ایرانیان مقیم
خارج نیز کمک میکرد و سعی در آگاه نمودن

آنها مینمود. بعدها در سال ۱۹۱۶ از برلین
به دانمارک و از آنجا به روسیه رفت و

عملا در پیروزی انقلاب اکتر کوشید.
قیام جنگل در اثر ظلم و ستم حکمرانان

و همچنین اشغال ایران بوسیله نیروهای
استعماری شکل گرفت. پس از شروع

جنگ جهانی اول، با توجه به اعلام بیطرفی
دولت ایران، نیروهای روسیه شمال، نیروهای

انگلیس جنوب و نیروهای عثمانی غرب کشور
را مورد تجاوز قرار داده و داخل مرزها

شدند. در این بحبوحه بود که آتش مبارزات
و مقاومت های شجاعانه از گوشه و کنار کشور

بپا خاست و از آن جمله بود جنبش جنگل.
جنبش جنگل مانند بسیاری از خیزشهای

آندوره بر علیه ظلم و ستم و بیرون راندن
اجانب مستگیری داشت و تمام طبقات و

اقتدار مردم را در بر گرفته بود. رهبری
جنبش را شخصی مذهبی بنام میرزا کوچک بود

که منافع تاریخی خرده بوروازی را نمایندگی
میکرد.

"یونس معروف به میرزا کوچک فرزند
میرزا بزرگ اهل رشت، ساکن استاد سرا، در

سال ۱۲۹۸ هجری قمری در خانواده متوسطی
چشم به جهان گشود. سنین اول عمر را در -

مدرسه حاجی حسن واقع در مالج آباد رشت
و مدرسه جامع به آموختن صرف و نحو و

تحصیلات دینی گذراند. چند وقتی هم در
تهران در مدرسه محمودیه بهمین منظور

اقامت گزید... میرزا کوچک هنگام بیماریان
مجلس شورای ملی از طرف محمد علیشاه، در

قفقاز بود و اقامتش در تفلیس و باکو تا
حدی وی را به مقتضیات دنیای نوین آشنا

ساخت. (۱۱)
در اوایل جنگلیها فاقد برنامه

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخصی بوده،
فقط دارای شجاعت و احساسات میهن دوستی

بودند و از همین زاویه نیز از صمیم قلب
سعی در بیرون راندن روسها و انگلیسی ها

میکردند. اما در اولین کنفرانس که در
سال ۱۲۹۹ شمسی برگزار کردند، برنامه های

را به تصویب رساندند که شبیه به اندیشه
های سوسیالیستی بوده و در آن از روشهای

اجتماعیون عامیون پیروی شده بود. این
مسئله خود نشان دهنده تاثیر فعالیت های

عناصر سوسیالیست در گروه جنگل است.
در این اوضاع و احوال در روسیه

انقلاب کبیر اکثر پوقوع پیوست و یکی از
پیامدهای آن در ایران باز پس خوانیدن

ارتش روسیه به شوروی بود. پس از خروج
ارتش شوروی، انگلیس سعی کرد که جای آنها

را بگیرد و از این رو ارتش خود را به شمال
ایران تا مرزهای باکو فرستاد. در ضمن

بخشی از ارتش سوریه به سرکردگی
دنیکین که با دولت شوروی در حال جنگ بود

به ایران عقب نشینی نمود و در انزلی
اقامت گزید. در این هنگام انقلابیون

شوروی سعی در تماس گرفتن با جنگلی ها
نمودند و از طریق کمیته انقلاب در کنگران

برای جنگلیان و میرزا بنام فرستادند.
این سرآغاز یک دوره روابط بین جنگلی ها و

شوروی بود. بعد از آن نیروی از ارتش
سرخ حدود پاتمد پیاده و دوست سواره نظام

به بندر انزلی آمدند که فرماندهی آنها با
شخصی به نام راسکولنیکوف بود. در آن -

مدت بین میرزا کوچک خان و راسکولنیکوف
در منطقه ای از انزلی جلسه ای تشکیل شد.

در این جلسه افراد زیر حضور داشتند:
راسکولنیکوف، فرمانده تجهیزات جنگی بحر

خزر، سرگوارژ نیکیده، کمیسر عالی قفقاز،
اعضای کمیته عدالت باکو، میرزا کوچک

حسن آلیانی (معین الراعی)، کاشوک آلمانی
(هوشنگ)، سعدالله درویش میرمالج مظفر -

زاده و اسماعیل جنگلی.

پس از مذاکرات فراوان، حضار در جلسه مطالب زیر را همگی قبول کرده و توافق نمودند که آنها را عملی کنند:

۱- عدم اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادر اموال و انقاي مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات،

۲- تاسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت،

۳- پس از ورود به تهران و تاسیس مجلس مبعوثان هر نوع حکومتی را که نمایندگان ملت بپذیرند،

۴- سپردن مقدرات انقلاب به دست این حکومت و عدم مداخله شوروی ها در ایران، ۵- هیچ قشونی بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران زاید بر قوای موجود (ده هزار نفر) از شوروی به ایران وارد نشود، ۶- مخارج این قشون به عهده جمهوری ایران است،

۷- هر مقدار مهمات و اسلحه که از شوروی خواسته شود، در مقابل پرداخت قیمت تسلیم نمایند،

۸- کالای بازرگانان ایرانی که در باکسو ضبط شده، تحویل این حکومت شود، ۹- واگذاری کلیه موسسات تجاری روسیه در ایران به حکومت جمهوری (۱۲)

میرزا کوچک بعداً به دعوت فرماندار گیلان که خود حکومت گیلان را واگذار کرد، به رشت رفت. چند روز بعد از ورود جنگلیان به رشت از طرف آنها اعلامیه‌ای در رشت منتشر شد که بخشهایی از آن را ذیلاً نقل میکنیم:

"هوالحق"

فریاد ملت مظلوم ایران از

حلقوم فدائیان جنگل گیلان

هیچ قومی از اقوام بشر به آسایش و سعادت قابل نمیکرد و به سیر در شاهراه شرقی و تعالی موفق نمیشود، مگر آنکه به حقوق خویش واقف گشته، ادراک کند که خداوند متعال همه آنها را آزادآفریده و بنده یکدیگر نیستند و طوق بندگی را نباید به گردن نهاد ... تا سال ۱۳۲۲ قمری عده‌ای از متفکرین و عناصر حساس مطلع و دلسوز که از حقوق ملت و خصوصیات خلقت خود و دیگران آگاه بوده، بنای مطالبه حقوق گذاشتند و آزادی را که حق مشروع همه بود خواستار شدند. بتدریج انقلاب مشروطیت شروع گردید ... منافقانه بعلمت عدم تفکر و تعمق پیشقدمان آزادی، همان مرا و خوانین ستمگر مجدداً زمام امور را به لطایف الحیل بدست گرفته و انقلاب را به نفع خود سوق دادند، نتیجه آن که

نهضت مقدس و فداکاری ملت بجای منفعت، مضرت بخشید ... قوه ملی جنگل به استظهار کمک و مساعدت عموم شوهروران دینا و استعانت از اصول حق سوسالیم داخل در مرحله انقلاب سرخ شد و خود را بنام "جمعیت انقلاب سرخ ایران" معرفی می‌نماید و آماده است که در سایه فداکاری و از خودگذشتگی همه قوای را که در ایران برای اسارت این قوم و جامعه انسانیت بکار افتاده‌اند، درهم بشکند و اصول عدالت و برادری را نه تنها در ایران، بلکه در جامعه اسلامی توسط و تعمیم بخشد. مطابق این بیانیه، عموم رنجبران و زحمتکشان ایرانی را متوجه سازد که جمعیت انقلاب سرخ ایران نظریاتش را تحت مواد زیر که در تبعیت از آن بوجه ملزمی وفادار خواهد بود، به اطلاع عموم میرساند:

۱- جمعیت سرخ ایران اصول سلطنت را منسفی کرده، جمهوری را رسماً اعلام می‌نماید.

۲- حکومت موقت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را بعهده میگیرد.

۳- هر نوع معاهده و قراردادی که به ضرر ایران قدیم و جدیداً با هر دولت شده، لغو و باطل می‌شاند.

۴- حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته، تساوی حقوق در باره انسان قابل و حفظ شعائر اسلامی را از فرایض میداند. ۱۸ رمضان ۱۳۲۸ (۱۲)

بعد از انتشار اطلاعیه فوق، کمیته‌ای مرکب از اعضای جنگلیان و اعضای شوروی به اسم "روکم" یعنی کمیته انقلاب تشکیل شده و زمام کار و پیشبرد انقلاب را بعهده گرفت و بدنبال آن اعضای هیئت دولت انقلابی نیز معرفی گردیدند.

در آن هنگام روزنامه‌هایی نیز از طرف جنگلیها منتشر میشد که از آنجمله "ایران سرخ" و "انقلاب سرخ" به مدیریت سعید ابوالقاسم ذره، فریاد جوانان و بیداری به سردبیری حسین جودت و کامونیست به سردبیری سید جعفر پیشه‌وری را میتوان نام برد.

حکومت وقت جمهوری با ترکیب طبقاتی ناهماهنگ اش مشغول ارتق و فتن امور شد و سعی میکرد که استحکام بیشتری پیدا کند. اما اختلافات درونی اندک اندک تشدید شد. چپ‌روی و آتارشی‌گری عناصر سوسیالیست و تنگ نظری های کوچک خان نیز به این اختلافات دامن میزد. بخاطر این اختلافات روز جمعه ۲۲ شوال ۱۳۲۸ میرزا کوچک رشت را ترک کرده به فومن رفت و از آن بهمد گروه جنگل به دو دسته تقسیم شدند. یک بخش خود را "انقلابیون" و دسته دیگر "جنگلیان" نامیدند. جنگلیان به میرزا

کوچک اعتماد داشته و انقلابیون پیرامون احسان الله خان و خالو قربان بودند. بهر حال بعد از یک ماهی بلاتکلیفی، گروه انقلابیون در رشت اداره امور را بدست گرفته و هیئت دولتی به شرح ذیل تشکیل دادند:

"احسان الله خان: سرکمیسر و کمیسر خارجه، خالو قربان: کمیسر جنگ، سید جعفر محسنی: کمیسر پست و تلگراف، سید جعفر جوادزاده: پیشه‌وری: کمیسر کشاور، آقا زاده: کمیسر دادگستری، بهرام آقایی: کمیسر فواید عامه، حاجی محمد جعفر کنگاوری: کمیسر فرهنگ.

و برنامه دولت جدید بشرح زیر اعلام گردید:

۱- تشکیلات ارتش ایران مانند تشکیلات ارتش سرخ روسیه و حمله به ایران.

۲- لغو اختیارات مالکین و امحاء اصول ملوک الطوائفی.

۳- رفع احتیاجات اصلی کارگران شهر و دهات. (۱۳)

اما پای حیدر عمو اوغلی چگونگی به جنبش گیلان کشیده شد. در سال ۱۹۲۵ درکنگره ملل شرق که در باکو برگزار شد، حیدر خان نیز شرکت کرد، او در آنجا علاوه بر عقوبت در شورای تبلیغات کنگره شرق، به عضویت هیئت رئیسه نمایندگان ایران نیز انتخاب شد. در حین این کنگره بود که او از جریان جنبش گیلان و اختلافات انقلابیون و جنگلیان مطلع شد. حیدر خان به انقلابیون توصیه نمود که با جنگلیان آشتی نمایند. بدین لحاظ از طرف انقلابیون به میرزا نامه فرستاده شد و بعداً احسان الله خان و خالو قربان به دیدن میرزا کوچک خان به فومن رفتند. بعد از این دیدار بود که دو گروه دوباره دست دوستی بهم داده و با هم توافق کردند که حیدر خان عمو اوغلی به گیلان آمده و آنها را در اداره امور جمهوری کمک کند. بدینسان بود که حیدر خان یکبار دیگر و برای همیشه به ایران آمد. بعد از آمدن او کمیته انقلاب جدیدی تشکیل شد و حکومتی به اسم جمهوری شوروی اعلام گشت. اعضای جدید حکومتی به شرح زیر بودند:

"میرزا کوچک: سرکمیسر و کمیسر مالیه حیدر عمو اوغلی: کمیسر خارجه، خالو قربان: کمیسر جنگ، میرزا محمدی: کمیسر داخله سرخوش: کمیسر قضائی. (۱۵)

در این هیئت دولت جدید برای احسان الله خان هیچگونه مسئولیتی تعیین نشده بود و این موضوع بسیار به او ناخوش آید آمده، سعی کرد که به نوعی در مقابل کمیته

انقلاب خودنمایی کند. بدین لحاظ بسدودن اطلاع حکومت جدید، با تعدادی از افسران نظامی، به قصد اشغال تهران، به آنجا حمله ور شد. این حمله با شکست روبرو گردید حرکت خودسرانه او باعث از بین رفتن تعداد زیادی از مبارزان جنگل شد.

حرکت احسان الله خان و حمله بسی - موقعش به سوی تهران باز باعث شعله ور شدن آتش مداومت های دیرینه شد. و نیروهای رفوخت و سازگار نیز سعی کردند که از این موقعیت سوء استفاده کرده در جهت متافع طبقاتی شان، از عمیق جنبش جلوگیری کنند. در این میان حیدر عمو اوغلی مسئول قریباتی این کشمکش های طبقاتی گردید.

"دشمنان کمیته انقلاب به میرزا کوچک چنان واضع نمودند که بر غصب وی کودتایی در شرف انجام است. وجود حیدر خان عمو اوغلی در کمیته جدید انقلاب چون بیش خاری چشم کوتاه بین بران دست دوم انقلاب را آزار میداد... سروری و برتری حیدر خان، بیش از همه برای میرزا کوچک گران میآمد زیرا طول مدت انقلاب (شش سال) و ریاست میرزا کوچک در این مدت نشان داده بود که وی قادر به یکسره کردن کار و به پیروزی رسانیدن نهائی انقلاب نیست. هرج و مرج ها و کشت و کشتارهای متعدد و تلف شدن جان و مال مردم در این مجادله ها، عامه را از میرزا کوچک ناامید کرده بود و حال که حیدر خان عمو اوغلی به جنگل آمده بود، با آگاهی کسبه به خصوصیات وی داشتند، همه چشم امید به وی دوخته بودند. میرزا کوچک این را متذکر و از این بابت سخت دل آزرده بود.

در یک جلسه خصوصی که میرزا کوچک به اتفاق معین الرعایا (حسن آلبانی) و اسمعیل جنگلی و گاشوک آلمانی و عبدالحمین شفقینی حضور داشته اند، مذاکره و رای - اشتافشان بر این قرار میگیرد که اعضای کمیته انقلاب را دستگیر کرده، محاکمه کنند. روز ۲۶ محرم ۱۳۴۰ هجری قمری (برابر ۲۷ تپانماه ۱۳۴۰ هجری شمسی و ۲۹ اکتبر ۱۹۲۱ میلادی) خالو قربان و سرخوش و حیدر خان عمو اوغلی در ملایرا حضور می یابند. محمد علی ختایی و میرزا محمود کردمخله - ای (گارتیه) و کاس آقا حسام (خیاط) برای تجدید دیدار با میرزا کوچک به ملایرا رفته، منتظر ورود دشمن میگردند. سعید محمد کرد و صدر خالو قربان و چند نفر دیگر از کزها از راه رسیده، همراه اقاراد فطاح دیگر مشغول صحبت میشوند که ناگهان واقعه ای که هیچ کس انتظارش را نداشت، به ظهور میرسد. غریو بیابانی

ثلثک تفنگ و مسلسل از اطراف بر می خیزد و عمارت کمیته را زیر آتش میگیرد. از این واقعه غیر مترقبه همه به بهت فرو رفته و نمیدانند چه کنند. مهماندا ثلیک مهاجمین را به تیراندازی متقابل پاسخ میدهند. خطر کم کم نزدیک و معلوم میشود که هدف مهاجمین تنها همین خانه، محل کمیته است. معین الرعایا و اسمعیل جنگلی و گاشوک آلمانی مأمور دستگیری کسانی هستند که امروز باید به ملایرا بیایند.

اما چرا به این طرز شروع کرده اند؟ آیا راه آسانتر برای دستگیری چند شخص معدود وجود نداشت که به این روش اقتضای آمیز متوسل نشوند؟ از چهره جنگی و شجاعت و شجاعت میبارید و علت این مهاجمه هنوز به تحقیق نپیوسته بود. فشار رفته رفته روز به افزایش شهاد و مهاجمین نزدیک تر شدند و انتظار بمب و نارنجک های دستی ناشئه قتال را گرمتر کرد. عمارت ملایرا آتش زده شد و مهاجمین با تاقعین دست به یقه شدند. گاشوک آلمانی مشغول سنجید محمد کرد را با شانه از پای درآورد و چشمد کرد دیگر به دنبالش نقش بر زمین شدند. کاسه چشم همه جنگندگان حرکتی بر از خون بود و در آن لحظه های سخت به جز شیخ مرگ هیچ چیز دیگر نمی دیدند.

خالو قربان خود را از بالای عمارت پرت کرد و با اسلحه ای که داشت (سورز) دفاع می نمود و بعد از مقابله مختصر به درختان جنگل پناه برد و ناپدید شد و شبانه روز خود را در جنگلها پنهان کرد و عاقبت به رشت رسید. کاس آقا حسام و محمود "تو میگوئی که این کشور به چنگال بلا افتد؟

کرد محله ای و محمد علی ختایی نیز خود را از بالای عمارت انداختند. سرخوش که کمی از پا عاجز بود، شواست فرار کند و در میان شعله های آتش سوخت. شمشیر شده یک تن دیگر از کردها نیز بعد از پایان حریق بدست آمد. از مهاجمین هم چند نفر کشته شدند. حیدر خان عمو اوغلی که از این وقایع بسیار دیده بود، خود را نجات و در حال فرار تا پنهان دوید و حتی به آن طرف رودخانه نیز رسید، لکن در آنجا شناخته شده، دستگیرش کردند.

حیدر خان عمو اوغلی را همراه یکی از جنگلیان بنام حسن رفائی به کما فرستادند و چند روزی در کما نگاهش داشتند. در این هنگام داداش بیک ... کسبه همراه ابراهیم بیک برای مذاکره با میرزا کوچک از طرف شورای جمهوری قفقاز، شریمان نریمانف، به جنگل آمده بودند به کما آمده، تقاضای ملاقات حیدر خان عمو اوغلی را کرد. لیکن طی نامه ای به وی نوشتند:

"ملاقات حیدر خان عمو اوغلی مقدور نیست. زیرا حیدر خان عمو اوغلی، بعد از واقعه ملایرا، در موقعی که قصد داشت فرار کند، به دست قراول کشته شد." (۱۶)

چگونگی جزئیات قتل حیدر عمو اوغلی دقیقاً معلوم نیست اما آنچه که مسلم است این است که قتال میرزا کوچک در قتل وی دست داشتند. ابوالقاسم لاهوتی در شعر مفصل خود که به یاد حیدر عمو اوغلی سرود، به قتل این چهره ارزنده جنبش کمونیستی و کارگری ایران اشاره میکند که با بختی از آنرا در اینجا نقل میکنیم:

تو میخواهی که این گشتی به گرداب فنا افتد؟
وطن در زیر پای کارگرهای گدا افتد؟
امور مملکت در دست مشتاقان افتد؟
سپهر خاندان آبروفشده ز پا افتد؟
بود هر آدم با استخوانی، بینوا افتد؟
نکوثر آن که سر از جنم اشغال شما افتد! ...
خطا با همه ملیون به صدر اجتماع بیون ...
به او "حیدر عمو اوغلی" داد پاسخ با لبی خندان
که: "نبود این چنین افکار پستی لایق انسان
ز رنج فعله و دهقان جهان گردیده آبادان
نه ملت هست و نی ایران بدون فعله و دهقان
از این بگذشته، ما امروز در جنگیم با سلطان
چو دشمن رو به رو باشد عنان زین قوه برگردان
وگرنه شاه خواهد گشت فاتح اندرین میدان! ..."
میان آن دو تن این گفتگوها بود تا شب شد.

میرزا کوچک
حیدر عمو اوغلی

بقیه از صفحه ۱۱
از انبارهای شهرداری این شهر نگاهداری
میشود. در این انبار، ماشین های حمل
زباله و تخلیه چاه و دیگر ماشین آلات -
شهرداری نیز پارک میشود بدون اینکه
حاشی بین این دو قسمت وجود داشته باشد.

خوشحالی زودگذر

بنا بر گزارش روزنامه اطلاعات، دو
سال پیش کار لوله کشی آب آشامیدنی روستای
رغامحله کلاچای بی پایان رسید و مردم این
روستا از اینکه بزودی دارای آب آشامیدنی
سالم و بهداشتی خواهند شد، خیلی خوشحال
شدند. اما این خوشحالی دیری نپایید،
زیرا آنها هرچه انتظار کشیدند آب در
لوله ها جاری نشد! اهالی می پرسند: آبها
۲ سال وقت برای تکمیل پروژه آب رسانی یک
روستا کافی نیست؟

برخی زقیمتها در ایران

(مستخرج در کیهان)

قفل خانه	۶۵۰ تومان
سیگار بسته ای	۲۰ تومان
سیگار دانه ای	۲ تومان
موز دانه ای	۵۰ تومان
برنج کیلویی	۸۰ - ۱۰۰ تومان
شامو سر	۲۵ تومان
خمیر دندان	۲۰۰ - ۳۰۰ تومان
پودر رختشویی	۱۰۰ تومان
لانتیک بیگان	۳ هزار تومان

و ...

روابط تجاری ایران با آمریکا

طبق آمار دفتر تجارت آمریکا، مبادلات
تجاری میان ایران و آمریکا در سال ۸۴ به
دو برابر میزان سال قبل افزایش یافته است.
آمریکا در سال ۱۹۸۳ حدود ۱ میلیون دلار -
کالاهای ایرانی خریداری کرده است که بخش
عمده آن شامل خرید نفت بوده است که البته
بطور غیرمستقیم خریداری شده و از طرف
دیگر رژیم جمهوری اسلامی نیز در سال ۸۳
حدود ۱۷۰ میلیون دلار اجناس آمریکایی
خریداری کرده است.

پرداخت غرامت

لوموند - سه شنبه ۷ فوریه:
دولت ایران مبلغ ۱۵ میلیون دلار
به شرکت لیلویدر پول داده است. شرکت
سهم انگلیسی لیلویدر این مبلغ را به یک
شرکت آمریکایی که اموال آن توسط رژیم
ایران بلوکه شده بود، پس خواهد داد.

ز حسن پیشوای خود قوای اجتماعیه
پربشان بود و دشمن شاد از این کردار ناموزون
از این رو طالع اردوی دولت گشت روز افزون
سپاه شاه رو در حمله از کهار و از هامون

شبی تاریک و باد و سردی و بوران ز حد بیرون
به زندان حال "حیدر" زین هیا هو بود دیگرگون
دلش پیش رفیقان، چشمش از زور غضب پر خون
که دستش محکم از پس بسته و زنجیر در گردن
در آن شب، هیشتی وارد به زندان شد
سپس برقی بزد کبریتی و شمعی فروزان شد
به پیش اهل زندان مدر ملیون نمایان شد
سخن کوتاه، "حیدر" با رفیقان تیرباران شد
چو در خون جسم او در راه صف قتل غلطان شد
غم جانش بنده، در غم مزدور و دهقان شد
بغیر از رنگ خون از چشم او هر رنگ پنهان شد
زمین خون، آسمان خون، دشت و کوه و شهر و جنگل خون (۱۷)

منابع

- ۱- انقلاب مشروطیت ایران - نوشته ابوانف
- ۲- انقلاب مشروطیت ایران - نوشته ابوانف
- ۳- چکیده انقلاب حیدر خان عمو و غلی - رضا زاده ملک ص ۱۷-۱۸
- ۴- همان منبع - ص ۲۷
- ۵- همان منبع - ص ۲۹-۳۰
- ۶- همان منبع - ص ۳۹-۴۰
- ۷- همان منبع - ص ۴۹-۵۰
- ۸- همان منبع - ص ۱۴۶
- ۹- همان منبع - ص ۱۶۳
- ۱۰- همان منبع - ص
- ۱۱- همان منبع - ص ۲۲۲
- ۱۲- همان منبع - ص ۲۳۱
- ۱۳- همان منبع - ص ۲۴۱
- ۱۴- همان منبع - ص ۲۴۹
- ۱۵- همان منبع - ص ۲۴۹-۵۰
- ۱۶- همان منبع - ص ۲۵۰-۵۲
- ۱۷- دیوان اشعار لاهوتی ص ۸۰ - ۷۶

پیم گیت مرکزی

بقیه از صفحه ۲

کارگران و زحمتکشان وفادار مانده اند.
افتخار به کلیه مبارزین و انقلابیونی که علیه رژیم پیکار میکنند!
زننده ساد انقلاب!
زننده ساد سوسیالیسم!
مرگ بر سرمایه داران و کلیه مرتجعین!
مرگ بر فاشیستین و سازشکاران!
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

۶۲/۱۱/۱۸

باز شکست از :

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
(کمیته خارج از کشور)

را موقتاً وادار به عقب نشینی نمایید.
بدنبال استقرار رژیم بغایت ارتجاعی
و مردسالارانه جمهوری اسلامی و سرکوب و
انحلال تمامی نهادهای دمکراتیک و مسلط
شدن جو ترور و اختناق، دیگر امکان
برگزاری مراسم روز جهانی زن بدست نیامده
است. رژیم جمهوری اسلامی تلاش دارد بسا

چگونه ...
بقیه از صفحه ۳
زنان و ... تشکیل میداد و از لحاظ وسعت
و بود تبلیغی در تاریخ جنبش زنان ایران
بی سابقه بود. این تظاهرات اگرچه با
شاه و تبلیغات مسموم ضدانقلاب تراز
بقدرت رسیده مواجه گردید، ولی توانست با
وسعت و قاطعیت و تداوم چند روزه خود، رژیم

بقیه از صفحه ۶۶

سه آلترناتیو حکومتی در مقابل رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی

بورژوازی متوسط تجاری و
قشر فوقانی خرده بورژوازی
سنتی، روحانیت، پاسداران
کمیته‌چی‌ها ...

جمهوری اسلامی

بورژوازی بزرگ، سلطنت -
طلبان و باندهای فئودالی
ارزش، ساواکیها و عمال رژیم
سابق شاه چه میخواهند؟

سلطنت ("مروطه")

بورژوازی لیبرال (بنی صدر و
شرکا) به علاوه خرده بورژوازی -
(ائتلاف شورای ملی مقاومت)
چه میخواهند؟

جمهوری دمکراتیک اسلامی

کارگران آگاه و مبارز
(کمونیستها) چه میخواهند؟
جمهوری دمکراتیک خلق

ترکیب طبقاتی این سیستم‌های حکومتی منافع چه طبقاتی را تأمین میکند؟

بورژوازی متوسط و اشرار
فوقانی خرده بورژوازی سنتی
حکومت سرمایه‌داران با پوشش
مذهبی
دیکتاتوری علیه کارگران و
رحمتکشان

بورژوازی بزرگ و کلیه
استشارگران
دیکتاتوری برپا سرمایه‌داران
علیه کارگران و رحمتکشان

خرده بورژوازی و بورژوازی
لیبرال
دیکتاتوری سرمایه‌داران با
شعار آزادی دروغین و مذهب
علیه کارگران و رحمتکشان

کارگران و خرده بورژوازی شهر
و روستا (اشرار متوسط و پاشینی)
دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی
کارگران و رحمتکشان
آزادی برای کارگران و
رحمتکشان، دیکتاتوری علیه
سرمایه‌داران و همه استشارگران

شیوه تصرف قدرت در هر یک از این آلترناتیوها

سوار شدن بر موج جنبش با
سوا استفاده از ناآگاهی و
عدم تشکل شده‌ها، بند و بست
با امرای ارتش و امپریالیسم

عمدتاً کودتا یا نفوذ در
قدرت و استحاله تدریجی آن
به اشکال نیروهای مسلح

ترور فردی و حرکت‌های جدا از
توده‌ها و تصرف قدرت از بالا
(بند و بست احتمالی با ارتش)
خریدن قدرت در خلا آلترناتیو
پرولتری و سوار شدن بر
موج جنبش و استفاده از
ناآگاهی آنها

غارت‌های جنبش انقلابی
کارگران و رحمتکشان
کمیته‌های مخفی اعصاب و
مقاومت
اعصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه توده‌ای

بالا ترین ارکان تصمیم گیرنده

ولی فقیه، مجلس خبرگان
انتخابی (با استغاثات
دروغین)
رئیس جمهور و مجلس شورای
اسلامی با استغاثات تقلبی
هیئت دولت انتخابی

شاه و هیئت دولت و مقامات
انتخابی با امتیازات ویژه
مجلس نمایندگان
مجلس شورای تقلبی

مجلس با استغاثات نیمه
دمکراتیک ولی بورژوازی و
دولت لیبرال دمکراتیک و مقامات
انتخابی و با امتیازات ویژه

کنگره شوراهای کارگران و
رحمتکشان در رأس مقامات
انتخابی و قابل عزل از سوی
توده‌ها و بدون هرگونه امتیاز
ویژه

مشخصه های بارز هر یک از این سیستم های حکومتی و نقطه اتکا آنها

حفظ ارتش کلاسیک و بوروکراسی
ایجاد سپاه و کمیته و ...

حفظ سیستم سرمایه داری وابسته

شوراها و انجمن های اسلامی
وابسته به رژیم

دادگاه های شرع

نهی هرگونه دموکراسی برای
زحمتکشان

حرکت در مقابل و علیه حقوق
زحمتکشان

نهی هرگونه خودمختاری برای
خلقها

نهی هرگونه حقی برای زنان
و اقلیتهای مذهبی
بیشترین استفاده از مذهب
برای تحمیل توده ها و برقراری
حکومت مذهبی

ارتش کلاسیک و بوروکراسی

سیستم سرمایه داری وابسته

سندیکاها ی زرد وابسته به رژیم

دادگاه های نظامی و عسادی
بورژوازی منتفع سرمایه داران
نهی هرگونه دموکراسی برای
زحمتکشان
حرکت در مقابل و علیه حقوق
زحمتکشان

نهی هرگونه خودمختاری برای
خلقها
حقوق محدود برای زنان و
اقلیتهای مذهبی
استفاده محدود از مذهب برای
تحمیل، ولی جدایی دین از -
دولت

ارتش کلاسیک و بوروکراسی با
یک سری تعدیلات و تغییرات
بوروکراتیک

انحلال سپاه و کمیته

حفظ سیستم سرمایه داری وابسته
با یکسری رفرمهای بوروکراتیک
و سطحی

شورای فرمایشی و بی اراده و
مشورتی

دادگاه های عادی با هیئت منصفه
دموکراسی بورژوازی سر و دم
بریده و موقتی
انجام پاره ای رفرمها و
خواسته های نیم بند از طریق
بوروکراتیک

خودمختاری نیم بند
برابری و آزادی نسبی برای
زنان و اقلیتهای مذهبی و ملی
ارجحیت با اسلام
استفاده از مذهب علیه
کمونیستها و رشد آزادانه
آگاهی توده ها

انحلال ارتش کلاسیک و
بوروکراسی، انحلال سپاه،
کمیته و ...

ارتش توده ای در تسلیم عمومی
خلق

تغییرات اساسی در سیستم
اقتصادی بسود کارگران و
زحمتکشان

سمت گیری سوسیالیستی و
برقراری کنترل کارگری

شوراهای کارگران و زحمتکشان
به عنوان ارگانهای مقتضیه و
مجریه و سایر ارگانهای
توده ای

دادگاه خلق

آزادی برای کارگران و
زحمتکشان

اجرای رادیکال ترین مطالبات
دموکراتیک توده ها از طریق
شوراها و کمیته های کارگران
و زحمتکشان

خودمختاری کامل تا سرحد
جدایی و ترجیحاً یکپارچگی
داوطلبانه برای ملیت ها
لغو هرگونه تبعیض بر اساس
جنسیت، ملیت، نژاد و مذهب
جدایی کامل مذهب از دولت

این سیستم های حکومتی چه اهدافی را دنبال میکنند؟

آزادی برای مقامات روحانیت
پاسداران، کمیته چپ ها، نیروهای
نظامی و اشتعابی و حکام شرع
و ... برای دست زدن به هر
عملی

غارت کارگران و زحمتکشان
توسط سرمایه داران و -
زمینداران و مردم بدون
کوچکترین آزادی و حقی

دیکتاتوری عربان سرمایه داران

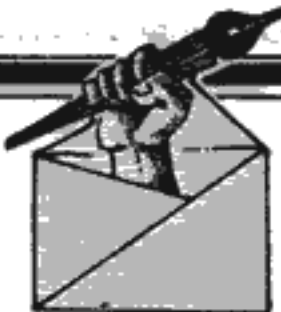
مقامات و پلیس وابسته به
بورژوازی بزرگ
استثمار کارگران و زحمتکشان -
مردم بدون کوچکترین آزادی و
حقی

دیکتاتوری عربان سرمایه داران

مقامات و پلیس وابسته به
بورژوازی و خرده بورژوازی
آزادی استثمار کارگران و
ستم بر زحمتکشان

غیرقابل تثبیت مگر بصورت
دیکتاتوری عربان سرمایه داران

برقراری بیشترین آزادیها
برای کارگران و زحمتکشان
و تضمین تفکر و حرکت مستقل
سیاسی آنها در جهت رشد آگاهی
و شکستشان از طریق شوراها و
اتحادیه های کارگران و
زحمتکشان و اینکه طبقه کارگر
آزادانه و مستمر در راهی -
فقیرترین زحمتکشان برای
سوسیالیسم مبارزه کند، برای
سیستمی که نه فقیر و نه
ثروتمند خواهد بود و کلیه
وسائل تولید در کارخانه ها
به تمامی مردم زحمتکش متعلق
خواهد گشت.



از خوانندگان

● فرانسه - پاریس رفقای مبارز کمیته اخبار: با تشکر فراوان از زحمات شما در مورد تهیه و ارسال خبر، بدینوسیله دریافت پرتب آنرا اعلام میداریم.

● فرانسه - پاریس، رفقا با تشکر، سند مربوط به نقل و انتقالات "اداره کسل خدمات شعبه" دریافت گردید.

● فرانسه - پاریس رفیق م.م: قطعه شعری از یک مادر داغدیده که برای دختر اعدام شده اش سروده است، برای ما فرستاده است. طبق توضیح رفیق م.م، این مادر خواسته است که شعرش در جایی چاپ شود. ما با تاسف از اینکه نمیتوانیم همه شعر را چاپ کنیم، چند بیت از آن را در همین بخش درج می - نمائیم. این مادر داغدیده شعرش را اینطور آغاز میکند:

جمعه است امروز، روز وعده گاه یار و یاران
بخترم، ای شیر زن، ای نازنین، برگرد بخانه
بچه ام، فرزند دلبندهم، تو از روزی که رفقی
من شدم بی یار و یاور، خانه ام بی آب و دانه
و سرانجام پس از توصیف از غاسطرات
خود و آرزوهای تحقق نیافته اش، مرتباً
خود را اینطور خاتمه میدهد:

آن زمان، آن غاسطرات و آن خوشبها
وای مادر، من چه گویم، این زمان، از این زمانه
روزهای خوب و خوش را هر چه بود، از خوش و ناخوش
یک به یک را بر شمرده ام از برایت عارفانه
شک و نفرت، مرگ و ذلت بر تمام قاتلینست
مرگ آنها را بکرم جشن های شادمانه ...

● فرانسه - رفیق ف.ج: نامه شما همراه با اشعار ضمیمه بدست ما رسید. در حد امکان این ستون، به نکاتی از نامه ثان پاسخ داده میشود. قبل از هر چیز از توجه مسئولان شما نسبت به "جهان" تشکر میکنیم. (۱) در مورد استفاده از اصطلاحات و واژه های لاتین حق با شماست. سعی میشود که این مسئله رعایت گردد. (۲) انتشار گسترده و آهسته نامه سیاسی در حال حاضر برای ما ممکن نیست، لیکن در حد ممکن هستیم که ستونی بدین منظور در نشریه جهان بدان اختصاص دهیم. (۳) در مورد سئوالات شما در باره، شوروی و رومیزیونسم، شما میتوانید بخشهایی از پاسخ خود را در سری مقالات "نقدی بر تئوری سوسیال امپریالیسم" بیابید. در مورد رومیزیونسم نیز مقاله ای در دست تهیه است که بزودی در "جهان" انتشار خواهد یافت. برخورد به مسئله سوسیالیسم و انحرافات موجود در سطح جهان مسئله ساده ای نیست که

پاسخ گفتن بدان در این ستون ممکن باشد. انتقاد دیگر شما به ما در مورد رفیق استالین بود که در "جهان" شماره ۹ مطرح کرده بودیم که رفیق استالین علیرغم داشتن انحرافات، رهبر پرولتاریا بوده است. بنظر شما این قد و نقیض است که وی هم رهبر پرولتاریا باشد و هم دارای انحرافات در پاسخ باید بگوئیم که پدیده های اجتماعی و شخصیت ها دارای وجوه مثبت و منفی هستند و تنها شیوه برخورد اصولی به پدیده ها، برخورد به وجوه مثبت و منفی آنهاست. این شیوه برخورد، شیوه برخورد دیالکتیکی است. بنظر ما انتقاد شما در این مورد، وارد نیست.

شما گذشته از طرح چند سؤال که نیازمند بحث طولانیتری است (و همانطوریکه وعده داده شد مثلاً در "جهان" های شماره آینده بحث خواهد شد)، سئوالاتی در باره نیاز به یک سازمان پلیسی مخفی در یک کشور سوسیالیستی نموده اید که بدان مختصراً پاسخ میدهم.

شما پرسیده اید:
"اگر روزی یک قدرت و گروه انقلابی بر سر کار بیاید آیا باید یک سازمان امنیت مثل "ساواما"، "ساواک" و یا "سیا" و یا بهتر بگوئیم "ک.گ.ب" داشته باشد؟ نه هرگز یک قدرت انقلابی که بر سر کار بیاید، نباید یک سازمان مخفی مثل "ساواک" و "ساواما" داشته باشد. چرا که اینگونه سازمانها نه در خدمت مردم، که نه برعکس دقیقاً برای سرکوب مردم بوجود آمده اند. عناصر و تشکیلات اینگونه سازمانها مانند سایر نهادهای رژیمشان ضد انقلابی و ارتجاعی اند. ولی آیا وجود سازمانهای مخفی چون "ساواما" و غیره بدین معناست که یک حکومت مردمی نباید تشکیلات پلیس مخفی داشته باشد؟ نه چنین نیست. اگر یک حکومت واقعاً انقلابی و مردمی بر سر کار بیاید همانگونه که نهادهای دیگر حکومت در خدمت مردم قرار میگیرند، تشکیلات مخفی برای کشف توطئه های ضد مردمی (که تا نظام طبقاتی و کشورهای امپریالیستی که دائماً در حال توطئه علیه خلق ها هستند، وجود دارد) ضرورت دارد. بنابراین نکته اساسی نه نفی تشکیلات مخفی و پلیس، بلکه تشکیلات مخفی و پلیس قد انقلابی و ضد مردمی است. مگر یک حکومت انقلابی به ارزش نیاز ندارد؟ آیا این بدین معناست که ما با وجود ارتش های ضد انقلابی کشورهای ارتجاعی موافقیم؟ هرگز.

● سوئد - آ: نامه دوم شما رسید. متشکریم. در مورد درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● سوئد - گوتنبرگ: رفقای هوا دار نامه پر از صمیمیت و محبت و بسیار مسئولانه شما بدستمان رسید. تشویقها و قدرشناسی های رفیقانه شما و نیز کمک مالی که برای بهبود کار "جهان" اختصاص داده اید، به تنها عتگی کارهای شبانه روزی دست اندرکاران "جهان" را رفع میکند بلکه

انرژی بخش و شور آفرین میباشد. ما خود را شا بستانه این همه حاشیه و تشویق و قدردانی نمیدانیم ولی محبت ها و تشویقهای شما ما به دلگرمی و بهیگیری و جدیت بیشتر ما در قبایل وظیفه ای است که انجام میدهم. در مورد مشکل مربوط به تاخیر در توزیع "جهان" در کشورهای اروپائی، نگرانیهای شما را کاملاً متوجه شدیم و تا بحال رفقای دیگری نیز از کشورهای مختلف در این مورد اشتقاد کرده اند. ما بطور جدی در عهده پیدا کردن راه حل اساسی برای این مشکل وضع بزرگ برآمده ایم و امیدواریم در آینده نزدیکی فاصله توزیع "جهان" در اروپا و آمریکا را به حداقل ممکن برسانیم. باز هم به سهم خود از صمیمیت و برخورد های مسئولانه شما قدردانی و تشکر میکنیم و مشتاقانه منتظر همکاریهای شما هستیم.

● آلمان - ع: شاهد رفیق همیز شعر شما بمناسبت سالگرد سیاهگل خیلی دیر یعنی پس از چاپ شماره بهمن ماه "جهان" بدستما نرسید. ضمن تشکر از بخش هایی از آن در فرصت مناسب استفاده خواهد شد.

● ایتالیا - رفیق فریدون م: متن ترجمه خبر روزنامه "گالینو" دریافت گردید. بنا تشکر فراوان از شما، بدلیل دیر رسیدن خبر بدست ما و نامطمئن بودن منابع، از درج آن خودداری میکنیم.

● اطریش - سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اطریش: مطالب ارسالی شما بسیار مناسب و مفید است و با دقت و انضباط لازم تهیه گردیده است. و مثلاً مورد استفاده "جهان" قرار خواهد گرفت. از همکاریهای شما بسیار ممنونیم. در مورد انتقاد و نگرانیهای شما در زمینه تاخیر در توزیع "جهان" در اطریش به شما حق میدهم و چنانکه در ستون فوق اشاره رفت در مدد رفع این مشکل هستیم.

● هلند - احمد: رفیق، شعر شما بزبان آذری و ترجمه فارسی آن رسید. از آن استفاده خواهد شد. متشکریم.

اسپانیا - ما درید، رفیق ک.ج: درخواست شما رسید. اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● کانادا - مبدرموا و غلی: اشعار با احساس و پر شور شما رسید. ضمن تشکر در فرصت مناسب و با اطلاعاتی از آنها استفاده خواهد شد.

توضیح: بارها دوستان و رفقای به ما نامه نوشته‌اند و ما را به نوشته و پیام قبلی خود رجوع داده‌اند. ولی پرونده‌های موجود "جهان" اثری از نامه و یا نوشته دیگری از آنها نشان نمی‌دهد. ما دریافت هرگونه نامه، نشریه، مقاله، شعر و پیام و ... را از جانب خوانندگان "جهان" در این ستون اعلام می‌داریم و یا آنها عیناً یا بخش چاپ می‌نماییم. عدم اعلام و یا عدم استفاده آن در نشریه جهان به معنای عدم دریافت آن از جانب ماست. اگر خواننده‌ای غیر دریافت مطالب ارسالی خود را در این ستون دریافت، این به معنای عدم دریافت آن، به دلایل پستی، از جانب ماست. لطفاً با ذکر عبارت "باز ارسال شده" بار دیگر مطلب یا پیام خود را برای ما نفرستید.

● هند - پونا، رفقا: عکس ارسالی شما همراه با یادداشت ضمیمه بدست ما رسید. بسیار متشکریم. سعی می‌کنیم که به موقع از آن استفاده نماییم. همچنین از توضیحات شما در باره اخبار مربوط به خلق بلوچ نیز سپاسگزاریم. سعی می‌کنیم بنحوی آنرا به اطلاع رفقا برسانیم.

● هند - م. د. : نامه محبت میزودولی که تهیه کرده بودید بدستمان رسید. متشکریم. در مورد سئوالتان راجع به مجاهدین به مقاله‌ای تحت عنوان "پاسخ به مجاهدین" در "جهان" شماره ۱۷ مراجعه کنید.

● هند - حیدرآباد، ع. شروین: نامه شما حاوی نکات انتقادی تان دریافت گردید. همانطوریکه خودتان در نامه اشاره کرده‌اید، مقالات "جنگ ... و "مترک ... برای نشان دادن همه مسائل نبوده است و در آن تنها بخشی از حقایق عمده گردیده است. اشکالی که نسبت به مقاله "درک مادی از تاریخ" مبنی بر فشرده بودن و مبهم بودن آن گرفته‌اید، درست است. سعی میشود این مسئله در آینده رعایت گردد.

● هند - حیدرآباد، رفیق حمید: مطلب ارسالی شما رسید. بسیار متشکریم. از آن استفاده خواهد شد.

● تایلند - بانکوک، رفقای مبارز: - بریده‌های روزنامه مربوط به سفر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به تایلند برای عقد قراردادهای اقتصادی بدستمان رسید. با تشکر از رفقا، باید بگوئیم که مسئله همکاری رژیم جمهوری اسلامی با رژیم های ارتجاعی دنیا دیگر از حد چند قرارداد اقتصادی و تجاری گذشته است. این رژیم حتی برای خرید اسلحه از دولت صهیونیستی و فاشیستی اسرائیل، که نه تنها مردم جهان بلکه

محافل بورژوازی بین المللی مثل سازمان ملل نیز آنرا بارها و بارها محکوم کرده‌اند ابایی ندارد. بنابراین درج اینگونه خبرها در مقایسه با قراردادهای بزرگ خرید اسلحه و غیره، مثل قرارداد ۵ بیلیون مارکی رژیم با دولت امپریالیستی آلمان، بسیار ناچیز است.

● آمریکا - بتن روژ، م. ج. : نامه محبت آمیز شما رسید. انتقاد شما در مورد بند ۲، بخش مقاله "معیارهای سیاسی حداقل برای اتحاد عمل" مندرج در "جهان" ۱۵ وارد است.

● آمریکا - مریلند، ج. ک. و لیست کتب درخواستی شما رسید. ضمن تشکر اقدام میشود.

● آمریکا - فلوریدا، ع. چک و درخواست شما رسید. ضمن تشکر اقدام میشود.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق ف. ب. : با تشکر مقاله "سیری در هنر و ادبیات پالنده (نیما یوشیج)" بدست ما رسید. بموقع از آن استفاده میشود.

● آمریکا - لوئیزیانا، رفیق ش. : طرح های جالب شما در دو نوبت رسید. با تشکر سعی میشود که از آنها در "جهان" استفاده شود.

● آمریکا - ایلینوی، دوست عزیز ک. م. : درخواست شما رسید. اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● آمریکا - واشنگتن دی سی، دوست عزیز ع. ط. : شماره "جهان" درخواستی شما ارسال گردید. لطفاً نسبت به هزینه آن اقدام فرمائید. متشکریم.

● آمریکا - اورلاندو، دوستان عزیز: چک شما دریافت گردید. متشکریم. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - ویرجینیا، م. ج. چک شما رسید. متشکریم. نسبت به درخواست شما اقدام کردید.

● آمریکا - لس آنجلس، دوست عزیز امید: من دفتر طرح شما رسید. با تشکر فراوان، سعی میشود که از آنها در نشریه جهان استفاده شود.

● آمریکا - سات لیک، آقای ا. ب. : با تشکر چک شما دریافت شد و نسبت به درخواست شما اقدام گردید.

● آمریکا - لوئیزیانا، رفیق ف. : درخواست شما رسید. نسبت به آن اقدام شد. متشکریم.

● آمریکا - لس آنجلس، دوست عزیز ب. م. : درخواست شما رسید. اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● آمریکا - تگزاس، ش. ب. : درخواست شما رسید. اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● آمریکا - میلوکی، آقای م. ا. : درخواست شما رسید. نسبت به آن اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● آمریکا - نیویورک، ب. ب. : چک شما رسید. با تشکر نسبت به درخواست شما اقدام کردید.

● آمریکا - اوکلاهما، رفیق ج. م. : چک شما رسید. با تشکر نسبت به درخواست شما اقدام کردید.

نشریات رسیده

● سوئد - گوتنبرگ: اولین شماره "اخبار" هواداران سازمان در گوتنبرگ بدستمان رسید.

این شماره با غرم و محتوای جالب شامل مطالب است درباره "سالگرد انقلاب کوبا"، عملیات قهرمانانه پیشمرگان کرد، کتابخانه، السالوادور، نیکاراگوئه، "از خون شهدای دانشگاه شرم کنید"، "یادداشت‌های سیاسی" سالروز مرگ لنین، سالگرد شهادت رفیق شاهرخ میثاقی و ... میباشد. مابه نوبه خود انتشار این نشریه خوب را که بصورت ماهنامه منتشر میشود به رفقای مبارزان در سوئد تبریک میگوئیم. این رفقا قبلاً نشریه‌ای تحت عنوان "خبر" منتشر می‌نمودند.

● کانادا - انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچفا: هفته نامه خبری، شماره ۲۲ بدستمان رسید. این شماره حاوی مطالبی در مورد ضرورت طرح مسئله زنان در جنبش انقلابی، اخبار، شعر و ... میباشد.

● هند - سازمان دانشجویان ایرانی در هند هوادار سچفا: خبرنامه شماره ۹ که حاوی اخبار مبارزات مردم - گزارشاتی از کردستان و مطالبی تحت عنوان "پاسخ به یک سؤال" به نقل از ریکی گل شماره ۱۱ میباشد.

● تایلند - خبرنامه ویژه درگذشت لنین حاوی مطالب جالبی درباره زندگی و خصوصیات سیاسی و انقلابی لنین میباشد به همراه شانزدهمین شماره خبرنامه کمیته سباهکل بدستمان رسید. این شماره از جمله شامل مقاله‌ای است درباره ۲۰ وارگان ایرانی و پناهندگان سیاسی، در بخشی از این مقاله آمده است که "... در شرایطی که تشکل آوارگان ایرانی در سراسر دنیا یک وظیفه برای نیروهای مرفقی و انقلابی مصوب میگردد، در بانکوک هواداران سازمان مجاهدین خلق و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گامهای موثری را برای تشکل پناهندگان مبارز تدارک دیده اند. تشکیل هیئت موقت برای تدوین اساسنامه از طرف نیروهای مرفقی و انقلابی گامی است که تاکنون نتوانسته بر اتحاد نیروهای مرفقی و انقلابی با شونده پناهنده بیفزاید و ... ولی بقیه در صفحه ۲۲



زن بودن

زن بودن چه غم انگیز است
در زمین چیزی باین کم بهایی نیست
پسران بدر شکبه میزنند
مانند خدایانی از آسمان افتاده
قلب های آنان چهار اقیانوس
و باد و غبار هزار فرسنگ را به مبارزه
میخواند
وقتی دختری بدلبا میآید کسی شاد نمیشود
خانواده بر او ارجی نمیهند
چون بزرگ شود در اتاقش پنهان ماند
شریان که چشمش بر چهره مردی افتد
هیچ کس زاری نمیکند چون او خانه خود را
ترک گوید
مانند ابرها که پس از باران ناگهان دور
میشوند
بر فرود میآورد و قیافه خود را مرتب میکند
دندانهایش لبهای سرخش را میفشارد
تعظیم های بیشمار میکند و زانو میزند
نوشوان - شاعره چینی

تافتح کنیم فردا را

ما میرویم چون رود
از این ده به آن ده
از این شهر به آن شهر
ما میرویم چون طوفان سهمگین
از این دشت به آن دشت
از این جنگل به آن جنگل
ما میرویم چون اندیشه سرخ
از این مرز به آن مرز
از این قاره به آن قاره
ما میگوییم چکش خود را
بر این پیکر فرسوده سرمایه
بر این دژ غیم و آن ضحاک
ما همچون خون در رگهای جوشان
از این نسل به آن نسل
ما میرویم با اندیشه سرخ
تافتح کنیم فردا را
"اسماعیل"

نظام

برای یاد گرفتن هیچ وقت دیر نیست
این حرف شوست نظام
که بر شارک مغزم نشسته است
■ ■ ■

نظام

رفیق جوان من
مظهر اتحاد و سوسیالیسم
توان با زوان و فکر ما
چه خوب بود
با تو بودن و با تو زیستن
چه خوب بود تقسیم کار و محبت
و چه خوب تو دانستی راه را
آن زمان که قلم برگزفتی و
کاغذ ظلم را با طوفان فکرت
در مرصه مبارزات ما
لرزه انداختی
بر تمام ظلم
■ ■ ■

نظام

مظهر کار و رفاقت
دیری نمیپاید که طوفان خلق
پتک بزرگ تو را
در مسیر رهایی ما
بر فرق ظلم
فرود میآورد
رفیقان تو
در کارخانه ها
در کارگاه ها
■ ■ ■

نظام

هنوز بادم هست
عشق تو را
به رهایی کار
هنوز بادم هست
زمزمه گرم تو را
که چه شبها
با صبر بسیار
مرور میکردی
دقتر سرخ آکا رخانه را
■ ■ ■

نظام

برای یاد گرفتن هیچ وقت دیر نیست
این حرف شوست
و کنون که رایحه گل های بهاری
سرمست میکند حیاط کارخانه را
تو را میبینم که میگویی
به پیش رفقا
فردا از آن ماست
با هم بگوییم ظلم را
ر. ک.

بیاد خاطره تابناک فدائی خلق، رفیق شهید،
نظام، خون جوشنده فدائی در کارخانه ها!

بهاری سرخ در پیش است

بهاری سرخ در پیش است
در آغاز سالی که هیچش به سالیان نمی ماند،
شعار ما اینست:
"تالها نه بدین سالیان"
گفتیم دستی برآریم و مدافعی،
گزد آمدیم... ما شدیم و خود را رها کردیم
سنگرهایمان از خونهای ریخته رنگین شد،
میزانمان...
تک تک، گروه گروه، به تاریخ پیوستند.
تاریخ ما، تاریخ خون شد.
در گبرو دار رزم،
بهر گفتار تاریخ کهنه ارتجاع،
با واژه های تفرقه و نفاق،
ندای رسالت برآورد.
خون را به جای نان، فقر را به نام آزادی،
قسمت کرد.

اینگ در هر بهار،

مردم در خانه به جای سبز، کینه میکارند.
در هر نوروز،
به جای شمع، در سفره ها خنجر می نشانند.
هر خانه اگر در عزای شهیدی نیست، آشیانه
گفتاری است.

در تمامی وسعت ایران

خون شهیدان به هم پیوسته است،
و می پیوندد و می پیوندد و می پیوندد.
موج در موج،
رود در رود،
اینگ، رودخانه ای خون،

رودخانه خشم توده ها است،
کز وسعت خونی ایران میگذرد.
میدانم قیام نزدیک است،
قیامی دیگر.
میدانم تاریخ ما دوباره ورق خواهد خورد،
میدانم نوروزی در راه است
با "بهاری سرخ"
و ما میتوانیم دوباره بگوئیم
"مد سال به این سالها"

پ - لک



دلم برای باغچه میسوزد

دلم برای باغچه میسوزد
کسی بفکر گلها نیست
کسی بفکر ماهیها نیست
کسی نمی خواهد
باور کند که باغچه دارد میمیرد
که قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده است
که ذهن باغچه دارد آرام آرام
از خاطرات سبز تهی میشود
وحش باغچه انگار
چیزی مجرد است که در انزوای باغچه پوسیده است
حیات خانه ما تنهاست
حیات خانه ما
در انتظار بارش یک ابرناشناس
خمیازه میکشد
و حوض خانه ما خالی است
ساردهای کوچک بی تجربه
از ارتفاع درختان به خاک می افتند
و از میان پنجره های پریده رنگ خانه ماهی ها
شبها صدای سرفه می آید
حیات خانه ما تنهاست
پدر میگوید:
"از من گذشته است
من بار خود را بردم
و کار خود را کردم"
و در آتش از صبح تا غروب
با شاهنامه میخواند
یا ناسخ التواریخ
پدر به مادر میگوید:
"لغت به هرچه ماهی و هرچه مرغ
وقتی که من بمیرم دیگر
چه فرق میکند که باغچه باشد
یا باغچه نباشد
برای من حقوق شفاعت کافی است."



چرا توقف کنم! چرا
پرندهای که مرده بود بزمین پند داد
که «پرواز» را بخاطر بپارم

و از جنازه ماهیها
که زیر پوست بیمار آب
به ذره های فاسد تبدیل می شوند
شماره بر میدارد
برادرم به فلسفه معتاد است
برادرم شقای باغچه را
در اتهدام باغچه میداند
اوست میکند
و مشت میرسد به در و دیوار
وسعی میکند که بگوید
بسیار دردمند و خسته و مایوس است
او تا امیدیش را هم
مثل ششنامه و تقویم و دستمال و فندک و خودکارش
همراه خود به کوچه و بازار می برد
و نا امیدش
آنقدر کوچک است که هر شب
در ازدحام میکده گم میشود

و خواهر که دوست گلها بود

و حرفهای ساده قلبش را
وقتی که مادر او را می زد
به جمع مهربان و ساکت آنها میبرد
و گاه گاه خانواده ماهیها را
به آفتاب و شیرینی مسمان میکرد...
او خانه اش در آنسوی شهر است
او در میان خانه مصنوعیش
با ماهیان قرمز مصنوعیش
و در پناه عشق همسر مصنوعیش
و زیر شاخه های درختان سبب مصنوعی
آوازه های مصنوعی می خواند
و بچه های طبیعی میسازد
او
هر وقت که بدیدن ما می آید
و گوشه های دامنش از فقر باغچه آلوده میشود
حمام ادکلن میگیرد
او
هر وقت که به دیدن ما می آید
آبستن است

حیات خانه ما تنهاست
حیات خانه ما تنهاست
تمام روز
از پشت در صدای تکه تکه شدن می آید
و منفجر شدن
همسایه های ماهمه در خاک باغچه ها شان بجای گل
خمیازه و مسلسل میکارند
همسایه های ماهمه بر روی حوض کاشیشان
سربوش میگذارند
و حوض های کاشی
بی آنکه خود بخواهند
انبهارهای مخفی باروتند
و بچه های کوچه ما کیف های مدرسه شان را
از بمب های کوچک
پُر کرده اند

حیات خانه ما گنج است

من از زمانی
که قلب خود را گم کرده است میترسم
من از تصویر بیهودگی اینهمه دست
و از تجسم بیگانگی اینهمه صورت میترسم
من مثل دانش آموزی
که درس هنده اش را
دیواته وار دوست دارد تشنه ام
و فکر میکنم که باغچه را میشود به بیمارستان برد
من فکر میکنم ...
من فکر میکنم ...
من فکر میکنم ...
و قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده است
و ذهن باغچه دارد آرام آرام
از خاطرات سبز تهی میشود

دروغ فرخزاده

معلم روستائی میگفت سال گذشته بدلیل بند آمدن راه، ۱۵ کودک روستائی که مریض بودند، مردند.

عمده سوخت اهالی از چوب درختان جنگل تامین میشود، که این امر موجب نابودی جنگل های منطقه شده است. در این روستا چیزی به اسم مدرسه وجود ندارد. - مدرسه و کلاس در محیط باز تشکیل میشود. دانش آموزان با لباس پاره و مندرس در سر کلاس حاضر میشوند. بدلیل فقر فرهنگی هنوز از درس خواندن دختران جلوگیری میشود. یک سیم بکسل تنها راه ارتباطی ۱۵۰ هزار تن اهالی ساکنین شمال شرقی استان کهگیلویه و بویراحمد از استان چهارمحال و بختیاری است که به روی رودخانه خرمان، مرز این دو استان بسته شده است. مردم این منطقه مجبورند برای انتقال بیمارانشان، کالاهای دامها و حتی گوسفندان به آن سوی رودخانه، از روی این سیم بکسل عبور کنند. بدیهی است که هر سال چند نفری از روی آن به داخل رودخانه می افتند و



آب آشامیدنی اهالی روستای موشی در ۴ ماه از قبل بهار از چشمه تامین می شود، لیکن همین آب به دلیل وجود منابع گچ در گوهها همواره با گچ همراه است که آشامیدنش موجب بیماری سنگ کلیه می شود.

مانند سایر روستاهای ایران، در فقر و بدبختی بسر خواهند برد. خلاصی از این وضعیت مشقت بار، تنها از طریق پیروزی جمهوری دمکراتیک خلق میسر است.

غرق میشوند. مسلحاً تا زمانی که رژیم های ضد مردمی مانند رژیم جمهوری اسلامی سر کار هستند، روستاهای کهگیلویه و بویراحمدی

۸ مارس ... بهار ۱۳۵۸

کشتند که دموکراسی پرولتری پیروتر پسند، واقعی ترین و همه جانبه ترین دموکراسی ها است، باید چه در شعوری و چه در عمل، برای این مسئله مهم انقلاب ایران، بهای لازم را قائل گردند. در این مورد وظیفه زنان کمونیست و پیشرو بسیار سنگین تر است. آنها در همین حال که بعنوان یک انسان کمونیست بر علیه نظام سرمایه داری و طبقاتی و در جهت بسیج روستاگان و کارگران مرد و زن در جهت یک انقلاب دموکراتیک - توده ای و بنا نهادن نظام نوین سوسیالیستی مبارزه میکنند، موظف هستند همراه با آن، علیه نظام دیرین، دیرپا و سخت جان مردسالاری (Patriarchy) نیز به مبارزه ای همه جانبه برخاسته و مردان هم رزم خود را با به پای خود به تغییر بینش ها و سنن و عادات کهن، برهنمون گردانند. از طرف دیگر زنان کمونیست وظیفه دارند بخشی از نیروی خود را در - خدمت جنبش دموکراتیک و مستقل زنان قرار دهند و در بسیج و سازماندهی توده ای اقشار مختلف زنان در یک تشکیلات دموکراتیک و مستقل، شلای نمایند. در این مورد که جای سخن بسیار است، باز خواهیم نوشت.

توجه به این حقیقت که نابودی تمامی ستم ها در وهله اول در گرو نابودی ستم طبقاتی و بهره کشی انسان از انسان، یعنی نظام سرمایه داری کنونی میباشد، نباید

باعث شود که این واقعیت مهم را فراموش کنیم که هر نوع ستمی طبیعتاً مبارزه خاص علیه همان نوع ستم توسط خود ستمدیدگان را بوجود آورده است. از همین روستا که امروز ما با جنبش هایی علیه ستم نژادی، ستم ملی و ستم جنسی روبرو هستیم گستره در عین پیوند دیاکتیکی با مبارزات طبقاتی، از ویژگی های خاصی در وجه نژادی، ملی و جنسی برخوردار هستند. شواهدی که در اینجا مطرح است این است که برخورد کمونیست ها به این نوع جنبش ها چگونه باید باشد؟ اگر مثلاً در مورد مسئله خلق ها و مسئله ملی، شعوری مارکسیستی مدون و فرموله ای شکل گرفته است، شعوری ما در مورد مسئله زن و جنبش زنان چیست؟ ما معتقد هستیم که در این زمینه جنبش کمونیستی و از جمله جنبش کمونیستی ایران دارای ضعف و عقب ماندگی است. ما به سهم خود، هر چند که جزئی کوچک از هواداران جنبش کمونیستی ایران و سخما سازمان چریک های فدائی خلق ایران هستیم، وظیفه خود میدانیم که در این راه گام برداریم. در این رابطه با توجه به نکات فوق و پیش فرض های طرح شده (که خود میتواند مورد بحث و اختلاف نظر واقع شوند)، بتدریج بحث بر سر چند مبحث را آغاز میکنیم:

- ۱- ستم معاف یعنی چه؟ رابطه ستم جنسی با استثمار و ستم طبقاتی چگونه است؟
- ۲- جنبش مساوات طلبانه و دموکراتیک

زنان چه ارتباطی با مبارزات روستاگان و کارگران دارد و باید داشته باشد؟

۳- رابطه سازمانها و احزاب کمونیست با مبارزات تساوی خواهانه زنان و جنبش های فمینیستی (Feminist) چگونه باید باشد؟ آیا در کنار احزاب و سازمانهای پیشاهنگ پرولتری نیازی به سازمانهای مستقل زنان وجود دارد؟

- ۱- کتاب جمعه، شماره ۳۰، ۱۳۵۸
- ۲- "مردم"، دوره اول، شماره ۷، اردیبهشت ۱۳۵۹ (ضمیمه - مصاحبه با مریم فیروز)

بهار ۱۳۵۸ از صفحه ۵۹ جایگزینی روز تولد فاطمه، دختر بیغمسیر، روز جهانی زن را تبدیل به روز اسلامی زن نماید و از این طریق الگوئی از زن را که همذات زن با معیارهای فرهنگ پدرسالارانه فزون و سطاشی است همراه با چند چاشنی به عاریه گرفته شده از ستم سرمایه داری، به جامعه ارائه دهد.

با استفاده از "کتاب جمعه" شماره ۳۰، اسفند ۱۳۵۸

گرامی باد خاطره شهدای اسفندماه

هموطن! نشریه جهان را برای خود و دوستان خود مشترک شوید!

شما میتوانید نشریات "کار"، "ریکای گدل" و
"جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نمایید.

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۲۵ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۳۵ شیلینگ برای ۱۲ شماره

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRUHE, W.GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185
U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC IN3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۵۰۰ فرانک برای ۶ شماره
۹۰۰ فرانک برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۸۰۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISS
P.O. BOX 101, STATION H
MONTREAL,
QUEBEC H3G2K5
CANADA
۱۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸ دلار برای ۱۲ شماره

با کمکهای مالی خود، سازمان جهانی
فدائی خلق ایران
را در انتشار پاری می یابید!

شاهرخ میثاقی ۵۰
رفیق اسکندر ۲۵
انقلاب اکثر ۶۵

ع- ۱۰۲ ۲۵
سیاهکل ۲۵
اطربش شلیتک

۲ کسون رفیق
هادی - هواداران
بجفا ۲۷۰۰۰

اینسورگ ۱۱۰۰۰
لین ۲۰۰۰
گرانسی ۱۵۰۰

رفیق از وین -
امانتی شما رسید
اسپانیا بروتا

رفقای مادرید ۵۰۰۰
ایتالیا لیر

واحد بلونیا ۱۰۰۰۰۰۰
واحد جنوا ۲۱۰۰۰۰
واحد رم - رفیق
محمد علی قصابی ۱۰۰۰۰۰۰

کانادا دلار
ستیز ۲ ۲۰
لاله F-B ۱۰
غلا ۲۰

فرید ۱۰
رفقای مونترال ۵۳
به پیش رفقا -
مونترال ۱۱۰

هندوستان ریال
یونا ۲۶۰۰

سوئد کرون
رفیق همه کس ۵۰
رفیق حمید اشرف ۲۰
باسی استار ۳۰

هواداران ۵۰۰
Vasteras
هواداران ۲۰۰
Skoved

کوتنبرگ - کمک
مالی به "جهان"
هواداران -
کوتنبرگ ۵۰۰

(م) برگشتی از
رفقای قلمچین
۱۲۲ دلار
هواداران بجفا
واحد کوتنبرگ
سوئد ۷۰ دلار

بعلت کمبود جا میقبه
کدها در شماره آینده

کدهای کمکهای مالی ارسال شده به سازمان جهانی فدائی خلق ایران

لین آنجلس
انترا سیوال ۲۰
ملشویک وار ۵۰
جهان ۱۰

آرش ۵۰
کارگر ۱۰۵
حضرت ۲۰
اسکوشی ۳۰

فدائی ۱۰
الف - ف ۳۰
دو راه ... ۲۰
بیزن ۱۰

فدائی ۱۰۰
میرا ۲۰
آرش ۲۰
ع - آمل ۲۰

رادیو فدائی ۶۰
رادیو ۵۰
سهم ۲۰
رفیق هادی ۵۰

رفیق اسکندر ۲۵
رفیق اسکندر ۵۰
فلسطین ۲۰
رادیو فدائی ۲۰

شرق ۱۶۷
غرب صانه ۱۳۱
دلور - ۲ ۱۷/۲۰
کارپو ۲۰

رفیق افغانی ۱۰
رفیق بهروز ۵۰
انگلستان
رفیق شاهرخ

میثاقی ۲۰ + انومان
رفیق منچستر ۱۵۰ + انومان
منچستر -
سید لیز ۸۲۰ + انومان

لندن ۲۹
ر - م ۲۴
رفیق هادی ۱۰
رفیق نظام ۱۰

اسکندر ۱۰
لنبن ۶۰
سوانزی ۶۰
مهرنوش ۶۰

اسکندر - ۱۴ ۱۵۰
رفیق معبود ۲۰
رفیق معبود ۲۰
کامون پارس ۵۰

شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰

شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰

شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰

شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰
شاهزاده آذر ۲۰

آمریکا	دلار
۱۰۰۰۰	۲۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰
دالاس	۲۶۰
هوسن - میثاقی	۲۰
کلمبوس - رفیق	۱۸۰
توروری	۲۰
بهرورز - ر	۲۰
شهرام - ر	۲۰
فرزاد - ر	۲۰
ج - ۹۱۴	۱۲۵
حین میناتی	۱۹۰
مینیا پولیس	۶۰
م - یوتا	۲۵
ن - ب	۶۷/۵۰
پ - ک	۴۲/۲۵
رفیق مومنی	۱۲۱
م. ۱ - برکلی	۴۰
یوشن ۷	۹۰
آلترناتیو	
پرولتاریا و	
مسئله صرف قدرت	۲۰
بشن روز	۱۰۰
یوشن - حمید	
مومنی	۲۳۴/۷۵
کلمبوس - ه	۵۲
رفیق محمدکریزاسی	۱۴۰
یوشن - اراسی	۷۰۰
امیر - ساتل	۴۰
امپوریا	۲۰
سک کار	۱۲۶
رفیق وارطان	۲۰
رفیق مارتیک	
قازاربان ۳	۳۰
رفیق داودنوری	۱۰۰
رفیق حمید	
طهماسبی	۶۰
رفیق مهران	
محمدی	۱۰۰
فیما ۲۲ - یوشن	۵۰
رفیق جزینی	۵۰
یلدا - آریزون	۲۰۰
ستاره سرخ -	
آریزون	۲۰
۱۶ آذر	۲۰
سان دیا گوالف	۵۰
دالاس ۲	۲۲۰
آرلینگتون ۱۰۲	۱۰۰
ن	۱۲۰
رفیق سیزن	۳۰
ج - ۹۱۴	۱۰۰
لافايت هادل	۱۰۰
Wheels	۱۰۰۰
Wheels	۸۱۰
Wheels	۱۹۲



۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد